

تاریخ تحلیلی اهل بیت


بسم الله الرحمن الرحیم

درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت (علیهم السلام)

نویسنده:

مجید حیدری نیک

ناشر چاپی:

جامعهٔ المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیهٔ

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت (علیهم السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه:حیدری نیک، مجید، ۱۳۳۹ -

عنوان و نام پدیدآور:درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت (علیهم السلام)/ مجید حیدری نیک.

مشخصات نشر:قم : مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:۲۹۵ ص.

فروست:پژوهشگاه بین المللی المصطفی؛ ۶۳.

شابک:۱۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۷۵۴-۶ : ؛ ۱۴۰۰۰۰ ریال(چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:چاپ دوم: ۱۳۹۳(فیپا).

یادداشت:کتابنامه: ص. [۲۸۹] - ۲۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:اسلام -- تاریخ

موضوع:اسلام -- تاریخ -- آزمون ها و تمرین ها

شناسه افزوده:جامعه المصطفی(ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)

رده بندی کنگره:BP۱۴/ح۹د۴ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی:۳۴۰۰۷۰۴

ص: ۱

اشاره

درس نامه تاریخ تحلیلی اهل بیت(علیهم السلام)

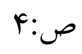
مجید حیدری نیک

ص :۲

بسم الله الرحمن الرحیم

مجید حیدری نیک

ص:۳



سخن ناشر

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش ها و پدید آمدن دانش های نو، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ گویی به آن، ایجاد رشته های تحصیلی جدید و تربیت چهره های متخصص را ضروری می نماید. ازاین رو کتاب های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی ها تألیف شود.

جهانی شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش پژوهان و علاقه مندان به این مباحث، با اندیشه های بلند و ارزش های م تعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می شود و گاه در نگارش بحث های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن ها و شیوه های آموزشی و به روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

در این بستر، حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی،

سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

« جامعه المصطفی صلی الله علیه و اله العالمیه » به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

« مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و اله » با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای مجید حیدری نیک مؤلف کتاب درس نامه تاریخ تحلیلی اهل بیت علیهم السلام و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته اند, آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و اله

مقدمه پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و اله

حقیقت مداری اصیل ترین و زیباترین راز هستی و حقیقت طلبی ماندگارترین و برترین گرایش آدمی است.

داستان پر رمز و راز حقیقت جویی بشر، سرشار از هنرنمایی مؤمنان، مجاهدان و عالمانی است که با تمسک و پای بندی به حقیقت بی منتها، در مصاف بین حق و باطل، سربلندی و شرافت ذاتی حق را نمایان ساخته اند و در این میان، چه درخشندگی چشم نوازی در اسلام عزیز است که علم را به ذات خود، شرافتمند و فخیم دانسته و از باب تا محراب، کائنات را سراسر علم و عالم و معلوم می نمایاند و در مکتب آن، جز اولوالعلم و راسخان در مسیر طلب دانش، کسی را توان دست یابی به گنجینه های حکمت نیست.

علم برخاسته از وجدان پاک و عقل سلیم، در پرتو انوار آسمانی وحی، هم به فرد کمال انسانی، عظمت روحی و رشد معنوی می بخشد و فکر، اندیشه و خیال او را به پرواز درمی آورد، و هم جامعه را سمت و سویی سعادتمندانه بخشیده و آن را به جامعه ای متمدن و پیشرو متحول می کند. بی توجهی یا کوته فکری است اگر فرد و جامعه ای به دنبال عزت، استقلال، هویت، امنیت، سعادت و سربلندی

مادی و معنوی باشد، اما آن را در صراطی غیر از حقیقت طلبی، علم اندوزی و حکمت مداری الهی طلب نمایند.

انقلاب سراسر نور اسلامی ایران که داعیه جهانی سازی کلمه الله و برپایی تمدن جهانی اسلام را داشته و فروپاشی و افول تمدن های پوشالی غرب و شرق را به نظاره نشسته است، با اندیشه فقاهتی در اداره حکومت و نظریه مترقی «ولایت فقیه»، طرازی از مسئولیت ها و مأموریت های حوزه های علمیه و روحانیت را عرضه نمود که امید و نشاط را نه تنها در شیعیان و مسلمانان، بلکه در دل تمامی آزادی خواهان و حق طلبان سراسر جهان زنده ساخت.

در این راستا، رهبر فرزانه انقلاب(مدظله) با عزمی مصمم و با تمامی توان، همچون پیر و مراد خود خمینی کبیررحمه الله ، در صحنه حاضر شده و با تأکید بر اهمیت و فوریت این حرکت فراگیر و بی وقفه، همه توانمندی ها و اراده ها را جهت تحقق جنبش نرم افزاری و نهضت تولید علم و تحول در علوم انسانی و نیز یافتن راه های میان بر و دانش افزا راهبری و رصد می کنند.

جامعه المصطفی صلی الله علیه و اله العالمیه، نمادی درخشان از این رسالت جهانی و همت بین المللی انقلاب اسلامی است که بار مسئولیت تربیت مجتهدان، عالمان، محققان، متخصصان، مدرسان، مبلغان، مترجمان، مربیان و مدیران پارسا، متعهد و زمان شناس را بر دوش داشته و با تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی و قرآنی و گسترش مبانی و معارف اسلامی، به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و اله و معارف بلند و تابناک مکتب اهل بیت علیهم السلام جامه تحقق می پوشاند.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و اله نیز که مهم ترین و گسترده ترین مجموعه پژوهشی المصطفی صلی الله علیه و اله است، بومی سازی و بازتولید اندیشه دینی معاصر، متناسب با نیازها و اقتضائات عرصه بین الملل، تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی، گشودن

ص:۸

افق های جدید فکری و معرفتی در دنیای معاصر، پاسخ گویی به مسائل و شبهات فکری و معرفتی مخاطبان و تأمین و تدوین متون و منابع درسی و کمک درسی، به ویژه با رویکرد اسلامی سازی علوم و پشتیبانی علمی از فعالیت های سازمانی المصطفی صلی الله علیه و اله را از جمله مأموریت ها و تکالیف خود می داند.

اثر علمی پیش رو نیز به همت مؤلف محترم حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای مجید حیدری نیک و برای دوره کارشناسی رشته تاریخ اسلام ، در چارچوب اهداف و برنامه های پژوهشگاه و مبتنی بر نیازسنجی های صورت گرفته، تهیه و تدوین شده است.

در پایان لازم است ضمن ارج نهادن به تلاش های خالصانه مؤلف محترم، از کلیه دست اندرکاران محترم آماده سازی و انتشار این اثر ارزشمند، به ویژه همکاران محترم مرکز بین المللی نشر و ترجمه المصطفی صلی الله علیه و اله و همه عزیزانی که به نحوی در تدوین و انتشار آن نقش داشته اند، قدردانی و تشکر نماییم و از خداوند متعال برای ایشان و همه خادمان عرصه تبلیغ و نشر مفاهیم و معارف دینی، آرزوی بهروزی، موفقیت و سعادت نماییم.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و اله

فهرست مطالب

ص:۱۳

ص:۱۵

ص:۱۶

ص:۲۰

ص:۲۱

ص:۲۳

پیشگفتار

آن چه در کتاب های فعلی برای آموزش فراگیران در موضوعات تاریخی در نظر گرفته شده، دچار فقدان متن آموزشی، کمبود تحلیل و هماهنگ نبودن با سرفصل های مصوب است.

در واقع، این کتاب ها برای آموزش تألیف نشده اند، بلکه تنها برای استفاده عموم مردم نوشته شده و جنبه های تعلیمی و روش آموزشی در آنها رعایت نشده است.

در این کتاب تلاش شده است که علاوه بر هماهنگی با سرفصل های مصوب، متن درسی به صورت واحدهای آموزشی درآید و برای فهم آسان تر مطالب در هر واحد آموزشی، درآمد، پیش آزمون، محتوای آموزشی، فرجام و آزمون پایانی گنجانده شده است. افزون بر این، در بعضی واحدهای آموزشی منابعی معرفی شده است تا راه برای کسب اطلاعات بیشتر باز باشد.

در این کتاب، پیش از ورود به مباحث اصلی، مقدماتی شامل مبانی تقسیم تاریخ، تعریف، اقسام و فایده تاریخ و تاریخ نگاری مسلمانان بیان شده است تا دانشجو با نگاهی عمیق تر به مباحث اصلی توجه کند.

ص:۲۵

پس از طرح مباحث مقدماتی، نوبت به ارائه مباحث اصلی است. نگارنده در قالب چهار فصل و با همان روش پیش گفته به این امر می پردازد: فصل نخست: به بررسی تحلیلی جامعه بعد از رحلت پیامبرصلی الله علیه و اله می پردازد و در همین جهت، اقدامات حضرت رسول برای جانشینی خود، علل غصب خلافت، گام های حضرت زهرا علیها السلام برای دفاع از ولایت و اقدامات حضرت علی علیه السلام در برابر خلفا و بعد از خلفا را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد.

فصل دوم: به بررسی جامعه در آستانه عصر غیبت صغری می پردازد و در نتیجه به شرایط اجتماعی و فکری حاکمان سیاسی این دوره، وضعیت فکری، سیاسی و اجتماعی شیعه و زمینه سازی ائمه علیهم السلام برای ورود شیعه به این عصرمی پردازد.

فصل سوم: در مورد تاریخ عصر غیبت صغری بحث می کند و در این زمینه به وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری این عصر، تاریخ غیبت و چگونگی آغاز و انتهای آن، معرفی نواب اربعه و شناسایی وکلای عام حضرت می پردازد.

فصل چهارم: به عصر غیبت کبری اختصاص دارد. فراگیران در این فصل با تاریخ شیعه، نهضت ها و دولت های شیعی، مبارزات فکری و سیاسی علمای شیعه و مدعیان مهدویت آشنا می شوند.

این کتاب که تحت عنوان «درس نامه تاریخ تحلیلی اهل بیت علیهم السلام»تدوین شده است، بی تردید با کاستی ها و نواقصی همراه است که با امعان نظر صاحب نظران و اساتید مرتفع خواهد شد. ازاین رو نظرات و نقدهای عالمانه استادان و اندیشمندان موجب امتنان و غنای این کتاب در ویراست های بعدی خواهد بود.

لازم است از زحمات و کمک های همه کسانی که در تولید و تدوین و آماده سازی

این مجموعه این جانب را یاری نموده اند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

در پایـان توفیق بیشتر در خـدمت گزاری و نشـر فرهنـگ اهـل بیت علیهم السـلام و اشاعه انـدیشه مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خداوند متعال خواستارم.

مجید حیدری نیک

۹رمضان ۱۴۳۴

۲۷تیرماه ۱۳۹۲

بخش اول: مباحث مقدماتی و پیش نیازهای درس تاریخ تحلیلی اهل بیت علیهم السلام

اشاره

ص:۲۹

۱- مبانی تقسیم بندی تاریخ اسلام

درآمد

در هر علمی برای ارائه مطالب آموزشی و تسهیل در فراگیری، تقسیم بندی و جداسازی صورت می پذیرد و متن آموزشی بر اساس معیارهای مدون، تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار می گیرد.

برای مثال، کار جداسازی در علم صرف، با تقسیم مباحث آن به اسم، فعل و حرف صورت گرفته است و دانش پژوه در روند فراگیری این دانش به خوبی مطالب هر بخش را جداگانه به ذهن می سپارد و در ادامه کار از تشتت و پراکندگی فکری در امان می ماند.

تاریخ اسلام نیز بر همین سیاق نیاز به تقسیم بندی و جداسازی مباحث و رویدادهای گوناگون دارد تا با ارائه مطالب بر اساس شکلی خاص و در قالبی روشن، دانشجویان را به سمت اهداف مورد نظر سوق دهد.

پیش آزمون

۱. آیا می شود تاریخ اسلام را تقسیم بندی کرد؟

ص:۳۱

۲. معیار و ملاک این تقسیم بندی ها چیست؟

۳. کدام معیار در این تقسیم بندی مناسب تر است؟

انواع تقسیم بندی ها

کتاب های تاریخ اسلام، از قرن دوم هجری - آغاز شکل گیری نوشته های مورخان - تا امروز به دو روش به تقسیم بندی تاریخ اسلام پرداخته اند: بعضی از مورخان، محور مباحث را شخصیت ها و چهره های بزرگ قرار داده و بر همین اساس از زندگانی پیامبر صلی الله علیه و اله آغاز کرده و به هریک از امامان معصوم علیهم السلام توجه ویژه ای داشته اند.

و بعضی دیگر محور مباحث را عنصر زمانی در نظر گرفته اند و تاریخ زندگانی ائمه شیعه علیهم السلام را در قالب بحث از خلفای زمانه پی گیری کرده اند.

این دو نگاه به علت نبود نگاه جامع و فقدان توجه به حرکت هدف دار تاریخ، فاقد تقسیم بندی مستند و جهت دارند.

معیار اصیل

آن گاه که خدا انسان را آفرید، در هر زمانی، برای رشد و تعالی او شرایع و قوانینی را با توجه به شرایط آن روز و سیر تکاملی وی به ارمغان آورد. در واقع، ادیان الهی نقاط آغازین حرکت هایی بودند که کم کم انسان را به سمت سعادت رهنمون می ساختند.

اسلام - شکل تکامل یافته شرایع پیشین - نیز ارائه کننده حرکتی نوین و نمایشگر خط روشنی شد که هر زمان به همت یکی از اولیای دین و در بطن جاهلیت آغاز می شود، مراحلی را طی می کند و فرازونشیب هایی را پشت سر

می گذارد. این حرکت های پر فرازوفرود را در تاریخ اسلام با توجه به روایات می توان به چهار دوره تقسیم نمود:

دوره نخست: با حرکت رسول الله صلی الله علیه و اله در زمان جاهلیت نخستین آغاز می شود و با او به اوج می رسد.

دوره دوم: پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و اله آن حرکت رو به انحطاط می گذارد. این انحطاط و حرکت قهقرایی به شکلی بود که حضرت علی علیه السلام در آغاز خلافت خویش اعلام می کند: «آگاه باشید! همانا انحطاط شما ما را به عقب راند؛ مانند جاهلیتی شدیم که بعثت پیامبر در آن اتفاق افتاد». ۱ امام باقر علیه السلام نیز در تحلیلی از اوضاع این دوره، فقط سه نفر را بعد از رحلت پیامبر از ارتداد مبرامی داند. ۲

بدین ترتیب، امیرمؤمنان علیه السلام آغازگر دوباره حرکت اسلامی می شود. حرکتی که با وجود تسلط معاویه به حیات خود ادامه می دهد و تمام گل های خود را در صحرای طف به پای حسین علیه السلام نثار می کند. در کربلا همه نخل های تربیت شده سه امام معصوم علیهم السلام فرو می افتند و این زمان است که آغازگر دیگری را طلب می کند.

دوره سوم: پس از شهادت امام حسین علیه السلام حاکمان اموی جامعه را به جایی کشیده بودند که به تعبیر روایات، جز نام و ظاهر اسلام چیزی باقی نمانده بود و شماری اندک پیرو واقعی ولایت بودند. ۳ امام سجاد علیه السلام در شرایط جاهلیت

جدیـد، احیـا کننـده دوبـاره اسـلام می شود و دیگربـارتربیت، دعوت و تشـکل آغـاز می شود و این حرکت در زمـان صادقین علیهما السلام به اوج می رسد.

دوره چهارم: حاکمان عباسی که در دوره امام صادق علیه السلام به قدرت رسیدند، با آگاهی از نفوذ و قدرت رهبران شیعه با ترفندهای مختلف سعی در به انزوا کشاندن ائمه شیعه داشتند و به نوعی دیگر، جامعه را به سمت جاهلیت کشاندند تا جایی که امام حسن عسگری علیه السلام با گزینش شیوه های متعدد پنهان کاری، یک سلسله فعالیت های سری سیاسی را رهبری کرد. (۱)

این سیر نزولی به حدی می رسد که جامعه امکان پذیرش امام معصوم را ندارد و به طور طبیعی غیبت شکل می گیرد. این سیر همچنان ادامه دارد و دلیل آن عدم ظهور حضرت است. (۲) جاهلیت این زمان هم با ظهور احیاگری از تبار علی علیه السلام و نسل فاطمه علیها السلام به پایان می رسد – ان شاءالله – و تاریخ این چنین به پایان خود نزدیک می شود که: ...أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ . (۳)

حال با توجه به این تقسیم بندی، برای بررسی تاریخ هریک از معصومان علیهم السلام علاوه بر نقش هر معصوم و یارانش باید به شیوه متفاوت سلوک اجتماعی هرکدام از ایشان در برخوردهای متفاوتشان با حکومت ها توجه نمود؛ زیرا تفاوت در برخورد معصومان علیهم السلام بر اساس اختلاف شخصیت ایشان تحلیل پذیر نیست؛ چرا که ایشان همه نور واحدند و آن چه متفاوت است، شرایط اجتماعی و سیاسی

حاکم و اقتضای زمانی هر مرحله از حرکت اسلامی است.

ص:۳۴

۱- (۱) . شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۱۴.

۲- (۲) . بر همین اساس است که عدم شناخت امام علیه السلام برابر با جاهلیت شمرده شده است: «من مات ولم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» .

۳- (۳) . «بندگان شایسته ام زمین را به ارث خواهند برد»؛ انبیاء، آیه۱۰۵.

فرجام

۱. لزوم تقسیم بندی و جداسازی در هر علمی برای ارتقای سطح علمی و تعامل آسان آموزشی، ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ تاریخ اسلام نیز از این قاعده مستثنا نیست.

۲. نگاه مورخان مسلمان به تاریخ اسلام و تقسیم بندی آن تا به امروز در دو قالب شخصیت محوری و توجه به سیر زمانی بوده است.

۳. نگاه دیگری نیز با توجه به روایات معصومان علیهم السلام و حرکت موج دار جامعه اسلامی می توان به این دو دیدگاه افزود و آن تقسیم بندی تاریخ اسلام بر اساس فرازوفرودهاست.

۴. با توجه به تقسیم بندی فوق، تاریخ اسلام به چهار دوره تقسیم می شود:

دوره نخست: حرکت احیاگرانه رسول خدا صلی الله علیه و اله در بطن جاهلیت نخستین؛

دوره دوم: شکل گیری جاهلیت دوم بعد از پیامبر، حرکت هوشمندانه علی علیه السلام و دمیدن روح بیداری به کالبد جامعه آن روز.

دوره سوم: حرکت اسلامی جامعه با حاکمیت امویان، شکل گیری جاهلیت نو و بروز واقعه عاشورا به بن بست می رسد، ولی موضع گیری های پیچیده امام سجاد علیه السلام در این برهه از تاریخ، روح تازه ای به حرکت اسلامی به احتضار رسیده می دمد؛ به شکلی که این جنبش دینی در دوره صادقین علیهما السلام به اوج می رسد؛

دوره چهارم: دوره واپس گرایی جامعه اسلامی با به قدرت رسیدن عباسیان، شکل گیری جاهلیت با رنگ و لعابی متفکرانه، بروز پدیده غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار برای احیاگری حجت برگزیده حق.

ص:۳۵

آزمون پایانی

۱. ضرورت تقسیم بندی تاریخ اسلام به علت.... می باشد.

الف) ارتقای سطح علمی دانش پژوهان

ب) شناسایی بهتر رهبران دینی

ج) تعامل آسان آموزشی

د) گزینه الف و ج

۲. نگاه مورخان مسلمان به تقسیم بندی تاریخ اسلام چگونه است؟

الف) شخصیت محوری – سیر زمانی

ب) شخصیت محوری – اخبارمحوری

ج) شخصیت محوری – انساب محوری

د)شخصیت محوری – فرهنگ محوری

۳. نگاه مورخان مسلمان در نوشته های تاریخی به علت .... فاقد تقسیم بندی مستند و جهت دار است.

الف) عدم توجه به حرکت هدف دار تاریخ اسلام

ب) نبود نگاه جامع

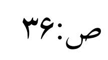
ج) تعصب دینی

د) گزینه الف و ب

۴. براساس مبانی تقسیم بندی نگارنده کتاب، تاریخ اسلامی به چند دوره تقسیم می شود؟

الف) چهارده دوره (پیامبر صلی الله علیه و اله ، امام علی علیه السلام ، امام سجاد علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ب) چهار دوره (پیامبر صلی الله علیه و اله ، امام علی علیه السلام ، امام حسین علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)



ج) سه دوره (پیامبر صلی الله علیه و اله ، امام علی علیه السلام و امام سجاد علیه السلام)

د) سه دوره (پیامبر صلی الله علیه و اله ، امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام)

۵. این عبارت امام علی علیه السلام : «ألا وانّ بلّیتکم قد عادت ...» مربوط به کدام دوره از دوره های تاریخ اسلام است.

الف) جاهلیت نخستین ب) جاهلیت دوم

ج) جاهلیت سوم د) جاهلیت چهارم

ص:۳۷

۲– تعریف، اقسام و فایده تاریخ

درآمد

نخستین گام در بررسی و شناخت هر دانشی، آگاهی از تعریف، اقسام و فایده آن علم است؛ به همین دلیل، این قسمت در صدد بررسی تعریفی از تاریخ و ارائه اقسام و فایده آن می باشد.

به نظر می رسد که از سه جهت می توان به تاریخ نگریست. براین اساس، تاریخ را به سه شاخه تقسیم کرده، برای هریک تعریفی ارائه می کنیم و آن گاه به فایده هرکدام می پردازیم؛ این سه شاخه عبارتند از:

۱. تاریخ نقلی؛

۲. علم تاریخ؛

۳. فلسفه تاریخ.

پیش آزمون

با مطالعه این واحد آموزشی می توانید به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱. اقسام تاریخ را بیان کنید.

۲. تعریف لغوی و اصطلاحی تاریخ نقلی چیست؟

ص:۳۹

۳. علم تاریخ چیست؟ روش تحقیق در علم تاریخ را شرح دهید.

۴. تصویری از فلسفه تاریخ و بعضی از قوانین آن را ارائه کنید.

۵. فایده تاریخ نقلی، علم تاریخ و فلسفه تاریخ را بیان کنید.

تاریخ نقلی

تاریخ در لغت به معنای تعیین زمان است. «أرخ الکتاب و أرّخه»، یعنی زمان نگارش نامه یا کتاب را ثبت کرد. (۱) و در اصطلاح، عبارت است از سیر حوادثی که در بستر زمان برای یک شیء (انسان، جامعه و ...) اتفاق می افتد؛ به عبارت دیگر، بررسی یک پدیده در بستر زمان را تاریخ گویند.

علم تاریخ

علم تاریخ، یافتن اصول و قوانینی برای درک دروغ ها و کشف حقایق پنهان و ناگفته های تاریخ است. علم تاریخ در حقیقت، علم به چگونگی حوادث و بودن آن است. این علم عهده دار این است که حوادث را از پوشش دسیسه ها، نظریه ها، زاویه دیدها و ذهنیت ها خالص کند؛ یعنی به شکلی به حادثه نگاه کند که خداوند به آن نگاه می کند: جامع، بی طرف و بی هیچ حب و بغضی. (۲)

روش تحقیق در علم تاریخ

اشاره

روش تحقیق در این علم وابسته به چند موضوع است که در ادامه می آید.

۱- (۱) . قاموس المحیط، ذیل واژه «أرخ».

۲- (۲) . مانند قصه «شق الصدر» و افسانه «غرانیق» که در بسیاری از کتب تاریخی وارد شده است، اما بعضی از محققان معاصر، دروغ و جعلی بودن این دو داستان را با ادله مقتضی ثابت کرده اند. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۸۲.

۱– استفاده از منابع اصیل

منابعی که متکی به وحی باشند، جامعیت و عمقی دارند که می توانند قضایا را شناسایی کنند و قضایای شناسایی نشده را هم لحاظ کنند. از این رو منابع قرآنی و حدیثی – البته با توجه به صحت سند و دلالت احادیث – اصل شمرده می شوند.

۲– توجه به متشابهات تاریخی

برای فهم متشابهات قرآنی به ظهورات و نصوص مراجعه می کنند؛ یعنی به محکمات رومی آورند. متشابه در قرآن در لفظ است، ولی تشابه در تاریخ در لفظ نیست و حادثه کاملاً مشخص است؛ بلکه تشابه در تحلیل حادثه است. متشابهات سنت و تاریخ کاملاً نص و مشخصند، اما نمی دانیم چرا؟ بنابراین در فهم متشابهات تاریخی به دانستن موازین نیاز هست.

پس در متشابهات تاریخی، تعارض – به این معنا که یکی صادق و بقیه کاذب باشند – نداریم؛ بلکه تعارض، این گونه است که چرا برای مثال، امام حسن علیه السلام این گونه موضع گرفت و امام حسین علیه السلام به گونه ای دیگر. یا سکوت حضرت علی علیه السلام در دوران خلفا با قیام امام حسین علیه السلام ، یا نرمش و صلح امام حسن علیه السلام با روش دعا و زهد حضرت سجاد علیه السلام و یا هماهنگی حضرت رضا علیه السلام با مأمون و اقدام های عسکریین علیه السلام باهم تعارض دارند. علاوه بر تعارض در موضع گیری دو امام علیها السلام گاه در برخوردهای گوناگون یکی از پیشوایان تعارض دیده می شود. برای نمونه امام علی علیه السلام در برابر خلفا از درگیری شروع می کند، سپس به گردآوری یار و یاور برای مبارزه می پردازد و به همین خاطر به خانه های مهاجر و انصار سرکشی می کند؛ آن هم همراه فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام ؛ آن گاه بیعت می نماید و در نهایت سکوت پیشه می کند و حتی در جنگ ها و فتوح با آنها همراهی کرده و مشاوره می دهد و در شرایطی نیز در

مسائل حکومتی، حقوقی و قضایی به آنان کمک می کند.

مشکلی در اصل این حوادث نیست، اما این که چرا هریک این گونه موضع گرفته اند، باید مورد توجه قرار گیرد. نمی توانیم بگوییم روش علی علیه السلام روش امام حسن علیه السلام را نفی می کند و این که این دو تکاذب دارند، بلکه معتقدیم همه این ها حقند، ظهور کامل دارند و ابهامشان به خاطر مفاهیم نیست؛ به خاطر شرایط گوناگونی است که صحنه حوادث پیدا می کنند.

اگر علی علیه السلام در زمان خلفا با آنها درگیر نمی شود، نه به این دلیل است که حق ندارد یا از حق خویش گذشته است؛ (۱) چون حکومت با او نمی چرخد و این حق شخصی نیست که علی علیه السلام بگذرد و گمراهی، کوری و انحراف را به آنها ببخشد؛ بلکه به این دلیل است که نمی خواهد با دست بریده بجنگد و یاران محدودش را به دست مرگ بسپارد و دیگر این که نمی خواهد اختلاف از امامت به رسالت کشیده شود و متنبی هایی مانند «مسیلمه» و «سجاح» بر اسلام تاخت وتاز کنند. بنابراین، می بینیم که علی علیه السلام به یافتن و تربیت یارانی مشغول می شود که بتوانند بدون غنایم با برادران خود بجنگند و بار سنگین حکومت علوی را به دوش بگیرند.

۳- یافتن موازین

اشاره

برای حل متشابهات تاریخی و درک صحیح و جامع تاریخ، نیاز به موازینی داریم که با توجه به مسائل زیر مشخص می شود:

الف) شناخت اهداف رسول خدا صلی الله علیه و اله و ائمه علیهم السلام

برای نمونه، یکی از اهداف رهبران دینی این بوده است که زمینه خوب شدن و رشد انسان ها را فراهم کنند؛ چنان که قرآن می فرماید: إِنّا هَدَیْناهُ السَّبِیلَ إِمّا شاکِراً

۱- (۱) . همان گونه که ابن ابی الحدید در شروع خطبه ۵۰ همین سوء برداشت را داشته است.

وَ إِمّا کَفُوراً . (۱) بنابراین، بسیاری از حوادث تاریخی مانند این که چرا امام یا پیامبر این گونه موضع گرفتند، با فهم این موضوع مشخص می شود.

ب) رابطه ائمه علیهم السلام با مردم

آگاهی از این که هیچ اجباری در پذیرش دین نیست لا إِکْراهَ فِی الدِّینِ... و این که ائمه علیهم السلام هیچ گاه خود را به مردم تحمیل نمی کنند، بلکه تنها خود را در دسترس آنها قرار می دهند و برای کسانی که انتخاب درستی کردند و ولایت ائمه علیهم السلام را پذیرفتند، راهنمایند، پیچ و خم متشابهات تاریخی را برطرف می کند و تحلیلی درست را به محقق تاریخ هدیه می دهد.

۴- دستیابی به اصول

گذشته از این موازین، به اصولی نیاز داریم که در سیره ائمه علیهم السلام به کار رفته است و با دانستن آنها علل موضع گیری های ائمه علیهم السلام و تفاوت عملکردها مشخص می شود؛ این اصول عبارتند از:

۱. انتظار؛ یعنی ایجاد آمادگی، تهیه نیازها و برطرف کردن موانع؛

۲. تقیه؛ یعنی پنهان کردن اسرار، تغییر نوع مبارزه و نفوذ در دشمن؛

۳. قیام؛ تنها درصورتی که دو مرحله قبلی انجام شده باشد، این مرحله قابلیت طرح و اجرا پیدا می کند.

۵- طرح سؤال و دستیابی به تدابیر رهبران دینی

طرح سؤال و سپس تنظیم و تحلیل آن در مواجهه با حوادث تاریخی، سیستم

۱- (۱) . سوره انسان، آیه۳: «در واقع، ما او را به راه (راست) راه نمایی کردیم، درحالی که یا سپاس گزار است، یا بسیار ناسپاس است».

ذهنی را شکل می دهد و نگاه فراگیر و جامع را به انسان می بخشد؛ این که چرا اسلام در جزیره العرب آمد؟ چرا قرآن بر محمد صلی الله علیه و اله نازل شد؟ چرا محمد صلی الله علیه و اله کارش را در مکه شروع کرد و به مدینه منتقل شد؟ چرا در مدینه جنگ درگرفت؟ حاصل این جنگ ها چه شد؟ چرا جعفر از حبشه بازنگشت، مگر پس از فتح خیبر؟ رسول خدا صلی الله علیه و اله برای جانشینی بعد از خود چه کرد؟ چرا پس از رسول صلی الله علیه و اله همه از نصرت جانشین او دست برداشتند و پس از بیست و سه سال کار تربیتی، تنها سه نفر پشت سر وصی رسول باقی ماندند؟ چرا علی علیه السلام برای حراست از نتایج کار رسول خدا و جلوگیری از این همه ابتلا ساعتی تدفین رسول خدا را به تأخیر نینداخت و در سقیفه حق را از نااهلان نستاند؟

چه شد که حکومت به ابوبکر و سپس به عمر و عثمان رسید؟ و چه شد که به علی علیه السلام رسید؟ چه شد به حسن علیه السلام و از حسن علیه السلام به معاویه منتقل شد؟ و به یزید، امویان، بعد به عباسیان و پس از آنها به سه یا چهار قسمت منتقل شد و چه شد که کشورهای اسلامی دسته دسته شدند؟ چه شد که عثمانی به وجود آمد؟ چرا عثمانی با ایران درگیر شد و چه شد که عثمانی تجزیه شد؟ چه شد که حکومت از مشروطیت به رضاخان رسید؟

گرچه ممکن است وقت زیادی صرف شود، ولی خود مطرح شدن این پرسش ها در ذهنیت دانش پژوه یک سیستم را شکل می دهد و با نگاه جامع - نه مقطعی و منفرد - برای بسیاری از متشابهات تاریخی و علت موضع گیری های ائمه علیهم السلام پاسخ می گیرد.

۶- همراهی با تقارن ها و تعلیل ها و تحلیل ها

تقارن ها دروغ ها را روشن و تناقض ها را آشکار می سازد و تعلیل ها، حقایق پنهان را و تحلیل ها، جایگاه و مواضع فراموش شده را برملا می کند.

تقارن ها تحریف و بدعت ها را نشان می دهد؛ برای مثال: در مراکز پلیس

هنگام دستگیری یک باند برای کشف دروغ از تقارن جواب ها استفاده می شود. همچنین از قضاوت های امیرمؤمنان است که بین متهمان جدایی می انداخت، از هریک جداگانه سؤال می کرد و از تقارن پاسخ ها به دروغ ها پی می برد.

در تاریخ نیز می توان از تقارن ها به دروغ بودن بعضی حوادث پی برد؛ چون با منابعی روبه رو هستیم که دروغ در آنها وارد شده است. دسته بندی های سیاسی و فرقه ای، دشمنی امویان با انصار و عقاید و جهت گیری های سیاسی سیره نویسان موجب تحریف در تاریخ شده است. (۱)

انگیزه های این دروغ ها هم فراوان است؛ معاویه می گفت: «از پای نمی نشینم تا نام پیامبر را دفن کنم!» (۲) و تمامی سعیش این بود که ریشه ها را بخشکاند.

تعلیل ها هم حقایق پنهان را آشکار می سازد؛ برای مثال، با توجه به تعلیل نمازخواندن پیامبر بر جنازه ابوطالب، اشعار باقی مانده از وی و این که همسرش مسلمان بود، می توان به حقیقت ایمان او پی برد و جایگاه ها و مواضع فراموش شده را با تحلیل ها مشخص کرد؛ زیرا صحت یک منبع حاکی از این نیست که همه مطالب را گفته است، بلکه فقط ثابت می کند مطالبی را که گفته، راست است و ممکن است مطالبی را به عمد یا سهو و خطا و یا به دلیل های مختلف در کتابش نیاورده باشد. همان گونه که در علم می توانیم با تحلیل و تعلیل منطقی، جای خالی عناصر را در جدول مندلیف پیش بینی کنیم و یا در علم نجوم با محاسبات دقیق ستاره های کشف نشده را رصد کنیم، در تاریخ نیز می توانیم با تحلیل ها و تعلیل های منطقی، برخی راست های گفته نشده یا فراموش شده را بیابیم.

۱- (۱) . عبدالرزاق، المصنف، ج۵، ص۳۴۳؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج۱۶، ص۴۲۰۴۸؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج۱، ص۴.

۲- (۲) . علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب، ج۳، ص۴۵۴.

فلسفه تاریخ

فلسفه تاریخ، علم علل ظهور و سقوط قدرت ها و سیر تحول تمدن ها و جوامع می باشد که در حقیقت، علم به چرایی این حوادث و شدن آنهاست؛ برای مثال، اسلام عامل تحولات تاریخی را تحول در نوع نگرش انسان و تغییر در خود او می بیند؛ چنان که آیه شریفه إِنَّ اللّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ ۱ به این امر اشاره دارد.

فلسفه تاریخ، قوانین حاکم بر انسان و جامعه را توضیح می دهد؛ یعنی قوانینی که حاکم بر تاریخ است. چون تاریخ، یعنی رابطه انسان با مجموعه نظام هستی و چون انسان آزاد است و جهان به دلیل علوم، منظم است و نظام دارد، وقتی این نظام را در عالم پذیرفتیم، چشم پوشی از این نظام، ضربه خوردن به همراه دارد (۱) و این انسان آزاد در جهان قانونمند قابل پیش بینی است. درس تاریخ می تواند پیش بینی کند، نه به دلیل گذشته و شباهت این امت با امم پیشین، بلکه به خاطر وجود علت که معلول تاریخی را به دنبال می آورد.

پس می شود پیش بینی کرد که اگر این امت چنین عمل کند، چنان خواهد شد. البته چه بسا پیش بینی ها کم و زیاد شود؛ چنان که حضرت امیر علیه السلام می فرماید: «اگر قانون محو و اثبات نبود، می گفتم که تا روز قیامت چه می شود»؛ (۲) یعنی خود محو و اثبات، یکی از قانون های جهان است و یا دعا - یعنی توجه باطنی انسان ها - در تغییر سرنوشت آنها اثر دارد؛ برای مثال، ممکن است طبق روال عادی و عملکرد یک امت سرنوشتش به گونه ای رقم زده شود؛ اما بر اثر دعا و نیایش تغییر یابد؛ مانند سرنوشت

۱- (۲) . فجر، آیه۱۳:فَصَبَّ عَلَیْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ عَذابٍ* إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصادِ ؛ پروردگارت تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت... .

۲- (۳) . شیخ مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۳۴.

قوم یهود و دعا برای تعجیل ظهور حضرت موسی علیه السلام که قرار بود چهارصد سال طول بکشد، اما دعای آنها ظهور را یکصدوهفتاد سال جلو انداخت. (۱)

این مسئله اساس علمی هم دارد. درست است که انسان آزاد است، ولی انسان آزاد و در نظام را می توان با حساب احتمالات پیش بینی کرد؛ به عنوان مثال، اگر فلان کار را بکند، این گونه می شود و یا به هر مقدار که سرعت پیدا کند، انهدام و نابودی اش سریع تر یا دیرتر محقق می شود.

نتیجه

همان طور که طبیعت دربرگیرنده علوم طبیعی، فلسفه، واقعیت، روش آشنایی، استفاده، تسخیر و تغییر طبیعت است، تاریخ، علم تاریخ و فلسفه تاریخ هم واقعیت و روش آشنایی با وقایع و تسخیر و تغییر آنها را دربرمی گیرد.

فایده تاریخ نقلی

۱- منبع شناخت

شناخت، منابع مختلفی دارد: کتاب، طبیعت، خود انسان، جهان هستی و ازجمله تاریخ زندگی انسان ها. قرآن نیز در این باره اشاره دقیقی دارد: أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَتَکُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ یَعْقِلُونَ بِها أَوْ آذانٌ یَسْمَعُونَ بِها... ؛ (۲) در واقع با سیر در تاریخ، انسان قلب و گوش جدید، سنجش جدید یا شنیده های جدید پیدامی کند.

«سیر» به معنای حرکت بر روی زمین است. بنابراین وقتی گفته می شود:

۱- (۱) . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۳۱.

۲- (۲) . حج، آیه۴۶: آیا در زمین گردش نکرده اند تا دل ها (و عقل ها)یی داشته باشند که با آن خردورزی کنند یا گوش هایی که با آن (حقایق را) بشنوند».

..فَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ... ۱ جنبه تأکید پیدا می کند. «راغب اصفهانی» در مفردات می گوید: «دو معنی برای سیر در زمین ذکر کرده اند: ۱. حرکت جسمانی در روی زمین؛ ۲. حرکت فکری و مطالعه درباره موجودات جهان.» (۱)

سیره به معنای روش یا تاریخ زندگی افراد، از همین معنا گرفته شده است.

۲- احیاگر تفکر

اندیشه انسان ها به مواد خام نیاز دارد. گاهی این مواد با تدبر حاصل می شود؛ چنانکه گاهی نیز با خواندن تاریخ. قرآن نیز می فرماید: ...فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ ؛ (۲) داستان های تاریخی را بگو، شاید بیندیشند.

۳- ثبات آور قلب و هدف بخش

مطالعه تاریخ، ثبات قلب، آرامش دل، موعظه، پند و تذکر درپی می آورد. قرآن می فرماید: وَ کُلاًّ نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ أَنْباءِ الرُّسُلِ ما نُثَبِّتُ بِهِ فُؤادَکَ وَ جاءَکَ فِی هذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَهٌ وَ ذِکْری لِلْمُؤْمِنِینَ . (۳)

۴- منبع اجتهاد

یکی از منابع اجتهاد، سنت است و سنت یا سخن معصوم است یا اقدام و عمل و یا سکوت او. تاریخ، همان عمل و موضع گیری معصوم علیه السلام است.

۱- (۲) . راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص۲۲۸.

۲- (۳) . اعراف، آیه۱۷۶.

۳- (۴) . هود، آیه۱۲۰: «و هر (یک) از اخبار بزرگ فرستادگان (الهی) را برای تو حکایت می کنیم؛ چیزی که به وسیله آن دلت را استوار می گردانیم، و در این (اخبار) حق و پند و یادآوری برای مؤمنان به تو رسیده است».

فایده علم تاریخ

۱- شهود و برخورد مستقیم با حوادث

تعبیر قرآن نظرکردن است؛ یعنی انسان باید سیر کند تا ببیند و ناظر باشد؛ همان گونه که می فرماید: ...أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنْظُرُوا... ؛ (۱) چنان که حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «طوری تاریخ را خوانده ام که مثل یکی از آنها شده ام (سرت فی آثارهم حتی عدت کاحدهم)». (۲)

تاریخ برای سرگرمی، لذت و مانند آن نیست؛ بلکه برای سوق دادن انسان به سمتی است که او را ناظر بر حوادث کند و این همان مسئله ای است که گفته شد: از نظریه های یکسویه و متعصبانه مورخین درباری خالص می شوی و مثل حاضرین در آن حادثه عودت پیدا می کنی. نظر در واقع همان شهود و برخورد مستقیم با حادثه است و عبرت، نتیجه نظر است.

۲- خلوص حوادث و حصول دیدگاه جامع درباره آن

تاریخ بی تردید تحریف شده است؛ چون مورخان از دید خود به تاریخ نگاه کرده اند و گاهی حب و بغض ها و تعصب ها در نگارش آنها مؤثر بوده است. از طرفی، کم نبوده اند سلاطین و پادشاهانی که مورخان را می خریدند و یا مجبور می کردند تاریخ را چنین و چنان کنند. معاویه می گفت: «می خواهم اسلام را دفن کنم» (۳) و یا هر کس خبر یا نقلی را در بدگویی به حضرت علی علیه السلام می آورد و

۱- (۱) . یوسف، آیه۱۰۹: «پس آیا در زمین گردش نکرده اند تا بنگرند چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بوده اند».

۲- (۲) . نهج البلاغه، نامه۳۱.

۳- (۳) . مسعودی، مروج الذهب، ج۳، ص۴۵۴.

جعل می کرد، به او جایزه می داد و برای جعل حدیث در فضایل دروغین بنی امیه پاداش گزاف می بخشید.

بنابراین با شناخت حقیقت و واقعیت یک حادثه می توان از حلقه ذهنیتی یک مورخ رها شد و با یک دیدگاه جامع به دور از تعصب، حب و بغض ها و بی طرف به متن حادثه رسید.

۳- عبرت و پندآموزی

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «ما که دو عمر نداریم تا یکی را تجربه کنیم و در دیگری به کار گیریم؛ پس باید از سرنوشت گذشتگان درس عبرت بگیریم.» (۱)

قرآن کریم نیز می فرماید: لَقَدْ کانَ فِی قَصَصِهِمْ عِبْرَهٌ لِأُولِی الْأَلْبابِ... . (۲) عبرت، یعنی عبورکردن از یک چیز و به چیز دیگر رسیدن. عبرت در اصل از ماده عبور و عبر (بر وزن ابر) به معنای انتقال از حالتی به حالت دیگر و چراغی برای راه خود قرار دادن است. عبور در لغت عرب به معنی گذشتن از آب با شناکردن است، ولی بعدها در معنایی گسترده به کار رفته و در انتقال از حالتی به حالت دیگر استعمال شده است؛ اما عبرت در بحث ما به معنای کیفیت قابل مشاهده ای است که انسان با آن به چیز غیرقابل مشاهده منتقل می شود. بنابراین، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «خلف لکم عبراً من آثار الماضین قبلکم»؛ (۳) خداوند برای شما پندهایی از گذشتگان پیشین شما ذخیره کرده است تا پند و اندرز گیرید.

۱- (۱) . نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- (۲) . یوسف، آیه ۱۱۱: «به یقین، در حکایت های آنان برای خردمندان عبرتی است.»

۳- (۳) . غررالحکم، ص ۳۹۶.

فایده فلسفه تاریخ

۱- موضع گیری مناسب در برابر حوادث

از رهگذر تحلیل درست می توانیم به استنتاج و تطبیق و در نتیجه موضع گیری مناسب در هر مرحله از حرکت انسان، جامعه و تاریخ دست یابیم.

قرآن می فرماید: قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُروا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ؛ (۱)

یعنی: قبل از این که شما به این عالم بیایید، قانون ها و سنت هایی بوده است. پس در روی زمین سفر کنید و نظر کنید عاقبت کسانی که پیامبران را تکذیب می کردند، چگونه بود تا با به دست آوردن آن سنت ها چراغی پیش روی خود داشته باشید.

۲- تغییر سرنوشت جوامع با فراگیری سنت های تاریخی

قرآن می فرماید: ...لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذا جاءَ أَجَلُهُمْ فَلا يَسْتَأْخِرُونَ ساعَةً... ؛ (۲)

برای هر امت و جامعه ای اجل و محدوده ای هست. اجل در برابر حیات، مثل موت است؛ یعنی حیات و مماتی برای هر امتی هست و مثل موجودی است که نفس می کشد و حیات دارد. کسی که به فلسفه تاریخ مسلط باشد، می تواند اجل خود را به تعویق بیندازد. همان طور که اگر به فلسفه بهداشت مسلح باشد، می تواند مرگ خود را عقب بیندازد یا اگر صدقه بدهد، صله ارحام انجام دهد و به این گونه قوانین آگاه باشد، می تواند عمر خود را طولانی کند، اگر به قوانین تاریخی و سنت های حاکم بر آن - یعنی فلسفه تاریخ - آگاه باشد، می تواند عمر جامعه خود را زیاد کند.

۱- (۱) . آل عمران، آیه۱۳۷. «به یقین پیش از شما، سنت ها (و روش هایی وجود داشته) سپری شده است. پس در زمین گردش کنید و بنگرید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است».

۲- (۲) . یونس، آیه۴۹: «... برای هر امّتی سرآمد (عمر معیّن) است؛ هنگامی که سرآمد آنان فرا رسد، ساعتی تأخیر نمی کنند و پیشی نمی گیرند».

فرجام

۱. تاریخ اسلام از سه زاویه قابل بررسی است: تاریخ نقلی، علم تاریخ و فلسفه تاریخ.

۲. تاریـخ در لغت به معنای تعیین زمان است و سه عنصـر زمان، حادثه و شـیء، نقشـی مهم در تعریف اصـطلاحی تاریـخ نقلی دارند.

۳. علم تاریـخ، علم به چگونگی و بودن حوادث است و به همین جهت از اهمیت فوق العـاده ای برخوردار است؛ زیرا رسـالت این علم، پیرایش حوادث تاریخی از تعصب ها، حب و بغض ها، دسیسه ها، ذهنیت ها و زاویه دیدهاست.

۴. اسـتفاده از منابع اصیل، توجه به متشابهات تاریخی، یافتن موازین شناخت اصول موضع گیری معصومین علیهم السلام همراه با طرح سؤال، تقارن ها و تعلیل ها روش مناسبی برای تحقیق در علم تاریخ است.

۵. فلسـفه تاریـخ، علم به چرایی و شـدن حوادث است. فلسـفه تاریـخ، قوانین حـاکم بر انسـان و جهـانی است که انسـان در آن زندگی می کند؛ یعنی همان سنت ها و قانون های حاکم بر تاریخ.

۶. تاریـخ نقلی، افزون بر این که از منابع شـناخت انسان است، جرقه تفکر را در انسان برمی انگیزد و یکی از منابع اجتهاد و در نهایت آرامش آور است.

۷. برخورد مستقیم با حوادث، خلوص آنها و عبرت و پندآموزی از فواید آشنایی با علم تاریخ است.

۸. موضع گیری منـاسب در برابر حوادث پیش رو و تغییر سـرنوشت بـا فراگیری سـنت هـای تـاریخی از آثار آگاهی از فلسـفه تاریخ است.

ص:۵۲

آزمون پایانی

۱. کدام یک از موارد زیر از عناصر اصلی در تعریف تاریخ نقلی نیست؟

الف) عنصر زمانی ب) عنصر حادثه

ج) عنصر شیء د) عنصر مکان

۲. قصه «شق الصدر» و «افسانه غرانیق» به کدام قسم از مباحث تاریخی مربوط است؟

الف) تاریخ نقلی ب) علم تاریخ

ج) فلسفه تاریخ د) همه موارد

۳. کدام گزینه از روش های تحقیق در علم تاریخ نیست؟

الف) استفاده از منابع اصیل

ب) توجه به متشابهات تاریخی

ج) استفاده از منابع تاریخی

د) شناخت اهداف معصومان و موازین آنها

۴. کدام یک از موارد زیر از اصول کلی در سیره معصومین است؟

الف) انتظار ب) تقیه

ج) قیام د) همه موارد

۵. آیه شریفه ...إِنَّ اللّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ... به چه نکته ای اشاره دارد؟

الف) عامل تحولات تاریخی، تغییر در خود انسان است.

ب) عامل تحولات تاریخی، تغییر در ابزار زندگی انسان است.

ج) عامل تحولات تاریخی، تغییر در ملت هاست.

د) عامل تحولات تاریخی، تغییر در حکومت هاست.

۶. آیه شریفه ...فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ به کدام فایده تاریخ نقلی اشاره دارد؟

الف) یکی از منابع شناخت است.

ب) جرقه تفکر را می زند.

ج) آرامش فکری می آورد.

د) یکی از منابع اجتهاد است.

۷. کدام یک از گزینه های زیر با آیه شریفه ...أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنْظُرُوا... هماهنگ است؟

الف) برخورد مستقیم با حوادث

ب) خلوص حوادث

ج) عبرت و پندآموزی

د) حصول دیدگاه جامع

۸. کدام یک از آیات زیر با عبارت: «تغییر سرنوشت جوامع با فراگیری سنت های تاریخی حاصل می شود» هماهنگ است؟

الف) فَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُروا

ب) لِکُلِّ أُمَّهٍ أَجَلٌ إِذا جاءَ أَجَلُهُمْ

ج) لَقَدْ کانَ فِی قَصَصِهِمْ عِبْرَهٌ لِأُولِی الْأَلْبابِ

د) وَ کُلًّا نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ أَنْباءِ الرُّسُلِ

ص:۵۴

۳- تاریخ نگاری مسلمانان

درآمد

با مطالعه تاریخ صدر اسلام و پیش از آن و حاکمیت جاهلیت درمی یابیم که نخستین مسلمانان دور از تمدن بشری بوده اند و در نتیجه علوم و از جمله مباحث تاریخی مجالی برای ظهور و بروز نداشته است؛ اما مشاهدات و مستندات تاریخی خلاف این را ثابت می کند.

سرعت و گسترش علوم نقلی و عقلی در جامعه اسلامی صدر اسلام چنان بوده که مستشرقان را به اعجاب واداشته و علاوه بر این که آنان را ناچار به تعریف و تمجید کرده، برای بررسی علل و عوامل آن به فحص و تحقیق کشانده است. این قسمت، بررسی علل پیدایش مباحث تاریخی و رشد و گسترش آن در میان مسلمانان را برعهده دارد.

پیش آزمون

۱. چرا مسلمانان به نگارش تاریخ اسلام روآوردند؟

۲. آیا نوشته های تاریخی آنان از سبک و سیاق خاصی پیروی می کرد؟

۳. آیا با مورخان مشهور آشنا هستید؟

۴. چند کتاب مشهور در تاریخ اسلام - از منابع نخستین - را می شناسید؟

انگیزه مسلمانان از نگارش تاریخ

اشاره

این انگیزه را می توان در پنج مورد برشمرد:

۱- میراث تاریخی اعراب

میراث تاریخی اعراب در جاهلیت، بیشتر تحت عنوان «ایام العرب» در جامعه اسلامی باقی مانده بود. «یوم» یعنی روزی که واقعه مهمی در آن رخ داده و آن را تاریخی کرده است. عرب ها برای حفظ و یادسپاری این روزها آن را به صورت شفاهی نسل به نسل در مجالس ادبی و تفریحی خود نقل می کردند و ازاین طریق، مجموعه بزرگی از ایام العرب پدید آمده بود. (۱)

شعبه دیگر میراث تاریخی اعراب «علم الانساب» است؛ (۲) یعنی علم نسبت شناسی. به طور معمول، افرادی در میان طوایف عرب بودند که شجره نامه و تاریخچه افراد، آبا و اجداد اقوام مختلف را به خوبی می دانستند و به تبع آن، حوادث مهمی را که در مورد آنها اتفاق افتاده بود، به حافظه می سپردند و برای دیگران نقل می کردند.

این دو مورد، زمینه مناسبی برای رو آوردن مسلمانان به تاریخ فراهم کرده بود؛ زیرا توجه به آن، در واقع توجه به گذشته و پدیدآورنده ذهنیت تاریخی برای آنان بود.

۱- (۱) . دکتر جواد علی، موارد تاریخ طبری، ص۱۵۷و۱۵۸.

۲- (۲) . روزنتال، تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ص۳۲.

۲- تأثیر مباحث تاریخی قرآن

قرآن تأثیری عمیق در توجه مسلمانان به تاریخ داشته (۱) و نه تنها قسمت هایی از تاریخ را بیان کرده، بلکه آنان را به فراگیری تاریخ ترغیب نموده است تا بدین طریق در مسیر هدایت و بهره مندی از شریعت قرار گیرند؛ ازاین رو، بسیاری از مورخان از تاریخ به عنوان «تجارب الامم» یاد کرده اند.

تأکید و تصریح قرآن درباره سیر و مطالعه در روی زمین، استخراج فلسفه تاریخ از میان حوادث تاریخی و عبرت گیری از سرنوشت اقوام پیشین شاهدی دیگر بر تأثیر قرآن در نگارش تاریخ است.

۳- لزوم بهره گیری از سنت پیامبر

علاقه شدید مردم به پیامبر صلی الله علیه و اله و الگو قرارگرفتن ایشان در ریزترین مسائل زندگی از طرفی و رحلت صحابه و تابعان در گذر زمان از طرف دیگر، محدثان را به فکر ثبت رفتارهای پیامبر برای به کارگیری در فقه، اخلاق و سایر موارد انداخت. کتاب های بی شماری که به جمع آوری احادیث همت کرده اند، شامل بخش های زیادی از تاریخ پیامبر و رهبران دینی است. در این میان، کتاب جهاد و کتاب سیره در بین ابواب کتب روایی و فقهی، اطلاعات نفیسی از تاریخ زندگانی پیامبر و دیگر معصومان دربردارد.

۴- توجه حاکمان به تاریخ

از حضرت علی علیه السلام گذشته - که به خاطر تربیت مردم و موضع گیری بهتر، آنان را به خواندن تاریخ و عبرت آموزی دعوت می کرد - بسیاری از حکام و فرمانروایان

۱- (۱) . همان.

به خاطر ماندگاری حکومت خویش، نیاز آنان به تجارب گذشتگان و ارائه تصویری مناسب از خود در اذهان، به نگارش تاریخ توجه، بلکه امر می کردند.

معاویه از جمله حکامی است که به صراحت توجه به گذشته و تاریخ را بر زبان آورده است. وی از «عبید بن شریه» خواست اخبار ملوک یمن را بنویسد و او نیز کتابی در این زمینه نوشت. (۱) معاویه شب ها بخشی از وقت خود را به شنیدن نقل های تاریخی اختصاص می داد. (۲) این رویه در بین خلفای بعد، مانند «عبدالملک» و «سلیمان» و به ویژه خلفای عباسی، همچون «منصور» و «هارون» تبعیت شده است. اینان علاقه فراوانی به تاریخ داشتند و مورخان را به نگارش آن تشویق می کردند.

۵- تأثیر نوشته های تاریخی سایر اقوام

از عوامل موثر در رشد تاریخ نگاری در بین مسلمانان، پراکنده شدن متون سایر ملل به ویژه ایرانیان در جوامع اسلامی به خاطر فتوح و در نتیجه، رفت و آمد در میان آن ملل بود. با نگاه به کتاب هایی همچون تاریخ یعقوبی، اخبار الطوال دینوری، مروج الذهب مسعودی و تاریخ طبری بهره برداری از منابع فارسی در تاریخ نگاری مسلمانان آشکار می شود. (۳)

«ابن مقفع» کتاب خدای نامه را ترجمه نمود و نامش را سیرالملوک نهاد. وی همچنین آیین نامه را ترجمه کرد. «اسحاق بن یزید» نیز کتاب اختیارنامه را - که معروف به سیره الفرس بود - ترجمه نمود. (۴)

۱- (۱) . ابن ندیم، الفهرست، ص۱۰۲.

۲- (۲) . مسعودی، مروج الذهب، ج۲، ص۷۲.

۳- (۳) . تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ج۱، ص۱۰۶.

۴- (۴) . مصطفی شاکر، التاریخ العربی و المورخون، ص۱۴۳-۱۴۸.

این ها نمونه هایی از تأثیر فرهنگ ایران بر فرهنگ مسلمانان است. به جز ایرانیان، یهودیان نیز تأثیر بسیاری در تاریخ نگاری مسلمانان داشته اند. کتاب المبتدا که داستان هبوط آدم و قصه انبیا را شامل می شود، به تقلید از یهودیان نوشته شده است. این نگاه در تاریخ طبری و بعضی کتاب های دیگر نیز نمایان است.

گونه های تاریخ نگاری مسلمانان

اشاره

تاریخ نگاری در باور بسیاری از پژوهشگران، بخش عظیمی از فرهنگ مکتوب عصر اسلامی را به خود اختصاص داده است. برخی مورخان وجود بیش از چهل شاخه از تاریخ نگاری را در بین مسلمانان خبر داده اند و در هر شاخه بیش از صدها کتاب نوشته شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- سیره نگاری

قرآن کریم در یک نگاه، تاریخ اقوام مختلف و حتی نام آنان را به محور پیامبران آنها می شناسد: قوم لوط، قوم صالح، قوم موسی و ... . این موضوع، علاوه بر محور قرار دادن دین، اهمیت فردی انبیا را نشان می دهد؛ از این رو، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله از همان آغاز، خاطرات، شرح حال و سیره آن حضرت را نقل می کردند که این موضوع بعدها در مورد خلیفه ها، پادشاهان، علما و سایر طبقات جامعه به صورت شرح حال نویسی رایج شد. عنصر زمان در این نوع نگارش مد نظر قرار نمی گیرد، اما به لحاظ دربرداشتن اطلاعات تقریبا گسترده از درون زندگی فردی و اجتماعی شخصیت های دینی و سیاسی، از منابع مهم تاریخی شمرده می شود. کتاب های سیره ابن اسحاق، سیره ابن هشام، سیره حلبی و بسیاری از کتب دیگر همین شیوه را به کار برده اند.

۲- تاریخ نویسی عمومی و تقویمی

محور نوشته ها در این روش، در اصل بهره گیری از عنصر زمان است. (۱) در این گونه نوشته ها سیر حوادث، از تولد پیامبر و یا هبوط آدم تا زمان نویسنده مورد بررسی قرار می گیرد؛ برای نمونه تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، مقدمه ابن خلدون و اخبارالطوال دینوری کتاب هایی در این سبک و سیاقند.

۳- تک نگاری

در این روش، بیشتر به وقایع مهم پرداخته می شود که شامل موضوعات سیاسی، نظامی، اجتماعی و روزهای پرحادثه است. نظم موجود در این نوع نگارش بر محور همان حادثه مهم رقم می خورد. برخی از کتاب های «ابومخنف» بر همین منوال است؛ مانند الجمل، صفین و الشوری. (۲) همچنین کتاب های المعمرین، المثالب، المؤدات و الاوائل در زمینه اجتماعی و بر اساس تک نگاری نوشته شده اند.

۴- تاریخ نگاری بر اساس نسب شناسی

دانش انساب ریشه در ساختار قبیله ای عرب دارد. منابع نگاشته شده بر این اساس، دربردارنده تاریخ مفصل خاندان های حاکم بر جامعه مسلمانان می باشد. (۳) انساب الاشراف اثر «بلاذری» مورخ مشهور از جمله کتب تاریخی نوشته شده طبق این شیوه است.

۱- (۱) . واقدی تاریخ غزوات را بر پایه ماه های گذشته از هجرت مشخص می کند.

۲- (۲) . الفهرست، ص۱۰۵.

۳- (۳) . دکتر جواد علی، موارد تاریخ الطبری در اسلام، بخش نخست، ص۱۴۷.

۵- سبک خبری و پیوسته

نقل احادیث با ذکر سند از ویژگی های این نوع نگارش است. کتاب تاریخ طبری بر اساس همین اسلوب تحریر یافته است. در این روش، احادیث مختلف که به صورت یک اصل برای علوم اسلامی شمرده می شود، جمع آوری گردیده است. مهم ترین امتیاز تاریخ الرسل والامم والملوک نوشته طبری. نقل سند برای جزء جزء اخبار است. سند نخستین قدم در ارزیابی یک نقل تاریخی به شمار می رود.

۶- تاریخ نگاری محلی

ساختار این سبک مبتنی بر سه محور است: اطلاعات جغرافیایی، تاریخی و رجالی. در نگاشته های تاریخی از این دست، چگونگی حوادث و تحولات سرنوشت ساز حکام و رجال برجسته شهر مورد نظر آمده است. تاریخ اصبهان اثر «ابونعیم»، تاریخ بغداد، تاریخ بیهقی و تاریخ سیستان بر همین سیاق نوشته شده است. از قوی ترین آثار در این مورد، تاریخ قم تألیف «حسن بن محمد بن حسن قمی» است.

۷- تاریخ نگاری فرهنگی و اجتماعی

این سبک با استفاده از منابع شعری و شاعری و موضوعات مهم علوم انسانی و اجتماعی تدوین شده و حاوی بخش های مهمی از موارد فرهنگی است. کتاب های عیون الاخبار اثر «ابن قتیبه»، عقد الفرید اثر «ابن عبدربه» و طبقات الشعراء اثر «ابن سلام» به همین سبک نوشته شده اند. یکی از مهم ترین آثار در این زمینه، اثر نفیس و پرارج الاغانی نوشته «ابوالفرج اصفهانی» است که دایره المعارف شاعران و بسیاری از رجال سیاسی، نقل های فرهنگی و حتی تاریخی و برخی تحولات سیاسی است. استاد مطهری در کتاب سیری در سیره

ائمه اطهار علیهم السلام درباره این کتاب می گوید:

ابوالفرج اصـفهانی از اکابر مورخین دوره اسلامی است. او اصلاً اموی و از نسل بنی امیه است و این از مسلمات است. در عصر آل بویه می زیسته است و چون ساکن اصفهان بوده، به نام ابوالفرج اصفهانی معروف شده است.»

این مرد شیعه نیست که گفته شود کتـابش را از روی تعصب و احساسـات شـیعی نوشـته، و بی تردیـد سـنی است. او صـاحب کتاب الاغانی است. اغانی، جمع اغنیه است و اغنیه یعنی آوازها. وی تاریخچه موسیقی در دنیای اسلام - و به تناسب تاریخچه موسیقی، تـاریخچه هـای بسـیار زیـاد دیگر را - در این کتـاب که به ظـاهر هیجـده جلـد بزرگ است، بیان نمود. می گوینـد: «صـاحب بن عبـاد» که معاصـر اوست، هرجـا می خواست برود، یـک یـا چنـد بـار کتـاب را بـا خودش می برد؛ اما وقتی کتاب ابـوالفرج به دسـتش رسـید، گفت: من دیگر بی نیـاز از کتابخـانه شـدم! این کتـاب آن قـدر جـامع و پرمطلب است، بـا این که نویسـنده اش ابوالفرج و موضوعش تاریخچه موسـیقی و موسیقی دان هاست، محدثان شیعه از قبیل «مرحوم مجلسی» و «مرحوم حاج شیخ عباس قمی» مرتب از کتاب الاغانی ابوالفرج نقل می کنند. (۱)

آشنایی با مورخان مشهور

اشاره

آنان که می خواهند از مطالعه تاریخ اسـلام دسـتاوردی داشـته باشـند، ناچار باید با مورخان معروف که تاریخ اسلام را نگاشته انـد، آشـنا شونـد و از روش و منش آنها آگاه باشـند تا در برداشت از نوشـته های آنان صواب را از ناصواب تشـخیص دهنـد. نخستین نوشته های مدون تاریخی در جوامع مسلمانان از قرن دوم هجری آغاز می شود. (۲) اینک به جهت اختصار با چند تن از مورخان معروف از هر قرن آشنا می شویم:

ص:۶۲

۱- (۱) . سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، ص۱۷۳-۱۷۵.

۲- (۲) . مروج الذهب، ج۴، ص۱۱۶.

۱– قرن دوم هجری

الف) محمد بن اسحاق (۱۵۰ق)

او در مـدینه پرورش یـافت. کتـاب سـیره الرسول از اوست که دارای سه بخش است: بخش نخست از آغـاز خلقت تا پیـدایش نسـل عرب، هجرت ابراهیم به مکه و سـکونت اسـماعیل و فرزنـدانش در این منطقه تـا بعثت رسـول اکرم صـلی الله علیه و اله ؛ بخش دوم: از بعثت تا تشکیل دولت مدینه؛ بخش سوم: دولت مدینه و غزوات پیامبر تا زمان نویسنده. این کتاب، نخستین سیره ای است که به طورنسبی جامع می باشد. بیشتر مطالب ابن اسحاق از طریق کتاب چهارجلدی ابن هشام در دسترس است. (۱)

ب) ابومخنف (۱۵۷ق)

وی رهبر مورخان عراق است و با این که شـیعه بوده، با سـعه صـدر و عدم تعصب، چهره واقعی بنی امیه را نشان داده است؛ به طوری که اهل سـنت نیز روایاتش را نقل کرده انـد. ارزشـمندترین کتاب وی مقتل الحسـین است که طبری اکثر روایات آن را آورده و متأسفانه اصل آن بر جای نمانده است. (۲)

ج) محمد بن عمر واقدی (م۲۰۷)

تخصـص ویژه او در غزوات و فتوح است. آن چه از او بر جـای مانـده کتـاب مغـازی است؛ افزون بر این، هسـته اصـلی کتـاب طبقات الکبری از «ابن سعد» نیز از

۱– (۱) . ابن نـدیم که خود شـیعه است، اتهـام هـای بسـیاری بر وی وارد ساخته است. تأثیرپـذیری او از یهود، تضـعیف وی از سوی اهل حدیث، ساختن اشعار و قراردادن آن در سیره و حتی اتهام اخلاقی از جمله این اتهامات است؛ الفهرست، ص۱۰۲.

۲– (۲) . التاریخ العربی و المورخون، ج۱، ص۱۷۸.

آن وی است؛ گو این که خود او نیز طبقات داشته است. واقدی در بغداد در دستگاه خلافت عباسی به کار قضا اشتغال داشته و کم وبیش از امتیازات ویژه همکاری با خلافت برخوردار بوده است.

۲- قرن سوم هجری

الف) بلاذری (۲۸۹ق)

از نسب شناسان معروف بوده است که تدوین تاریخ اسلام را با تحول روبه رو ساخت. دو کتاب ارزشمند فتوح البلدان (۱) و انساب الاشراف (۲) از او باقی مانده است.

ب) ابوحنیفه دینوری (۲۸۲ق)

اثر مهم او، اخبار الطوال شامل سه قسمت است: بخش نخست، اخبار انبیا و ملوک گذشته است؛ بخش دوم به اخبار ایران پرداخته است؛ بخش سوم به اخبار دوران اسلامی تا سال ۲۲۷ هجری قمری توجه کرده است.

ج) یعقوبی (۲۸۴ق)

وی از مورخان دانشمند و شیعه قرن سوم هجری است. (۳) او از موالی منصور بوده و به «کاتب عباسی» شهرت یافته است. تاریخ یعقوبی بهترین اثر او در تاریخ است که می توان آن را یک دوره تاریخ عمومی دانست. این کتاب شکل

۱- (۱) . این کتاب درباره سیر فتوح در نخستین قرون اسلام است.

۲- (۲) . این کتاب، تاریخ دوران اسلامی را در قالب نسب شناسی آورده است. آن چه از انساب الاشراف نشر یافته، یک جلد در تاریخ پیامبر است. دو جلد آن درباره آل امیه و خاندان زبیر، یک جلد درباره بنی عباس و دو جلد درباره علویان می باشد.

۳- (۳) . محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج۱۰، ص۵۹۱.

تاریخ نگاری و انحصار آن در تاریخ اسلام و سیره نویسی را دگرگون ساخت و رویدادهای آغاز خلقت تا قرن سوم هجری را در قلمرو تاریخ جای داد. این اثر مضبوط ترین و دقیق ترین دایره المعارف گونه فرهنگ اسلامی تا عصر نویسنده است.

د) ابن قتیبه دینوری (۲۷۶ق)

از ادبا و مورخان اهل سنت و مهم ترین اثر تاریخی وی المعارف (۱) است. این اثر به صورت دایره المعارف مختصری درباره دانستنی های لازم از تاریخ اسلام تدوین شده است. از دیگر آثار تاریخی که به وی منسوب شده، کتاب الامامه و السیاسه است. این کتاب در اصل، تاریخ خلفاست. بحث از جانشینی ابوبکر آغاز شده و با تکیه بر حوادث عراق تا کشته شدن امین پیش رفته است.

۳- قرن چهارم هجری

الف) طبری (۳۱۰ق)

از مورخان نامی دوران اسلامی است. کار عمده او در فقه بوده است، اما دو اثر جامع البیان در تفسیر و تاریخ الرسل و الامم و الملوک در تاریخ، شهرت به سزایی برایش به ارمغان آورد. (۲) کتاب تاریخ او تاریخ عمومی است و حوادث آغاز خلقت تا زمان خود وی را به تفصیل آورده است.

عیب بزرگ این اثر را نگاشتن افسانه ها، خرافات و اسرائیلیات شمرده اند. پژوهشگران، نقل اخبار بدون اشاره به درستی و نادرستی آن را در شأن طبری

۱- (۱) . الفهرست، ص۸۶.

۲- (۲) . ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج۳، ص۳۳۲.

نمی داننـد. به هر حال، محققانی که تکیه آنها صددرصـد به نوشـته های وی باشد، دچار اشـتباه می شوند؛ به ویژه در مواردی که تعصبات دینی نیز دخیل بوده است. (۱)

ب) مسعودی (۳۴۱ق)

بنا به نظر بسیاری از مورخان، او شیعه و از نوادگان صحابی بزرگ، «عبدالله بن مسعود» است. کتاب های متعددی نگاشته و نام شمـاری از آنهـا را در مروج الـذهب، از مهم ترین آثـار تـاریخی اش، آورده است. نگـاه مسـعودی در این کتـاب تنها تاریخی نیست، بلکه از هر زاویه ای به گذشـته می نگرد و مجموعه ای از اطلاعـات تـاریخی، جغرافیایی، تقویم ها و ادیان را در اختیار خوانندگان می نهد. این اثر با داستان آفرینش آغاز می شود و با مسائل تاریخی امت های گوناگون ادامه می یابد.

ج) ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ق)

از برجسـته ترین نویسـندگان مسـلمان در ثبت تاریخ ادب عربی و نگارش مواد تاریخی مهم در فرهنگ و تمدن اسلامی است. چون در مباحث پیشـین درباره کتاب وی، الاغانی سـخن رفت، از تکرار می پرهیزیم. اثر دیگر ایشان که تاریخی محض است، مقاتل الطالبین است که در نوع خود بسیار ارزشمند بوده و اخبار فراوانی در سرگذشت خاندان علویان را ارائه کرده است. (۲)

د) شیخ مفید (۴۱۳ق)

وی متکلم، فقیه و مورخ است و در هر زمینه ای آثاری ارجمند از خود به

۱- (۱) . نقل روایات تاریخی از «سیف بن عمر» و تأثیر تعصبات دینی در نقل وقایع از عیوب نوشته های طبری است.

۲- (۲) . الفهرست، ص۱۲۷و۱۲۸.

یادگار نهاده است. دو کتاب مهم تاریخی از او بر جای مانده است: کتاب نخست، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد است. این اثر شرحی از زندگانی امامان شیعه است؛ کتاب دیگر شیخ مفید، کتاب الجمل است که یک تک نگاری ویژه درباره جنگ جمل شمرده می شود. (۱)

۴- قرن پنجم

ابن مسکویه (۴۲۱ق)

وی نویسنده اثر پرارج تجارب الامم است. آن چه در تاریخ «ابن مسکویه» اهمیت دارد، نگرش او به تاریخ است؛ چیزی که از نام اثرش نیز به دست می آید. بخشی از این کتاب، تلخیص تاریخ طبری است، اما در قسمت مربوط به دوران حیات خود از مشاهدات و مسموعات خویش استفاده کرده است.

۵- قرن پنجم به بعد

الف) طبرسی (۵۴۸ق)

وی از دانشمندان برجسته سده ششم هجری است. یکی از آثار وی کتاب پرارج اعلام الوری باعلام الهدی به معنای «آگاه ساختن خلایق از احوال امامان هدایت» است. این کتاب در چهار رکن تدوین یافته است: رکن نخست، در سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و فاطمه زهرا علیها السلام ؛ رکن دوم، درباره زندگی و امامت علی بن ابی طالب علیه السلام ؛ رکن سوم، در شرح امامت و زندگی امامان تا امام حسن عسکری علیه السلام ؛ رکن چهارم، درباره امامت ائمه دوازده گانه و امام زمان علیهم السلام.

۱- (۱) . این کتاب، از سوی دفتر تبلیغات اسلامی قم در۱۴۱۴ق چاپ شده است.

ب) ابن اثیر (۶۳۰ق)

شهرت وی به خاطر دو کتاب عظیم او، الکامل فی التاریخ و اسد الغابه فی معرفه الصحابه است. مهم ترین اثر وی الکامل است. این کتاب از دو بخش تشکیل می شود: بخشی که اقتباس از طبری و آثار پس از اوست و قسمتی که با تکیه بر تک نگاری ها و مشاهدات شخصی نویسنده نگاشته شده است. اسد الغابه نیز شرح حال مفصل اصحاب رسول خداست.

ج) اربلی (۶۹۲ق)

وی از جمله شیعیان فرهیخته قرن هفتم هجری است. اثر مهم تاریخی وی با عنوان کشف الغمه فی معرفه الائمه شرح حال چهارده معصوم است. (۱)

د) ابن کثیر (۷۷۴ق)

وی از مورخان قرن هشتم هجری است. مهم ترین اثر او البدایه و النهایه است که گونه ای تاریخ عمومی و تلخیص آثار گذشته است.

ه) ابن خلدون (۸۰۸ق)

وی پایه گذار فلسفه تاریخ است. او پس از روی آوردن به کارهای علمی و مطالعه تاریخ های گذشته، نظریه دولایه ای بودن تاریخ را ارائه کرد. لایه بالایی، همان حوادث و رخدادهای تاریخی است و لایه زیرین - که به نظر وی تا آن زمان مورخان پیشین به آن توجه نکرده اند - علل و عوامل پشت پرده رخدادهای تاریخی است. مشهورترین اثر او مقدمه کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و العجم است. (۲)

۱- (۱) . رسول جعفریان، برگی از تاریخ تشیع دوازده امامی و کشف الغمه.

۲- (۲) . محسن مهدی، فلسفه تاریخ ابن خلدون، ص۶۵.

و) سیوطی (۹۱۱ق)

اثر رایج او در تاریخ اسلام، تاریخ الخلفاء است. این کتاب به عنوان اثری مختصر می تواند راهنمای هرخواننده و محققی باشد که در کنار خود نیاز به کتابی در تاریخ خلفا دارد.

ز) میرخواند (۹۰۳ق)

وی از سادات اهل بخارا و نویسنده یکی از مشهورترین و مفصل ترین تواریخ فارسی است. نام کتاب وی روضه الصفا فی سیره الانبیاء والملوک و الخلفاء است.

ح) خواندمیر (۹۴۲ق)

وی از نواده های دختری میرخواند است. مهم ترین کتاب او حبیب السیر فی اخبار افراد البشر است. (۱)

۶- مورخان معاصر

اشاره

چون آشنایی نسل حاضر با فرهیختگان معاصر این عرصه اهمیتی به سزا دارد، ناگزیر به علت مجال اندک و گریز از زیاده گویی تنها به معرفی تنی چند از آنان می پردازیم:

الف) استاد شهید مطهری

ایشان از متخصصان تاریخ به شمار می رود که نظریه «فطرت در حرکت تاریخی» را ارائه کرد و کتاب هایی چون فلسفه تاریخ، جامعه و تاریخ، و قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه فلسفه تاریخ

۱- (۱) . ترجمه: یو.ا.برگل، ادبیات فارسی بر مبنای استوری، ص۵۵۲.

را از خویش به یادگار نهاد. در تاریخ تحلیلی ایشان می توان از آثاری چون سیری در سیره نبوی، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، حماسه حسینی و خدمات متقابل اسلام و ایران یاد کرد.

ب) استاد مصباح یزدی

جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، نقدی فشرده بر مارکسیسم و پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک بخشی از آثار وی به شمار می آید. ایشان به طرح مباحث مفهومی تاریخ پرداخته و برخی از نظریه های حرکت تاریخ را به نقد و بررسی گذاشته است.

ج) استاد شهیدی

تحلیل تاریخ اسلام بر اساس شکاف میان قبایل و بررسی و تحلیل زندگانی خاندان رسالت را می توان از ویژگی های آثار وی دانست. تاریخ تحلیلی اسلام، قیام امام حسین علیه السلام ، زندگی فاطمه زهرا علیها السلام و زندگانی علی بن الحسین علیه السلام شماری از آثار اوست.

د) علامه عسگری

وی گام های بلندی در مسیر روشن ساختن زوایای تاریک تاریخ اسلام برداشته است. کتاب هایی چون معالم المدرستین، مائه و خمسون صحابی مختلق، عبدالله بن سبأ و اساطیر اخری و احادیث عایشه را نگاشته است.

ه) علامه جعفر مرتضی عاملی

کتبی چون الصحیح من سیره النبی الاعظم، الحیاه السیاسیه للامام الرضا علیه السلام و الحیاه السیاسیه للامام الجواد علیه السلام از کتاب های وی است. در دو کتاب اخیر به بررسی تاریخ سیاسی این امامان بزرگوار می پردازد.

ص:۷۰

و بالآخره اساتیدی همچون «دکتر آیتی » با کتاب هایی چون تاریخ پیامبر اسلام ، «حجه الاسلام قرشی» با زندگانی حسن بن علی علیه السلام ، «جلال الدین فارسی » با انقلاب تکاملی اسلام ، «دکتر جواد علی » با آثاری از جمله المفصل فی التاریخ العرب قبل الاسلام و « آیه الله سبحانی » با آثاری چون فروغ ابدیت ، شماری دیگر از پژوهشگران این عرصه اند.

فرجام

۱. در این واحد آموزشی از میراث تاریخی اعراب ، تأثیر مباحث تاریخی قرآن ، لزوم بهره گیری از سنت پیامبر صلی الله علیه و اله ، توجه حاکمان به تاریخ و تأثیر نوشته های تاریخی سایر اقوام به عنوان انگیزه مسلمانان در نگارش تاریخ یاد شد.

۲. نگاهی به شیوه های هفت گانه تاریخ نگاری مسلمانان افکنده شد: سیره نگاری ، تاریخ نویسی عمومی و تقویمی ، تک نگاری ، تاریخ نگاری براساس نسب شناسی ، سبک خبری و پیوسته ، تاریخ نگاری محلی ، تاریخ نگاری فرهنگی و اجتماعی .

۳. آشنایی با مورخان صدر اسلام ، از جمله ابن اسحاق و کتاب معروفش سیره الرسول ، ابومخنف و تک نگاری های معروفش ، و اقدی و کتاب مغازی او، بلاذری و انساب الاشراف وی ، طبری و تاریخ الرسل و الامم و الملوک اثر معروفش و ... و نگاهی هم به مورخان معاصر، از جمله استاد شهیدمطهری ، استاد مصباح یزدی ، علامه عسکاری و علامه جعفر مرتضی عاملی صورت گرفت .

آزمون پایانی

۱. .... از انگیزه های مسلمانان در نگارش تاریخ نیست .

الف) میراث تاریخی اعراب ب) تأثیر مباحث تاریخی قرآن

ج) توجه عموم مردم به تاریخ د) لزوم بهره گیری از سنت پیامبر

۲. کدام گزینه با عبارت : «ساختار این سبک بر سه محور اطلاعات جغرافیایی ، تاریخی و رجالی استوار است » هماهنگ است ؟

الف) تک نگاری ب) محلی

ج) فرهنگی و اجتماعی د) عمومی و تقویمی

۳. کتاب الاغانی به سبک .... نوشته شده است .

الف) سیره نگاری ب) نسب شناسی

ج) خبری و پیوسته د) فرهنگی و اجتماعی

۴. از مورخان قرن دوم که کتاب سیره الرسول از اوست .

الف) ابومخنف ب) ابن اسحاق

ج) و اقدی د) بلاذری

۵. مسعودی از مورخان قرن چهارم و نویسنده کتاب .... است .

الف) ارشاد ب) جمل

ج) مروج الذهب د) عقد الفرید

۶. از متخصصان تاریخ به شمار می رود. وی نظریه فطرت در حرکت تاریخ رای ارائه کرده است .

الف) استاد مطهری ب) استاد مصباح یزدی

ج) استاد شهیدی د) علامه عسکاری

بخش دوم : بررسی تحلیلی جامعه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله

اشاره

ص:۷۳

۱- اقدامات پیامبر صلی الله علیه و اله برای جانشینی پس از خود

درآمد

این فراز در صدد بیان این مطلب است که حضرت رسول صلی الله علیه و اله با توجه به هشدارهایی که در زمان حیاتشان به مردم داده بودند و از مصائب و مشکلات پس از رحلت خود و خطر حاکمیت منافقان خبر داده بودند، هیچ گاه جامعه رای بدون رهبری رها نمی کردند و به همین خاطر برای استمرار حرکت رو به رشد جامعه ، حجت خدا و رهبر آینده رای به مردم معرفی کردند.

علاوه بر این منطق عاقلانه که هیچ رهبری ، جامعه رای پس از خود بدون معرفی جانشین رها نمی کند (۱) تا چه رسد به پیامبر که از آینده خبر داشت و به طور طبیعی باید برای جلوگیری از اختلاف و هرج و مرج، جانشین خود رای معرفی می کرد، شواهد تاریخی بسیاری در دست داریم که نشان می دهد ایشان جانشین تعیین کرده و در زمان ها و مکان های متفاوت و با شیوه های مختلف، رهبر آینده رای به مردم معرفی کرده است .

ص:۷۵

۱- (۱) . پیامبر هر زمان که می خواستند مدتی مدینه رای برای کار مهمی ترک کند، برای خود جانشین تعیین می کرد؛ با توجه به این نکته آیا عاقلانه به نظر می رسد حال که می داند می خواهد از دنیا برود، جانشین تعیین نکند؟

پیش آزمون

۱. آیا با توجه به هشدارهای پیامبر نسبت به حوادث آینده ، ایشان هیچ تلاشی برای انتخاب جانشین نکردند؟

۲. آیا می توان مستندات تاریخی بر تلاش های پیامبر برای معرفی رهبر آینده اقامه کرد؟

۳. دو دلیل قرآنی برای تعیین جانشین پیامبر بیان کنید.

۴. چرا پیامبر مخالفان علی علیه السلام رای در مواضع مختلف سرزنش می فرمود؟

۵. آیا می توانید دو مورد از نشانه هایی رای ارائه کنید که پیامبر صلی الله علیه و اله برای حقانیت علی علیه السلام بعد از خود گذاشت ؟

معرفی جانشین

اشاره

حضرت رسول صلی الله علیه و اله به خاطر مسؤلیت سنگینی که بر دوش احساس می کرد، در طول بیست و سه سال زندگی پس از بعثت ، از ابتدا تا انتهای پرفراز و نشیبش حضرت علی علیه السلام رای به عنوان جانشین خود به عوام و خواص معرفی کرد و از هیچ اقدامی در این زمینه کوتاهی نکرد؛ دلایل و شواهدی که می توان در این مورد اقامه کرد، عبارتند از:

۱- آیات قرآنی

اشاره

مفسران آیات زیادی رای در قرآن کریم برمی شمارند که در شأن علی علیه السلام نازل شده است . در این مجال به چند مورد اشاره می شود:

الف) آیه تبلیغ

يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللّهُ يَعْصِمُكَ

ص:۷۶

مِنَ النّاسِ إِنَّ اللّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ. ۱

بسیاری از مفسران ، نزول این آیه رای در ماجرای غدیر می دانند. به تأکید، تهدید، تضمین ، قاطعیت و هشدار آیه خوب توجه شود:

تأکید در ابلاغ ، (۱)با آوردن عنوان «رسول » به جیء نبی و نیز ابلاغ آن رای معادل ابلاغ همه رسالت دانستن : فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ .

و تهدید رسول به این که همه رسالتش در گرو این ابلاغ است ؛ تضمین و تأمین رسول از خطر منافقان : وَ اللّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ .

و در انتها، قاطعیت و هشدار إِنَّ اللّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ بسیار قابل توجه است .

به راستی ، رسول از چه چیز تا این حد در هراس و نگرانی بود؟ آن هم رسولی که همچون کوه یک تنه در برابر تمام جزیره العرب ایستاده بود و مظهر فَاسْتَقِمْ کَما أُمِرْتَ... ۳ بود؛ مگر این امر، چه امری است که باعث ناامیدی کافران می شود: ...اَلْیَوْمَ یَئِسَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ دِینِکُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ... ۴ و اکمال و اتمام دین در گرو آن است : ...اَلْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً... . (۲) ماجرای غدیرخم پس از مراسم حج از سوی رسول الله صلی الله علیه و اله همان امری بود که خدا در آیه فوق به بیان آن دستور داده بود.

۱- (۲) . بلّغ تأکید بیشتری نسبت به ابلاغ دارد؛ راغب اصفهانی ، مفردات ، ص ۶۲.

۲- (۵) . مائده ، آیه ۳.

ب) آیه مباهله

فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّهِ عَلَی الْکاذِبِینَ . (۱)

در سال دهم هجری به دنبال نامه رسول خدا صلی الله علیه و اله به اسقف نجران (۲) مبنی بر پذیرش اسلام و یا پرداخت جزیه یا جنگ، شماری از مسیحیان نجران به عنوان هیئت نما یندگی وارد مدینه شدند و پس از بحث های فراوان ، پیامبر به فرمان خدا به آنان پیشنهاد مباهله و نفرین بر یکدیگر رای داد. به این گونه که دو طرف در صحرایی گرد آمده و هرکدام ضد دیگری نفرین کنند و از بین رفتن گروه باطل رای طلب کنند. از آن جا که موضوع مباهله ، اثبات حقانیت دین اسلام بود، بی تردید ضرورت داشت که افراد شرکت کننده در آن ارتباط نزدیکی با خدا داشته و از مقربان درگاه الهی باشند و دعای آنان در اثبات حقانیت رسول صلی الله علیه و اله مؤثر باشد و به راستی چه فضیلتی بالاتر از این که رسول خدا صلی الله علیه و اله ایشان رای برای استجابت دعایش و اسطه بین خود و خدا قرار دهد؟

روز موعود فرا رسید و همه مردم برای دیدن این و اقعه مهم گرد آمدند. ناگهان صحنه جالبی نگاه ها رای به خود جلب کرد: پیامبر، علی و فاطمه و فرزندانش حسن و حسین علیهم السلام رای برای مباهله همراه خود آورده بود و کسی دیگر

۱- (۱) . آل عمران ، آیه ۶۱: «و هر گاه بعد از دانشی که تو رای (حاصل) آمده ، (باز) کسانی در (مورد) آن با تو به بحث (و ستیز) برخیزند، پس بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان وزنانمان وزنانتان و خودمان و خودتان رای دعوت کنیم ، سپس مباهله می کنیم و لعنت خدا رای بر دروغ گویان قرار می دهیم .»

۲- (۲) . بخش خوش آب وهوا با هفتاد دهکده در مرز حجاز و یمن و تنها منطقه مسیحی نشین حجاز بوده است .

همراهش نبود. این چند تن همان افرادی بودند که در آیه مباهله به عنوان «ابنائنا» و «نسائنا» و «انفسنا» بیان شده بودند. از عایشه نقل شده است : پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله روز مباهله چهار تن همراه خود رای زیر عبایی مشکی وارد کرد و این آیه رای تلاوت نمود: ...إِنَّما یُرِیدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً . از آن جا که علی علیه السلام جزء «ابنائنا» نیست، پس تنها کسی است که به شهادت این سوره نفس رسول خدا صلی الله علیه و اله خوانده شده است. در نهایت، مسیحیان با دیدن این چهره های نورانی ترک مباهله و بنای صلح و جزیه را تقاضا کردند.

۲- احادیث فراوان

الف) حدیث ثقلین

این حدیث از احادیث متواتر و مورد اتفاق شیعه و سنی است (۱) و از طریق بیش از شصت صحابه از پیامبر نقل شده است. مرحوم «میرحامد حسین هندی» بخشی از کتاب عظیم خود عبقات الانوار را به اسناد و دلالت این حدیث شریف اختصاص داده است. وی دراین کتاب، این حدیث را از دویست نفر از علمای بزرگ اهل سنت نقل می کند. در این اواخر نیز رساله ای درباره این حدیث و صحت سند آن در دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، زیر نظر مفتی اعظم مصر و دانشگاه الازهر منتشر کرده و نشان داده است که برخلاف تصور برخی در هیچ نقلی کلمه «سنتی» وجود ندارد.

«ابن حجر» می گوید:

پیامبر همواره در جاهای مختلف، نظر مردم را به همبستگی کتاب و عترت جلب می کرد؛ چه در روز عرفه و روز غدیر، چه پس از بازگشت از

۱- (۱) . برای اطلاع از مدارک اهل سنت ر.ک: نهج الحق و کشف الصدق، علامه حلی، ص ۲۲۵ و معالم المدرستین، علامه عسکری، ج۱، ص۴۵۳.

طائف و حتی در بستر بیماری در آخرین روزهای حیات مبارکش. (۱)

«حاکم» در مستدرک نقل می کند:

پیامبر در روزهای آخر عمرش با حالت تب و بیماری به مسجد آمد و ضمن ایراد خطبه و هشدارهایی، یک بار دیگر حدیث ثقلین را فرمود:

«انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی ما ان تمسّکتم بهما لن تضلّوا ابداً وانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما» . (۲)

ب) سدالابواب

این حدیث نیز از احادیث متواتر دیگری است که در فضیلت علی علیه السلام است. ماجرای آن در همان سال نخست هجرت رخ داد و تمام سیره نویسان آن را چنین نوشته اند: پس از هجرت به مدینه و ساخته شدن مسجد پیامبر، اصحاب خانه های خود را در اطراف مسجد ساختند و هر خانه ای دری به مسجد داشت که از همان در وارد مسجد می شدند. روزی جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و اله نازل شد و فرمود: «خدایت فرمان داده است که همه باید درهای خصوصی به مسجد را ببندند، مگر علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام . «سبط الجوزی» می نویسد:

این عمل سر و صدایی در میان عده ای پدیدآورد و گمان کردند که این استثنا از جنبه عاطفی است. رسول خدا صلی الله علیه و اله همه را گرد آورد، آن گاه خطبه ای برای روشن شدن اذهان ایراد فرمود: من هرگز از جانب خود دستور بازماندن و بسته شدن دری را نداده ام، بلکه این فرمانی از جانب خدا بود و من هم از آن پیروی کردم. (۳)

۱- (۱) . عبقات الانوار، ج۳، ص۱۱.

۲- (۲) . حاکم نیشابوری، مستدرک، ج۳، ص۱۴۸؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص۴۰.

۳- (۳) . احمدحنبل، مسند احمد، ج۱، ص۱۷۵ و ج۴، ص۳۶۹؛ مستدرک الحاکم، ج۳، ص۴ و۱۱۶ و۱۲۵.

احادیث دیگری نیز بر جانشینی علی علیه السلام و فرزندانش دلالت دارد؛ از جمله: حدیث خلفای اثنا عشر، روایات دیگر و نزدیک به سی حدیث مسلم و متواتر از اهل سنت.

۳– تذکرات پراکنده

الف) روزی پیامبر به عایشه فرمود: «ای عایشه! روزی بیاید که سگان حوأب – نام منطقه ای در مسیر بصره (۱) – بر تو پارس می کنند و تو با علی می جنگی و در حق او ظلم می کنی.» (۲)

ب) روزی پیامبر به زبیر فرمود: «روزی در مقابل علی خواهی ایستاد؛ از آن روز برحذر باش!» (۳)

۴– کوبیدن مخالفان

الف) در جنگ خیبر، بعد از شکست فرماندهان بزرگ در فتح «قلعه قموص» فرمانده آن «مرحب»، قهرمان مشهور و سلحشور یهودی همچنان مقاومت می کرد و رزمندگان از تسخیر آن ناتوان بودند. روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله پرچم را به دست ابوبکر و روز بعد به عمر داد و یک ستون نظامی در اختیار آنها گذاشت. هر دو بی آن که پیروزی به دست آورند، به اردوگاه ارتش اسلام بازگشتند. (۴) رسول خدا با مشاهده این وضع فرمود: «فردا این پرچم را به دست کسی خواهم داد که

۱– (۱) . معجم البلدان، ج۲، ص۳۱۴.

۲– (۲) . حدیث «کلاب حوأب» از احادیث متواتره بوده و در بسیاری از مصادر آمده است که بیش از سی مصدر آن از کتب اهل سنت می باشد.

۳– (۳) . علامه امینی، الغدیر، ج۳، ص۱۸۸–۱۹۱.

۴– (۴) . طبری، تاریخ الرسل والامم و الملوک، ج۳، ص۹۳؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج۴، ص۳۴۹.

خداوند این دژ را به دست او می گشاید؛ کسی که خدا و رسول او را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند. او فرارکننده نیست.»

آن شب، هرکدام از یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله آرزو می کردند که فردا پیامبر پرچم را به او بسپارد. هنگامی که آفتاب طلوع کرد، رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: علی علیه السلام کجاست؟ عرض کردند: به درد چشم شدید دچار شده و به استراحت پرداخته است. پیامبر صلی الله علیه و اله علی علیه السلام را خواست و با کرامت، چشم او را شفا بخشید و آن گاه پرچم را به او سپرد. (۱)

ب) پس از غزوه تبوک، آیات سوره «برائت» نازل شد و پیامبر مأموریت یافت که از مشرکان اعلام بیزاری کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله پس از نزول این آیات، قسمتی از آیات سوره برائت را به ابوبکر آموخت و به او مأموریت داد که آنها را در روز عید قربان در اجتماع حاجیان بخواند. ابوبکر رهسپار مکه شد. در این هنگام، وحی الهی نازل شد و به پیامبر دستور داد که باید این پیام را خود او یا کسی که از اوست، به مردم ابلاغ کند. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و اله با دریافت این پیام به علی علیه السلام فرمان داد که به سمت مکه حرکت کند و در راه، آیات را از ابوبکر بگیرد و در اجتماع حاجیان به مشرکان ابلاغ کند. علی علیه السلام درحالی که بر شتر مخصوص پیامبر سوار شده بود، راه مکه را در پیش گرفت و سخن پیامبر را به ابوبکر رسانید. او آیات را به علی علیه السلام تسلیم کرد و با ناراحتی به مدینه بازگشت و به پیامبر گفت: «مرا برای این کار لایق دیدی، ولی چیزی نگذشت که مرا از این مأموریت عزل نمودی. آیا در این مورد

۱- (۱) . بخاری، صحیح بخاری، ج۵؛ مسلم، صحیح مسلم، ج۱۵،ص۱۷۶؛ شیخ صدوق، الخصال، ص۳۱۱.

۲- (۲) . «لا یؤدیها عنک الّا انت او رجل منک»؛ تاریخ الامم و الملوک، ج۳، ص۱۵۴؛ سیره ابن هشام، ج۴، ص۱۹۰.

فرمانی از خدا رسید؟» پیامبر فرمود: «پیک الهی رسید و گفت: جز من یا کسی که از خود من است، شخص دیگری برای این کار صلاحیت ندارد.» (۱)

۵- فرستادن علی علیه السلام به یمن

پیامبر ابتدا «خالد بن ولید» را به یمن می فرستد، ولی او کاری از پیش نمی برد. سپس علی علیه السلام را به آن جا می فرستد و او آنها را در طول یک ماه هدایت می کند. رسول خدا صلی الله علیه و اله علی را به یمن می فرستد تا علی علیه السلام را آن طور که هست بشناسند: به دور از کینه و بغض. حضرت علی علیه السلام بسیاری از کافران را کشته بود و در مکه و مدینه از او کینه داشتند؛ اما می بینیم که بهترین یاران علی علیه السلام مانند «مالک اشتر» و «کمیل» از یمن هستند و گروهی از آنان بودند که بعدها به کوفه آمدند و پس از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام و خانه نشین شدن امام حسن علیه السلام به قم مهاجرت کردند.

۶- ماجرای تبوک

رسول خدا صلی الله علیه و اله در سال نهم هجرت با سپاه عظیمی به طرف تبوک حرکت کرد. آن روز وضع مدینه حساس بود: از طرفی منافقان با وجود تظاهر به اسلام از همراهی پیامبر سرپیچی نموده و در مدینه ماندند. و از سویی«عبدالله بن ابی» سرکرده آنان طرفداران فراوانی دور خود گرد آورده بود. (۲)

علاوه بر منافقان، بیم توطئه دشمنان شکست خورده اسلام در مکه و اطراف آن و در میان بادیه نشینان اطراف مدینه نیز می رفت؛ از این رو لازم بود که مرد نیرومندی در غیاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله مرکز حکومت نوبنیاد اسلامی را اداره و از

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . المغازی، ص ۹۹۵؛ السیره النبویه (ابن هشام)، ج ۴، ص ۱۶۲.

هرگونه توطئه جلوگیری کند وگرنه ممکن بود که حوادث ناگواری اتفاق بیفتد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله با این ملاحظات، علی علیه السلام را در مدینه جانشین خود قرار داد و به او فرمود: «برای اداره مدینه باید یا من بمانم یا تو». (۱) منافقان که با وجود علی علیه السلام نقشه هایشان نقش بر آب شده بود، شایع کردند که پیامبر صلی الله علیه و اله دوست نداشته است علی علیه السلام را همراه خود ببرد! علی علیه السلام به حضور پیامبر که هنوز فاصله زیادی دور نشده بود، رسید و این شایعه را باز گفت. رسول خدا صلی الله علیه و اله برای ماندن علی علیه السلام در مدینه به او فرمود: برادرم! به مدینه برگرد؛ زیرا برای حفظ شئون و اوضاع مدینه جز من کسی شایستگی ندارد. تو نماینده من در میان اهل بیت و خویشان من هستی ...: «أما ترضی أن تکون منی بمنزله هارون من موسی الّا انّه لا نبّی بعدی»؛ (۲)

آیا خوشنود نمی شوی که بگویم تو نسبت به من، مانند هارونی نسبت به موسی؟! با این تفاوت که پس از من پیامبری نیست. همان طور که او وصی و جانشین بی واسطه موسی بود، تو نیز جانشین و خلیفه پس از من هستی.

چنین برخوردی از کیاست و دقت فوق العاده پیامبر خدا صلی الله علیه و اله حکایت می کند؛ زیرا طبیعی است که منافقان آرام نمی نشینند و شایعه می پراکنند. مهم این است که پیامبر از همین شایعات به سود خود و به ضرر آنها بهره گرفت.

۷- جمع بندی مکتب در روز غدیر

در بازگشت از حجه الوداع، روز هیجدهم ذیحجه، در سرزمین غدیرخم (سه میلی جحفه) با نزول آیه ۶۷ سوره مائده، پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمان توقف به

۱- (۱) . مفید، ارشاد، ص۸۲؛ طبرسی، اعلام الوری، ص۱۲۲.

۲- (۲) . السیره النبویه، ج۴، ص۱۶۳؛ارشاد، ص۸۳؛حلبی، السیره الحلبیه، ج۳، ص۱۰۴.

کاروان یکصدهزار نفری حجاج در آن سرزمین بی آب و علف و در هوای بسیار گرم داد. پس از اقامه نماز ظهر، ایشان در نقطه ای بلند قرار گرفت و به سخن پرداخت. نخست از نزدیک شدن پایان عمر خویش خبر داد، سپس نظر مسلمانان را در مورد دعوت و رسالت خویش در ضمن جمع بندی مکتب خود خواست که همگی، ابلاغ دعوت، ارشاد و هدایت های او را تأیید کردند.

۸- روشن نمودن خط ولایت

در کنار گروه های مختلف با دسته بندی های متفاوت که هرکدام رو به راهی دارند، باید خط امامت و ولایت را مشخص کرد؛ بنابراین پیامبر صلی الله علیه و اله در همین مرحله و همراه جمع بندی مکتب، دست علی علیه السلام را بالا گرفت و او را به پیشوایی آینده مسلمانان معرفی کرد:

«خداوند، مولای من است و من مولای مؤمنانم – و بر آنها از خودشان سزاوارترم و اولویت دارم – و هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست. پروردگارا! دوست بدار کسی که علی را دوست می دارد و دشمن بدار کسی را که با علی دشمنی می ورزد. خدایا! یاران علی را یاری کن و دشمنان او را خوار و ذلیل نما. پروردگارا! علی را محور حق قرار بده.» (۱)

۹- پاک سازی مدینه برای رهبری آینده

پیامبر پس از بازگشت از حجه الوداع، سپاهی به فرماندهی «اسامه پسر زید بن حارثه» ترتیب داد و از وی خواست تا سرزمین «اُبنی» – محل شهادت پدرش

۱- (۱) . علامه امینی، این واقعه مهم تاریخی را از صدوده تن صحابی و هشتادوچهار تابعی نقل کرده است. و سیصدوشصت نفر از علما و محدثان اهل سنت، این حدیث را در کتاب های خود آورده و گروهی از آنان به صحت سند آن اعتراف کرده اند. الغدیر، ج۱، ص۱۴و۱۵۱.

– پیش روی کند و با رومیان بجنگد. او «جرف» را اردوگاه قرار داد تا بقیه سپاه نیز گرد آیند. (۱) رسول خدا صلی الله علیه و اله در روزهای پایانی عمر حال وخیمی داشت و به حالت اغما فرو رفت. یک بار که به هوش آمد و از سپاه اسامه پرسید، گفتند: آماده حرکت می شود. فرمود: «جَهّزوا جیش اسامه، لعن الله من تخلّف عنه»؛ (۲) سپاه اسامه را روانه کنید! خدا به کسانی که با این سپاه همراه نباشند، لعنت کند.

از بررسی حادثه فوق نتیجه می گیریم که هدف پیامبر از تعیین اسامه به فرماندهی سپاه این بود که مسلمانان را در عمل متوجه این حقیقت سازد که مهم در مسئله ریاست، شایستگی است و جوانی از لیاقت کسی نمی کاهد. در واقع، پیامبر بدین وسیله زمینه را برای خلافت علی علیه السلام آماده کرد و این خرده گیری قابل پیش بینی را برطرف نمود که گروهی جوانی را بهانه عدم صلاحیت علی علیه السلام قرار می دهند.

از طرفی، منظور پیامبر این بود که هنگام درگذشت او رقبای سیاسی علی علیه السلام که به خلافت طمع داشتند، از مدینه دور باشند؛ چون در این سپاه، سران مهاجر و انصار، از جمله ابوبکر، عمر، ابوعبیده جراح، سعدبن ابی وقاص، عبدالرحمان بن عوف، طلحه، زبیر، اسید بن حضیر، بشیر بن سعد، سعید بن زبیر، قتاده بن نعمان و سلمه بن اسلم حضور داشتند. (۳)

پیامبر قصد داشت علی علیه السلام در غیاب آنان زمام امور را به دست گیرد و مخالفان در برابر عمل انجام شده قرار گیرند و وقتی از جنگ برگردند که خلافت علی علیه السلام مستقر شده باشد.

از اینجا می توان فهمید که چرا گروهی با وجود آن همه اصرار و تأکید پیامبر،

۱- (۱) . ابن سعد، طبقات الکبری، ج۲، ص۱۹۰- السیره الحلبیه، ص۲۲۷.

۲- (۲) . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۶، ص۵۲.

۳- (۳) . طبقات الکبری، ج۲، ص۱۹۰.

در همکاری با مأموریت اسامه تعلل ورزیدند و با امروز و فردا کردن مانع حرکت لشکر شدند و لعنت خدا را به جان خریدند تا رسول خدا درگذشت.

۱۰- کنارزدن خط انحرافی

در روز پنج شنبه، یعنی چهار روز پیش از ارتحال پیامبر ایشان درحالی که در بستر بیماری بود، فرمود: «قلم و کاغذی بیاورید تا چیزی بنویسم که بعد از آن گمراه نشوید.» یکی از حاضران گفت: «درد بر او غلبه کرده و هذیان می گوید! قرآن نزد ماست؛ همان برای ما کافی است.» اختلاف در میان حاضران شدت گرفت. برخی سخن او و برخی دیگر سخن پیامبر را تأیید کردند و سروصدا بلند شد. در این هنگام از پیامبر پرسیدند: «خواسته ات را برآوریم؟» فرمود: «آیا بعد از آن چه انجام شد؟! مرا به حال خود واگذارید. حالتی که من دارم، از آن چه شما مرا بدان می خوانید، بهتر است. از نزد من بیرون روید.» (۱)

عبدالله بن عباس با توجه به این نکته و با اشاره به حادثه آن روز با تأسف می گفت: «چقدر دردناک بود که پیامبر فرمود: برای من کاغذ و دواتی بیاورید تا چیزی بنویسم که پس از آن گمراه نشوید، اما گوش نکردند... .» (۲)

۱۱- علایم راه

منافقان هرچند از سپاه اسامه تخلف کردند، ماندند، لعنت خدا را به جان خریدند و از نوشته و کتابت پیامبر جلوگیری کردند؛ اما از نشانه ها و علامت هایش نتوانستند جلوگیری کنند. این علامت ها انسان های گویا: فاطمه علیها السلام ، ابوذر و عمار و همراهی قرآن روشنگرند.

۱- (۱) . همان، ص۲۴۲؛ صحیح مسلم، ج۱۱، ص۸۹.

۲- (۲) . صحیح بخاری، ج۱، ص۱۲۰؛ طبقات الکبری، ج۲، ص۲۴۴.

زهرا علیها السلام برای دوره شیخین، ابوذر برای زمان عثمان، عمار در برابر معاویه و همراهی قرآن تا امروز. پیامبر بارها فرموده بود: «فاطمه علیها السلام پاره تن من است؛ هر که او را به خشم آورد، مرا و خدا را به خشم آورده است.» و فاطمه بر شیخین خشمناک بود و در هر نماز، آنها را نفرین می کرد. قبر پنهانش گواه این خشم است. (۱)

و رسول گفته بود که آسمان بر راست گوتر از ابوذر سایه نینداخته است (۲) و این زبان صادق و برنده، رویاروی عثمان بود. نیز پیامبر گفته بود که عمار را گروه ستمگر می کشند. (۳)و عمار در کنار علی بود و شمشیرش بر سینه معاویه. (۴) همین بود که با شهادت عمار، سپاه شام متزلزل شد و معاویه به دست و پا افتاد و حیله ها کرد. رسول صلی الله علیه و اله در جای جای مختلف اعلام کرده بود که جانشینان من دوازده نفرند (۵) و گفته بود: «من دو چیز را در میان شما می گذارم که چراغ راه و مانع گمراهی شما هستند؛ این دو از هم جدا نخواهند شد تا این که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.» (۶) امروز جز شیعه کسی با این گفته همراه نیست و دیگران قرآن و عترت را از هم جدا کردند و بین قرآن و خلیفه و وصی رسول فاصله انداختند؛ درحالی که رسول به همراهی آنها شهادت داده بود؛ همان گونه که با زبان گویایش از یوم الانذار، با دست بلندش در غدیر، با تقاضای قلم در

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۹۷؛ صدوق، علل الشرایع، باب ۱۴۸، ص۱۸۷؛ ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، ص۱۴.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۳۱، ص۲۱۷.

۳- (۳) . تاریخ طبری، ج۳، ص۲۱.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص۴۳ - ۱۸۷.

۶- (۶) . علامه حلی، نهج الحق، ص ۲۲۵؛ معالم المدرستین، ج ۱، ص ۴۵۳؛ میرحامدحسین هندی، عقبات الانوار، ج۳، ص۱۱.

واپسـین لحظه های زندگی و با فاطمه علیها السـلام و ابوذر و عمار در دامن تاریخ، این رهبری و ولایت و سرپرستی را گواهی داده و راه علی علیه السلام را به نور بسته بود.

به راستی که رسول هرگز کم نگذاشت و آن قدر بر این حق تأکید و سفارش می کرد که بیش از آن متصور نبود و این حق تا آن جـا پیش رفت که «مزد رسـالت»، بلکه «مکمـل و متمم دین» قرار گرفت و دیگر این خـود مردمنـد که بایـد همـتی کننـد و گامی بردارند. (۱)

فرجام

در این درس، تلاش های پیامبر برای معرفی رهبر آینده یادآوری و روشن شد که به راستی حضـرت رسول صلی الله علیه و اله برای ترسـیم آینـده روشن هیچ چیزی کم نگذاشت و آن قدر به این حق تأکید و سـفارش کرد که بیشتر از آن تصور نمی شد. اینک به این موارد اشاره می کنیم:

۱. قریب به نود آیه از قرآن کریم در شأن علی علیه السلام وارد شده است که بسیاری از آنها بر جانشینی ایشان دلالت دارد.

۲. احادیث متواتر و صـحیح فراوانی بر ولایت حضـرت علی علیه السـلام دلالت دارنـد؛ از جمله حدیث کسا، ثقلین، خلفای اثنا عشر و حدیث انذار.

۳. تذکرات پراکنده پیامبر به افراد مختلف در حمایت از علی علیه السلام .

۴. کوبیدن مخالفان و برجسته نمودن حقانیت علی علیه السلام در مواضع گوناگون.

۵. فرستادن علی علیه السلام به یمن در جهت پرورش نیرو برای آینده علی علیه السلام .

۶. جریان تبوک و شایعه سازی منافقان و بهره برداری پیامبر از این فضا در معرفی جانشینی علی علیه السلام .

ص:۸۹

۱- (۱) . علی صفایی حائری، غدیر، ص۲۴.

۷. جمع بندی مکتب در روز غدیر و زمینه سازی برای معرفی علی علیه السلام به عنوان وصی خود.

۸. روشن نمودن خط ولایت و رهبری و هدایت مردم به سمت جانشین واقعی.

۹. پاک سازی مدینه از رقبای علی علیه السلام در لوای لشکر اسامه.

۱۰. کنارزدن خط انحرافی با تقاضای قلم و دوات.

۱۱. به جا گذاشتن علایم راه برای آنان که طالب حق و حقیقتند.

ص: ۹۰

آزمون پایانی

۱. کدام یک از گزینه ها بر ولایت حضرت علی علیه السلام دلالت نمی کند؟

الف) آیه ولایت ب) آیه تبلیغ

ج) آیه مباهله د) آیه الکرسی

۲. کدام یک از گزینه ها با این عبارت پیامبر که«جانشینان من دوازده نفرند» هماهنگ است؟

الف) حدیث انذار ب) حدیث ثقلین

ج) حدیث خلفای اثنا عشر د) حدیث کسا

۳. چرا پیامبر ابتدا ابوبکر را برای ابلاغ سوره برائت انتخاب فرمود و سپس او رابرگرداند؟

الف) محبت پیامبر به ابوبکر

ب) کوبیدن مخالفان علی علیه السلام

ج) نشان دادن لیاقت ابوبکر

د) همه موارد

۴. کدام یک از افراد زیر از بهترین یاران علی علیه السلام و اهل یمن هستند؟

الف) عمار ب) مالک اشتر

ج) صهیب د) اویس قرنی

۵. حدیث م نزلت در آغاز کدام جنگ گفته شد؟

الف) جنگ حنین ب) جنگ موته

ج) جنگ تبوک د) جنگ خندق

۶. علت تأکید پیامبر در آخرین لحظات عمر شریفشان بر شرکت افراد در لشکر اسامه چه بود؟

الف) نبود فرماندهی در گرو سن و سال

ب) پاک سازی مدینه برای رهبری آینده

ج) پیش گیری از حمله رومیان

د) الف و ب صحیح است.

۷. کدام یک از افراد زیر از علایم پیامبر برای اثبات حقانیت علی علیه السلام نیست؟

الف) فاطمه علیها السلام ب) ابوذر

ج) عمار د) مالک اشتر

۸. تذکر پیامبر به کدام یک از افراد زیر در مورد «سگ های حوأب» بود؟

الف) عایشه ب) طلحه

ج) زبیر د) معاویه

ص:۹۲

۲- تحلیل روی گردانی سران و مردم از ولایت علی علیه السلام

درآمد

اگر چه پیامبر هر آن چه برای معرفی رهبر آینـده و جانشـینی بعد از خود لازم بود، به طرق مختلف و با شـیوه های واضح برای همگان بیان کرده بود؛ اما با وجود این بعضـی از اصـحاب و عامه مردم به عللی که این واحد آموزشی در صدد بیان آنهاست، بر این حقیقت آشـکار چشم پوشـیده و نسل خود و نسل های آینده را از حکومت دینی به رهبری امام علی علیه السلام محروم کردند و چه بد انتخابی کردند!

پیش آزمون

۱. به راستی، چرا بعضـی از اصحاب پیامبر و عموم مردم به سخنان و سفارش های پیامبر در مورد ولایت علی علیه السلام توجه نکردند؟

۲. آیا بررسی اوضاع مدینه بعد از رحلت پیامبر می تواند به تحلیل مسئله غصب ولایت کمک کند؟

۳. چرا یاران علی علیه السلام برای دفاع از ولایت اقدامی نکردند؟

۴. آیا کینه قریش از علی علیه السلام و حسادت بعضی دیگر می تواند در موضع گیری بزرگان قریش تأثیر گذاشته باشد؟

۵. آیا حاکمیت نظام قبیله ای و نوپا بودن اسلام تأثیری بر عملکرد توده مردم داشته است؟

۶. آیا می توان فریفته شدن بعضی از اصحاب پیامبر به مقامات دنیوی را در به وجود آمدن این وضعیت دخیل دانست؟

مدینه و رحلت پیامبر

اشاره

وضعیت داخلی مدینه پس از رحلت رسول بزرگ اسلام صلی الله علیه و اله را می توان در شش ویژگی خلاصه کرد که در غصب خلافت مؤثر بودند؛ این موارد در پی می آید:

۱- حیرت و نگرانی

درک عظمت مصیبت از دست دادن حضرت رسول صلی الله علیه و اله در گرو درک عظمت رسول خداست و در عظمت حضرتش همین بس که خدا او را در نوشیدن «بلی» از جام «الست» نخست قرار داد، (۱) به عنوان حبیب الله مفتخرش ساخت، همراه فرشتگانش مدام بر او درود می فرستد (۲) و مشتاق دیدار اوست. ۳

حیرت به سبب بحران فردی و اجتماعی برخاسته از عظمت مصیبت فقدان

۱- (۱) . قال ابوعبدالله علیه السلام : اول من سبق من الرسل إلی «بلی» رسول الله صلی الله علیه و اله وذلک انه کان اقرب الخلق إلی الله تبارک و تعالی ؛ بحارالانوار، ج۱۵، ص۱۵.

۲- (۲) . «ان الله و ملائکته یصلّون علی النبی» ؛ در حقیقت، خدا و فرشتگانش بر پیامبر دعا (صلوات) می فرستند. احزاب، آیه۵۶.

رسول صلی الله علیه و اله ، شدت اندوه از دست دادن آن پیام آور بزرگ و رهبر آگاه و توانا، نگرانی از آینده و این که سرانجام چه پیش خواهد آمد و چه اتفاقی خواهد افتاد و آن چه بر این نگرانی می افزود، علاوه بر وجود دو ابرقدرت مترصد در دو سوی جزیره و سربرداشتن پیامبران دروغین، اختلاف و درگیری منافقان صحابه با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و اله و امیرمؤمنان علیه السلام بود تا آنجا که همگان شنیدند هنگام وفات رسول صلی الله علیه و اله و در کنار بستر او برخی در مقابل آخرین درخواست وی ایستادند، از آوردن قلم و کاغذ سر باز زدند و فریاد «دعو الرجل فانّه لیهجر، حسبنا کتاب الله» سردادند. بهترین گواه بر عظمت این مصیبت، شدت تأثر و اندوه توده مردم ۱ و مرثیه های جانسوز علی علیه السلام ، زهرا علیها السلام و ۲ دیگر شاعران ۳ است.

آنجا که مرگ یک عالم، شکافی در اسلام به وجود می آورد و هیچ چیز حتی عالمی دیگر هم نمی تواند آن را جبران کند، فقدان رسول بزرگ صلی الله علیه و اله را چه می تواند جبران کند؟! در سوگ پیامبر بزرگ چه می توان گفت جز همان که زهرا علیها السلام گفت: «مصیبتی است عظیم و اندوهی است سترگ؛ شکافی که هر دم گشاید و هرگز به هم نیاید. فقدان او زمین را لباس ظلمت پوشانده و خورشید و ماه را بی فروغ کرده و ستاره ها را از هم پراکند. شاخ امید، بی بر و کوه ها زیر و زبر شد. حرمت ها تباه و حریم ها بی پناه ماند. به خدا سوگند! مصیبت بزرگی بود که مانندش تا حال دیده نشده است.»

و نکته آخر این که این هر دو - حیرت و نگرانی - می توانست با توجه به

هشـدارها و راهنمایی های مـدام و اقـدامات سیاسـی رسول خدا صـلی الله علیه و اله زمینه پیوند با علی علیه السـلام و اهل بیت رسول صلی الله علیه و اله باشد؛ همچنان که می توانست زمینه ساز بهره برداری کسانی باشد که این شرایط و بحران ها را برای رسـیدن به مقاصـد خود مطلوب می دانسـتند و از سـال هـا پیش، حتی از نخستین روزهای گرایش خود، مترصـد چنین فرصتی بودنـد. اگرچه رسول بیـدار و آگـاه از پیش تر، هم به رسوا کردن خـط نفـاق و هم به علاج این هر دو زمینه پرداخته بود، ولی فقـدان خود را بارهـا با آیات مختلف ماننـد ...أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِکُمْ... ١ و إِنَّکَ مَیِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَیِّتُونَ ٢ گوشزد کرده و آن را قطعی و طبیعی نشـان داده بود و بـا تأکیـد و سـفارش مـدام - از نخستین روزهـای دعوت تا آخرین لحظات عمر شریفش - بر ولایت علی علیه السـلام و نشان دادن کفایت و شایسـتگی های او، هیچ جایی برای نگرانی باقی نگذاشته بود؛ اما به هر حال، این خود مردمنـد که می تواننـد روشـنگری ها و فرمان های رسول را بپذیرنـد و بهره منـد شوند یا پشت کنند و در محرومیت بمانند که: ...فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلى رَبِّهِ سَبِیلاً ٣ و ...لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ... ، (١) نه «لیُقام».

٢- کمبود یاران توانمند و مخلص

رسول هر چه به پایان عمر نزدیک می شد، بیشتر با دو مسئله متضاد مواجه می شد: «کمبود یاران توانمند و مخلص» و «وسعت قلمرو»؛ تنها در جنگ احد بیش از هفتاد تن از بهترین یاران او به شهادت رسیدند. (٢)

ص:٩۶

١- (۴) . حدید، آیه٢۵: «تا مردم به دادگری برخیزند».

٢- (۵) . سیره ابن هشام، ج٢، ص ١٠٩؛ تاریخ طبری، ج٢، ص۶۶.

امام باقر علیه السلام در تحلیلی از وقایع پس از فوت رسول می فرماید: «اما والله لو ان حمزه وجعفراً کانا بحضرتهما ما وصلا الیه ولو کانا شاهدیهما لاتلفا نفسیهما»؛ (۱) به خدا قسم، اگر علی علیه السلام به جای عقیل و عباس، جعفر و حمزه را داشت، هرگز در خانه نمی نشست!

امام علی علیه السلام هم خود می فرمود: «لو وجدت اربعین ذوی عزم منهم لناهضت القوم»؛ اگر چهل یاور داشتم، در خانه نمی نشستم. (۲)

ابوهیثم نقل می کند:

پس از آن که امام را با آن وضع به مسجد کشاندند، در بازگشت، بر سر راه خود سی رأس گوسفند دید و فرمود:

«والله لو ان رجالاً ینصحون لله عز وجل ولرسوله بعدد هذه الشیاه لَأَزلْتُ ابن آکله الذبان عن ملکه»؛ (۳)

به خدا قسم! اگر به عدد این گوسفندان مردانی خیرخواه خدا و رسول می داشتم، ابوبکر را از حکومت خلع می کردم.

در جایی دیگر آمده است: علی علیه السلام پس از ماجرای سقیفه، سر به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! تو خود می دانی که پیامبر به من فرمود: اگر بیست یاور داشتی، جهاد کن، و این همان گفته تو در قرآن است: و اگر بیست نفر باشید و صبر کنید، بر دویست نفر غلبه می کنید، بار خدایا! بیست نفر هم پیدا نشد» و این

را سه مرتبه تکرار کرد، آن گاه به خانه بازگشت. (۴) امام، خود در نهج البلاغه در

۱- (۱) . کلینی، کافی، ج۸، ص۳۲.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۲۸، ص ۲۷۰و۳۱۳.

۳- (۳) . کافی، ج۸، ص۳۲.

۴- (۴) . تفسیر عیاشی، ج۲، ص۶۹ و ۶۸؛ اختصاص، ص۱۸۴-۱۸۷.

تحلیلی از اوضاع پس از مرگ پیامبر می فرمایـد: «پس در کار خود اندیشـیدم و دیدم که به غیر از اهل بیت خود یاوری ندارم و راضی نشدم که آنان کشته شوند و با تیغی در چشم و استخوانی در گلو صبر کردم.» (۱)

آنجا که در خانه زهرا علیها السـلام در آتش می سوخت و هیچ مدافعی نبود، علی علیه السلام را با ریسمان به مسجد کشاندند و فریاد اعتراضی بلند نشد، می توان به غربت علی علیه السلام پی برد. به زهرا علیها السلام در مسجد اهانت شد و هیچ کس به پا نخاست؛ تنها ام سلمه برآشفت و او هم تا یک سال سهمیه اش از بیت المال قطع شد. (۲)

خود رسول نیز به علی فرموده بود: «به زودی از قریش به سـبب قیـام هـایی که ضـد تو می کننـد و ظلم هـایی که به تو روا می دارند، فشار خواهی دید. اگر یارانی پیدا کردی، با آنان جهاد کن و اگر یاوری نداشتی، صبر کن و دست نگه دار». (۳)

۳- حاکمیت نظام قبیلگی

نظـام حـاکم، قـبیله ای بود و افراد، تـابع محض رئیس قبیله بودنـد و در هر راهی که او قـدم می نهـاد، از او پیروی می کردنـد. رئیس قـبیله الگوی مردم قبیله بود. می شـد او را تطمیع کرد و تمـامی قبیله را بـا خود داشت. در یـک کلاـم، نظـام قبیله ای در اطاعت افراد قبیله از رئیس خلاصه می شد و آن رئیس می توانست در جدایی آنها نیز مؤثر باشد.

معروف است که حضـرت رسول صلی الله علیه و اله آن گاه که به شعب ابی طالب رفت، عده ای از بنی هاشم مؤمن و کافر به او پیوستند. (۴)

ص:۹۸

۱- (۱) . نهج البلاغه، خطبه۲۶.

۲- (۲) . دلائل الامامه، ص ۳۹.

۳- (۳) . بحارالانوار، ج ۹۰، ص۱۵؛ الهلالی، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص۵۶۸.

۴- (۴) . شکری الآلوسی، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، ج ۱، ص۳۲۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۵.

هنوز هم در میان بسیاری از قبایل، حمیت و تعصب، عامل اصلی وحدت قبیله بود و افراد با شنیدن فریاد استغاثه یکی از افراد قبیله به حمایت او می شتافتند. (۱) در این میان، آن چه مهم نبود، ظالم بودن و مظلومیت بود.

تأثیر این عامل در بحث ما

همین تعصب قبیله ای و رقابت شدید بین قبایل باعث نخستین گام انحراف در سقیفه شد و موجب کج نهادن خشت بنا گردید.

نقشی که قبیله بدوی «بنی اسلم» در روی کارآمدن ابوبکر داشت، بر هیچ کس پوشیده نیست. طبری نقل می کند:

قبیله «اسلم» پس از ورود به مدینه چنان در کوچه ها تجمع کردند که کوچه ها گنجایش آنان را نداشت و عمر می گفت: همین که قبیله «اسلم» را دیدم، به پیروزی یقین پیدا کردم. (۲)

گرچه رسول خدا صلی الله علیه و اله در مدت محدود عمر خود توانست بسیاری از ارزش های جاهلی را از میان بردارد، ملاک ها و معیارهای تازه ای بیاورد و دست مایه و زمینه های تحول دیگر ارزش ها را نیز فراهم کند؛ اما از بین رفتن همه ارزش های جاهلی و جایگزینی و رسوخ ارزش های الهی، آن هم در میان تمام قبایل و همه عالم فرصتی دراز می خواهد؛ فرصتی به درازای تاریخ امامت شیعه. و همین است که پس از رسول صلی الله علیه و اله همواره باید امامی باشد؛ زیرا امامت ادامه رسالت است و ضرورت آن همان ضرورت رسالت و ملاک انتخاب آن نیز همان ملاک انتخاب رسول است و چاره ای جز عصمت و تنصیص رسول نیست.

۱- (۱) . اندلسی، عقدالفرید، ج۱، ص۵۸.

۲- (۲) . تاریخ طبری، ج۲، ص۴۵۹ و نهایه الادب، ج۴، ص۳۵.

۴- کینه از علی

علیه السلام

کینه داشتن از علی علیه السلام ، آن هم از جانب مردمی که هنوز اسلام در دل هایشان رسوخ نکرده، طبیعی است. هفتاد نفر از سپاه مشرکان در جنگ بدر کشته شدند که بیش از سی نفر آنان را علی علیه السلام به هلاکت رساند.

علی علیه السلام در جنگ احزاب، پهلوان بزرگ عرب، عمرو بن عبدود را کشت. به گفته «ابن ابی الحدید» نه تنها انتقام این خون ها را، بلکه هر خونی که با شمشیر دیگران ولی در راه رسول ریخته شده باشد، تنها از علی می گرفتند؛ زیرا عادت عرب ها بر این بود که اگر خونی از آنان ریخته می شد، انتقامش را از قاتل می گرفتند و اگر او می مرد یا توان انتقام از او را نداشتند، از نزدیک ترین خویش او می گرفتند و این موضوع را هر که در داستان ها و جنگ های عرب مطالعه کند، درمی یابد. (۱)

زهرا علیها السلام نیز در جمع زنان مهاجر و انصار فرمود:

«وما الذی نقموا من ابی الحسن؟ نقموا منه والله نکیر سیفه وقله مبالاته بحتفه وشده وطائه ونکال وقعته وتنمّره فی ذات الله»؛ (۲)

چه باعث شده است که با کینه توزی از علی علیه السلام انتقام بگیرند؟ آری، او را سرزنش کردند، چون شمشیر علی علیه السلام در راه خدا خودی و بیگانه، شجاع و ترسو نمی شناخت و چون علی علیه السلام در برابر مرگ بی اعتنا بود و ترسی نداشت.

و نیز فرمود:

«ولکنها احقاد بدریهٌ وتراث احُدیه، کانت علیها قلوب النفاق مکتمنه لامکان الوشاه فلمّا استهدف الأمر ارسلت علینا شآبیب الآثار من مخیله الشقاق»؛ (۳)

۱- (۱) . شرح ابن ابی الحدید، ج۱۳، ص۳۰۱.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۵۹.

۳- (۳) . همان، ج۳، ص۱۵۶.

این برخورد شما با علی علیه السلام به سبب کینه های بدر و انتقام جویی احد است. این کینه ها در قلوب منافقان پنهان بود و جرأت اظهار آن را نداشتند؛ اما روزی که حکومت را غصب و ما را منزوی کردند، تمام کینه ها و حسادت ها را بر ما فرو ریختند.

و باز خود علی علیه السلام می فرماید: «لقد کنّا مع رسول الله صلی الله علیه و اله نقتل آبائنا واخواننا واعمامنا»؛ (۱) از زمانی که همراهی رسول خدا صلی الله علیه و اله را پذیرفتیم، هر کس را که مخالف با او بود، حتی اگر پدران، برادران و عموهایمان بودند، از دم تیغ می گذراندیم. همچنین در نامه ای به معاویه نوشت: «وقد دعوت إلی الحرب... فأنا ابوالحسن قاتل جدّك وأخیك وخالك»؛ (۲)

ای معاویه! تو مرا به جنگ می خوانی؟! ... منم ابوالحسن، قاتل جد، برادر و دایی تو!

این بغض و کینه ها تا آن اندازه بود که معاویه گروهی از صحابه و تابعان را گمارد تا اخبار زشتی را که موجب طعن و برائت از علی می شد، روایت کنند (۳) و به کارگزاران خود بخش نامه کرد که از ذمه من بری است کسی که فضیلتی درباره ابوتراب نقل کند و از آن پس، خطیبان در هر شهری و بر سر هر منبری علی را دشنام می دادند و از او و اهل بیتش بیزاری می جستند. (۴)

البته رسول آگاه و بیدار هم از پیش، علی علیه السلام را بر این همه ستم آگاه ساخته و آماده کرده بود. علی علیه السلام می فرماید: همراه پیامبر از کوچه باغ های مدینه

۱- (۱) . نهج البلاغه، خطبه ۵۶.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . شرح ابن ابی الحدید، ج۴، ص۶۳ و ۷۳.

۴- (۴) . همان، ج۱۱، ص۴۴ - ۴۶.

می گـذشتیم. به بـاغی رسـیدیم. عرض کردم: «یـا رسول الله! چه بـاغ زیبایی!» فرمود: «چه زیباست! در بهشت زیباتر از این ها برای تو است.» تا چنـدین باغ به همین گونه بود. وقتی راهمان خلوت شـد، پیامبر مرا در آغوش گرفت و در حال گریه ناله ای زد و فرمود: «پدرم به فدایت باد! ای شهید تنها!».

عرض کردم: «یـا رسـول الله! چرا گریـه می کنیـد؟» فرمـود: «از کینه هـایی که در دل گروهی از مردم است و پس از من آن را آشـکار می کنند؛ کینه های جنگ بدر و خون خواهی جنگ احد.» پرسـیدم: «آیا دینم به سلامت خواهد ماند؟» فرمود: «دینت در سلامت خواهد بود.» (۱)

این کینه ها با حسادت همراه بود؛ حسادت به علی علیه السلام به سبب محبوبیت او نزد رسول و فضایل بی شمارش از سبقت در ایمان به اسلام گرفته تا همسری زهرا علیها السلام ، فتح خیبر، ابلاغ سوره برائت، جریان مباهله و احادیث م نزلت، ثقلین، خلفای اثناعشر و سدابواب و... تا واقعه غدیر خم، آن هم هفتاد روز قبل از رحلت پیامبر.

۵- نوپا بودن اسلام

حقیقت این است که اسـلام هنـوز در قلـوب بسـیاری از مردم راه نیـافته بود و پس از فتـح کامـل مکه فرصت طلبـان و محـافظه کـاران در دین داخـل شدنـد: ...یَدْخُلُونَ فِی دِینِ اللّهِ... . (۲) به جـای این که دین به آنهـا داخـل شود، آنـان از دین مـدخلی ساختند. آیه نمی گوید: ...یَدِینُونَ دِینَ الْحَقِّ... ، (۳) بلکه می گوید: یَدْخُلُونَ ؛

۱- (۱) . بحارالـنوار، ج۴۱، ص۴و۵؛ سـلیمان بن ابراهیم قنـدوزی، ینـابیع الموده، ج۱، ص۴۰۲؛ ابراهیم بن محمـد الجـوینی، فرائدالسمطین، ج۱، ص۱۵۲.

۲- (۲) . نصر، آیه۲: «در دین خدا داخل می شوند».

۳- (۳) . توبه، آیه۲۹: «و به دین حق متدین می شوند».

دین در آنهـا نفوذ نکرده است، بلکه آنان از دین مـدخلی ساختنـد. ازاین رو، امام علی علیه السـلام یکی دیگر از ویژگی های این دوران را نوپا بودن اسلام می داند و می فرماید: «والناس حدیثوا عهدٍ بالاسلام». (۱)

بعضی از قبایل، چون هجوم دیگران را به مدینه برای تسلیم شدن دیدند، برای عقب نماندن از قافله اسلام آوردند. (۲)

هجوم همگانی قبایل به سوی مـدینه در سال نهم و دهم هجری برای پـذیرش اسـلام موجب شـد که قبایل هرچنـد علاقه ای به تسـلیم شدن نداشـته باشـند، چاره ای جز آن نیز پیدا نکنند و حتی برخی برای کسب فضـیلت بیشتر از یکدیگر سـبقت بجویند. شناخت اندکشان از قرآن، اسـلام و شخصیت رسول صلی الله علیه و اله زمینه ای برای انحراف بود؛ انحرافی که اگر زمینه لازم را می یافت، می توانست وضع موجود را به کلی وارونه کند. به همین سبب، بسیاری از مدعیان پیامبری هوادارانی یافتند؛ مانند «اسود عنسی» در یمن، «مسیلمه» در یمامه، «سجاح» در بنی تمیم و «طلحه» در بنی اسد.

وفود یـا هیئت های نماینـدگی پس از فتـح مکه راهی مـدینه شدنـد و پس از اسـلام آوردن، به نماینـدگی از قبیله خود اسـلام آوردن آنان را نیز اعلام کردنـد. بیشتر کسانی که به نام مسـلمان در سال دهم در جزیره العرب زندگی می کردند، پس از فتح مکه مسـلمان شـده بودنـد و این در حالی بود که اکثر قریب به اتفاق آنها در بادیه زندگی می کردند و بسـیاری از آنان، حتی یک بار نیز پیامبر را ندیده بودند. گاهی درخواست های جاهلی، نظیر باقی گذاشـتن بت ها تا مدتی، اجازه شرب خمر و ترک نماز را مطرح می کردند!

۱- (۱) . شرح ابن ابی الحدید، ج۱، ص۳۰۸.

۲- (۲) . الطبقات، ج۱، ص۳۳۸.

گذشته از این ها مسئله ترس، از دلایل عمده قبایل برای تسلیم شدن بود؛ (۱) چون با سقوط قریش در سال هشتم هجری و پس از آن سقوط طائف، حاکمیت شرک در جزیره به پایان رسید و قبایل مختلف دریافتند که توان مقابله با اسلام ندارند.

واقعه تبوک در سال نهم هجری نیز نشان داد که بسیاری از آنان به نام، مسلمانند؛ زیرا هرکدام سعی داشتند به بهانه ای از زیر بار جنگ شانه خالی کنند و پیامبر را در جمع آوری نیرو با مشکل مواجه سازند. (۲)

ابن هشام» در سیره خود می نویسد:

وقتی خبر رحلت رسول خدا صلی الله علیه و اله به مکه رسید، بیشتر اهل مکه تصمیم گرفتند که از اسلام بازگشته و مرتد شوند تا آنجا که والی مکه از ترس فرار کرد و «سهیل بن عمرو» بر در کعبه ایستاد و با فریاد همه را گرد خود جمع آورد. آن گاه مردم را برحذر داشت و آنان را به یاد سخنان پیامبر در همان جا انداخت که: «در صورت مسلمان بودن به گنج های کسری و قیصر دست می یابید و ...» و بدین وسیله آنها را از ارتداد بازداشت. (۳)

۶- گروه نفاق

آخرین ویژگی، وجود گروهی پرقدرت و منافق است؛ نفاقی که از همان دوران مکی شکل گرفت. (۴) برخی از همان ابتدا به طمع قدرت آمدند؛ چون از

۱- (۱) . همان، ص۳۴۳؛ شرح ابن ابی الحدید، ج۱۳، ص۳۰۰.

۲- (۲) . توبه، آیه۸۵: «و هنگامی که سوره ای فرو فرستاده شد که: به خدا ایمان آورید و همراه فرستاده اش جهاد کنید، سرمایه داران از آن (منافقان) از تو رخصت می خواهند و می گویند: ما را رها سازید تا با فرونشستگان باشیم.»

۳- (۳) . السیره النبویه، ج۴، ص ۳۱۶؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۳۲۴.

۴- (۴) . نفاق به شهادت قرآن: سوره های ماعون، مدثر، هود (آیه ۵) و عنکبوت (آیه ۱۰ - ۱۱) که سوره های مکی هستند و روایات: بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۱۴۵، از همان دوران مکی شکل گرفته است؛ ر.ک: جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج۲، ص۳۰۱.

اهل کتاب شـنیده بودند که کار این پیامبر، بالا می گیرد و بر تمامی جزیره مسـلط می شود. علت اسلام خلفا این گونه از زبان امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تحلیـل شـده است که آن دو به طمـع کسب قـدرت اسـلام آوردنـد؛ چون بـا یهود مجـالست داشـتند و از ایشان راجع به اخبار آینـده که در تورات و سایر کتاب ها آمـده بود، می پرسـیدند... و بیعتشان با پیامبر ازآن رو بود که هرکدام به امارت شهری دست یابند. (۱)

«زید بن علی» هم می گوید:

به خدا قسم! اگر این جماعت می توانسـتند حکومت را بدون اسلام به چنگ آورند، بی شک این کار را می کردند و از نبوت رسول برمی گشتند. (۲)

از علی علیه السـلام نقل است: «گروه نفاق، هم پیمان شدند و طوماری در خانه کعبه امضا کردند، مبنی بر این که اگر خداوند محمد را به قتل برساند(!) یا بمیرد، خلافت را از ما اهل بیت بگیرند.» علی علیه السلام نام آنان را می برد و آن گاه می فرماید: «این را رسول خدا صلی الله علیه و اله به من خبر داده است» و سلمان، ابوذر و مقداد را هم به شهادت می گیرد. (۳)

گرچه این گروه در حدیبیه فریاد می زدند، اما کاری از پیش نبردند و در واقعه تبوک نیز می خواستند از زیر جنگ شانه خالی کننـد. در همان سال (نهم) و سال آخر، تعـدادشان آن قـدر زیاد شـد (۴) که برخی از آنـان که همراه پیامبر بودنـد، به ساختن «مسـجد ضـرار» پرداختنـد و بسیاری نیز در مـدینه ماندند و پیامبر برای این که مبادا اینان در غیاب او دست به توطئه ای بزنند، علی علیه السلام را در مدینه باقی گذاشت.

۱- (۱) . احتجاج، ج۲، ص۵۳۲؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۸۶.

۲- (۲) . شیخ عباس قمی، بیت الاحزان، ص۷۷.

۳- (۳) . کتاب سلیم بن قیس، ج۲، ص۵۸۹ - ۵۹۱؛ بحارالانوار، ج۲۸، ص۸۵ - ۸۷.

۴- (۴) . اگر ترتیب نزول آیات قرآن را بررسـی کنیم، می بینیم که اکثر آیـات مربوط به منافقـان، در واپسـین سـال های عمر پیـامبر نـازل شـده است. مروری به سوره هـای آل عمران، نسـاء، مائـده، انفـال، توبه، عنکبوت، احزاب و... بیـانگر این حقیقت است.

اقدامات گروه نفاق برای گرفتن قدرت

۱– ترور ناکام

گروه نفـاق در مراجعت از تبوک تصـمیم گرفتنـد که شتر پیامبر را هنگام عبور از گردنه ای پی کننـد تا بـدین وسـیله ایشان را کشته و این واقعه را تصادفی جلوه دهند. (۱) سـپس در همان جا سقیفه ای به پا کنند و برای ابوبکر از سپاه بیعت بگیرند و آن گاه وارد مدینه شده، علی علیه السـلام را کنار بزنند و بر اوضاع مسـلط شوند؛ سپاه هم که با آنها بود. اما جبرئیل به رسول خبر داد و حضـرت با دلی مطمئن با حذیفه به طرف گردنه حرکت کرد. آن گاه صاعقه ای زد و چهره همه افراد گروه نفاق نمایان شد و در حالی که پیامبر صلی الله علیه و اله آنان را صدا می کرد، پا به فرار نهادند؛

البته ایشان به حذیفه امر کرد که آنان را تعقیب کند... . (۲)

۲– انکار وفات رسول

خلیفه دوم شمشـیر کشـیده بود و مـدام فریاد می زد که پیامبر نمرده است و هر کس مـدعی مردن او باشد، او را با این شمشـیر خواهم کشت. او زنده است و مانند موسی برمی گردد. (۳)

او بدین وسـیله می خواست منکر خلافت علی علیه السـلام شود؛ زیرا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و اله زنده است، دیگر علی، وصـی و جانشـین برای چه؟ و به طور طـبیعی، جریـان این گونه می شـد که پس از جعـل احـادیثی سـقیفه را هم در خود مسجد مدینه تشکیل می دادند و آن گاه ابوبکر به عنوان کسی که امور را در دست

۱– (۱) . بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۹۷ و ۱۰۰.

۲– (۲) . کتاب سلیم بن قیس، ج۲، ص۷۳ و۵۸۹؛ بحارالانوار، ج۲۸، ص۱۰۰.

۳– (۳) . کشاف، ج۲، ص۲۹۱.

می گیرد تا خود پیامبر برگردد، خلافت رای به عهده می گرفت ؛ اما خبردادن دو تن از انصار و این که عده ای در سقیفه گرد آمده اند تا خلیفه رای تعیین کنند، باعث تغییر نقشه شد. (۱)

۳- تغییر نقشه

ابوبکر که از مغزهای طراح این باند بود، متوجه شد که می توان خلافت رای به گونه ای دیگر هم ربود. این بود که بی درنگ نقشه رای تغییر داد و پس از دیدار از پیکر پیامبر از خانه بیرون رفت و عمر رای به آرامش دعوت کرد و آن گاه ادامه داد: «ای کسی که منکر فوت پیامبری ! هر کس محمد رای می پرستید، پس او مرده است و هر کس خدا رای می پرستید، پس او نمی میرد. خداوند فرموده : إِنَّکَ مَیِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَیِّتُونَ ۲ و نیز فرموده است : ...أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ... . (۲) و بدین طریق، او را متوجه ساخت که نقشه عوض شده است. این در حالی است که «عمرو بن زائده» همین آیات را برای عمر خوانده بود، اما او قانع نشده بود. (۳)

عمر تا این آیات را از زبان ابوبکر شنید، خود را به غش زد و او را به بیرون از جمعیت بردند. مردم به عزاداری و علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام نیز به تجهیز و دفن پیامبر مشغول بودند. ابوبکر، عمر و ابوعبیده خود را با شتاب به سقیفه رساندند و در راه قرارها گذاشتند.

۱- (۱) . دیار کبری، تاریخ الخمیس، ص۱۶۷؛ شرح ابن ابی الحدید، ج۲، ص۳۸؛ تاریخ طبری، ج۳، ص۲۱۸.

۲- (۳) . آل عمران، آیه۱۴۴: «پس آیا اگر (او) بمیرد یا کشته شود، به (عقاید کفرآمیز) گذشته هایتان بازمی گردید؟»

۳- (۴) . الغدیر، ج۷، ص۱۸۴.

۴- علت گرد آمدن انصار در سقیفه

اشاره

در تحلیل این که چرا انصار با آن که یاران فداکاری برای پیامبر بودند، این گونه با شتاب و دور از چشم مهاجران و قریش برای تعیین خلیفه در سقیفه گرد آمدند، می توان به عواملی چند اشاره کرد.

الف) ترس از قدرت قریش

ترس از انتقام قریش از انصار طبیعی بود؛ زیرا قریش که بیشترشان جزء گروه «مؤلفه القلوب» بودند، در هر حال انصار را قاتل خویشان خود می دانستند و به همین خاطر، انصار از حاکمیت آنان وحشت داشتند؛ چنان که «حباب بن منذر» از بزرگان انصار، در سقیفه گفت: «ما بیم داریم کسانی از شما بر سر کار آیند که ما پدران و برادرانشان را در جنگ کشته ایم؛ ترس از این که این افراد از ما انتقام بگیرند.» (۱)

ب) آگاهی از قدرت و نفوذ باند نفاق

آنها دسیسه های منافقان را در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و اله برای کنارگذاشتن علی علیه السلام و به قدرت رسیدنشان را با چشمان خود دیده بودند؛ تا آنجا که شاهد بودند چگونه با دستور پیامبر برای پیوستن به سپاه اسامه و آوردن قلم و کاغذ مخالفت کردند.

ج) شنیدن هشدارهای پیامبر

از رسول رحمت صلی الله علیه و اله شنیده بودند که پس از او به آنان صدماتی می رسد و باید بردبار و شکیبا باشند. (۲) این اخبار به جای آن که سبب هشیاری آنها و موضع گیری صحیح و حمایتشان از علی علیه السلام شود، باعث سوء استفاده سران آنان شد.

۱- (۱) . انساب الاشراف، ج۱، ص۵۸۲؛ الامامه و السیاسه، ص۷.

۲- (۲) . الطبقات، ج۲، ص۲۵۳؛ انساب الاشراف، ج۳، ص۵۳.

د) نبود امثال «سعد بن معاذ» در بین انصار

همان بزرگ مردی که اگر زنده بود، چه بسا هرگز سقیفه ای برپا نمی شد.

ه) نفاق سران و اشراف انصار

حقیقت این است که نفـاق مختص قریش و مهـاجران نبوده، بلکه در میان انصار هم رواج داشت و سـران ایشان نیز با علی علیه السـلام دشمن بودند. تعجب نکنید که بزرگان انصار منافق شده باشند. مگر همین ها نبودند که در تقسیم غنایم حنین به رسول الله صـلی الله علیه و اله اعتراض کردند؟ (۱) آیـا اعتراض به پیـامبر با ایمان واقعی جمع می شود؟ به گفته امام باقر علیه السـلام انصار از همان روز بی نور شدنـد: «فحط الله نورهم». (۲) همین انصار و رئیس آنان، سـعد، اگرچه در سقیفه شکست خوردند، اما باز با علی علیه السـلام بیعت نکردند. پیامبر درباره علی علیه السلام گفته بود: «فقط مؤمن تو را دوست دارد و فقط منافق تو را دشـمن می دارد.» سـعد می توانست علی علیه السـلام را با کمك خویشان خود به حق برسانـد. علی علیه السـلام می گفت: «اگر چهل یاور داشـتم، در خانه نمی نشستم»، ولی سعد در عین حال که با قریش دشمن بود، با علی علیه السلام نیز دشمن بود و حاضر نبود که او به خلافت برسد؛ زیرا می دانست که با وجود علی علیه السلام جایی برای امثال او نیست.

۵- سخنرانی ابوبکر در سقیفه

او در قسمتی از سخنانش چنین گفت: «اگر خزرج داوطلب این مقام شود، مسلم است که اوس تن درنخواهد داد؛ همچنین اگر اوس داوطلب شود، بدیهی است که خزرج تن درنخواهد داد. در نتیجه، زد و خورد و کشتاری در میان دو قبیله روی

۱- (۱) . سیره ابن هشام، ج۴، ص۱۴۷ و ۱۴۸؛ المغازی، ج۳، ص۹۵۷ و ۹۵۸.

۲- (۲) . الکافی، ج۲، ص۴۱۱؛بحارالانوار، ج۲۱، ص۱۷۷.

خواهد داد که هیچ گاه فراموش نمی شود و جراحت های علاج ناپذیری وارد خواهد آمد و اگر کسی از میان شما برخیزد، مثل این است که در میان چنگال شیری گرفتار شده باشد که مهاجر او را بِجَوَد و انصار او را مجروح کند.» (۱)

این سخنان به خوبی نشان می دهد که چگونه ابوبکر بین اوس و خزرج اختلاف می اندازد، رگه های تعصب جاهلی را زنده می کند و آن چه را رسول سال ها برای آن خون دل خورده بود، بر باد می دهد.

۶- حیله

ابوبکر بعد از سخنرانی، خطاب به انصار گفت: «ای جماعت! من انتخاب یکی از این دو نفر - عمر و ابوعبیده - را به مصلحت شما می دانم. با هریک از این دو می خواهید، بیعت کنید.» آن دو هم طبق قرار قبلی، آن چه ابوبکر به آنان حوالت داده بود، به خودش پاس دادند و گفتند: «نه! به خدا قسم ما هیچ کدام با بودن تو عهده دار این امر نمی شویم! تو یار پیامبری؛ دستت را پیش آور تا با تو بیعت کنیم» و آن گاه به طرف ابوبکر حرکت کردند.

اوسی ها که می دیدند نزدیک است رئیس خزرجی ها - سعد بن عباده - خلیفه شود، کوشیدند که زودتر از عمر و ابوعبیده خود را به ابوبکر رسانده و با او بیعت کنند تا در نتیجه به پست های حساس تری دست یابند. (۲)

خزرجی ها نیز برای آنکه عقب نمانند، شتاب کردند و البته حسادت «بشیر بن سعد» به پسرعموی خود، سعد در این شتاب بی تأثیر نبود؛ چون او نیز ادعای ریاست خزرج داشت.

۱- (۱) . جاحظ، البیان و التبیین، ج۳، ص۱۸۱؛ دکتر حسن ابراهیم، تاریخ اسلام، ج۱، ص۲۰۴.
۲- (۲) . شرح ابن ابی الحدید، ج۶، ص۱۰.

۷– کودتا

عمر همیشه می گفت: «کانت بیعه ابی بکر فلته وقی الله المسلمین شرّها ومن اتی مثلها فاقتلوه»؛ (۱)

بیعت ابوبکر شتاب زده و ناگهانی بود و خداوند مسلمانان را از شر آن حفظ کرد و هر کس به این شکل در انتخاب خلیفه عمل کند، او را بکشید. شتاب برای تصاحب خلافت تا آنجا بود که ابوبکر، عمر و عایشه، هیچ یک در دفن رسول خدا صلی الله علیه و اله شرکت نداشتند. (۲) عایشه می گوید: «ما از دفن پیامبر آگاه نشدیم، مگر آن گاه که صدای بیل ها را شنیدیم.» (۳)

اقدامات گروه نفاق برای تثبیت قدرت

اشاره

هر باند کودتا با دو گروه درگیر است: «توده» و «مخالفان سرشناس». این باند برای درگیری با آنان به یک حامی مسلح و پشتوانه نظامی نیاز دارد.

۱– قدرت نظامی

حامی مسلح باند کودتا قبیله بدوی و وحشی «بنی اسلم» است که به اقرار خود عمر نقشی به سزا در پیروزی کودتاگران داشت. طبری نقل می کند که قبیله اسلم پس از ورود به مدینه چنان در کوچه ها تجمع کردند که کوچه ها گنجایش آنان را نداشت و عمر می گفت: همین که قبیله اسلم را دیدم، به پیروزی یقین پیدا کردم. (۴)

۱– (۱) . مسند احمد، ج ۱، ص ۵۵؛ صحیح بخاری، ج ۱۰، ص ۴۴.

۲– (۲) . کنزل العمال، ج ۳، ص ۱۴۰.

۳– (۳) . سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۱۴؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۶۸.

۴– (۴) . تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۹.

ابن اثیر در کامل می نویسد: «قبیله بنی اسلم آمدند و بیعت کردند. درنتیجه ابوبکر قوی شد و آن گاه مردم با ابوبکر بیعت کردند.» (۱)

۲- برخورد با توده مردم

۱. ایجاد فضای رعب و وحشت؛

۲. ایجاد تزلزل از طریق پخش شایعات و احادیث جعلی و بی اساس؛ مانند آن چه ابوبکر می گفت: «ما از پیامبر شنیدیم که فرمود: خلافت و نبوت برای ما اهل بیت جمع نمی شود»؛ (۲)

۳. قراردادن مردم در برابر اهل بیت با جعل حدیث «انّا معاشر الانبیاء لا نورّث درهماً ولا دیناراً»؛ (۳)

۴. خریدن مردم به وسیله پول؛ ابن ابی الحدید نقل می کند:

وقتی ابوبکر بر سر کار آمد، پولی در میان مهاجر و انصار تقسیم شد و در این میان، قدری را برای زنی از انصار بردند. وقتی که زن پرسید: «این پول برای چیست؟» گفتند: «پولی است که ابوبکر داده و سهمی نیز به تو رسیده است.» زن گفت: «آیا می خواهید در امر دین به من رشوه دهید! به خدا سوگند هرگز چیزی از آن را نخواهم پذیرفت!» (۴)

۵. در لباس دلسوزی درآمدن؛ وقتی به ابوبکر اعتراض شد که با وجود علی علیه السلام چرا خلافت را عهده دار شدی؟ گفت: «از فتنه ترسیدم». (۵)

۱- (۱) . کامل، ج۲، ص۳۳۱.
۲- (۲) . بحارالانوار، ج۲۸، ص۲۷۴؛ احتجاج، ج۱، ص۲۱۴.
۳- (۳) . خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام و پاسخ ابوبکر به حضرت.
۴- (۴) . شرح ابن ابی الحدید، ج۲، ص۵۳؛ کنز العمال، ج۵، ص۶.
۵- (۵) . انساب الاشراف، ج۱، ص۵۸۲؛ مروج الذهب، ج۲، ص۳۰۷.

۳– برخورد با مخالفان (به صورت انفرادی یا گروهی)

۱. تطمیع؛ عـده ای را با وعده قدرت و حکومت خریدند - مانند عثمان - و عده ای دیگر را با درهم و دینار رام ساختند؛ مانند ابوسفیان، طلحه و اسید بن حضیر.

۲. تهدیـد؛ عـده ای را بـا تهدیـد به قتـل و ضـرب و شـتم از صـحنه بیرون کردنـد و در برابر برخی دیگر، پـا را از تهدیـد فراتر گذاشـته، به ضـرب و شـتمشان پرداختند. شمشـیر زبیر را شکسـته، بر سینه اش نشاندند (۱)و ابوذر، سـلمان و مقـداد را آن قدر زدند که سلمان می گوید: «گردنم همچون غده ای ورم کرد و بالا آمد» (۲) و اگر علی علیه السلام به فریادش نرسیده بود، او را کشته بودند.

۳. حصـر؛ عمر پس از انتخـاب ابوبکر، خروج صـحابه را از مـدینه ممنوع کرد؛ به این بهـانه که می ترسم اصـحاب رسول خـدا صلی الله علیه و اله در میان مردم پراکنده شوند و باعث گمراهی آنها شوند. (۳)

۴. جعل حدیث؛ این سیاست بر کسانی کارگر افتاد که در عین داشتن تقوا سرانجام احادیث دروغ و تبلیغات مسموم آنان را به شک و شبهه انداخت.

۵. ترور و کشتار؛ این خطرناک ترین اقدام باند نفاق به عنوان آخرین حربه بود. کسانی را که قابل تطمیع و خریداری نبودند یا تهدید در آنها اثر نمی کرد، ناجوانمردانه ترور می کردند.

نمونه این ترورها ماجرای «سـعد بن عباده» است که او را در تاریکی شبانه با تیر کشتند و آن گاه اعلان کردند که جن ها او را کشتند. (۴) نیز تصمیم به کشتن

۱- (۱) . مفید، امالی، ص۴۹ و ۵۰؛ شرح ابن ابی الحدید، ج۶، ص۴۸.

۲- (۲) . کتاب سلیم بن قیس، ج۲، ص۵۹۳.

۳- (۳) . شرح ابن ابی الحدید، ج۲۰، ص۲۰؛ تاریخ بغداد، ج۷، ص۴۵۳.

۴- (۴) . انساب الاشراف، ج۱، ص۵۸۳.

علی علیه السلام گرفتند، اما با جانفشانی حضرت زهرا علیها السلام و پیش گیری سیاست تقیه از معرکه جان سالم به در برد. «مالک بن نویره» را که از اصحاب پیامبر بود و از سوی ایشان مأمور جمع آوری زکات بود - به دلیل اعتقاد به غاصب بودن سران سقیفه و ندادن زکات به آنان - ناجوانمردانه گردن زدند. (۱) «فجائه ایاس بن عبدالله»، صحابی پیامبر با برچسب ارتداد، در حالی که دست و پایش را بسته بودند، به درون آتش انداخته و زنده زنده سوزاندند. (۲)

۶. کشتار دسته جمعی؛ بسیاری از قبایل مخالف به بهانه نپرداختن زکات یا با برچسب ارتداد و قرارگرفتن در ردیف «مسیلمه»ها و «طلیحه»ها از دم تیغ مأموران خلیفه نخست گذشتند. شواهد بسیاری در دست است که به یقین اثبات می کند آنان نه مرتد بودند و نه حتی منکر اصل زکات، بلکه به علت به رسمیت نشناختن خلیفه، تنها از پرداختن زکات به شخص ابوبکر خودداری می ورزیدند؛ چنان که برخی از تاریخ نگاران نیز به این حقیقت تصریح کرده اند.

ابن کثیر می گوید:

قبایل مختلف عرب، گروه گروه وارد مدینه می شدند و به نماز اقرار می کردند ولی از پرداخت زکات امتناع می ورزیدند. عده ای نیز تنها از پرداختن زکات به شخص ابوبکر امتناع داشتند. (۳)

یعقوبی نیز می گوید:

گروهی از عرب مدعی پیامبری شدند و گروهی مرتد شدند و تاج ها بر سر نهادند؛ گروهی هم از دادن زکات به ابوبکر امتناع ورزیدند. (۴)

ص:۱۱۴

۱- (۱) . الغدیر، ج۷، ص۱۵۸؛ تاریخ طبری، ج۱، ص۱۹۲۷.

۲- (۲) . تاریخ طبری، ج۳، ص۲۳۴؛ تاریخ ابن کثیر، ج۹، ص۳۱۹.

۳- (۳) . البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۳۱۱.

۴- (۴) . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۸.

فرجام

در این واحد آموزشی گفته شد که اگرچه رسول آگاه و بیدار بارها از قبل فقدان خود را گوشزد کرده و آن را قطعی نشان داده بود و با تأکید مدام از نخستین روزهای دعوت تا آخرین لحظات بر ولایت علی علیه السلام و نشان دادن شایستگی های او، هیچ جایی برای نگرانی باقی نگذاشته بود؛ اما پس از رحلت ایشان مواردی پیش آمد که منجر به اختلاف، تفرقه و محرومیت از رهبری حضرت علی علیه السلام شد. این موارد از این قرار است:

۱. حیرت و نگرانی پیش آمده از فقدان حضرت رسول صلی الله علیه و اله ؛

۲. کمبود یاران توانمند و مخلص برای علی علیه السلام ؛

۳. حاکمیت نظام قبیله ای بازمانده از جاهلیت؛

۴. کینه قبایل عرب، به ویژه قریش از حضرت علی علیه السلام ؛

۵. نوپایی اسلام؛

۶. وجود باند پرقدرت نفاق.

ص:۱۱۵

آزمون پایانی

۱. کدام یک از گزینه های زیر بیانگر عظمت مصیبت فقدان حضرت رسول صلی الله علیه و اله است؟

الف) «یا احمد! ان الله قد اشتاق إلی لقائک.»

ب) مرثیه های جان سوز علی علیه السلام و زهرا علیها السلام

ج) تأثر و اندوه توده مردم

د) همه موارد

۲. کدام یک از موارد زیر عامل نگرانی مردم پس از رحلت پیامبر نبود؟

الف) وجود دو ابرقدرت مترصد در دو طرف جزیره

ب) شورش های مدعیان نبوت

ج) بحران های فردی و اجتماعی

د) درگیری منافقان با اهل بیت پیامبر

۳. امام باقر علیه السلام در تحلیلی می فرماید: «به خدا قسم! اگر علی علیه السلام به جای عقیل و عباس، .... و .... را داشت، هرگز در خانه نمی نشست.»

الف) جعفر و حمزه ب) مصعب و جعفر

ج) طالب و مصعب د) حمزه و مصعب

۴. کدام گزینه گواه بر کمبود یاران حضرت علی علیه السلام است؟

الف) نبود مدافع و سوختن در خانه حضرت زهرا علیها السلام

ب) عدم اعتراض، هنگام به زور بردن علی علیه السلام به مسجد

ج) عدم قیام و اهانت به حضرت زهرا علیها السلام در مسجد

د) همه موارد

۵. کدام گزینه حاکمیت نظام قبیله ای را از عوامل انحراف بعد از پیامبر معرفی می کند؟

الف) نقش قبیله بدوی بنی اسلم

ب) رقابت قبیله ای بین اوس و خزرج

ج) رقابت قبیله ای بین انصار و مهاجر

د) الف و ب درست است.

۶. این عبارت امیرمؤمنان علی علیه السلام : «............فانا ابوالحسن قاتل جدک واخیک وخالک» خطاب به کیست؟

الف) ابوسفیان ب) زبیر

ج) معاویه د) طلحه

۷. چرا پیامبر علی علیه السلام را دوبار به یمن فرستاد؟

الف) شناساندن جانشین خود به یمنی ها.

ب) عدم کینه و حسادت آنها نسبت به علی علیه السلام .

ج) یاوری علی علیه السلام از سوی آنها در آینده

د) همه موارد

۸. کدام گزینه دلیل بر سطحی بودن ایمان اکثر مسلمانان پس از رحلت پیامبرنیست؟

الف) پیوستن تعداد بی شماری به متنبی ها

ب) درخواست های جاهلی برخی هیئت های نمایندگی قبایل

ج) جریان قلم و دوات

د) همه موارد

ص:۱۱۷

۹. کدام یک از موارد زیر گواه بر وجود باند نفاق نیست؟

الف) جریان قلم و دوات

ب) گذاشتن علی علیه السلام در مدینه در جریان جنگ تبوک

ج) ترور پیامبر در بازگشت از تبوک

د) تصمیم اهل مکه بر بازگشت به جاهلیت، بعد از رحلت پیامبر

۱۰. به چه دلیل، انصار بعد از رحلت پیامبر برای تعیین خلیفه در سقیفه گردآمدند؟

الف) ترس از قدرت قریش

ب) شنیدن هشدارهای پیامبر

ج) الف و ب درست است

د) آگاهی از قدرت اشراف

۱۱. این عبارت از کیست: «بیعت با ابوبکر شتاب زده و ناگهانی بود... .»

الف) علی علیه السلام ب) عمر

ج) عثمان د) زبیر

۱۲. کدام گزینه از اقدام های باند نفاق پس از کودتای سقیفه نیست؟

الف) ایجاد قدرت نظامی ب) ایجاد رعب و وحشت

ج) مذاکره با مخالفان د) تطمیع مخالفان

ص:۱۱۸

۳- گام های حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت

درآمد

بالاترین ظلم ها غصب وصایت رسول الله صلی الله علیه و اله است و مهم ترین اقدام احقاق این حق بدون همراهی اهل بیت علیهم السلام محال است.

و زهرا علیها السلام این اسوه همیشه هوشیار، یک تنه گام هایی در این راه برداشت. هریک از اقدام های او مانند یک چشمه است تا انسان های آزاده به دور از تعصب بتوانند خود را در آن پاک و بی آلایش گردانند.

پیش آزمون

۱. آیا می دانید که موضع گیری حضرت زهرا علیهاالسلام درباره انحراف سقیفه چگونه بود؟

۲. چگونگی برخورد فاطمه علیها السلام را با حاکمان این دوره توضیح دهید.

۳. به راستی چرا حضرت زهرا علیها السلام شب ها به در خانه مهاجران و انصار می رفت؟

۴. چه عواملی باعث شد که صدیقه طاهره در مسجد النبی صلی الله علیه و اله سخنرانی کند؟

۵. حضرت فاطمه علیها السلام غیر از گریستن و نوشتن وصیّت نامه چه حرکت های اعتراض آمیز دیگری انجام داد؟

ص:۱۱۹

حرکت های فردی

۱- استنصار

اشاره

این حرکت حضرت زهرا علیها السلام بسیار حساب شده بود؛ هم شکل حرکت و هم متن گفت وگوها بیدارکننده بود. مقصود از استنصار، دعوت های شبانه ایشان است. او پس از کودتای سقیفه، شب ها دست حسنین علیها السلام را گرفته و با علی علیه السلام به در خانه های مهاجران و انصار می رفت و از آنها در حمایت از علی علیه السلام یاری می خواست (۱) و آنها را به یاد بیعتشان و سفارش های رسول خدا صلی الله علیه و اله در حق علی علیه السلام می انداخت تا شاید بتواند چهل یاور برای علی علیه السلام فراهم کند؛ زیرا از علی علیه السلام شنیده بود: «اگر چهل یاور داشتم، در خانه نمی نشستم.» آنها هم یا در را باز نمی کردند و جوابی نمی دادند یا وعده می دادند، امّا حاضر نمی شدند. زهرا علیها السلام تا چندین شب چنین کرد، اما تنها چهار نفر به سرقرار آمدند.

۱. شکل حرکت

-چرا علی علیه السلام ساکت بود و فاطمه علیها السلام با آنها سخن می گفت؟

اگر می بینید که زهرا علیها السلام به جای علی علیه السلام درها را می کوبد و آنها را به یاری علی علیه السلام می خواند، گذشته از «پیمان عقبه» به این خاطر است که آنان کینه های بدر، احد، احزاب و... را از علی علیه السلام به دل دارند، ولی از او به دل ندارند.

-چرا حضرت علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را سوار بر شتر می کرد؟

اگر علی علیه السلام او را سوار بر شتر می کرد - با این که خانه ها به یکدیگر نزدیک بود و مدینه هم وسعتی نداشت - شاید به سبب کسالت و رنجوری او از مصیبت های واردآمده بود؛ به گونه ای که ناگزیر می بایست سواره می رفت.

۱- (۱) . شرح ابن ابی الحدید، ج۶، ص۱۳؛ الامامه و السیاسه، ج۱، ص۱۲.

-چرا حسنین علیها السلام را همراه خود می برد؟

به همراه بردن ایشان، نه برای برانگیختن ترحم مسلمانان، بلکه به خاطر زمینه هایی بود که حضرت رسول صلی الله علیه و اله با بیداری و آگاهی از پیش برای آن دو فراهم کرده بود تا شاید با حضور این دو و یادآوری آن زمینه ها مردم از خواب غفلت برخیزند؛ زیرا همه می دانستند که این دو در آیات مباهله، تطهیر و آیه وَ یُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یَتِیماً وَ أَسِیراً ۱ وارد شده اند. پیامبر گذشته از احادیث ثقلین، سفینه، خلفای اثنا عشر و... درباره این دو بزرگوار می فرمود: «هذا ابنای وابنا ابنتی اللهّم انّی أحبّهما واحبّ من یحبهما»؛ (۱) «الحسن والحسین امامان قاما او قعدا»؛ (۲) «الحسن والحسین سیدا شباب اهل الجنه»؛ (۳) «انا سلم لمن سالمتم و حرب لمن حاربتم» (۴) و «احبّ اهل بیتی إلیّ الحسن و

۱- (۲) . کنزالعمّال، ج۶، ص ۲۲۰؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج۹، ص ۱۸۰.

۲- (۳) . ارشاد مفید، ص ۲۲۰؛بحارالانوار، ج۴۴، ص۲۸.

۳- (۴) . جوینی، فرائد السمطین، ج۲، ص۳۵.

۴- (۵) . سنن ترمذی، ج۵، ص۶۹۹؛ فرائد السمطین، ج۲، ص۲۸.

الحسین». (۱) پیامبر شهادت آنها را در خردسالی پذیرفت (۲) و نیز در بیعت رضوان (شجره) با آن که هنوز خردسال بودند، با آنـان بیعت کرد (۳) و هنگـام نمـاز، آن قـدر در سـجده می مانـد تا آنان خود از شانه های رسول صـلی الله علیه و اله کنار می رفتند. (۴)

به هر حال، این ها و نیز دلایل دیگر سبب شد که زهرا علیها السلام دست حسن و حسین علیها السلام را بگیرد و همراه خود ببرد؛ اما گویا آنان چنان خود را به خواب زده و بلکه مرده بودند که مسیح هیچ، حتی دم خدایی فاطمه علیها السلام هم نمی توانست آنان را زنده کند! خَتَمَ اللّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ... . (۵)

۲. متن گفت وگوها

علاوه بر آیه تبلیغ و مباهله و احادیث ثقلین، سـدالابواب و م نزلت - که در مباحث پیش آمـد - متن برخی گفت وگوها چنین بود:

الف) بیعت عقبه

در عقبه دوم، انصار با رسول خدا صـلی الله علیه و اله بیعت کردند، مبنی بر این که همان گونه که از جان، فرزندان و اهل بیت خود دفاع می کننـد، از پیامبر و فرزندان او نیز دفاع کنند، همواره یاورو مطیعشان باشـند، (۶) در امر خلافت با اهل بیت رسول صلی الله علیه و اله منازعه نکنند (۷) و... .

از این رو، حضـرت فاطمه علیها السلام شب ها به در خانه مهاجر و انصار می رفت و می فرمود: «ای گروه مهاجر و انصار! خدا را یاری کنید و دختر پیامبرتان را یاوری نمایید. آن روز که با رسول خدا صلی الله علیه و اله بیعت کردید، بیعت شما چنین بود که همچنان که هر ناراحتی را از خود و فرزنـدانتان بازمی داریـد، از او و فرزندان او نیز بازدارید. اکنون به عهدی که با رسول خدا صلی الله علیه و اله بستید، وفا کنید.» (۸)

۱- (۱) . تهذیب تاریخ ابن عساکر، ج۴، ص۲۰۵.

۲- (۲) . جعفر مرتضی، زندگانی سیاسی امام حسن، ص۵۶.

۳- (۳) . ارشاد مفید، ص۲۱۹.

۴- (۴) . جعفر مرتضی، الحیاه السیاسیه للامام الحسن فی عهد الرسول و الخلفاء الثلاثه.

۵- (۵) . بقره، آیه۷: «خـدا بر دل هـای آنان و بر شـنوایی شان مهر نهاد و بر دیـدگانشان پرده ای است و عـذاب بزرگی برای ایشان است».

۶- (۶) . الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج۲، ص۲۰۴.

۷- (۷) . همان.

٨- (٨) . الاختصاص، ص١١٨٣و١٨٤.

ب) واقعه غدیر

غدیر، روز حیات اسلام و ادامه رسالت است؛ روز عصمت و حجیت خلافت عترت؛ روز راندن شیطان و روشن شدن حق؛ روز عهد، پیمان و گشایش؛ روز برهان، داوری، ارشاد و آزمون؛ و در نهایت، روز اوصیا و انبیا است. (۱)

در اهمیت این روز همین بس که همه ائمه علیهم السلام (۲) به آن احتجاج می کردند و حضرت زهرا علیها السلام نیز در ملاقات انصار و مهاجران می فرمود: «آیا سخن رسول خدا صلی الله علیه و اله را در غدیر فراموش کردید که فرمود: من کنت مولاه، فعلی مولاه؟!» (۳) و در برابر عذرتراشی های رسوای آنان نیز می فرمود: «ای مردم! آیا پدرم پس از واقعه غدیر که علی علیه السلام را به امامت منصوب کرد، عذری برای کسی باقی گذاشت؟!» (۴)

ج) حدیث م نزلت

این روایت از احادیث متواتری است که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند. (۵) از همین رو، حضرت زهرا علیها السلام به آن احتجاج می فرمود: «انسیتم قول رسول الله... وقوله: انت منی بمنزلهٔ هارون من موسی». (۶)

زهرا علیها السلام گفت و گفت، ولی هیچ کس پاسخی به او نداد و یاری اش نکرد و برخی نیز بهانه آوردند که با ابوبکر بیعت کرده اند و اگر علی علیه السلام زودتر آمده بود، با او بیعت می کردند! گویا فراموش کرده بودند که هفتاد روز پیش در غدیر با

۱- (۱) . مصباح المتهجد، ص۶۹۴.

۲- (۲) . الغدیر، ج۱، ص ۱۵۶ - ۲۱۳؛ علامه شرف الدین، مراجعات، ص۲۶۵ - ۲۷۴.

۳- (۳) . المراجعات، ص۱۹۷؛ بحارالانوار، ج۳۶، ص۳۵۳.

۴- (۴) . شیخ صدوق، خصال، ج۱، ص۱۷۳.

۵- (۵) . صحیح مسلم، ج۴، ص۱۰۸؛ صحیح بخاری، ج۵، ص۲و۲۴؛ صحیح ترمذی، ج۲، ص ۳۰.

۶- (۶) . قاضی شوشتری، احقاق الحق، ج۶، ص۲۸۲.

علی علیه السـلام بیعت کرده بودند. با این حال، علی علیه السلام به آنان می فرمود: «آیا من می توانستم پیکر رسول خدا صلی الله علیه و اله را در منزلش رها کرده و با مردم بر سـر حکومت نزاع کنم؟!» زهرا علیها السـلام هم می فرمود: «علی علیه السـلام آن چه شایسته بود، انجام داد و آنان نیز کارهایی کردند که تنها خدا از آنان حساب خواهد کشید.» (۱)

۲- پاسداری

پس از آن که سـران کودتـا علی علیه السـلام را به بیعت فراخواندنـد، او خـودداری کرد (۲) و فرمـود: «سـبحان الله! چه زود به رسول خـدا دروغ بستیـد! ابوبکر و اطرافیانش خوب می داننـد که خدا و پیامبرش غیر از من کسـی را به جانشـینی برنگزیدند». (۳)

ابوبکر به اشارت عمر (۴) فرمـان هجوم به خانه زهرا علیها السـلام را داد و به عمر گفت: با جماعتی به خانه زهرا علیها السـلام برو. عمر که مـدت ها در انتظار چنین روزی بود، بی درنگ با توده ای از آتش (۵) و جماعتی از منافقان به طرف خانه هجوم برد (۶) و فریاد زد: «به خدا قسم اگر برای بیعت بیرون نیاید، خانه را با اهلش به آتش خواهم کشـید! زهرا علیها السلام تا صدا را شـنید، بـا عجله به سـمت در خـانه رفته، آن را محکم بست (۷) و از همـان جا (۸) به دفـاع از علی برخـاست. آن گاه گفت وگویی بین حضـرت زهرا علیهـا السـلام و عمر درگرفت که بازنـده اش عمر و نشـانه شـکست او، سوختن در خـانه زهرا علیها السلام و شکستن پهلویش

۱- (۱) . شرح بن ابی الحدید، ج۶، ص۱۳.

۲- (۲) . تاریخ طبری، ج۳، ص۲۰۷.

۳- (۳) . بحارالانوار، ج۲۸، ص۲۲۷و ۲۹۸.

۴- (۴) . الامامه و السیاسیه، ج۱، ص۱۹.

۵- (۵) . بحارالانوار، ج۳۰، ص۳۴۸.

۶- (۶) . تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۲۶.

۷- (۷) . تفسیر عیاشی، ج۲، ص۶۶.

۸- (۸) . بحارالانوار، ج۳۰، ص۲۹۳.

بود. (۱) اینجا بود که حضرت فاطمه علیها السلام شکایت به پدر کرد و نزدیک بود احساسات مردم رای شعله ور سازد که تازیانه ای فرارفت و فرود آمد. (۲) علی تا حال زهرا علیها السلام رای چنین دید، چونان شیر غرید و ناگهان عمر، خود رای زیر پنجه های مرد خیبر و خندق دید و اگر علی علیه السلام مأمور به صبر و سکوت نبود، پاسخ این بی حرمتی و جسارت ها رای می داد. جماعتی به کمک عمر آمده ، علی رای محاصره کردند و ریسمان به گردنش انداختند. این بود که فاطمه علیها السلام بی درنگ خود رای با همه جراحتی که داشت ، از جا کند و مانع بردن علی شد. (۳) ناگهان صفیر تازیانه ای سینه آسمان رای شکافت و باز هم به اندام شقایق ، خطی از خون کشید. (۴) زهرا علیها السلام از پا افتاد و مشتی رجاله ، علی علیه السلام رای به زور به مسجد بردند و او رای تهدید کردند که اگر بیعت نکنی ، کشته می شوی . در این هنگام ، زهرا علیها السلام برای لحظه ای به هوش آمد، بی درنگ به سمت مسجد شتافت و ناگهان تمام نگاه ها به در دوخته شد. زهرا علیها السلام آمد و چه به موقع با پیراهن رسول صلی الله علیه و اله بر سر و دست حسنین علیهما السلام در دست ... (۵) آن گاه پیامبرگونه فرمود: «پسر عمویم رای رها کنید! قسم به خدایی که محمد رای به حق فرستاد، اگر دست از و ی برندارید، سر خود رای برهنه کرده ، پیراهن رسول خدا رای بر سر افکنده ، در برابر خدا فریاد برخواهم آورد و همه تان رای نفرین می کنم ! به خدا نه من از شتر صالح کم ارج ترم و نه کودکانم از بچه او کم قدرترا!» (۶)

آن گاه دست حسن و حسین علیها السلام رای گرفته ، به طرف قبر رسول صلی الله علیه و اله رفت تا

۱- (۱) . فرائدالسمطین ، ج۲، ص ۳۴ و ۳۵.

۲- (۲) . مقاتل بن عطیه ، الامامه و الخلافه ، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۳- (۳) . الاحتجاج، ج۱، ص ۲۱۱.

۴- (۴) . صلاح الدین صفری ، الوا فی بالوفیات ، ج۳، ص ۳۴۴.

۵- (۵) . کافی ، ج۸ (روضه)، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

۶- (۶) . همان ، ص ۲۳۸، اختصاص ، ص ۱۸۵.

این قوم پیمان شکن رای نفرین کند. علی علیه السلام به سلمان گفت : «فاطمه رای دریاب ! گویی دو طرف مدینه رای می نگرم که به لرزه درآمده است .» سلمان سراسیمه خود رای به زهرا علیها السلام رساند و تقاضا کرد که نفرین نکند. (۱) زهرا فرمود: «سلمان ! چه جیء صبر است ؟! الآن است که علی رای بکشند! مرا رها کن تا کنار قبر پدرم روم ، سر برهنه کرده ، گریبان چاک دهم و به درگاه خدا نفرین کنم .» (۲)

دل شوره ای همه رای گرفت . نزدیک بود که جرقه ای احساسات متراکم رای به انقلابی بکشاند. ناگهان یکی فریاد زد: «ای ابوبکر! چه قصد داری ؟ آیا می خواهی عذاب نازل شود؟!» (۳)

ابوبکر زود دریافت که شرا یط خطرناک است . این بود که به سرعت از در سازش درآمد و به طور موقت از علی علیه السلام درگذشت و او رای رها کرد. مرد خیبر ریسمان رای از گردن خود درآورد و نگاهی پرمعنا به آن جماعت انداخت . آن گاه به سوی پاسدار و لا یت ، زهرای اطهر علیها السلام رفت . زهرا علیها السلام نگاهش رای به او دوخت و گفت : «علی جان ای امامم ! جانم فدایت و سپر بلایت ! ای اباالحسن ! همواره با توام ، چه در خوشی ها و چه در سختی ها.» (۴) آن گاه دست علی علیه السلام رای گرفت و او رای آرام به خانه برد. (۵)

۳- افشاگری در مسجد مدینه (خطبه فدکیه)

فدک در این خطبه بهانه ای بیش نیست . همین است که در سراسر خطبه نامی از

ص:۱۲۶

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۲۸، ص ۲۰۶ - ۲۰۷؛ الاحتجاج، ج۱، ص ۲۲۲.

۲- (۲) . الاحتجاج، ص ۲۲۸ و تفسیر عیاشی ، ج۳، ص ۶۷.

۳- (۳) . الکافی ، ج۸ (روضه)، ص ۲۳۸.

۴- (۴) . حایری مازندرانی ، الکوکب الدری ، ص ۱۹۶.

۵- (۵) . الکافی ، ج۸ (روضه)، ص ۲۳۸؛ بحارالانوار، ج۲۸، ص ۲۵۲.

آن نیست و تمـامی اش در محکومیت و رسوایی خلفا، عظمت و رنـج های رسول صـلی الله علیه و اله ، و صایت و فضایل علی علیه السـلام ، تکریم و تحریک انصار و آگاهی و هشدار مردم است . بحث زهرا علیها السـلام بحث زمین نبود؛ بحث اصـلی با توجه به پاسخ موسی بن جعفر علیه السلام به مهدی عباسی ، خلافت و و صایت رسول بود. (۱)

زهرا علیها السـلام به بهانه غصب فـدک ، آن چنان مهیـج، کوبنـده ، مسـتدل و مبرهان سـخن گفت که خلیفه رای رسوا، مردم رای هوشیار و انصار رای تحریک کرد. با ناله ها و یاد رسول صلی الله علیه و اله از دیده ها اشک گرفت و و لوله ای درگرفت . جمـاعتی دست به قبضه هـا بردنـد و خلیفه بردبـار و حلیم و ادار شـد که همچون فرعون در برابر موسـی هوچی گری کنـد و هراسان و پریشان زبان به دشنام گشاید (۲) و از بیم قیام مردم به تهدید و تطمیع روی آورد و سرانجام به ننگ این رسوایی تن دهد.

اینجـا دیگر پایـان کـار زهرا علیها السـلام بود و شـروع کار مردم که می توانسـتند با این اتمام حجت ها و براهین آشـکار به پا خیزنـد، دست بر اسـلحه برند و اقدامی کنند و یا به زمین چسـبند: ...اِثّاقَلْتُمْ إِلَی الْأَرْضِ... ۳ و به جیء شـهامت اقدام ، به اشک ریختن و افسوس خوردن قناعت کنند و ذلت ابدی رای بر خود بخرند. آنان بد انتخابی کردند که هنوز مجازات سنگینش رای می کشند و غرامتش رای می پردازند.

۴- بایکوت

یکی دیگر از اقـدامات حضـرت زهرا علیها السـلام برای رسوا کردن بانـد نفاق و اتمام حجت با مردم ، همان سـکوت اوست . زهرا علیها السلام تصمیم گرفت که دیگر با ابوبکر و

۱- (۱) . الکافی ، ج۱، ص ۵۴۳.

۲- (۲) . شرح ابن ابی الحدید، ج۱۶، ص ۲۱۴ و ۲۱۵.

عمر سـخن نگویـد و تـا پایـان حیاتش هم بر سـر تصـمیم خود مانـد. او به ابوبکر - درحالی که حقش رای غصب کرده بود - فرمـود: «به خـدا سوگنـد تـو رای نفرین می کنم ! و به خـدا سوگنـد تـا زنـده ام بـا تو کلمه ای سـخن نخواهم گفت !» (۱) نیز هنگامی که عمر به خانه اش حمله برده و آنجا رای به آتش کشیده بود، به او فرمود: «به خـدا سوگند تا زنده ام با عمر سـخن نخواهم گفت !» (۲) گاهی بلندترین فریادها رای از دهان سکوت باید شنید.

۵- هشدار (سخنانی در هنگام بیماری خطاب به زنان انصار)

مقصود، انـذارهای بلند زهرا علیها السـلام و فریادهای جان سوز و انسان ساز او در آخرین روزهای عمر بر بستر بیماری است . زهرا علیها السـلام در سینه اش جز خشـیت خدا و بر لبانش جز حما یت و لی چیزی نیست و تمامی هستی خود رای یک جا با خـدا معامله می کنـد و رسالت خود رای همین می دانـد؛ آن هم بی هیـچ مزدی : ...لا نُرِیـدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُـکُوراً . (۳) باید دفـاع از ولایت را از زهرا علیها السـلام آموخت؛ در بستر بیماری، آن گاه که درد تازیانه طاقتش را برده و آخرین ساعات عمر خود را می گذرانید، زنانی چند از مهاجران و انصار به عیادتش می آیند و از او یک سؤال، تنها یک سؤال می پرسـند: حالتان چطور است؟

زهرا علیهـا السـلام این زنـده دل بیـدار و آموزگـار ظرافت، آن چنان می شورد، به غیرت های مرده آنان می تازد، آگاهی می بخشد، اشک می گیرد، به آنها از فقدان ولایت و

۱- (۱) . کشف الغمه، ج۲، ص۳۷؛ شرح ابن ابی الحدید، ج۱۶، ص۲۱۴.

۲- (۲) . شرح ابن ابی الحدید، ج۱، ص۱۳۷.

۳- (۳) . انسان، آیه۹: «ما شما را فقط به خاطر ذات خدا غذا می دهیم، هیچ پاداش و سپاس گزاری ای از شما نمی خواهیم.»

ضایع کردن حق علی علیه السلام هشدار می دهد و چنان زنان را تحریک می کند که از جا برمی خیزند، سراسیمه به خانه های خود می روند، از همسران خود کمک می خواهند و آنان را به احقاق حق ولایت ترغیب می کنند؛ تا آن جا که مردان در اطراف خانه زهرا گرد آمده و اجتماع می کنند؛ اما کسانی آنان را به یاد بیعتشان می اندازند. آن گاه نزد زهرا می آیند و عذر تقصیر می آورند که: «اگر علی هم زودتر آمده بود، با او بیعت می کردیم.» و زهرا علیها السلام وقتی که عذرهای واهی را شنید، سخت برآشفت و فرمود: «پی کارتان بروید! دیگر پس از این گونه عذرتراشی های دروغین، عذری پذیرفته نمی شود.» (۱)

۶- احیای خاطرات

اقدام دیگر زهرا علیها السلام زنده نگه داشتن خاطرات رسول صلی الله علیه و اله بود. او می خواست که با احیا و یادآوری آن دوران، در کالبد فسرده آنان بدمد و دریچه ای به سوی روشنایی گشاید و با طرح سؤالی در اذهان و یادآوری دوران پیامبر ابرهای سیاه را از اطراف خورشید ولایت کنار زند. شاید همتی ساحت رفعت خورشید را لبیک گوید.

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و اله از دنیا رفت و وصی او را کنار نهادند، بلال به عنوان اعتراض، دیگر اذان نگفت و هر چه به سراغش می آمدند، امتناع می کرد و عذر و بهانه می آورد. (۲) او در ادامه اعتراض خود به شام تبعید شد. (۳) با ورود او به مدینه زهرا علیها السلام از او خواست که اذان بگوید و فرمود: «بسیار مشتاقم که صدای مؤذن

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۵۹.

۲- (۲) . شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۸۴ و۱۹۴.

۳- (۳) . شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج۱، ص۱۰۴ و ۱۰۵.

پـدرم را بشـنوم». بلال بر بام مسـجد رفت و آوای گرمش در مـدینه پیچیـد: الله اکبر!... همه دست از کار کشـیدند و مـدینه به یکباره تعطیل شـد. همه به طنین بلال گوش می دادنـد و ناگاه به یاد ایام رسول صـلی الله علیه و اله افتادند. فریادهای گریه در مدینه پیچید. همه از یکدیگر می پرسـیدند: «چرا بلال اذان نمی گفت؟ چه شده است که به درخواست زهرا علیها السـلام اذان می گوید؟ چرا زهرا علیها السلام گریه می کند؟» سپس سرها را به زیر می انداختند و از خود و بیعتشان با خلیفه وقت شرمشان می آمد.

در فضای مـدینه پیچید: «اشـهد ان محمداً رسول الله»... زهرا دیگر طاقت نیاورد، فریاد زد و از حال رفت. مردم فریاد برآوردند: «بلال بس کن! دختر رسول الله صلی الله علیه و اله را کشتی!»

بلال اذان را ناتمام رها کرد و خود را بر بالین زهرا علیها السـلام رسانـد. وقتی ایشان را به هوش آوردند، درخواست اتمام اذان کرد. بلاـل گفت: «از این درگذریـد که بر جـان شـما نگرانم!» زهرا علیها السـلام با اصـرار بلال، التماس و گریه های مردم، از خواسته خود درگذشت. (۱) یک بار دیگر نزدیک بود که کار تمام شود و غیرت ها بیدار شود؛ اما افسوس، این ها هیچ کدام عذر و توجهی برای سستی و ننگ ابدی شان نیست.

۷- سرشک انقلابی

زهرا علیها السـلام در فقـدان علی علیه السـلام محرومیت و رنـج همه انسان ها را تا قیامت می دیـد و همین بود که شب و روز اشک می ریخت و بی تابی می کرد. او به خاطر ستم بزرگی که بر همه انسان ها تا قیام قیامت رفته بود، به اندازه همه آنان می گریست تا آن که سرآمد همه گریه کنندگان تاریخ شد و «رأس البَکّائین» نام گرفت. (۲)

۱- (۱) . اسدالغابه، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷.

آن قدر گریست که آرامش را از اهل مدینه برده بود؛ آن چنان که تنها جبرئیل می توانست او را در فقدان نبی و ظلم بر وصی تسلی دهد. (۱) او در پاسخ ام سلمه که پرسید: «کیف اصبحت؟» (چگونه صبح کردید؟) فرمود: «اصبحت بین کمد و کرب: فقد النبی وظلم الوصی»؛ (۲) صبح کردم درحالی که در میان غم و غصه فقدان پیامبر و ستم به جانشین وی بودم.

نیز به زنان مهاجر و انصار می فرمود: «به جان خودم قسم! برای فرزندی که از این نطفه فتنه به دنیا می آید، باید به جای شیر، خون از پستان روزگار بدوشید و قدح ها از خون تازه و زهر کشنده پر کنید! مطمئن باشید که بلاها و فتنه ها بر شما خواهد بارید. بشارت باد به شمشیرهای بران و قدرت های جبّار و متجاوز! هرج و مرج کامل بر جامعه سایه اندازد و استبداد و خودسری بر مردم حکومت کند.

مال هایتان را به غارت برند و کشته هایتان را به ستم بدَرَوند.»

رنج زهرا علیها السلام رنج محرومیت انسان تا همیشه تاریخ است. او به راحتی می دید که ادامه سقیفه نینواست. او واقعه حرّة را می دید. او صفین، جمل، خلافت معاویه، خلافت عباسی و عثمانی و... را می دید و محرومیت امروز ما را نیز شاهد بود. در حجم نگاه او انسان امروز نیز جا داشت. او حق داشت که این گونه بگرید و ناله کند. آنجا که فریادهایش کارساز نیست، شاید اشک هایش بر دل های سنگ این جماعت مفلوک نفوذ کند و این سؤال را در اذهان مرده شان شکل دهد که به راستی چرا زهرا علیها السلام محبوبه خدا و دخت رسول صلی الله علیه و اله این گونه ضجّه می زند و اشک می ریزد؟ شاید غیرتی بیدار شود و ساحت رفیع خورشید ولایت را لبیک گوید و چهل یاور بر او گرد آیند؛ اما باز هم افسوس و صد افسوس در حسرت غیرت... .

ص:۱۳۱

۱- (۱) . همان، ص۳۵.

۲- (۲) . همان، ص۱۵۶.

۸- پایگاه بیداری (بیت الاحزان)

زهرا علیها السلام پس از پدر آن قدر گریست که آرامش اهل مدینه را برده بود. همسایگان به علی علیه السلام عرضه داشتند: «سلام ما را به فاطمه برسان و بگو یا شب گریه کن و روز آرام بگیر، یا روزها گریه کن و شب استراحت کن.» فاطمه علیها السلام در جوابشان گفت: «عمر من به آخر رسیده و دیگر در میان شما چندان توقفی نخواهم داشت.» از آن پس، روزها دست حسنین علیها السلام را گرفته, بر سر قبر رسول صلی الله علیه و اله می رفت و می گریست و به آنها می گفت: «عزیزانم! این قبر جد شماست؛ همو که شما را بر دوش خویش می نهاد و بسیار دوستتان می داشت.» آن گاه عازم بقیع می شد و بر سر قبر شهدا به یاد سربازان فداکار صدر اسلام اشک می ریخت. علی علیه السلام نیز برای آسایش زهرا علیها السلام سایبانی در بقیع بنا کرد. (۱)

بقیع در کناره راه کاروان هاست. وقتی در بقیع سایبانی را می دیدند و ناله هایی را می شنیدند، با کنجکاوی نزدیک شده, جویای احوال می شدند و وقتی می شنیدند که ناله زهرا علیها السلام یگانه دخت پیامبر است, در شگفت می ماندند و برای دلجویی نزدیک تر می شدند. در این هنگام زهرا علیها السلام فرصت را مغتنم شمرده, از ظلم بر وصی می گفت. او می خواست اکنون که مدینه را در محاصره قرار داده و به بهانه بروز فتنه، مانع خروج صحابه شده اند، این گونه فریاد مظلومیت علی علیه السلام را به اطراف برساند. اگر در مدینه برای علی علیه السلام یاوری نیست، شاید بتوان از بیرون حامیانی گرد آورد.

«محمود بن لبید» می گوید: فاطمه علیها السلام پس از وفات پدرش می آمد و بر سر قبر حمزه گریه می کرد. در یکی از روزها گذرم بر شهدای احد افتاد. فاطمه علیها السلام را

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۳۴ و ۱۷۷.

دیـدم که به شـدت بر سـر قبر حمزه می گریست. صبر کردم تـا آرام شـد. رفتم و سـلام کردم و عرضه داشـتم: «ای بـانوی من! بسـیار علاقه مندم که سؤالی از شما بپرسم.» فرمود: «بپرس.» گفتم: «آیا رسول الله صلی الله علیه و اله در زمان حیاتش به امامت علی علیه السـلام تصـریح کرد؟» فرمود: «واعجبـا! آیـا حمـاسه غـدیر را از یـاد بردیـد؟!» گفتم: «غـدیرخم را می دانم، ولی می خواهم بـدانم که رسول خدا صـلی الله علیه و اله به شـما در این باره چه گفت؟» فرمود: «خدا را گواه می گیرم که پیامبر به من فرمود: پس از من علی خلیفه و امـام است و دو فرزنـدم حسن و حسـین و نه تن از فرزنـدان حسـین امامنـد. اگر از آنهـا پیروی کنید, هدایت می شوید و اگر مخالفت کنید، تا قیامت در میان شما اختلاف خواهد بود.» (۱)

۹- اعتراف

زهرا علیها السـلام در ادامه افشاگری دست به اقدام ماهرانه دیگری می زند که برای خلفا رسوایی و برای مردم حجتی دیگر را همراه دارد. او در ادامه سیاست مبارزه منفی خویش هیچ سخنی با ابوبکر و عمر نمی گفت. این سیاست رفته رفته در اذهان جا باز کرد؛ به گونه ای که مردم از یکدیگر می پرسیدند: «چرا زهرا علیها السلام با این دو سخن نمی گوید؟» و این بر خلفا گران می آمد؛ به همین سبب برای جلوگیری از رسوایی بیشتر درصدد برآمدند که این حربه را از زهرا علیها السلام بگیرند.

این بود که چندین بار خواسـتند به عیادت زهرا علیها السلام بیایند، اما هر بار جواب منفی بود. ناچار علی علیه السلام را واسطه قرار دادند و او که برای حفظ اساس دین و جان خود (۲) سیاست تقیه را در پیش گرفته بود، پذیرفت. زهرا علیها السلام تسلیم علی است

۱- (۱) . شیخ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج۱، ص ۲۵۰.

۲- (۲) . شرح ابن ابی الحدید، ج۱، ص۲۰۷ و۳۰۷؛ عقدالفرید، ج۳، ص۱۷۵.

که امام اوست. ایشان در حالی که خانه از صحابه رسول صلی الله علیه و اله ، بنی هاشم و زنان مهاجر پر است، به آن دو اجازه ورود می دهد. زهرا علیها السلام ملحفه ای بر رو کشیده، رو به دیوار کرده و حتی جواب سلامشان را هم نمی دهد. (۱) آنان می خواهند دل جویی کنند، اما زهرا علیها السلام می گوید: «تا جواب سؤالم را ندهید، کلامی نخواهم گفت!» می گویند: «بپرس ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و اله » زهرا می پرسد: «آیا شما دو نفر شنیدید که پدرم رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمود: فاطمه پاره تن من است؛ هر کس او را بیازارد، مرا آزرده و هر که مرا اذیت کند، خدا را آزرده است؟»

آن دو گفتند: «چه کسی است که نشنیده باشد! بله، ما هم بارها از پدرت رسول خدا صلی الله علیه و اله این را شنیده ایم.» حضرت پس از این اعتراف، دستان خود را به آسمان برداشت؛ آن گاه بلند و قاطع، آن گونه که همه بشنوند، گفت: «خدایا! شاهد باش که اینان مرا اذیت کردند و شکایتشان را به تو و رسولت خواهم نمود. نه! هرگز از شما راضی نخواهم شد، تا پدرم را ملاقات کنم و از رفتار زشت شما برایش بگویم تا بین ما قضاوت کند.» (۲) همچنین افزود: «من در هر نماز که بخوانم، شما را نفرین می کنم!» (۳) و این پایان مجلس بود و شروع رسوایی بزرگ تر. آن دو سرافکنده و خجل از منزل بیرون رفتند. صحابه و زنان نیز از خانه خارج شدند و در شهر ولوله افتاد. هر کس را می دیدی، از اعتراف آن دو و نفرین زهرا علیها السلام سخن می گفت.

۱۰- سفارش های کوبنده

زهرا علیها السلام از هر فرصتی بهره می جست تا بتواند سؤالی در اذهان مردم ایجاد

۱- (۱) . محمد الحسون و ام علی مشکور، اعلام النساء، ج۴، ص۱۲۳.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۹۷؛ علل الشرایع، باب۱۴۸، ص۱۸۷.

۳- (۳) . الامامه و السیاسه، ص۱۴.

کند و سندی بر مظلومیت علی علیه السلام و رسوایی خلفا باقی گذارد. او در این فکر بود که شاید این جماعت مرده حرکتی کنند و بیش از این تن به حقارت و ذلت ندهند و با دست خویش آتش دوزخ خود را فراهم نسازند.

و اگر هم به پا نخاستند، دست کم به عنوان گواه و حجتی روشن در تاریخ ثبت و ضبط خواهد شد تا آیندگان آزاداندیش و طالبان حقیقت بتوانند «اسلام ولایت» را از «اسلام خلافت» تمیز دهند.

او می خواست همان طور که حیاتش دشمن سوز و بیداری بخش بود، مرگش نیز این گونه باشد. از این رو وصیت کرد: «علی جان! مرا شبانه غسل بده، کفنم کن، به خاک بسپار و اجازه نده آنان که بر من ستم کردند و آزارم دادند، در تشییع جنازه ام حاضر شوند و بر من نماز گزارند؛ زیرا آنان دشمنان خدا و رسولند.» (۱)

از علی علیه السلام پرسیدند: «چرا زهرا علیها السلام را شبانه دفن کردی؟» گفت: «به خاطر بیزاری و غضب زهرا بر آن جماعت.» (۲)

۱۱- چراغی در تاریکی

به راستی قبر زهرا علیها السلام این ادامه رسول و کوثر خدا کجاست؟ چه کسی می داند؟ پنهانی قبر زهرا علیه السلام نشان مظلومیت و غربت ولایت است و دلیلی واضح که شیعه می تواند به استناد آن خود را پیرو راستین سنت رسول خدا نشان دهد.

امروز شیعه می تواند از اهل سنت بپرسد که چرا زهرا وصیت کرد قبرش پنهان بماند. (۳) آری، او نمی خواست دشمنانش بر سر مزارش اقامه عزا و عوام فریبی

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۵۹،۱۸۲و۱۸۳؛ کشف الغمه، ج۲، ص۶۸.

۲- (۲) . امالی صدوق، ص۵۲۳؛ علل الشرایع، ص۱۸۵.

۳- (۳) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۹۲، مناقب ابن شهر آشوب، ج۳، ص۳۶۳.

کنند. آن قدر این نکته بر خلفا سنگین بود و از عواقبش بیم داشتند که تصمیم به نبش قبر گرفتند تا بر پیکر مطهر نماز بخوانند؛ (۱) اما از هیبت (۲) و تهدید علی علیه السلام ترسیدند (۳) و از بیم فتنه (۴) بزرگ تر عقب نشینی کردند.

زهرا علیها السلام عقیده داشت که با طرح سؤال در اذهان مردم، آنان را به فکر وادارد تا خود به دنبال پاسخ برآیند. همین است که می بینیم برخی بعضی دیگر را ملامت می کردند که: دردانه پیامبر از دنیا رفت و به هیچ یک از آنها اجازه حضور در دفن و نماز نداد و قبرش را نیز پنهان کرد! (۵) او می اندیشید چه بسا با غوغایی که به سبب شهادتش در مدینه پدید می آید، (۶) با این اقدام بی سابقه و آگاهانه، مردم را ضد خلفا به حرکتی وادارد یا دست کم سندی همیشگی بر محکومیت خلفا از خود به یادگار بگذارد؛ از این رو، حتی امامان بعدی نیز قبر او را آشکار نساختند. اگر آن روز ندایش را لبیک گفته بودند، جمل، صفین، نهروان، کربلا، حرّه و... رخ نمی داد.

۱۲- تسلا بخشی

زهرا علیها السلام انیس علی علیه السلام است. تسلی و آرامش او است. اگر به خانه می رفت و زهرا علیها السلام را نمی یافت، دل تنگ و بی قرار می شد. (۷) می فرمود: «نگاه به زهرا علیها السلام غم هایم را از یادم می برد.» (۸) به علی خبر دادند: زهرا علیها السلام از دنیا رفت. علی علیه السلام

ص:۱۳۶

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۹۹.

۲- (۲) . سیدمحسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج۱، ص۳۲۲.

۳- (۳) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۹۹.

۴- (۴) . همان، ص۲۰۶.

۵- (۵) . همان، ص ۱۷۱.

۶- (۶) . همان، ص۱۹۹.

۷- (۷) . همان، ص ۲۰۱.

۸- (۸) . همان، ص۱۴۳.

شنید و از پا افتاد... (۱) گویی این مجاهد پا در رکاب، این شجاع میدان احزاب و فاتح خیبر جان باخت. یکی بانگ برآورد: آبی بیاورید! علی تا به هوش آمد، بر صورت خود زد و درحالی که زیر شانه هایش را گرفته بودند، اشک می ریخت و می گفت: «ای دختر رسول خدا! تو تسلی بخش من بودی؛ حال دیگر از که تسلیت جویم؟!» (۲)

علی علیه السلام حق داشت که این گونه بسوزد؛ زیرا تکیه گاه دیگری را از دست داده بود. (۳) زهرا علیها السلام رنج هایش را جرعه جرعه می نوشید و در سینه می ریخت تا دل علی علیه السلام بیش از این به درد نیاید.

اگر می شنوید زهرا علیها السلام در خانه هم از علی علیه السلام رو می گرفت، تعجب نکنید؛ زیرا او نمی خواست علی علیه السلام صورت نیلی اش را ببیند. آن علی علیه السلام که در سقیفه از اوج دست رسول در غدیر به پایین کشیده شد، به اندازه کافی خودش درد دارد؛ باید آن دردها را درمانی باشد و آن زخم ها را مرهمی و زهرا علیها السلام با همه غم هایش تسلای علی علیه السلام بود.

فاطمه علیها السلام می فرماید: «در هنگام غسل، لباس از بدنم بیرون نیاورید (۴)و بازویم را برهنه نکنید.» (۵) حتی وصیت می کند که او را شبانه غسل دهند و کفن کنند، (۶) نکند علی علیه السلام جای ضربه ها و جراحات (۷) را ببیند و عنان از کف بدهد. آه خدایا!

۱- (۱) . همان، ص۲۱۴.

۲- (۲) . همان، ص۱۸۷.

۳- (۳) . همان، ص۱۷۳.

۴- (۴) . همان، ص۱۷۲، ۱۸۷ و ۱۸۸.

۵- (۵) . ابن سعد، الطبقات، ج۸، ص۲۷.

۶- (۶) . بحارالانوار، ج۴۳، ص۲۱۴.

۷- (۷) . همان، ص۱۹۸.

این چه دلی است که نمی خواهد حتی داغ های علی تازه شود.

تنها یکی از این همه اقدامات روشن زهرا علیها السلام و فریادهای روشنگرانه او برای هدایت مردم و به پاخاستن و حمایت آنان از علی علیه السلام کافی بود. سلام و درود خدا و فرشتگان بر بانویی که این گونه یاور و حامی ولی زمانه خویش بود و در راه حمایت از مقام ولایت به شهادت رسید.

فرجام

در این واحد آموزشی، اقدامات حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت بررسی شد که تنها یکی از این همه اقدام روشن برای راهنمایی مردم و قیام در برابر منحرفان کافی بود. این گام ها به شکل های مختلف و با ظرافت مثال زدنی، سیاست بازان حرفه ای را دور زد و آنان را دچار بهت و سرگشتگی نمود. قدم های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام گاهی حرکت و گفتار بود، مانند استنصار و پاسداری؛ و گاهی تنها گفتاری، مانند افشاگری و هشدار به زنان عیادت کننده؛ گاهی هنری بود، مانند احیای خاطرات با اذان بلال؛ گاهی با بیرون آوردن حقایق از دهان دشمن، مانند اعتراف آنها؛ گاهی با گذاشتن علایم و نشانه های بعد از خود، مانند وصیت، سفارش های کوبنده و پنهان ماندن قبر؛ یعنی چراغی در تاریکی. و در نهایت، وجود و حضورش مایه آرامش و تسلای خاطر علی علیه السلام بود.

ص:۱۳۸

آزمون پایانی

۱. چرا فاطمه علیها السلام بعد از ماجرای سقیفه، شب ها به در خانه مهاجران و انصارمی رفت؟

الف) استنصار ب) احیای خاطرات

ج) افشاگری د) پاسداری

۲. حضرت علی علیه السلام به چه کسی سفارش کرد که جلو نفرین حضرت فاطمه علیها السلام را بگیرد؟

الف) عمار ب) سلمان

ج) بلال د) ابوذر

۳. واکنش مردم در برابر سخنرانی افشاگرانه حضرت فاطمه علیها السلام در مسجد النبی صلی الله علیه و اله چه بود؟

الف) شورش ضد خلیفه ب) حمایت از خلیفه

ج) اشک همگانی د) سکوت

۴. این عبارت: «گاهی بلندترین فریاد را از دهان سکوت باید شنید» با کدام گزینه هماهنگ تر است؟

الف) بایکوت ب) حمایت از خلیفه

ج) پایگاه بیداری د) چراغی در تاریکی

۵. خطبه هشداردهنده حضرت زهرا علیها السلام در بستر بیماری خطاب به چه کسانی بود؟

الف) منافقان ب) زنان مهاجر و انصار

ج) مردان و زنان مهاجر و انصار د) یهودیان

ص:۱۳۹

۶. به چه دلیل ، بلال پس از رحلت پیامبر دیگر اذان نمی گفت ؟

الف) اعتراض به ماجرای سقیفه

ب)بیماری

ج) درخواست حضرت علی علیه السلام

د) درخواست حضرت فاطمه علیها السلام

۷. فاطمه علیها السلام در پاسخ چه کسی گفت : «پدرم رای از دست دآدم و خلافت شوهرم غصب شد و ...»؟

الف) عایشه ب) ام سلمه

ج) فضه د) اسماء

۸. بیت الاحزان در کجا واقع شده است ؟

الف) کنار مسجد النبی صلی الله علیه و اله ب) قبرستان ابوطالب

ج) مسجد مباهله د) قبرستان بقیع

۹. و اکنش حضرت زهرا علیها السلام در برابر عیادت شیخین چه بود؟

الف) گرفتن اعتراف ب) افشاگری

ج) بی اعتنایی د) سپاس گزاری

۱۰. پاسخ حضرت علی علیه السلام به این پرسش که «چرا فاطمه رای شبانه دفن کردی » چه بود؟

الف) استحباب تعجیل در دفن مردگان

ب) بیزاری و غضب زهرا به آن جماعت

ج) در امان ماندن از آزار منافقان

د) همه موارد

ص:۱۴۰

۱۱. کدام گزینه دلیل پنهان ماندن قبر فاطمه زهرا علیها السلام نیست ؟

الف) چراغی در تاریکی

ب) عدم اقامه عزا از سوی خلفا بر سر مزارش

ج) طرح سؤال در ذهن مردم

د) در امان ماندن از نبش قبر خوارج

۱۲. چرا علی علیه السلام با شنیدن خبر رحلت حضرت زهرا علیها السلام از حال رفت ؟

الف) علی علیه السلام بسیار عاطفی بود.

ب) زهرا علیها السلام تنها مدافع علی بود.

ج) زهرا علیها السلام تسلا بخش علی بود.

د) ب و ج درست است .

ص:۱۴۱

۴- موضع گیری علی علیه السلام با مسئله خلافت

درآمد

در تحلیـل حوادث ناگوار بعـد از رحلت پیامبر ابتـدا اقـدامات ایشان در جلوگیری از این حوادث و اتمام حجت های کامل وی رای برشـمردیم که روشن شد حضـرت رسول صلی الله علیه و اله درباره تعیین جانشین از هیچ چیزی کم نگذاشتند. آن گاه به تحلیل اوضاع و شرا یط مدینه پرداخته شد و علل تغییر در رفتارهای مردم و اصحاب بررسی گردید. در واحد آموزشی اخیر نیز گام های ماهرانه حضـرت زهرا علیها السـلام در روشـنگری مردم و هدایت آنان به مسیر و اقعی و پیش گیری از انحراف مورد بحث قرار گرفت .

اینـک از زاویه ای دیگر به مسـئله نگریسـته می شود. این بـار حوادث این دوران از نگاه علی علیه السـلام و موضع گیری های حکیمانه ایشان به بحث و بررسی گذاشته می شود.

پیش آزمون

با مطالعه این واحد آموزشی می توان به پرسش های زیر پاسخ داد:

۱. چرا حضرت علی علیه السلام از حق و لا یت خود گذشت و سکوت اختیار کرد؟

ص:۱۴۳

۲. چگونه علی علیه السلام با توجه به از بین رفتن مخالفان خلفا از ترور منافقان جان سالم به در برد؟

۳. آیا حضرت علی علیه السلام با هیچ یک از خلفا مخالفت علنی نداشت ؟ چرا؟

۴. همکاری امام علی علیه السلام با مخالفان خلفا چگونه بود؟

۵. آیا از اقدامات علی علیه السلام در پاک سازی جنبش از منافقان ، تربیت نیرو و ایجاد منابع اقتصادی اطلاعی دارید؟

۶. و اکنش حضرت علی علیه السلام در برابر هجوم مردم پس از کشته شدن عثمان چه بود؟

اقدام های علی علیه السلام در برابر خلفا

اشاره

بررسی اقدامات حضرت علی علیه السلام در برابر خلفا و پس از آنها دربردارنده نکاتی ارزنده و چراغی است برای آنان که خواهان همراهی با حجت های خدایند، که لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ در مورد حضرت علی علیه السلام نیز صادق است؛ زیرا پیامبر فرمود: «انا وعلی ابوا هذه الامه». اینک به بیان اقدام های حضرت علی علیه السلام می پردازیم.

۱- حفظ مکتب و وحدت مسلمانان

الف) جمع آوری قرآن

حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای مردم! از هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و اله رحلت فرمود، همین که از غسل وی فارغ شدم، پیوسته به فکر جمع آوری قرآن بودم تا این که آن را به این شکل منسجم درآوردم ...». (۱)

و این کار، درست موقعی است که حق علی علیه السلام غصب شده است؛ پس باید

۱- (۱) . قال علی علیه السلام : «یا ایها الناس انی لم ازل منذ قبض رسول الله صلی الله علیه و اله مشغولاً بغسله ثم بالقرآن حتی جمعته کله فی هذا الثوب الواحد...»؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص۱۷۹.

به حفظ اساس دین و قانون و دستورالعمل ابدی شریعت - یعنی قرآن - بپردازد و یادآور حدیث ثقلین و به ویژه ثقل فراموش شده آن باشد.

ب) کناره گیری از حق خود و سکوت

حضرت علی علیه السلام به خاطر حفظ رسالت از حق ولایت گذشت؛ زیرا دوابرقدرت ایران و روم مترصد بودند که در صورت بروز اختلاف بین مسلمانان رسالت را از میان ببرند. شواهدی در این مورد وجود دارد که به آنها اشاره می شود:

شاهد یکم. حضرت می فرماید: «وایم الله لولا مخافه الفرقه بین المسلمین و ان یعود الکفر ویبور الدین لکنّا علی غیر ماکنّا لهم علیه»؛ (۱) قسم به خدا! اگر نمی ترسیدم که شکاف عمیق میان مسلمانان ایجاد شود، به کفر بازگردند و دین ضایع شود، غیر از این عمل می کردم.

شاهد دوم. باز در جایی دیگر می فرماید: «لقد علمتم انّی احق الناس بها من غیری ووالله لاسلمنّ ما سلمت امورالمسلمین ولم یکن فیها جور الّا علی خاصّه...»؛ (۲) به راستی دانستید که من سزاوارترین مردم به جانشینی پیامبر بودم و به خدا قسم، مادام که امور مسلمانان به طور درست جریان داشته باشد و ستمی جز بر من به تنهایی نباشد، حکومت را واگذار می کنم!

شاهد سوم. در سخنی دیگر تصریح می فرماید: «بایع الناس ابابکر وانا والله اولی بالامر واحق به فسمعت واطعت مخافه ان یرجع الناس کفاراً یضرب بعضهم رقاب بعض بالسیف ثم بایع ابوبکر لعمر وانا والله اولی بالامر واحق بالامر منه

۱- (۱) . همان، ج ۱، ص ۳۰۷، شیخ مفید، جمل، ص ۴۳۷.

۲- (۲) . صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه۷۴.

فسمعت واطعت مخافه ان یرجع الناس کفاراً»؛ (۱)

مردم با ابوبکر بیعت کردند و به خدا قسم من به این امر شایسته تر و سزاوارتر بودم؛ پس شنیدم و اطاعت کردم، به خاطر این که مبادا مردم دوباره کافر شوند و بین آنها کشتار اتفاق بیفتد. آن گاه ابوبکر با عمر بیعت کرد، درحالی که من به این امر به خدا قسم شایسته تر بودم؛ پس شنیدم و اطاعت کردم تا مبادا مردم دوباره کافر شوند.

شاهد چهارم. ایشان در مجالی دیگر می فرماید: «خیرونی ان یظلمونی حقّی وابایعهم او ارتدت الناس حتی بلغت الردّه احداً فاخترت ان اظلم حقی وان فعلوما فعلو»؛ (۲)

مرا مخیر کردند بین این که حقم ضایع شود و بیعت کنم یا این که با آنها بجنگم و مردم مرتد شوند؛ پس من ترجیح دادم که حقم ضایع شود، اگرچه آنها هر کاری می خواهند، انجام دهند.

همان طور که از این شواهد برمی آید، حضرت به خاطر بیم ارتداد و بازگشت مردم از دین از حق خود دست کشید و به راستی صبر علی مثال زدنی است؛ آن هم با خاری در چشم و استخوانی در گلو. با نبود یار و یاور و عدم تحمل در توده مردم، در برابر نفاقی ریشه دار و باندی مسلح و خطرناک چاره ای جز دست کشیدن ظاهری از خلافت برای حفظ رسالت نیست که گره های کور را نه با دندان که با حلم می توان باز کرد و درهای بسته را نه با مشت که با کلید می توان گشود. باید صبر کرد و حلیم بود، یار ساخت و به انتظار روز موعود نشست؛ گرچه بیست و پنج سال به طول انجامد.

۱- (۱) . کنزالعَمال، ج۵، ص۷۲۴.

۲- (۲) . الشافی فی الامامه، ج۳، ص۳۴۴.

۲– حفظ جان خود – به عنوان حجت خدا – با تقیه

اشاره

(۱)

الف) اطمینان دادن به خلفا درباره عدم درگیری

در موارد مختلفی حضرت امیر علیه السلام به خلفا اطمینان داد که با آنها درگیر نخواهد شد: زمان هجوم به خانه، در مسجد پیامبر و هنگام زمین خوردن خالد.

علی علیه السلام با درپیش گرفتن سیاست تقیه برای حفظ جان خود به عنوان ولی خدا و حجت حق، به کار کشاورزی پرداخت و حتی دیگران را به آن تشویق می کرد: «محبوب تر از کشاورزی در نزد خدا کاری نیست». (۲)

ب) نام گذاری برخی فرزندان به اسم خلفا

ایشان ۲۷ فرزند داشت که با محسن شهید، ۲۸ فرزند می شود. نام یکی از آنها عمر، دیگری عثمان و کنیه یکی دیگر (عبدالله) ابوبکر بود.

ج) عبادت و گوشه گیری

ابن ابی الحدید که از زنده ماندن علی علیه السلام و ترور نشدن او ابراز شگفتی می کند، از استاد خود «ابوجعفر نقیب» می پرسد: «چگونه علی علیه السلام در مدتی طولانی توانسته است از ترور و کشته شدن جان سالم به در برد؟» استاد می گوید: «اگر او بینی خود را بر خاک نمی مالید و صورت خود را بر خاک نمی نهاد، کشته می شد؛ اما او خود را از حضور بازداشت و به عبادت، نماز و قرآن روی آورد و

۱- (۱) . در پیش گرفتن سیاست تقیه، علاوه بر این که نشان از تدبیر فوق العاده علی علیه السلام دارد، سفارش پیامبر نیز بود؛ چون فرموده بود: «ان وجدت علیهم اعواناً فجاهدهم ونابذهم، وان لم تجد اعواناً فبایعهم واحقن دمک.» بحارالانوار، ج۲۸، ص۲۷۴؛الاحتجاج؛ ج۱، ص۲۱۵.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۰.

از روش گذشته خویش دست برداشته، شمشیر را به کناری نهاد و به فراموشی سپرد. او خود را سیاح در زمین و راهب در کوه ها نشان داد و حتی از خلفا اطاعت می کرد. آنان نیز از او دست برداشته، در مورد او سکوت کردند و انگیزه ای برای کشتن وی نداشتند و اگر جز این بود، کشته می شد. (۱)

د) یاری کردن خلفا در امور قضایی، فرهنگی و سیاسی

یکم) قضاوت

علی علیه السلام در بسیاری از مواردی که خلفا از قضاوت آن آگاه نبودند، به کمک شتافت و آنها را از اشتباهات بسیاری رهانید؛ تا آن جا که عمر بارها می گفت: «اقضانا علی»؛ آگاه ترین ما در قضاوت، علی است. امثال این تعبیر از عثمان و ابوبکر هم نقل شده است. برای نمونه می توان به داستان زن دیوانه ای که عمر دستور رجم او را صادر کرد، اشاره داشت که علی علیه السلام با درایت خاص خود او را از این عمل غیرشرعی بازداشت.

دوم) امور فرهنگی

دانشمندان آیین های دیگر - به ویژه یهود و مسیحیان - که پس از درگذشت پیامبر برای تحقیق و پژوهش درباره آیین وی رهسپار مدینه می شدند و سؤالاتی را مطرح می کردند، پاسخ گویی جز علی علیه السلام نمی یافتند؛ چرا که تسلط او بر تورات و انجیل از خلال سخنانش آشکار بود. اگر این خلأ با ایشان پر نمی شد، جامعه اسلامی در سرشکستگی شدیدی فرو می رفت و هنگامی که امام به همه پرسش های آنها پاسخ قاطع می داد، شادمانی خاصی در چهره خلفا پدیدار می شد.

۱- (۱) . شرح ابن ابی الحدید، ج۱۳، ص۳۰۱.

داستان «جاثلیق مسیحی» و یک صد تن از همراهانش، پرسش های آنان از ابوبکر، ناتوانی او در پاسخ و فرستادنشان به محضر علی علیه السلام مؤید این مطلب است. (۱)

دو نفر آمدند و موضوعی علمی را از عمر پرسیدند. دیدند که عمر از علی علیه السلام سؤال کرد. آنها ناراحت شدند و به او اعتراض کردند. عمر گفت: «وای بر تو! آیا میدانی او کیست؟ او علی ابن ابی طالب است! از پیامبر شنیدم که می فرمود: اگر تمامی آسمان ها و زمین را در یک کفه ترازو قرار دهیم و ایمان علی را در کفه دیگر ترازو، طرف ایمان علی سنگین تر می شود.» (۲)

سوم) امور سیاسی

پس از درگذشت پیامبر، ابوبکر در اجرای فرمان پیامبر (جنگ با رومیان) کاملاً دودل بود؛ از این رو با گروهی از صحابه مشورت کرد. هرکدام نظری دادند که او را قانع نساخت. سرانجام با امام علی علیه السلام به مشاوره پرداخت. امام او را به اجرای دستور پیامبر تشویق کرد و افزود: «اگر نبرد کنی، پیروز خواهی شد.» خلیفه از تشویق امام خوشحال شد و گفت: «فال نیکی زدی و به خیر بشارت دادی.» (۳)

امام در دوران خلیفه دوم نیز مشاور مهم و گره گشای بسیاری از مشکلات سیاسی، علمی و اجتماعی خلیفه بود. از مواردی که خلیفه دوم از اندیشه و طرح امام در مسائل سیاسی استفاده کرد، جنگ مسلمانان با ایرانیان بود. در سال چهاردهم هجری، وقتی خبر آمادگی سپاه ایران با یک صدوپنجاه هزار نفر برای حمله به مسلمانان به گوش عمر رسید، به مسجد رفت، سران صحابه را جمع کرد و آنان را

۱- (۱) . توحید صدوق، ص ۱۸۲.
۲- (۲) . مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۹۲.
۳- (۳) . تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص۳۹.

از تصـمیم خود مبنی بر ترک مدینه و استقرار در منطقه ای میان بصره و کوفه و رهبری سپاه در آنجا آگاه کرد. طلحه و عثمان او را به این کار تشویق کردند، اما امام علی علیه السلام با ذکر دلایلی وی را از رفتن به این جنگ منع کرد. عمر پس از شنیدن سخنان امام، ادله ایشان را پسندید و از رفتن منصرف شد. (۱)

الف) تزویج «ام کلثوم» به عمر و اصرار وی

اهـل سـنت با طرح این موضوع مـدعی انـد که این کار دلیل بر رضایت علی علیه السـلام از عمر و خلافتش است؛ درحالی که شواهد و مسـتندات تاریخی، افزون بر این که رفتار علی علیه السلام از روی کراهت و بنابر سیاست تقیه را نشان می دهد، ایراد بر عمر در اقدامش و اجبار علی علیه السلام به این کار را کشف می کند.

ب) نشان دادن باطل بودن خلفا

یکم) بیعت دیرهنگام

شاهد یکم. در بسـیاری از نقل ها آمده است که حضـرت تا مدتی طولانی پس از ماجرای سـقیفه از بیعت خودداری کرد و در نهایت با مشت گره کرده و با اکراه و اجبار به بیعت تن داد. (۲)

شاهد دوم. «عبدالرحمان بن عوف» به علی علیه السلام گفت: «راهی جز شمشیر برای خلاصی نداری» (۳)

شاهد سوم. معاویه در نامه ای که به واسطه «ابوامامه باهلی» برای آن حضرت

۱- (۱) . ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۵۰۹.

۲- (۲) . الکامل، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۵.

۳- (۳) . الامامه و السیاسه، ص۱۲.

فرستاد، نوشت: «در بیعت او (ابوبکر) آن قدر سستی و درنگ کردی تا آن گاه که همچون شتر نر سرکشی به جبر و قهر به سوی آن رانده و کشیده شدی.» (۱)

دوم) اظهار مخالفت در مواضع متعدد

در شورا

ایشان در شورا فرمود: «ای گروه قریش! ما اهل بیت در امر حکومت از شما سزاوارتریم. آیا در میان ما کسی که قرآن بخواند، آشنا به سنت باشد و در مسیر دین قدم بگذارد، وجود ندارد؟!» (۲)

علت شرکت در شورای شش نفره

ایشان خود دلیل این کار را اتمام حجت و رسوا کردن دروغ گویان عنوان می کند. ابن عباس در روز شورا به علی علیه السلام گفت: «حکومت از دست ما رفت و این مرد می خواهد حکومت در اختیار عثمان قرار گیرد.» علی علیه السلام فرمود: «من این را می دانم، ولی در شورا شرکت می کنم؛ زیرا عمر اینک مرا شایسته امامت دانسته است، درحالی که قبلاً می گفت: رسول خدا فرمود: نبوت و امامت در یک خانواده جمع نمی شود. من به این شورا وارد می شوم تا روشن شود که عمر سخنان پیشین خود را تکذیب نموده است و دروغش آشکار شود.» (۳)

باز هم در شورا شرط «عبدالرحمان بن عوف» یعنی سلوک بر طریقه شیخین را نمی پذیرند. (۴)

۱- (۱) . آل یس، صلح امام حسن، ص ۵۸.
۲- (۲) . الغارات، ج۱، ص۳۰۷.
۳- (۳) . قطب راوندی، منهاج البراعه، ج۱، ص۱۲۸.
۴- (۴) . تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۶۲.

ج) نپذیرفتن هیچ پستی از خلفا

امام هیچ مسئولیتی را از جانب خلفا نپذیرفت: نه فرماندهی جنگ، نه حکومت یک استان و نه سرپرستی حجاج؛ زیرا پذیرش یکی از این پست ها به مفهوم صرف نظر کردن از حق مسلم خویش بود. (۱)

بر همین اساس، فرماندهی سپاه حمله به ایران را نیز نپذیرفت و مکرر می فرمود: «در جایی به سخن خلفا گوش می دهم که مخالفتی با حکم خدا نداشته باشد.» (۲)

د) اعتراض به بدعت ها و تبعیض نژادی

حضرت در مواقع بسیاری به چنین مواردی اعتراض می کرد؛ به ویژه در تقسیم اموال که براساس تبعیض نژادی صورت می گرفت. (۳) مبارزه ایشان و یارانش با توطئه منع حدیث و نوشتن آن در همین سمت وسوست. امام بارها می فرمود: «قیدوا العلم، قیدوا العلم»؛ (۴) با نوشتن دانش، آن را حفظ کنید. در جایی دیگر فرمود «تزاوروا وتذاکروا الحدیث ولاتترکوه یدرس»؛ (۵) به دیدار یکدیگر بروید و به مذاکره احادیث بپردازید و این گونه درس و بحث را ترک نکنید.

همچنین می فرمود: «اذا کتبتم الحدیث فاکتبوه باسناده فان یک حقاً کنتم شرکاء فی الاجر و ان یک باطلا کان وزره علیه»؛ (۶) هنگامی که به نوشتن حدیث

ص:۱۵۲

۱- (۱) . استاد شهید مطهری، امامت و رهبری، ص ۲۰.

۲- (۲) . مروج الذهب، ج۳، ص۳۰۷و ۳۱۰.

۳- (۳) . نهج السعاده، ج۱، ص۱۱۲ - ۱۱۹.

۴- (۴) . تقیید العلم، ص۸۹.

۵- (۵) . کنزالعمال، ج۱۰، ص۱۸۹.

۶- (۶) . همان، ص ۱۲۹.

می پردازید، آن را با اسنادش بنویسید؛ زیرا اگر آن حدیث درست باشد، در ثواب انتشارش سهیم می شوید و اگر باطل باشد، مسئولیت آن به عهده راویان است.

۳- مُناشَده ها

«مُناشَـده» به معنی قسم دادن کسـی برای درخواست مطلبی است. در واقع نوعی اقرارگرفتن است. در تاریـخ، این گونه مناشده هـا از علی علیه السـلام بـا خلفـا بارهـا دیـده می شود؛ برای نمونه، حضـرت در روز بیعت بـا ابوبکر، در روز شورا بـا عمر و در کوفه، بصره و مدینه با عثمان درباره ماجرای غدیر و خیبر اقرار گرفت.

۴- همدلی با مخالفان حکومت

این روند به شکل های گوناگون صورت می گرفت:

یکم. همراهی بـا حرکت هـای اعتراض آمیز فـاطمه علیهـا السـلام در اسـتنصار، گفت وگو بـا مهـاجران و انصار، سـخنرانی در مسجدالنبی، خطبه فدکیه و ... .

دوم. همراهی با حرکت های اعتراض آمیز امام حسن و امام حسین علیهما السلام در برابر خلفا در مواضع متعدد.

روزی امام حسن درمسـجد پیامبر و هنگام سخنرانی ابوبکر به او گفت: «از منبر پدرم پایین بیا!» ابوبکر نیز بی درنگ گفته او را تصدیق کرد، به خانه اش رفت و گریست. (۱)

همین ماجرا نیز در هنگام خلافت عمر اتفاق افتاد و امام حسـین علیه السـلام به عمر گفت: «از منبر پـدرم پایین بیا!» عمر گفت: «چه کسی این حرف ها را به تو یاد داده است؟!» (۲)

۱- (۱) . جـاء الحسـن بـن علی إلی ابی بکر و هـو علی منـبر رسـول الله صـلی الله علیـه و اله فقـال: «انزل عن مجلس ابی!» قـال: «صدقت انه مجلس ابیک» و جلس فی حجره و بکی...؛ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۴۲.

۲- (۲) . قال الحسین السبط علیه السلام لعمر:«انزل عن منبر ابی!» فقال عمر:«منبر ابیك لا منبر ابی، من امّرك بهذا؟» (همان).

سوم. وداع بـا ابوذر؛ هنگـامی که عثمـان او را به «ربـذه» تبعیـد و مشـایعت بـا وی را ممنوع کرد، حضـرت دست حسـنین علیها السـلام را گرفته، به بـدرقه ابوذر رفت و بـا این رفتـار مهر تأییـدی بر حرکت انقلابـی و افشـاگرانه ابوذر زد؛ سـپس فرمود: «ای ابوذر! تو به خـاطر خـدا غضب کردی و این جماعت به خاطر دنیای خود از تو ترسیدند؛ ولی تو از آنها بر دین خود ترسیدی. پس تو را به بیابان ها تبعید کردند. ای ابوذر! مونسی جز حق برای تو نیست و از تو نمی رمد، مگر باطل.» (۱)

۵- پاک سازی جنبش از منافقان

ابوسـفیان بعـد از پایـان کـار سـقیفه آمـد و با صـدای بلنـد گفت: «ای بنی هاشم! ای فرزنـدان عبـدمناف! آیا شـما به حکومت ابوالفصـیل (ابوبکر) راضـی می شوید؟ اگر شـما بخواهید، جمعیت زیادی را در حمایت از شما گرد می آورم». در این هنگام، حضـرت علی علیه السـلام فرمود: «برگرد ای ابوسـفیان! به خدا قسم، تو آن چه می گویی، برای خدا نمی گویی و همیشه برای اسلام و مسلمانان نقشه می کشی! برو، ما مشغول خاکسپاری پیامبریم و هر کس در گرو اعمالش است.» ابوسفیان که حیله اش را کارگر نیافت، ناامید آنجا را ترک کرد. (۲)

۶- تربیت نیرو و کادرسازی پنهانی

امام قیام کنندگان را از چهار نفر به دوهزار نفر رساند و از دل دشمن افرادی

۱- (۱) . شرح ابن ابی الحدید، ج ۸، ص۲۵۳.

۲- (۲) . یا بنی هاشم! یا بنی عبدمناف! أرضیتم أن یلی امرکم ابوالفصیل الرذل بن الرذل اما والله لئن شئتم لاملاها خیلاً ورجلاً. فناداه امیرالمؤمنین: ارجع یا اباسـفیان! فوالله ما تریدالله بما تقول و ما زلت تکید الاسلام واهله ونحن مشاغیل برسول الله صلی الله علیه و اله وعلی کل امرء ما اکتسب. فانصرف ابوسفیان . شرح ابن ابی الحدید، ج۶، ص۲۳.

چون محمـدبن ابی بکر و قیس بن سـعد بن عباده را برای مبارزه تربیت کرد و منتظر فرصت نشـست. حضـرت رسول صـلی الله علیه و اله به علی علیه السـلام سفارش کرده بود که اگر یارانی یافتی، بجنگ وگرنه بیعت کن و جان خود را حفظ کن. (۱) از طرفی در نقل های مختلف آمـده است: امام حدود هزار بنده را خرید و آزاد کرد (۲) که در سمت وسوی آماده سازی دل ها و افراد برای به عهده گرفتن بارهای سنگین حکومت علوی قابل تحلیل است.

۷- ایجاد منابع اقتصادی برای امامان بعدی

بـا حفر چـاه، کاشـتن درخت خرمـا و کشـاورزی، علاوه بر این که زنـدگی بسـیاری از بینوایان را تأمین می کرد، بنیه اقتصادی امامان بعد از خود را نیز تقویت می نمود. از همین توان اقتصادی بود که حضـرت سـجاد علیه السلام توانست هزاران بنده آزاد کند که از میان همین افراد، شاگردان مکتب امام باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام تربیت شدند.

اقدامات حضرت علی علیه السلام بعد از خلفا

اشاره

جامعه ای که حضـرت علی علیه السلام وارث آن شد، یک جامعه بی هویت و به هم ریخته بود که به تعبیر خود ایشان به زمان جاهلیت برگشته بود. (۳) مشـکل علی علیه السـلام مشکل داخلی بود. جنگ رسول الله صلی الله علیه و اله با مشرکان و کافران بود و غنیمت درپی داشت؛ ولی جنگ علی علیه السلام با مسلمانان است و غنیمت هم ندارد. به هر حال،

۱- (۱) . اسدالغابه، ج۱، ص۲۰۸.

۲- (۲) . کنزالعمّال، ج ۵، ص ۶۱۶.

۳- (۳) . نهج البلاغه، خطبه ۲۶: «ألا وانّ بلیتکم قد عادت کهیئتها یوم بعث الله نبیه» .

حوادثی بعد از کشته شدن عثمان روی داد که امیرمؤمنان علیه السلام در برابر آنها موضع گیری ها و اقداماتی داشت که درادامه می آید.

۱- عدم پذیرش حکومت در مرحله نخست

اشاره

علت عدم پذیرش نخستین را می توان موارد زیر دانست:

الف) پایین آوردن توقع مردم

علی علیه السلام می داند که بی تردید جنگ های پی در پی در پیش دارد؛ چون او نمی تواند راه شیخین را در پیش بگیرد. علی علیه السلام می داند هدف شکم نیست، هدف فقط عدالت اجتماعی نیست، هدف تکامل صرف نیست؛ هدف نهایی، رشد انسان است. گرچه اهداف یادشده نیز در ذیل این هدف بزرگ حاصل می شود.

جامعه با اسراف و کنیزان خوگرفته است و علی علیه السلام می داند که باید این ها را از سر راه بردارد. او می داند که با معاویه که مجسمه کفر است، درگیر می شود. علی علیه السلام راه و هدف عظیمی در پیش دارد. بنابراین نباید در ابتدای راه، به شتاب دست بیعت مراجعان را قبول کند؛ چرا که در آینده انتظارشان از علی علیه السلام زیاد می شود.

در یکی از جنگ ها وقتی مردم به دعوت او برای بسیج نیرو پاسخ ندادند، فرمود: «به خدا قسم! نمی خواستم بیعت شما را قبول کنم، ولی شما آن چنان به در خانه من هجوم آوردید که من از ترس تلف شدن چند تن از شما و حسنین علیها السلام قبول کردم». (۱) همچنین در جایی دیگر فرمود: «همچون شتران و گوسفندان که به فرزندان خود روی می آورند، به سوی من رو آوردید. می گفتید: بیعت! بیعت! من

۱- (۱) . همان، خطبه۳.

دستم را می کشیدم و شما آن را می گشودید. من آن را از شما می گرفتم، شما به سوی خود می کشیدید». (۱)

ب) بالا بردن طاقت و توان مردم

علی علیه السلام می داند که اوضاع کشور بر اثر کج روی ها، تبعیض نژادی، بدعت ها و تغییر ارزش ها به جایی رسیده است که برای ایجاد تغییرات بنیادین بایـد یک عمل جراحی در پیکره جامعه صورت بدهـد و این یعنی پدیـد آمـدن حوادث مبهم و پیچیـده در آینـده؛ که نیـاز به بالاـ رفتن توان و طـاقت مردم دارد چنان که خود به این موضوع اشاره دارد: «مرا واگذاریـد و به سراغ شـخص دیگری بروید؛ زیرا ما به استقبال وضعی می رویم که چهره های مختلف و جهات گوناگونی دارد. دل ها بر این امر استوار و عقل ها ثابت نمی مانند. ابرهای فساد، فضای جهان اسلام را تیره ساخته و راه مستقیم ناشناخته مانده است». (۲)

باز خود او می گوید: «آگاه باشـید! اگر دعوت شـما را اجابت کنم، طبق علم خویش با شما رفتار خواهم کرد و به سخن این و آن و سـرزنش ملامتگران گوش نخواهم داد. اما اگر مرا رها کنیـد، من هم ماننـد یکی از شـما خواهم بود. شاید من شـنواتر و مطیع تر از شما در برابر خلیفه منتخبتان باشم. من وزیر و مشاورتان باشم، بهتر از آن است که امیر و رهبرتان شوم.» (۳)

ج) نفی تهمت ها

پیش از قتل عثمان به حضرت تهمت می زدند که به خلافت حریص است؛

۱- (۱) . همان، خطبه۱۳۷.

۲- (۲) . همان، خطبه۹۲.

۳- (۳) . همان.

اگر ایشان خلافت را سریع قبول می کرد، این اتهام ثابت می شد؛ هرچند خود بارها بی رغبتی به مقام و حکومت را اعلام داشت. (۱)

تهمت دیگری که احتمال داشت به ایشان نسبت دهند، بحث کودتا بود. وقتی عمر مجروح شد «ابن عباس» با او صحبت کرد که اگر وی بمیرد، مردم با علی علیه السلام بیعت می کنند. عمر گفت: «نخستین بیعت (ابوبکر) ناگهانی بود و خدا ما را از شرش حفظ کرد؛ ولی از این به بعد دیگر نمی گذارم که بیعت ناگهانی صورت بگیرد.» بنابراین علی علیه السلام برای از بین بردن این اتهام، ابتدا خلافت را نپذیرفت و فرمود: «بروید مسجد، و پس از این که اندیشیدید و شرایط مرا قبول کردید، در آنجا با من بیعت کنید. من در خانه با شما بیعت نمی کنم.» (۲) حضرت در این باره می فرماید:

«لم تکن بیعتکم ایای فلته ولیس امری وامرکم واحداً انّی اریدکم لله وانتم تریدوننی لانفسکم»؛ (۳)

بیعت شما با من ناگهانی نبود و هدف من و شما یکی نیست: من شما را برای خدا می خواهم، ولی شما مرا برای خودتان می خواهید.

۲- قبول خلافت و بیعت مردم

اینک که امام شروطی گذاشته و حجت را بر مردم تمام کرده، ناچار از قبول بیعت ایشان است؛ چون حجت بر او نیز تمام شده است. حضور مردم، مقبولیت مردمی و وفا به عهد و پیمان با خدا دلیل علی علیه السلام در قبول این مسئولیت مهم است:

۱- (۱) . همان، خطبه۳، ۳۳ و ۱۷۲ و نامه۶۲.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان، خطبه۱۳۶.

«اگر آن جمعیت برای بیعت گرداگردم جمع نشده، به یاری بر نمی خاستند و حجت تمام نمی شد و اگر خدا از علما پیمان نگرفته بود که در برابر پرخوری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، افسار شتر خلافت را رها می ساختم و از آن صرف نظر می نمودم و پایان آن را با جام آغازش سیراب می کردم. آن گاه می فهمیدید که دنیای شما در نظر من از آب بینی بز بی ارزش تر است.» (۱)

۳- تأکید بر ایمان، تقوا، زهد و جهاد

سراسر نهج البلاغه آکنده از این چهار فضیلت است. علی وارث جامعه ای غرق شده در فساد است. برای چنین جامعه ای باید از تقوا - نیروی بازدارنده از گناه و فساد - دم زد. مردم باید بر تقوا تکیه کنند و تقوا بر ایمان، استوار است. لازمه تقوا ایمان است و لازمه ایمان، معرفت.

در جامعه ای که دنیاگرایی به اوج خود رسیده است، باید از زهد سخن گفت. امام در جای جای نهج البلاغه به این نکته برجسته پرداخته است: «به خدا قسم! دنیای شما در نزد من از یک لنگه کفش، از آب بینی بز و از استخوان لیسیده شده در دست جزامی، بی ارزش تر است! مگر این که حقی را به پا دارم یا باطلی را از سر راه بردارم.» (۲)

در بیان علی سخن از جهاد فراوان است؛ چون ایشان درگیری های بسیاری دارد و پیوسته می فرماید: «ما در مکتب رسول خدا که بودیم، عمرمان را در جنگ گذراندیم.» (۳) چنین سخنانی بدان جهت است که مردم در جنگ با خودی ها سست نشوند.

۱- (۱) . نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۵.

۲- (۲) . همان، خطبه۳۳.

۳- (۳) . « لقد کنّا مع رسول الله صلی الله علیه و اله وانَ القتل لیدور علی الآباء والابناء والاخوان والقرابات » ؛ نهج البلاغه، خطبه۱۲۲.

۴- تبیین مسئله ولایت

معرفی خود و بیان حقایق

از شدت ظلم خلفاست که علی علیه السلام ناچار می شود خود را بشناساند:

نخستین ایمان آورنده بودم: «اترانی؟ اکذب علی رسول الله صلی الله علیه و اله والله لانا اول من صدّقه»؛ (۱) آیا فکر می کنید من بر پیامبر دروغ می بندم؟! به خدا قسم! نخستین کسی بودم که او را تصدیق کردم.

در جایی دیگر می فرماید: «واعلموا انکم بعین الله ومع ابن عم رسول الله»؛ (۲) بدانید که شما در پیشگاه خدا و همراه پسرعموی رسول خدا صلی الله علیه و اله هستید. ایشان برای نشان دادن احاطه خود به مسائل دین فرمود: «والله ما اسمعکم لرسول الله شیئاً الّا وها انا ذامسمعکموه»؛ (۳) «به خدا سوگند، پیامبر چیزی به شما گوشزد نکرد، مگر آن که من همان را به شما می گویم!».

و در جایی دیگر، خود و اهل بیت را نزدیک ترین افراد به پیروی از سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله معرفی می کند: «وان حکم بسنه رسول الله صلی الله علیه و اله فنحن احق الناس واولاهم بها»؛ (۴) و اگر در مورد پیروی از سنت رسول صلی الله علیه و اله خدا حکم شود، ما اهل بیت سزاوارترین و لایق ترین افراد به پیروی از سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله هستیم.

یکی از راه های تبیین مسئله ولایت، از سوی امام نقل وقایع آینده است تا چهره امامت خود را بر همگان آشکار کند. (۵) در این سمت وسو گاه حضرت بعضی از ابعاد

ص:۱۶۰

۱- (۱) . همان، خطبه ۳۷.

۲- (۲) . همان، خطبه ۶۶.

۳- (۳) . همان، خطبه ۸۹.

۴- (۴) . همان، خطبه ۱۲۵.

۵- (۵) . کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۷۵.

شخصیتی خود را هویدا می ساخت: «ایها الناس سلونی قبل ان تفقدونی فلا نا بطرق السماء اعلم منی بطرق الارض»؛ (۱) هان ای مردم! قبل از این که مرا از دست دهید، از من سؤال کنید؛ چون به راه های آسمان آشناتر از راه های زمینم.

ایشان اهل بیت را چنین توصیف می کند: «پناه مسلمانان ما هستیم. پایه ها و ستون های رفیع دین، ما هستیم». (۲) آری، حق ولایت، مختص آل محمد صلی الله علیه و اله است که اساس ولایت داشتن، عصمت است.

در جایی دیگر می فرماید: «درخت نبوت ما هستیم؛ آنهایی که فرشتگان بر آنها فرود می آیند، ماییم؛ معدن علم، ما هستیم؛ چشمه های حکمت از آن ماست که جاری می شود؛ کجایند کسانی که خیال می کنند راسخ در علم هستند؟! راسخ در علم به خدا ماییم!»

۵- از بین بردن بدعت ها و تحریف ها

ایشان نقل و نوشتن احادیث را آغاز می کند و به نوشتن آنها امر می نماید تا تحریف تاریخی که از سوی خلفا با منع کتابت حدیث آغاز شده بود، خنثی شود.

همچنین در تقسیم اموال شیوه رسول خدا صلی الله علیه و اله را در پیش گرفت و به همین خاطر عبدالله بن عمر، طلحه و زبیر به او اعتراض کردند. (۳) تبلیغات بر ضدّ این مشی به حدی شدید بود که خواهر حضرت علی علیه السلام هم اعتراض می کرد که چرا سهم علی علیه السلام و کنیز خودش باید یکسان باشد.

حضرت در جایی می فرماید: «در تمام قرآن که کاوش کردم، تفاوتی میان

۱- (۱) . نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.

۲- (۲) . همان، خطبه۲.

۳- (۳) . شرح ابن ابی حدید، ج۱، ص۲۳.

فرزندان اسحاق و اسماعیل نبود». مالک اشتر به ایشان عرض می کند: «یا علی! اندکی کوتاه بیایید؛ همه یاران دارند به طرف معاویه می روند!» ازاین رو پیشنهاد داد که خودش سهمی نگیرد و علی سهم او را به فرماندهان بدهد؛ اما علی علیه السلام فرمود:

«أتأمرونّی ان اطلب النصر بالجور؟! ... لو کان المال لی لسویت بینهم فکیف وانّما المال مال الله»؛ (1) آیا از من می خواهید که پیروزی را با ستم به دست آورم؟! اگر این پول ها مال خودم بود، آن را بین مردم به طور مساوی تقسیم می کردم و حال آن که این ها مال خداست.

وقتی نماز می خواند، مردم می گفتند: «نماز علی ما را به یاد نمازخواندن پیامبر می اندازد.» ایشان به منظور برهم زدن تبعیض نژادی، کنیزی را به همسری انتخاب کرد؛ چرا که ملاک ارزش در نگاه علی علیه السلام و فرهنگ دینی تقوا است.

فرجام

از مباحث پیشین روشن شد که چگونه حق مسلم علی علیه السلام با وجود سفارش ها و گام های حضرت رسول صلی الله علیه و اله غصب شد. و چرا خط مستمر ولایت در گام های نخستین خود دچار باند پرقدرت نفاق شد و آنها با حرکتی از پیش طراحی شده و کودتاگونه امام علی علیه السلام را از خلافت محروم کرده و با دروغ، نیرنگ و تزویر - به قول سلمان - کردند، آن چه کردند و نکردند، آن چه باید می کردند.

افزون بر این، دفاع های جانانه صدیقه طاهره علیها السلام برای برگرداندن این حق، بحث و بررسی گردید و ملاحظه شد که ایشان چگونه حجت را بر مردم تمام کردند و در نهایت، جان را بر سر این راه نهادند.

در این واحد آموزشی نیز به موضع گیری های حضرت علی علیه السلام پرداختیم.

۱- (۱) . نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

سکوت ایشان و دست کشیدن از حق خود به منظور جلوگیری از ارتداد و بازگشت مردم از دین، تحلیل شد و صبر حضرت با تیغی نه در پا که در چشم و استخوانی نه در دهان که در حلق، منجر به حفظ رسالت شد. اقدامات علی علیه السلام در این مورد به طور خلاصه عبارتند از:

۱. حفظ مکتب و وحدت مسلمانان با صبر و سکوت؛

۲. نجات از ترور با پیش گرفتن سیاست تقیه؛

۳. نشان دادن انحراف خلفا؛

۴. همدلی با مخالفان حکومت؛

۵. پاک سازی جنبش از منافقان؛

۶. تربیت نیرو و کادرسازی پنهانی؛

۷. ایجاد منابع اقتصادی برای آینده نهضت.

افزون بر این، در بحث تکمیلی به اقدام های حضرت علی علیه السلام بعد از خلفا پرداخته شد. جامعه ای که ایشان وارث آن شد، جامعه ای بی هویت بود. مشکل علی علیه السلام مشکل داخلی و جنگ با مسلمانان بود و غنیمت هم نداشت. حوادثی در این اوضاع و احوال روی داد که در پی آن حضرت علی علیه السلام موضع گیری هایی در پیش گرفت:

۱. عدم پذیرش حکومت در آغاز؛

۲. پذیرش مشروط حکومت؛

۳. تأکید بر ایمان، تقوا، زهد و جهاد؛

۴. تبیین مسئله ولایت؛

۵. از بین بردن بدعت ها و تحریف ها.

ص:۱۶۳

آزمون پایانی

۱. علت سکوت علی علیه السلام بعد از تثبیت حکومت ابوبکر چه بود؟

الف) حفظ وحدت مسلمانان

ب) اشتغال به زهد و عبادت

ج) جلوگیری از ارتداد مسلمانان

د) الف و ج درست است.

۲. کدام گزینه از مصادیق تقیه حضرت علی علیه السلام نیست؟

الف) نام گذاری بعضی از فرزندان به اسم خلفا

ب) مشاوره دادن به خلفا

ج) عدم بیعت با ابوبکر تا مدت ها

د) اشتغال به زراعت

۳. چرا حضرت علی علیه السلام در شورای شش نفره برای تعیین خلیفه بعد از عمر شرکت کرد؟

الف) روشن شدن تناقض در گفتار خلیفه دوم

ب) امید برای به دست آوردن حق پایمال شده

ج) همکاری با حکومت

د) الف و ب درست است.

۴. کدام گزینه از اقدامات حضرت علی علیه السلام در نشان دادن انحراف خلفا نیست؟

الف) نپذیرفتن مسئولیت حکومتی

ب) مناشده ها

ج) اعتراض به بدعت ها و تبعیض های نژادی

د) حل مشکلات فقهی خلفا

ص:۱۶۴

۵. کدام یک از گزینه ها بیانگر همکاری حضرت علی علیه السلام با مخالفان خلفاست؟

الف) همراهی با فاطمه علیها السلام در استنصار

ب) شرکت در بدرقه و وداع با ابوذر

ج) پاک سازی جنبش از منافقان

د) الف و ب درست است.

۶. کدام یک از گزینه ها شاهدی بر تربیت نیرو در دوران خلفا نیست؟

الف) جذب محمد ابی بکر

ب) جذب قیس بن سعدبن عباده

ج) جذب اویس قرنی

د) جذب مالک اشتر

۷. چرا حضرت علی علیه السلام به کار کشاورزی پرداخت؟

الف) دوری از مسائل سیاسی

ب) ایجاد منابع اقتصادی برای آینده نهضت

ج) کسب درآمد

د) علاقه شخصی

۸. کدام گزینه علت عدم پذیرش حکومت در ابتدا از سوی حضرت علی علیه السلام نیست؟

الف) حضور و هجوم مردم ب) پایین آوردن توقع مردم

ج) بالابردن طاقت مردم د) نفی تهمت ها

۹. علت تأکید زیاد حضرت علی علیه السلام بر زهد در دوران خلافت چیست؟

الف) دنیاگرایی جامعه ب) پیروی از قرآن

ج) تبعیت از سنت پیامبر د) ترویج راه و روش خود

ص:۱۶۵

۱۰. کدام گزینه علت تأکید زیاد حضرت علی علیه السلام بر مسئله جهاد نیست؟

الف) آماده کردن مردم برای درگیری های آینده

ب) بودن جهاد از فروع دین

ج) سنت پیامبر در ریشه کنی فساد

د) مخالفت با سیره خلفا

۱۱. کدام یک از گزینه ها از جمله اقدام ها برای تبیین مسئله ولایت علی علیه السلام نیست؟

الف) بیان سابقه همراهی با رسول خدا

ب) آغاز نقل و نوشتن احادیث

ج) معرفی خود به عنوان وصی در مناشده ها

د) نقل وقایع آینده

۱۲. این عبارت حضرت علی علیه السلام «أتأمرونّی ان اطلب النصر بالجور ...» در پاسخ کدام یک از افراد زیر بود؟

الف) سلمان ب) مالک اشتر

ج) ابوذر د) عمار

ص:۱۶۶

بخش سوم : بررسی وضعیت جامعه در آستانه غیبت صغری

اشاره

ص:۱۶۷

۱- شرایط اجتماعی و فکری عصر عباسیان

درآمد

این قسمت آموزشی در صدد بیان طبقات مختلف اجتماعی این دوران، ارتباط آنان با یکدیگر و نیز آداب و رسوم، اعیاد و جشن ها، مقبره ها و خانه ها و هر آن چیزی است که به مظاهر اجتماعی این دوران بازمی گردد.

در واقع هدف اصلی ما از بیان وضعیت اجتماعی این دوره ارائه تصویری روشن از شکاف عمیق طبقاتی و بعضی از نمودها و نمونه های آن و علل پدید آمدن این معضل در این عصر است.

افزون بر این به وضعیت فکری و گرایش های مذهبی حاکمان سیاسی، علل به وجود آمدن این گرایش ها و در نهایت تألیفات و آثار فکری این دوره نیزمی پردازیم.

پیش آزمون

۱. آیا با وضعیت اجتماعی عصر عباسیان دوم آشنا هستید؟

۲. به نظر شما چرا در این دوران شکاف عمیق طبقاتی در جامعه پیش آمد؟

۳. تصور شما از وضعیت فکری این عصر چیست؟

ص:۱۶۹

۴. آیا با دو جریان فکری معتزله و اهل حدیث آشنا هستید؟

۵. کدام یک از رویکردهای مذکور خط مشی خلفای عباسی بوده است؟

وضعیت اجتماعی

اشاره

در این دوره به علت بی کفایتی خلفا، غرق بودن آنها در عیاشی و زن بارگی و شب نشینی های آن چنانی، ولخرجی بی حد و حصر، رفاه زدگی و دنیازدگی آنان جامعه عملاً به دو قشر و قطب بزرگ تقسیم شده بود: فقیر و غنی؛ اکثریت محروم و اقلیت برخوردار. (۱) شکاف و فاصله طبقاتی میان خلفا و کارگزاران آنان با توده مردم به اوج رسیده بود.

در اینجا مروری داریم به عیاشی ها، قصرها ولخرجی های خلفا در اعیاد و جشن ها؛ همچنین اشاره ای به وضع زندگی، درآمد و اختلاس های برخی از وزرا و دیگر کارگزاران حکومت خواهیم داشت.

۱- عیاشی

عیاشی سیره مشترک همه خلفای عباسی بود. (۲) خلفای عباسی بیشتر دوران زندگی ننگین خود را در کنار جام های شراب و آغوش کنیزکان زیبا به سر می بردند. کتاب های تاریخ و ادب (۳) مشحون از این گونه شواهد است. (۴) اکنون به یک نمونه می پردازیم:

متوکل خیره سری و وقاحت را به آنجا رساند که امام هادی علیه السلام را نیمه شب

۱- (۱) . دکتر شوقی ضیف، العصر العباسی الثانی، ص ۵۳ و ۶۲-۶۴.

۲- (۲) . سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۶۱.

۳- (۳) . تاریخ الادب العربی (العصر العباسی الثانی)، ص ۴۴۳-۴۷۲.

۴- (۴) . تاریخ الخلفا، ص ۳۶۱.

به اجبار به بزم شبانه خود کشاند و در حال باده گساری، جام در دست به حضرت تعارف کرد! امام عذر آورد که: «گوشت و خون من هرگز به شراب آلوده نشده است؛ مرا معاف کن.» متوکل از خواسته اش دست کشید، اما از امام به اصرار خواست که شعری برایش بخواند. امام به ناچار شعری خواند که متوکل و همه اهل مجلس را به گریه واداشت و بزم عیش را به سوگ کشاند. (۱)

۲- قصرها

خلفای عباسی و به تبع آنان امرا، وزرا و دیگر دولتمردانشان علاقه شدیدی به ساختن قصرهای زیبا و پرزرق و برق داشتند. (۲) قصرهای خلفا در این دوره شبیه یک شهر بزرگ و دارای باغ ها و بوستان ها و نهرها و ساختمان های متعدد بود. متوکل دارای کاخ های متعدد بود؛ به طوری که هر وقت یک قصرش تمام می شد، به ساختن قصری دیگر می پرداخت. خرج این قصرها بالغ بر ۲۷۴ میلیون درهم بود. (۳)

۳- جشن ها

خلفای عباسی توجه فراوانی به برپایی مجالس و جشن های پرخرج و پرزرق و برق داشتند. به نمونه ای در این زمینه می پردازیم:

متوکل در جشنی به مناسبت ختنه پسرش «عبدالله معتز» چنان تشریفات پرخرج به راه انداخت که مورخان هزینه این جشن را بالغ بر ۸۶ میلیون درهم می دانند. (۴)

۱- (۱) . مروج الذهب، ج۴، ص۹۴.

۲- (۲) . دکتر حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، ج۳، ص۴۰۷.

۳- (۳) . العصر العباسی الثانی، ص۵۵.

۴- (۴) . همان، ص۶۷ و ۶۸.

دکتر شوقی ضیف پس از نقل این واقعه می گوید: به این ترتیب میلیون ها دینار و درهم بی حساب صرف می شد، درحالی که مردم در سختی و فقر به سر می بردند. (۱) مسعودی به حق می نویسد: در هیچ برهه ای از زمان و تاریخ مانند دوران خلافت متوکل ولخرجی نمی شد. (۲)

۴- بزم ها

بزم های شبانه عباسیان و دلدادگی و بخشش های بی حساب آنها به رقاصه ها و آوازه خوانان و مطربان در حالت مستی و بی خودی، شهره آفاق و یادآور داستان های هزارویک شب است. خلفا بیشتر اوقات را در مستی و طرب می گذراندند. نه تنها قصرهای خلفا که قصرهای وزرا و امرا نیز پایگاه شراب و رقص و غنا بود. طبری نقل می کند که وقتی متوکل قصر «جعفری» خود را تمام کرد، مطربان و دلقکان را فراخواند و پس از برنامه شان به آنها دومیلیون درهم داد. (۳)

۵- بخشش ها

بخشش های بی حساب خلفا از بیت المال مسلمین منحصر به رقاصه ها و آوازه خوانان نبود و مادران، همسران و دیگر بستگان آنها را هم دربرمی گرفت. متوکل به مادرش «شجاع» سالی ششصدهزار دینار می داد. آن چه پس از مرگ این زن باقی ماند، پنج میلیون دینار پول نقد و جواهراتی به ارزش یک میلیون دینار و زمین هایی با ارزش غلات سالانه چهارصدهزار دینار بود. از این ها که بگذریم،

۱- (۱) . مروج الذهب، ج۴، ص۱۲۲.

۲- (۲) . العصر العباسی الثانی، ص۶۸.

۳- (۳) . تاریخ طبری، ج۹، ص۲۱۲.

بخشش های خلفا به شعرای درباری و یا هر کس که در مدح و ستایش آنان شعری می گفت یا حکومتِ آنان را به حق جلوه می داد و آن ها را از ائمه به پیامبر نزدیک تر نشان می داد و یا زبان گزنده خود را متوجه علویان ساخته، بر آنان می تاخت نیز ارقام سرسام آوری را شامل می شود. (۱)

۶- طعام ها

از ویژگی های خلفای عباسی و به تبع آنان وزرا و امرا، حرص و اسراف آنها در انواع خوراکی ها، نوشیدنی ها و شیرینی جات و چیدن سفره های رنگین با ظروف طلا و نقره بود.

مورخان بسیاری نمونه هایی شنیدنی از این اسراف و شکم بارگی را یادآور شده اند و مخارج گزاف روزانه غذا و آشپزخانه هریک از خلفای عباسی را آورده و از مخارج سنگین همسران خلفا و فرزندانشان مطالبی نگاشته اند. (۲)

توده مردم

اشاره

مردم در این حال با فشار و تنگ دستی بسیار زندگی می گذراندند. خرج ماهیانه یک خانواده متوسط در همان دوره بیش از ۲۵ درهم نبود، درحالی که مخارج متوکل فقط برای مصارف شخصی اش در سال رقمی بالغ بر ۷۶/۵۰۲/۵۰۰ درهم بود. (۳) با نگاهی دوباره به شورش ها و قیام های صورت گرفته در این دوران میزان ظلم و ستم و نابرابری حاکم بر توده مردم بیشتر مشخص می شود. (۴)

۱- (۱) . الکامل، ج۷، ص۱۰۱.

۲- (۲) . العصر العباسی الثانی، ص۷۴و۷۵.

۳- (۳) . دکتر ضیف الله یحیی الزهرانی، النفقات و ادارتها فی الدوله العباسیه، ص۱۵۰.

۴- (۴) . العصر العباسی الثانی، ص۶۲.

۱- وضعیت فکری

تا پیش از متوکل، مذهب رسمی دولت و خط مشی فکری حاکمان عباسی مذهب اعتزال بود. ازاین رو مناسب است اندکی در این مورد سخن بگوییم.

۲- اعتزال

برخی پیدایش آن را در اواخر قرن اول هجری در دوره امویان و جدایی «واصل بن عطا» از استاد خود «حسن بصری» می دانند. (۱) به گفته آنان جایگاه پیدایش و رشد و نمو آن در عراق بوده و متشکل از پنج اصل است.

تکیه این مکتب بر عقل گرایی مفرط است؛ به طوری که بعضی آن را از این نظر شبیه مکتب عقل گرایی اروپا در عصر رنسانس می دانند. (۲)

در دوره مأمون عقیده رسمی دولت قرار گرفت و با حمایت او به اوج شکوفایی خود رسید. برخی از محققان با ارائه شواهد تاریخی بر این باورند که هدف اصلی مأمون از این اقدام ها مبارزه با امامت شیعه و محکوم کردن و شکست امام رضا علیه السلام بود؛ همچنان که با ترجمه کتاب های یونانی و احضار متکلمان و تشکیل جلسات بحث و مناظره نیز همین هدف را دنبال می کرد. (۳)

مأمون پس از پذیرش این مذهب، مردم را به قبول مخلوق بودن قرآن - که از نظریات معتزله است - وادار نمود. معتصم و واثق نیز این گونه بودند. این سخت گیری ها به جایی رسید که مخالفان را شکنجه و آزار می دادند و زندان ها از

۱- (۱) . تاریخ الاسلام، ج ۱، ص۴۱۸.

۲- (۲) . همان، ص۴۲۱.

۳- (۳) . جعفر مرتضی عاملی، زندگانی سیاسی امام رضا علیه السلام ، ترجمه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص۳۵۷-۳۶۰.

آنها پر شده بود. «احمد بن حنبل» به جرم مخالفت با این نظریه تازیانه خورد و مدت ها زندانی شد. (1)

۳- تغییر خط مشی فکری

با روی کار آمدن متوکل در سال ۲۳۲ ه وی با یک چرخش آشکار، سیاست حمایت از اهل حدیث و سرکوبی معتزله و شیعیان را در پیش گرفت. هدف متوکل از این کار عبارت بود از: ۱. جلب رضایت مردم به خاطر تندروی حکام قبلی در اجبار مردم به پیروی از عقاید معتزله؛ ۲. شکست دادن علویان که اکثر آنها گرایش معتزلی و شیعی داشتند و در واقع قشر تندرو جامعه را شکل می دادند.

روش های متوکل برای رسیدن به این اهداف از این قرار بود:

۱. تفتیش عقاید مذهبی ضد راویان عامه را ممنوع کرد و ایشان و هوادارانش را به پذیرش شعارهای ضدشیعی ترغیب نمود.

۲. «ابن زیات» وزیر و همکارانش را از مشاغل خود برکنار کرد و به جای آنها «جرجرائی» و «ابن خاقان» دارای گرایش افراطی به سیاست های ضدشیعی منصوب کرد.

۳. ارتش نوینی موسوم به «شاکریه» را پدیدآورد. بدین منظور افرادی را از مناطق معروف به بینش ضدعلوی استخدام کرد. (2)

۴- تألیفات این دوره

از دیگر رویدادهای گفتنی در این مقطع، شکل گیری و تدوین برخی جوامع

ص:۱۷۵

۱- (۱) . دکتر نادیه حسنی صفر، مطلع العصر العباسی الثانی، ص۲۰۶.

۲- (۲) . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۲.

روایی و صحاح اهل سنت، همچون مصنف ابن ابی شیبه (م ۲۳۵ ه)، صحیح بخاری (م۲۵۶ه) و صحیح مسلم (م۲۶۱ه) است. (۱)

فرجام

۱. درباره وضعیت اجتماعی دوره عباسیان، اشاره ای داشتیم به دوقطبی شدن جامعه و تقسیم آن به لحاظ مالی و اقتصادی به دو قشر محروم و برخوردار. از این رو، مقایسه ای داشتیم بین زندگی خلفا، وزرا، امرا، جشن ها، عیاشی ها و ریخت و پاش های بی حد و حصر و افسانه ای آنان، با فقر و تهیدستی و سیه روزی توده مردم.

۲. در وضعیت فکری مروری داشتیم بر مهم ترین ویژگی این دوره که همان چرخش فکری آشکار متوکل از اعتزال به اهل حدیث و سرکوبی معتزله و قدرت بخشیدن به اهل سنت و جماعت بود. از علل و انگیزه های آن نیز بحث شد.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. تاریخ طبری و کامل ابن اثیر (ذیل سال های مورد بحث)

۲. مروج الذهب ، مسعودی (ذیل خلفای مورد بحث)

۳. تاریخ الاسلام ، دکتر ابراهیم حسن

۴. العصر العباسی الثانی ، دکتر شوقی ضیف

۵. «النفقات و ادارتها فی الدوله العباسیه» ، دکتر زهرانی

۶. تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام ، باقر شریف قرشی

۷. زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام ، باقر شریف قرشی

۸. مطلع العصر العباسی الثانی ، دکتر نادیه حسینی متقر

۹. الخلافه العباسیه فی عصر الفوضی العسکریه ، دکتر فاروق عمر

۱- (۱) . دولت بنی العباس، دکتر شاکر مصطفی، ج ۲، ص ۱۶۴.

آزمون پایانی

۱. علت وجود فاصله طبقاتی در این دوران چیست؟

الف) مشکل اقتصادی

ب) بی کفایتی و ولخرجی های بی حد و حصر خلفا

ج) مشکلات سیاسی

د) هیچ کدام

۲. این عبارت: «گوشت و خون من هرگز به شراب آلوده نشده است» از کدام امام معصوم و در برابر کدام خلیفه عباسی بود؟

الف) امام هادی علیه السلام در برابر متوکل ب) امام جواد در مقابل معتصم

ج) امام عسکری در مقابل معتضد د) امام هادی در برابر معتصم

۳. پیدایش گرایش فکری معتزله در چه دورانی بود؟

الف) دوره امویان ب) دوره معتصم عباسی

ج) دوره مأمون د) دوره هارون الرشید

۴. ورود این گرایش فکری به صحنه سیاسی در زمان کدام خلیفه بود؟

الف) منصور ب) هادی

ج) مأمون د) امین

۵. علل تغییر خط مشی فکری از معتزله به اهل حدیث در دوران متوکل چه بود؟

الف) جلب رضایت مردم به خاطر تندروی حکام قبلی

ب) شکست علویان که گرایش های معتزلی داشتند

ج) سرکوب شورش ها

د) الف و ب درست است

۶. کدام یک از موارد زیر جزو جوامع روایی نگاشته اهل سنت در این دوره نیست؟

الف) «مصنف» ابن ابی شیبه

ب) صحیح بخاری

ج) مسند حنبل

د) صحیح مسلم

ص:۱۷۸

۲- وضعیت فکری و سیاسی - اجتماعی شیعه در آستانه عصر غیبت

درآمد

شناخت وضعیت فکری، سیاسی و اجتماعی شیعه با توجه به موضع گیری های ائمه علیهم السلام قابل بررسی است. برای کنکاش در مورد وضعیت شیعه باید عصر یکایک رهبران دینی، به ویژه دوره صادقین و عسکریین را مورد مطالعه دقیق قرار داد؛ چرا که وظیفه آنان حفظ اسلام و فرهنگ وحی از دستبرد حوادث و منحرفان بوده و از طرفی می بایست آمادگی فکری برای ورود به عصر غیبت را در شیعیان ایجاد می کردند.

این واحد آموزشی تبیین موارد فوق را به عهده دارد. شما با یادگیری این واحد می توانید به راز پایداری شیعه آن هم با حجم زیاد مخالفت ها و کشت و کشتارها و شکنجه ها آشنا شوید.

پیش آزمون

۱. آیا می دانید ائمه علیهم السلام برای آمادگی فکری شیعه در آستانه عصر غیبت چه اقدام هایی کرده اند؟

ص:۱۷۹

۲. آیا می توانید بگویید امامان شیعه با توجه به کدام اصل اساسی شیعه توانستند مبارزات سیاسی را استمرار بخشند؟

۳. تصور شما از وضعیت اجتماعی شیعه و رهبران دینی در این دوران چیست؟

وضعیت فکری

اشاره

شیعه در این دوره به لحاظ فکری - عقیدتی از جایگاهی شایسته برخوردار است؛ چه این که طرح مذهب توسط صادقین علیهما السلام ریخته شده و احادیث در شکل اصول و جوامع نگه داری شده اند و معیار شناسایی احادیث و تهذیب آنها از سوی ائمه دیگر به دست آمده است؛ همان طور که شاگردان و شیوخ و اصحابی تربیت شده اند و اصول به آنها القا شده و در کتاب های چهارصدگانه (اصول اربع مأه) نگارش و تدوین یافته است. اینان این گونه تغذیه فکری شدند تا هم کارگشای حوادث باشند و هم از کیان اعتقادی و فقهی شیعه در برابر فرقه ها و گروه های مختلف - به خصوص «اهل سنت» که از حمایت و پشتیبانی خلفا برخوردار بودند - دفاع کنند. «حافظ ابوالعباس بن عقده همدانی کوفی» کتابی در نام های کسانی که از حضرت صادق علیه السلام حدیث روایت کرده اند تصنیف کرده که در آن چهارهزار نفر معرفی شده اند. (۱) در دوره صادقین نقل روایت و تدوین حدیث در بین شیعه چنان وسعت یافت که در هیچ عصر و دوره ای و در هیچ مذهبی این طور وسعت نیافته است. به همین خاطر این عصر را عصر انتشار علوم آل محمد صلی الله علیه و اله نامیده اند. شیخ طوسی شمار شاگردان امام هادی علیه السلام را در زمینه های مختلف علوم اسلامی ۱۸۵ نفر می داند. در میان آنها شخصیت های برجسته ای مانند فضل بن شاذان، حسین بن سعید اهوازی، ایوب بن نوح، ابوعلی

۱- (۱) . ابوالقاسم گرجی، تاریخ فقه و فقها، ص۱۱۵.

حسین بن راشد، حسن بن علی ناصر کبیر، عبدالعظیم حسنی و عثمان بن سعید اهوازی به چشم می خورند که برخی از آنان دارای آثار و تألیفات ارزشمندی در علوم اسلامی هستند. (۱)

۱- اقدام عسکریین در زمینه فکری: حفظ اسلام و فرهنگ وحی

از جمله وظایف امام علیه السلام نگه داری فرهنگ اسلامی از دستبرد حوادث و منحرفان است. روشنگری و موضع گیری های مناسب این دو امام در برابر انحرافات فکری جامعه از صوفیه و واقفیه گرفته تا مفوضه و ثنویه و غلات (۲) و... و پاسخ گویی به مسائل فقهی و مشکلات فکری و دورکردن شیعیان از وادی های بیهوده و توان سوز از ویژگی های بارز این دوره است. بجاست به ذکر نمونه ای بپردازیم:

امام هادی علیه السلام در پاسخ سؤال یکی از شیعیان در مورد مخلوق بودن قرآن چنین نوشت:بسم الله الرحمن الرحیم. خداوند ما و تو را از دچارشدن به این فتنه حفظ کند که در این صورت بزرگ ترین نعمت را بر ما ارزانی داشته وگرنه هلاکت و گمراهی است. به نظر ما بحث و جدال درباره قرآن - این که مخلوق است یا قدیم - بدعتی است که پرسش کننده و پاسخ دهنده در آن شریکند؛ زیرا پرسش کننده دنبال چیزی است که سزاوار نیست و پاسخ دهنده نیز برای موضوعی بی جهت خود را به زحمت و مشقت می افکند که در توان او نمی باشد. خالق جز خدا نیست و به جز او همه مخلوقند؛ قرآن نیز سخن خداست، از پیش خود اسمی برای آن قرار مده که از گمراهان خواهی شد. خداوند ما و تو را از

۱- (۱) . رجال طوسی، ص۴۰۹-۴۲۹.

۲- (۲) . محمدجواد طبسی، حیاه الامام العسکری، ص۲۸۹-۲۹۵.

مصادیق سخن خود قرار دهد که می فرماید: «متقیان کسانی هستند که در نهان از خدای خویش می ترسند و از روز جزا بیمناکند.» (۱)

۲- ایجاد آمادگی فکری برای ورود به عصر غیبت

از جمله اقدامات، روایات فراوان این دو بزرگوار در مورد فرارسیدن غیبت و بشارت به ولادت حضرت حجت و ارجاع شیعه به وکلاء تأیید برخی از کتب فقهی و اصول روایی و بالاخره کم کردن تماس مستقیم شیعیان با خودشان بود؛ به طوری که حتی در شهر سامرا به مراجعات و مسائل شیعیان از طریق نامه یا توسط نمایندگان خویش پاسخ می دادند. (۲)

وضعیت سیاسی

اشاره

به لحاظ سیاسی، شرایط بسیار حساس و بحرانی است. امامان شیعه در محاصره قرار می گیرند و علی رغم تقیه شدید، به منظور کنترل بیشتر، از مدینه به سامرا آورده می شوند. دسترسی شیعیان به امام بسیار سخت و خطرساز است.

۱- انتقال عسکریین از مدینه به سامرا

سیاست عباسیان در مقابل عسکریین مانند سیاست مأمون در برابر امام رضا علیه السلام بود که به صورت یک سنت شوم، متوکل در برابر امام هادی اعمال کرد. هدف از این سیاست عبارت بود از نزدیک ساختن امام علیه السلام به دربار و محدود کردن وی در حاشیه حکومت تا بتواند کاملاً مراقب امام باشد و از همه کارهای او اطلاع داشته و بین آن حضرت و شیعیان جدایی اندازد. همین سیاست در

۱- (۱) . توحید صدوق، ص ۲۲۴.

۲- (۲) . حیاه الامام العسکری، ص ۳۲۴.

مورد امام عسکری علیه السلام نیز اعمال شد. آن حضرت نیز مانند پدر گرامی اش در سامرا تحت نظر بود و مجبور بود هر هفته، روزهای دوشنبه و پنجشنبه خود را به کاخ خلیفه معرفی کند. (۱)

۲- شیوه های مبارزه سیاسی عسکریین

در این مرحله که مبارزه بسیار حساس و پیچیده شده، طرح مبارزاتی شیعه در «سازمان مخفی وکالت» شکل می گیرد؛ سازمانی که پایه های آن از دوره امام صادق علیه السلام ریخته شده و در دوره عسکریین به اوج نفوذ خود رسیده است. سازمان وکالت، تشکیلاتی و بسیار پیچیده است. امام علیه السلام در این مرحله با تماس های حساب شده و پنهانی به بسط و توسعه این سازمان و در نتیجه حفظ و تقویت و گسترش شیعه می پردازد. تأیید و حمایت از برخی قیام های علویان برای ایجاد ضعف در پایه های حکومت عباسی و یا کم کردن ظلم و بیداد آنان، از اقدامات دیگر ائمه شیعه در این مرحله از مبارزات است.

به عبارت دیگر مبارزات سیاسی عسکریین علیهما السلام همچون مبارزات فکری و عقیدتی آنان شیوه ها و ابعاد مختلفی دارد. از سیاست تقیه گرفته تا نفوذدادن برخی از شیعیان در کارهای حکومت، (۲) حفظ و نگه داری شیعیان، رسیدگی به وضعیت آنان، تأیید و حمایت برخی از گروه های انقلابی (۳) و مهم تر از همه تقویت و گسترش «سازمان مخفی وکلا» است. در مورد تقیه به طور خلاصه باید گفت: تقیه در حقیقت یک شکل پیچیده از مبارزه است. تقیه بیکاری نیست که

ص:۱۸۳

۱- (۱) . شیخ طوسی، الغیبه، ص۱۳۹.

۲- (۲) . رجال نجاشی، ص ۲۵۴.

۳- (۳) . دکتر جاسم حنین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۵-۸۹.

پنهان کاری است و در تمامی شکل هایش نوعی جهاد و دفاع و زمینه سازی است. تقیه رمز حیات و بقای شیعه در طول تاریخ در برابر همه طاغوت ها و قدرت های استکباری است. تاریخ تقیه امامان شیعه علیهم السلام کلید فهم تاریخ تشیع است. امام هادی علیه السلام به داود صرمی می فرماید: «یا داود! لو قلت انّ تارک التقیه کتارک الصلوه لکنت صادقاً»؛ (۱) ای داود! اگر می گفتم که چشم پوش از تقیه همچون تارک الصلوه است، در این گفته صادق بودم.

امام عسکری علیه السلام به یکی از شیعیان که دوستش را به تقیه راهنمایی کرده بود فرمود: «تو مصداق سخن پیامبر هستی که فرمود: کسی که دیگری را به کار خیری راهنمایی کند، گویا آن را انجام داده...». (۲)

شدت تقیه در دوره آن حضرت تا آنجا بود که گاه به شیعیان پیام می فرستاد: برای حفظ جانتان به من سلام نکنید و با دست اشاره ننمایید. (۳)

وضعیت اجتماعی

اشاره

وضعیت اجتماعی شیعه را در این دوره علی رغم این که بسیاری از شهرها از مراکز شیعه نشین است، می توان در موارد زیر برشمرد:

۱- ارتباط حداقل با امام

امام علیه السلام گرچه به صورت های مختلف با شیعیان تماس می گرفت، اما کنترل شدید او از یک طرف و شکنجه و آزار کسانی که با وی تماس می گرفتند از طرف دیگر، باعث می شد که ارتباطش با پیروان خود به حداقل برسد.

۱- (۱) . وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۶۶.

۲- (۲) . طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۶.

۳- (۳) . بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹.

۲- فشار

در این دوره شیعیان از جانب خلفای عباسی به شدت تحت فشار و اختناق بودند. متوکل برای فشار هر چه بیشتر به شیعیان، به حاکم مصر دستور داد «طالبیون» را به عراق تبعید کند. حاکم مصر نیز چنین کرد، آن گاه متوکل در سال ۲۳۶ ه آنان را به مدینه - محل تبعید علویان - راند. (۱)

وی همچنین به ساکنان حجاز هشدار داد تا هیچ گونه ارتباطی با علویان برقرار نسازند. بنا به نوشته «اصفهانی» متوکل در نتیجه اعمال این شیوه ها علویان را با رفتارهای خشونت آمیزی در مدینه مواجه کرد. (۲)

۳- اخراج از سمت ها

مسعودی می نویسد: متوکل «اسحاق بن ابراهیم» حاکم سامرا و سیروان در استان جبل را به خاطر شیعه بودن از سمت خود برکنار کرد. (۳) بسیاری دیگر از مردم موقعیت های خود را به همین دلیل از دست دادند.

۴- گرفتن امکانات اقتصادی

متوکل سرزمین فدک را که دارایی حسینیان بود مصادره کرد. درآمد فدک بنا به نوشته سید بن طاووس در آن زمان بالغ بر ۲۴۰۰۰ دینار بود. ابوالفرج اصفهانی می نویسد: متوکل علویان را در تنگنای اقتصادی قرار داد و رسماً هرگونه کمک و نیکی در حق آنان را ممنوع کرد و متخلفان را مجازاتی سخت و کیفری سنگین می داد. (۴)

۱- (۱) . تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص۸۳و۸۴.

۲- (۲) . مقاتل الطالبین، ص۳۹۶.

۳- (۳) . مروج الذهب، ج۴، ص۱۰۶.

۴- (۴) . مقاتل الطالبین، ص۵۹۹.

پایگاه اجتماعی رهبری شیعه

اشاره

علی رغم همه موانعی که از جانب حکومت برای امامان شیعه پیش می آوردند، نفوذ معنوی ایشان روز به روز فزونی می یافت تا آنجا که قصر خلفا را هم در بر گرفته بود. بسیاری از مردم شیفته آنان و حتی برخی از وزرا و امرا در دل به حقانیت آنان معترف بودند و خلافت را تنها شایسته آنان می دانستند. اینک نمونه هایی از این موارد را مرور می کنیم.

۱- نفوذ امام هادی علیه السلام در بین امرا

متوکل در پی سعایت هایی که از امام هادی علیه السلام در مدینه می شد، حضرت را به وسیله «یحیی بن هرثمه» به سامرا فراخواند. یعقوبی نقل می کند: همین که امام به یاسریه رسید «اسحاق بن ابراهیم» حاکم بغداد به دیدارش آمد و چون علاقه و شیفتگی مردم را به ایشان دید، از حضرت خواست شب را در بغداد به سر برد. یحیی حاکم بغداد را در جریان مأموریت خود گذاشت، حاکم بغداد گفت: «این مرد زاده رسول خدا است و تو انحراف متوکل را از اهل بیت می دانی، پس اگر کلمه ای علیه امام بگویی، او را خواهد کشت و روز قیامت پیامبر خصم تو خواهد بود...». سپس راه سامرا را در پیش گرفتند. همین که به مقصد رسیدند، یحیی خود را به «وصیف ترکی» که از سران حکومت رساند. وی نیز او را از نقل سخنانی که موجب گزند به امام شود، بر حذر داشت. یحیی از یکی بودن سخنان اسحاق و وصیف درباره محافظت از امام و سلامت او متحیر شد. (۱)

۲- در میان اهل کتاب

نفوذ امام منحصر به مسلمانان و شیعیان نبود و اهل کتاب را هم شامل می شد.

۱- (۱) . تاریخ یعقوبی، ج۳، ص۲۰۹.

«هبه الله ابن ابی منصور موصلی» چنین نقل می کند: «یوسف بن یعقوب مسیحی از دوستان پدرم بود. او روزی میهمان خانه ما در بغداد بود. پدرم از او انگیزه آمدنش را پرسید. وی گفت: متوکل عباسی مرا احضار کرده، ولی علتش را نمی دانم. من نیز خودم را به یکصد دینار بیمه کرده ام و آنها را با خود آورده ام تا برای علی بن محمد علی الرضا علیه السلام هدیه ببرم.» (۱)

۳- نزد شیعیان سامرا

متوکل در سامرا همواره مانع دیدار مردم با امام هادی علیه السلام می شد. یک روز حضرت در قصر متوکل بود و جماعت زیادی از شیعیان پشت در اجتماع کرده بودند. راوی می گوید: از آنها پرسیدم برای چه اجتماع نموده اید؟ گفتند: «منتظر بازگشت مولایمان هستیم تا او را ببینیم و بر او سلام کنیم و آن گاه برویم». (۲)

۴- نفوذ امام عسکری علیه السلام نزد خلفا

بعضی از خلفای آن دوره، همچون معتمد در حوائج مهم خود به آن حضرت متوسل می شدند و از ایشان دعا درخواست می کردند. (۳)

۵- نزد وزرا

«عبید بن خاقان» وزیر معتمد عباسی می گوید: «اگر خلافت از میان خلفای بنی عباس جدا شود، کسی از هاشمیان به غیر از او (امام حسن عسکری) سزاوار آن نخواهد بود.» (۴)

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۰، ص۱۴۴و۱۴۵.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۵، ص۱۴۸.

۳- (۳) . همان، ج ۵۰، ص۳۰۹.

۴- (۴) . همان، ص۳۲۷.

۶- نزد طبیب متوکل

«بختیشوع» پزشک مخصوص متوکل به یکی از شاگردان خود گفت: «... بدان که او (امام حسن عسکری) داناترین کسی است که در زیر آسمان زندگی می کند...» (۱)

۷- نزد اهل کتاب

برخی از علمای اهل کتاب به مقام آن حضرت معترف بودند؛ به طوری که حضرت در مورد بعضی از آنها فرمود: «حمد خدای را که نصاری را نسبت به بعضی از مسلمین به حق ما آگاه تر قرار داد». از همانان کسانی به دست آن بزرگوار مسلمان شدند؛ از جمله می توان از «انوش نصرانی» و «راهب دیر عاقول» نام برد. (۲)

۸- در نزد شیعیان

اشعار «ابوهاشم جعفری» از بزرگان اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام در وصف امام عسکری به خوبی گویای مقام شامخ امامت شیعه نزد شیعیان ایشان است. ترجمه برخی از این اشعار چنین است:

«خداوند تمام معجزات امامت را به او بخشید؛ همان گونه که به موسی معجزه شکافتن دریا و ید بیضا و عصا را بخشیده بود. پروردگار حجت و معجزه ای به پیامبران عطا نکرد، مگر آن که مانند آن را به اوصیا بخشید و اگر در این مورد تردید داری، پی جویی دلیل و برهان بر توست.» (۳)

۱- (۱) . همان، ج۵، ص۲۶۱.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . باقر شریف قرشی، زندگانی امام حسن عسکری، ص۶۴.

فرجام

وضعیت فکری و سیاسی - اجتماعی شیعه و رهبری آن در این دوره دارای ویژگی هایی است.

۱. به لحاظ فکری، اصول و احادیث شیعه ضبط و نگه داری شده و شیوخ و رجالی تربیت یافته اند تا در بحران ها و حوادث رهگشای مسائل و مشکلات باشند. حفظ اسلام از دستبرد منحرفان، روشنگری ها و موضع گیری های بجا و پاسخ گویی به مشکلات فکری و فقهی و ایجاد توان و آمادگی در شیعیان برای پذیرش غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله اقدامات ائمه علیهم السلام در این دوران است.

۲. به لحاظ سیاسی، رهبری شیعه به اجبار از مدینه به سامرا آورده شد و تحت نظارت و کنترل شدید به سر می برد. عسکریین علیهما السلام با پیش گرفتن سیاست تقیه به تقویت و گسترش سازمان وکلا می پرداختند. از دیگر اقدامات آنان، حمایت از برخی قیام های علویان و حفظ و سرپرستی شیعیان و نفوذ دادن تعدادی از آنها در پست ها و مراکز حساس بود.

۳. از نظر اجتماعی، شیعیان در فقر و فشار و اختناق و محرومیت به سر می بردند و رهبری شیعه علی رغم محصور بودن و ممانعت از تماس مردم و شیعیان با آنان از نفوذ زیادی در میان همه اقشار جامعه، از شیعیان و توده مردم گرفته تا علما و بزرگان و اهل کتاب و امرا و وزرا برخوردار بود.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. بحارالانوار ، ج ۵۰

۲. تاریخ الغیبه الصغری ، سیدمحمد صدر

۳. حیاه الامام العسکری ، محمد جواد طبسی

۴. زندگانی امام علی الهادی علیه السلام و امام حسن عسکاری علیهما السلام ، باقر شریف قرشی ، ترجمه سیدحسن اسلامی

۵. تاریخ التشریع الاسلامی ، دکتر عبدالهادی الفضلی

۶. تاریخ فقه و فقها ، دکتر ابوالقاسم گرجی

آزمون پایانی

۱. اقدامات ائمه علیهم السلام برای رشد فکری شیعه چه بود؟

الف) تربیت شاگردان مبارز

ب) تبیین مبانی اعتقادی و فقهی شیعه

ج) ارائه معیار تشخیص احادیث و تهذیب آنها

د) همه موارد

۲. کدام یک از افراد زیر از شاگردان امام هادی علیه السلام نیست ؟

الف) فضل بن شاذان ب) عبد العظیم حسنی

ج) ایوب بن نوح د) محمد بن معروف هلالی

۳. کدام یک از موارد زیر از اقدامات عسکریین در زمینه فکری هست ؟

الف) روشنگری در برابر انحرأ فات فکری جامعه

ب) پاسخ گویی به مسائل فقهی و مشکلات فکری

ج) دورکردن شیعیان از افتادن در و ادی های توان سوز

د) همه موارد

۴. علت انتقال عسکریین از مدینه به سامرا چه بود؟

الف) نزدیک کردن امام به دربار ب) مراقبت از فعالیت های امام

ج) جدایی بین شیعیان و آن حضرت د) همه موارد

۵. کدام یک از شیوه های مبارزه سیاسی ائمه علیهم السلام و به ویژه عسکریین رمز حیات شیعه در طول تاریخ نام گرفت ؟

الف) تقیه ب) حفظ و نگه داری شیعیان

ج) حما یت از قیام ها د) هیچ کدام

۶. کدام یک از موارد زیر از و ضعیت اجتماعی شیعیان محسوب نمی شود؟

الف) ارتباط حداقل با امام

ب) اخراج از سمت ها

ج) ممنوعیت از شرکت در نماز جماعت

د) گرفتن امکانات اقتصادی

۷. در زمان کدام خلیفه عباسی مجددا فدک غصب شد؟

الف) متوکل ب) هادی

ج) منصور د) معتصم

۸. آن شخص مسیحی که به امام هادی برای نجات از یک گرفتاری متوسل شد چه نام داشت ؟

الف) هبه الله بن ابی منصور ب) یوسف بن یعقوب

ج) یحیی بن هرثمه د)هیچ کدام

۹. «ابوهاشم جعفری » از اصحاب کدام یک از امامان است ؟

الف) امام جواد ب) امام هادی

ج) امام عسکاری د) ب و ج درست است

۱۰. کدام یک از افراد زیر از علمای هم عصر امام عسکاری است ؟

الف) عبید بن خاقان ب) جاحظ

ج) بختیشوع د) هیچ کدام

ص:۱۹۲

۳– زمینه سازی برای و رود شیعه به عصر غیبت

در آمد

مسئله غیبت و مهدویت رای و قتی می توان بهتر شناخت که به زمینه سازی های رهبران دینی و ایجاد آمادگی های آنان توجه و یژه داشت . منابع ما مشحون از روآیاتی است که در آنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و ائمه هدی علیهم السلام خبر از و قوع غیبت و مسائل مربوط به آن داده انـد. افزون بر این در منابع اهل سنت نیز در این مورد روآیات فراوانی داریم . ما در این واحد آموزشی می خواهیم از ذهنیت ۲۶۰ ساله شیعه در مسئله غیبت و مهدویت تصویری روشن ارائه کنیم و با مروری بر روآیات پیامبر صلی الله علیه و اله تا امام جواد علیه السلام از یک طرف و با تأملی در روآیات عسکریین و دیگر اقدامات آن دو بزرگوار از سوی دیگر به این نتیجه برسیم که شیعه با یک آمادگی دیرینه و با آگاهی از اصل مسئله مهدویت و خصوصیات و جزئیات آن به عصر غیبت وارد شد.

پیش آزمون

۱. به نظر شما مسئله غیبت و مهدویت از چه زمانی در فرهنگ مسلمین وارد شد؟

ص:۱۹۳

۲. آیا همه معصومین علیهم السلام به مسئله زمینه سازی برای و رود شیعه به عصر غیبت توجه داشته اند؟

۳. چه تفاوتی بین رسالت عسکریین با بقیه معصومین علیهم السلام حدس می زنید؟

۴. تصور شما از اقدامات عسکریین در این برهه از تاریخ چیست ؟

۵. آیا با اصطلاح نهاد و کالت آشنا هستید؟

۶. شکل گیری نهاد و کالت از چه زمانی بود؟

۷. اطلاعات شما پیرامون و یژگی ها و محدوده زمانی و مکانی نهاد و کالت در چه حدی است ؟

آماده سازی معصومین علیهم السلام تا عصر عسکریین علیهما السلام

اشاره

ذهنیت شیعه در مسئله غیبت و مهدویت نه تنها مربوط به اصل مسئله می شد، بلکه خصوصیات ، دقائق و جزئیات بیان شده آن از سوی پیامبر صلی الله علیه و اله و ائمه علیهم السلام رای هم دربرمی گرفت . برای روشن شدن بیشتر این موضوع برخی از این روآیات رای مورد بحث قرار می دهیم . در این قسمت صرفا به سه کتاب مهم شیعی ، یعنی الغیبه نعمانی و الغیبه شیخ طوسی و کمال الدین شیخ صدوق ارجاع داده شده است .

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله

«عبدالرحمن بن عباس » می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «... بدانید که خداوند من و آنان (ائمه علیهم السلام) رای حجت بر بندگان قرار داده و از صلب حسین امامانی قرار داده است که قائم به امر من خواهند بود و وصیت مرا حفظ می کنند. نهمین آنان ، قائم اهل بیت من و مهدی امتم است که شبیه ترین مردم به من از نظر شما یل ، گفتار و کردار است و پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه کننده

ص:۱۹۴

ظاهر شده ، امر الهی رای اعلان و آشکار می کند و دین الهی رای ظاهر می نما ید، نصرت خدا و ملائکه اش تأیید می شود و زمین رای پس از پر شدن از ظلم وجور آکنده از عدل و داد خواهد کرد». (۱)

۲- امام علی علیه السلام

عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام و آن حضرت از پدرانش و آنها از امام علی علیه السلام نقل نموده اند:

«برای قائم ما غیبتی است طولانی و گویا شیعه رای می بینیم که در غیبت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند گله گوسفند به دنبال چوپان خود هستند و او رای نمی یابند. بدانید هرکس که در غیبت قائم ثابت در دین باشد و قلبش به خاطر طولانی شدن زمان غیبتش دچار قسوت نشود، در قیامت با من و در درجه من است .» سپس فرمود: «همانا زمانی که قائم ما قیام کند، بیعت احدی در گردن او نیست و از این رو و لا دتش پنهانی است و خودش غایب خواهد شد.» (۲)

۳- حضرت فاطمه علیها السلام

«جابر بن عبد الله انصاری » در روایتی که به طرق مختلف نقل شده از صحیفه ای خبر داده است که آن رای در دست حضرت فاطمه علیها السلام دیده و درخشندگی عجیبی داشته و در آن نام دوازده امام علیهم السلام و مادرانشان آمده و آخرین نام ، قائم آل محمد صلی الله علیه و اله بوده است . (۳)

۱- (۱) . کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲- (۲) . همان ، ص ۳۰۳.

۳- (۳) . همان ، ص ۳۰۵.

۴– امام حسن مجتبی علیه السلام

«ابوسعید عقیصا» نقل می کند: پس از صلح امام حسن علیه السلام با معاویه مردم بر آن حضرت وارد شدند و بعضی از آنان حضرت رای به خاطر صلح ملامت کردند. ایشان فرمود: «وای بر شما! نمی دانید چه کاری کردم ! آن چه کردم ، برای شیعه ام بهتر است از آن چه خورشید بر آن تابیده یا غروب کرده است ... آیا نمی دانید که هیچ یک از ما نیست ، مگر آن که در گردن او بیعتی برای طاغی زمانش واقع می شود، مگر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که روح الله ، عیسی ابن مریم علیهما السلام به او اقتدا می کند و خداوند و لا دتش رای پنهان داشته و شخصش رای غائب می سازد، برای آن که هنگام قیام برای کسی بر گردن او بیعتی نباشد؟! این شخص ، نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام است که فرزند سیده زنان است ؛ خداوند عمرش رای در دوران غیبتش طولانی کرده ، سپس او رای با قدرت خود به صورت جوانی با سنی کم تر از چهل سال آشکار می سازد. این از آن رو است که دانسته شود خداوند بر هر امری قادر است .» (۱)

۵– امام حسین علیه السلام

«عبدالرحمن بن حجّاج» از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرانش و ایشان از امام حسین علیه السلام نقل فرموده اند: «در نهمین فرزند من سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران است و او قائم ما اهل بیت است که خداوند امر او رای تنها در یک شب اصلاح می نما ید.» (۲)

مردی همدانی می گوید: شنیدم حسین بن علی علیه السلام فرمود: «قائم این امت ، نهم از اولاد من و صاحب غیبت و کسی است که میراثش درحالی که زنده است تقسیم می شود».

ص:۱۹۶

۱– (۱) . همان ، ص ۳۱۵.

۲– (۲) . همان ، ج ۱، ص ۳۱۶.

۶- امام سجاد علیه السلام

ابوخالد کابلی : بر آقایم امام سجاد علیه السلام وارد شده ، گفتم : مولای من ! مرا از کسانی که خداوند طاعتشان رای و اجب نموده ، خبر ده . فرمود: «...غیبت و لی خدا ودوازدهم از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و اله امتداد خواهد یافت . ای اباخالد! همانا اهل زمان غیبت او که قائل و معتقد به امامت او و منتظر ظهورش هستند، از اهل هر زمانی برترند؛ چرا که به خاطر کثرت فهم و عقل ، غیبت نزد آنها به منزله مشاهده است و خداوند آنان رای در این زمان به منزله مجاهدان در پیشگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله قرار داده است . آنان به حق مخلص و شیعیان راستینند و دعوت گران به سوی خدا هستند... انتظار فرج از برترین گشایش هاست ». (۱)

۷- امام باقر علیه السلام

«ابراهیم بن عمر کناسی » می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «همانا برای صاحب این امر دو غیبت خواهد بود و قائم قیام می کند، درحالی که بیعت کسی بر گردنش نیست ». (۲)

«ابوبصیر» از ابوجعفر بن علی الباقر علیه السلام نقل کرده است : «بعد از حسین علیه السلام نه امام می آیند؛ نهم از آنان قائم ایشان است .» (۳)

۸- امام صادق علیه السلام

«صفوان بن مهران » از امام جعفر صادق نقل می کند: «هرکس که به همه ائمه علیهم السلام اقرار کند، و لی مهدی رای انکار نما ید، همانند کسی است که نسبت به همه انبیا اقرار

۱- (۱) . همان ، ج۱، ص ۳۲۰.

۲- (۲) . الغیبه ، نعمانی ، ص ۱۱۳.

۳- (۳) . کمال الدین و تمام النعمه ، ج۱، ص ۳۳۰.

نما یـد، و لی محمـد صـلی الله علیه و اله رای انکار کنـد.» از حضـرت سؤال شـد: «ای فرزنـد رسول خـدا! مهدی کدام یک از فرزنـدان شـما است ؟» فرمود: «پنجمین فرزنـد از اولاد هفتمی . او از شـما غایب خواهد شد و بر شـما جایز نیست نام او رای بر زبان آورید». (۱)

۹- امام کاظم علیه السلام

«داود بن کثیر رقّی » می گوید: از ابوالحسن موسـی بن جعفر علیه السـلام درباره صاحب این امر (مهدی) پرسیدم ، فرمود: «او رانده شده (از نزد مردم) و تنهای غریب و غایب از اهلش و تنها فرزند پدرش است ». (۲)

۱۰- امام رضا علیه السلام

«عبدالسـلام بن صالح هروی » می گوید: از «دعبل بن علی خزاعی » شنیدم که می گفت : ...سپس امام فرمود: «ای دعبل ! امام بعـد از من ... و بعد از حسن فرزندش «حجت » قائم منتظر است که در زمان غیبتش مورد انتظار و هنگام ظهورش مورد اطاعت است . اگر جز یک روز از دنیا باقی نماند، همانا خداوند آن روز رای طولانی می کند تا این که او خروج کند و زمین رای پر از عـدل کنـد، پس از آن که پر از جور شـده باشد؛ اما این که چه زمانی قیام می کند، این اخبار از و قت است ؛ همانا پدرم از پدرش از پدرانش نقل کردند که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله گفته شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه تو قیام می کنـد؟ فرمود: مثـل آن مثـل قیـامت است که خداونـد دربـاره آن فرموده است : لاـ یُجَلِّیهـا لِوَقْتِهـا إِلاّـ هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتِیکُمْ إِلاّ بَغْتَهً . (۳)

ص:۱۹۸

۱- (۱) . همان، ص۳۳۳.

۲- (۲) . همان، ج۲، ص۳۱۶.

۳- (۳) . همان، ص ۳۷۲.

۱۱- امام جواد علیه السلام

حضرت عبدالعظیم حسنی می گوید: بر آقایم محمد بن علی الجواد علیه السلام وارد شدم و قصد داشتم که از او درباره قائم سؤال کنم که آیا او است یا غیر او. پس از آن حضرت سخن آغاز فرمود: «ای ابوالقاسم! همانا قائم از ما همان مهدی است که واجب است مردم هنگام غیبتش او را انتظار کشند و هنگام ظهورش از او اطاعت کنند و او سومین از فرزندان من است و... خداوند امر او را در یک شب اصلاح فرماید؛ همان گونه که امر کلیمش موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود و آن زمانی بود که برای آوردن آتش برای اهلش رفت و هنگام بازگشت، رسول و نبی بود... برترین اعمال شیعه ما انتظار فرج است». (۱)

اقدامات عسکریین

اشاره

عصر این دو امام بزرگوار برهه تازه ای است که در آن اقدامات وسیع تری برای تمهید و زمینه سازی ورود شیعه به عصر غیبت انجام می گیرد. روی هم رفته اقدام های امام هادی و امام عسکری علیها السلام را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- تبیین مسئله مهدی و غیبت ایشان

چون اصل مسئله مهدویت و غیبت از سوی پیامبر و ائمه پیشین تبیین شده بود، این دو امام عمدتاً بر نزدیکی آن زمان موعود تأکید می کردند. در روایات متعددی، امام هادی علیه السلام به این نکته تصریح دارد که مهدی فرزند اوست و غیبت او نزدیک است. (۲) در برخی روایات منقول از ایشان شیعه از این نکته آگاه

۱- (۱) . همان، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲- (۲) . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۳.

می شود که «مهدی» آن کسی است که ولادتش از دیگران پنهان باشد.

این گونه سخنان امام هادی علیه السلام هشداری است برای شیعیان که مبادا پنهان بودن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دل هایشان تردید ایجاد کند.

وظیفه امام عسکری در آماده کردن زمینه غیبت به مراتب سنگین تر از قبل است؛ چون در این دوره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا آمده و زمان کوتاهی تا شروع عصر غیبت باقی مانده بود. ازاین رو، ایشان علاوه بر تبیین اصل مهدویت و غیبت امام، وظیفه اثبات وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تبیین تولد او را نیز بر دوش داشت. به همین سبب بود که آن حضرت بر بعضی از شیعیان خاص منت نهاده و آنها را به رویت جمال فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مفتخر می نمود. در برخی از موارد، امام عسکری علیه السلام زمان دقیق غیبت را مشخص فرموده است. «ابوغانم» می گوید: از ابومحمد حسن بن علی العسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «در سال ۲۶۰ شیعه من دچار جدایی و افتراق خواهند شد». (۱)

در بعضی از روایات نیز آن حضرت به اختلاف شیعه پس از شروع عصر غیبت تصریح فرموده است. (۲) و در بعضی دیگر، شیعه را به صبر و انتظار فرج در زمان غیبت فرمان داده است. (۳)

۲- کاهش ارتباط مستقیم با شیعه

ازدیگر اقدامات عسکریین علیها السلام برای آماده سازی زمینه غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف احتجاب تدریجی از شیعیان بود. این دو امام بزرگوار، هم ازآن رو که در پادگان نظامی سامرا تحت کنترل حکام عباسی بودند و هم به لحاظ آن که در عصری نزدیک به عصر

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . تاریخ الغیبه الصغری، ص ۲۱۷.

غیبت می زیستند، به جبر یا اختیار بیشتر اوقات از شیعه در احتجاب بودند و غالب امور آنان و ارتباطاتشان با شیعیان از طریق مکاتبات و توقیعات و وکلا بود. به دلیل همین کثرت مکاتبات بود که «احمد بن اسحاق» از امام عسکری علیه السلام دست خطی خواست تا خط حضرت را از خط دیگران بازشناسد. (۱)

۳- تقویت نهاد وکالت

اشاره

یکی دیگر از زمینه سازی ها تقویت نهاد وکالت بود. شناخت هر چه بیشتر این نهاد وکیفیت سیر تکاملی آن مستلزم توجهی مستقل به این نهاد مهم است که در پی می آید.

الف) مفهوم لغوی و اصطلاحی واژه وکالت

وکیل یعنی کاردان، آن که بر وی کار گذارند (۲) و در اصطلاح یعنی واگذاری کاری به دیگری در حال حیات. (۳) با دقت در تعریف لغوی و اصطلاحی واژه وکالت چنین استنباط می شود که در ریشه لغوی این واژه «عجز از انجام مستقیم کار» نهفته است؛ یعنی موکل زمانی وکیل تعیین می کند که خود به خاطر علل و مقتضیاتی قادر به انجام مستقیم کاری نباشد. ازاین رو تعیین وکیل از سوی ائمه بدان جهت بوده است که ایشان به صورت مستقیم و با روش های عادی قادر به برقراری ارتباط با شیعیان در نقاط دوردست نبودند.

ب) معرفی اجمالی نهاد وکالت

اصطلاح نهاد یا سازمان وکالت نزد محققان مربوط به دوران حضور ائمه علیهم السلام و

۱- (۱) . همان، ص ۲۲۴.

۲- (۲) . معجم مقائیس اللغه، ج۶، ص۱۳۶.

۳- (۳) . تحریر الوسیله، ج۲، ص۳۹.

عصر غیبت صغری است. تشکیل این نهاد مربوط به عصر امام صادق علیه السلام است. در این عصر آن حضرت تعدادی وکیل به شهرهای شیعه نشین دور و نزدیک فرستاد تا نقش ارتباط بین امام و شیعیان را ایفا کنند. در عصر امام کاظم علیه السلام این نهاد شکلی وسیع تر یافت و در اواخر دوران امام رضا علیه السلام و سپس در زمان امام جواد علیه السلام سازمان منسجم تری پیدا کرد. این وضع در عصر امام هادی و امام عسکری نیز ادامه داشت تا آن که در عصر غیبت با اوج فعالیت این نهاد مواجه می شویم. وکلای ائمه علیهم السلام اعضای این نهاد بودند. آنان برای احراز این مقام لازم بود شرایط خاصی دارا باشند، آن گاه پس از احراز این مقام، وظایف خاصی بر دوش آنها نهاده می شد.

ج) علل تشکیل نهاد وکالت

اشاره

این عوامل را می توان تحت عناوینی برشمرد:

یکم) لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان

اگر به گستردگی عالم اسلامی در آن عصر و پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف، اعم از عراق، حجاز، ایران، مصر و مغرب توجه کنیم، به لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان آنها پی می بریم. چون طبیعی بود که همه شیعیان توانایی مسافرت به مدینه یا سایر مراکز سکونت امامان را نداشتند، لازم بود کسانی به عنوان نمایندگان رابط بین رهبری و شیعیان باشند.

دوم) جو خفقان عباسی و لزوم حفظ مکتب و شیعیان

هرچند وجود جو خفقان را نمی توان علت اصلی تشکیل نهاد وکالت دانست، ولی به طور قطع چنین جوی می تواند علت تشدید فعالیت این نهاد و گسترش آن باشد.

ص:۲۰۲

سوم) آماده سازی شیعه برای عصر غیبت

هر چه شیعه به عصر غیبت نزدیک تر می شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می گشت و نهاد وکالت نیز تقویت می شد تا جایی که در عصر دو امام هادی علیه السلام و عسکری علیه السلام غالب امور شیعه از راه مکاتبه و از طریق وکلا و نمایندگان صورت می گرفت. ازاین رو می توان گفت حداقل در عصر دو امام عسکری علیها السلام تقویت نهاد وکالت به خاطر تمهید و زمینه چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است.

چهارم) رفع بلاتکلیفی شیعه در عصر غیبت

وقتی به عصر «غیبت صغری» می رسیم، با توجه به اختفای کامل امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت او از انظار، ضرورت وجود این نهاد بیشتر رخ می نماید؛ چرا که تنها راه ارتباطی شیعه با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف سفرا و وکلا بودند.

د) محدوده زمانی و مکانی فعالیت نهاد وکلا

با توجه به شواهد و قراین باید نقطه شروع فعالیت نهاد وکالت را عصر امام صادق علیه السلام بدانیم. این نهاد به طور مستمر با افت و خیزهایی به فعالیت خود ادامه داد و در سال ۳۲۹ هم زمان با وفات چهارمین سفیر حضرت حجت به کار خود پایان داد. در این سال و با شروع غیبت کبری کار این نهاد به اتمام رسید. ازاین رو، اگرچه وکالت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای عام برای فقیهان و در عصر غیبت کبری وجود دارد، ولی این دیگر تحت مباحث مربوط به نهاد وکالت نمی گنجد.

از نظر محدوده مکانی دامنه فعالیت این نهاد گستره همه مراکز تجمع شیعیان است؛ زیرا در منابع نخستین تاریخ و کتب رجالی شیعه از وکلایی سخن به میان آمده است که هریک در ناحیه خود مشغول فعالیت بوده اند. این نواحی عبارتند

از: حجاز (مدینه)، عراق (کوفه، بغداد، سامرا، واسط)، ایران (خراسان بزرگ، قم، ری، قزوین، همدان، آذربایجان، قرمیسین، اهواز، سیستان، بُست) و مصر. (۱)

ه) وظایف و شئون نهاد وکالت

اشاره

این وظایف در ادامه می آید.

یکم) دریافت وجوه شرعی

ازآغاز تأسیس این نهاد، شاهد اقدام وکلا برای جمع و توزیع وجوه شرعی هستیم. از «معلی بن خنیس» به عنوان وکیل و قیم مالی امام صادق علیه السلام در مدینه یاد شده است. فعالیت او در جمع آوری وجوه از شیعیان سبب سوءظن عباسیان وشهادت وی شد.

«منصور» خلیفه عباسی او را متهم به گردآوری مال برای کمک به قیام «محمد عبدالله نفس زکیه» می نمود. (۲) در عصر امام کاظم علیه السلام با توجه به گسترش دامنه فعالیت نهاد وکالت و گسترش مناطق شیعه نشین مجموع وجوه مالی که به دست وکلای آن بزرگوار می رسید، به مراتب بیشتر از عصر امام صادق علیه السلام بود. همین فزونی اموال در دست بعضی از وکلای آن امام سبب شد که برخی از آنان پس از شهادت آن بزرگوار، راه خیانت پیش گیرند و با سردادن داعیه وقف و مهدویت آن امام و انکار امامت امام رضا علیه السلام سعی در تصرف این اموال نمایند.

در زمان های بعد نیز با توجه به سامان مندتر شدن این نهاد، وجوه مالی به طور منظم اخذ و توزیع می شد. گویا در عصر امام عسکری علیه السلام قدری سستی در پرداخت خمس از سوی برخی از شیعیان بروز نمود. در عصر غیبت صغری با تشدید پرداخت خمس و سایر وجوه مالی از سوی شیعیان مواجهیم.

۱- (۱) . رجال کشی، ص۴۸۳، ۴۹۳، ۵۱۱ ، ۵۴۲ و ۶۱۱.

۲- (۲) . تنقیح المقال، ج۳، ش۱۱۹۹۴.

دوم) رسیدگی به اوقاف

«حسن بن محمد قطاه صیدلانی» وکیل در رسیدگی به امور وقفی در «واسط» بود. (۱) «احمد بن اسحاق قمی» وکیل همین امور در قم بودند. (۲) املاک و زمین های وقف شده در نقاط مختلف، از جمله ایران و عراق پراکنده بودند.

سوم) راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان

تردیدی نیست که وقتی کسی به عنوان وکیل عام امام معصوم علیهم السلام به مردم یک شهر یا منطقه معرفی می شود، از نظر آگاهی برتر از سایر افراد است - به ویژه در شناخت امام زمانش - و این وکلا بودند که بیشتر از سوی شیعیان مورد سؤال واقع می شدند.

همان گونه که پس از شهادت امام رضا علیه السلام حدود هشتاد تن از رهبران امامیه - که «عبدالرحمان بن الحجاج» سروکیل عراق و عده ای از وکلای دیگر در میان آنان بودند - در بغداد گرد آمدند تا پیرامون امامت حضرت جواد علیه السلام به بحث بنشینند؛ زیرا کمی سن آن حضرت موجب استبعاد بعضی در مورد امامت آن بزرگوار شده بود. (۳)

در عصر غیبت صغری که شیعه به ناگاه با وضعیت تازه ای مواجه شد، باز این نهاد وکالت بود که مرجع افراد نیازمند به راهنمایی بود. یکی از نمونه ها موردی است که امام هادی علیه السلام احمد بن اسحاق قمی را مأمور به مراجعه نزد «عثمان بن سعید» به هنگام عدم امکان دسترسی به امام علیه السلام می کند. (۴)

نمونه دیگر وقتی است که جامعه شیعه از «عمروی» نایب حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره مفوضه و عقایدشان استفسار نمودند. او در پاسخ، نقطه نظرات

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۶.

۲- (۲) . رجال نجاشی، ص ۶۶.

۳- (۳) . تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص ۷۸.

۴- (۴) . معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۱۲.

مفوضه در «نسبت دادن خلق و رزق به ائمه علیهم السلام» را تکذیب کرده و آن را مربوط به ذات مقدس باری تعالی دانست. (۱) همین طور «حسین بن روح نوبختی» وقتی با سؤال یکی از شیعیان درباره علت تسلط دشمنان بر امام حسین علیه السلام مواجه می شود، پاسخی تفصیلی و قانع کننده ارائه می کند؛ به گونه ای که راوی این جریان می گوید: «من در این که او پاسخ را از جانب خود بگوید، تردید کردم؛ ولی بدون این که سخنی بگویم، او رو به من کرد و گفت: این ها را از اصل (حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف) شنیده است». (۲)

همچنین «عبدالرحمان بن الحجاج» که وکیل ارشد امام صادق علیه السلام و سه امام بعدی بود، از جانب امام صادق علیه السلام مأمور بحث و مناظره با اهل مدینه می شود. (۳)

چهارم) نقش سیاسی نهاد وکالت

گرچه این نهاد به ظاهر برای جمع آوری وجوه شرعی تشکیل شده بود، ولی خود مسئله جمع اموال از اطراف و اکناف برای امامان شیعه از دید حکام بنی عباس فعالیتی سیاسی تلقی می شد. (۴)

از طرف دیگر، اهتمام حاکمیت عباسی در عصر غیبت به شناخت اعضای نهاد وکالت، از دیگر قراین وجود نقش سیاسی برای این نهاد است. (۵) متوکل پس از اطلاع از فعالیت وسیع وکلای امام هادی علیه السلام در صدد قلع و قمع این نهاد و

۱- (۱) . الغیبه، ص۱۷۸.

۲- (۲) . کمال الدین و تمام النعمه، ص۵۰۷.

۳- (۳) . رجال کشی، ص۴۲۲.

۴- (۴) . علامه مامقانی، تنقیح المقال، ج۳، ش۱۱۹۹۳.

۵- (۵) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۰.

دستگیری اعضای آن برآمد و بعضی از یاران آن حضرت را دستگیر و شکنجه کرد و یا به شهادت رساند. (۱)

پنجم) نقش ارتباطی نهاد وکالت

بدیهی است شیعیان نقاط دوردست گاه حتی در یک مورد نیز موفق به دیدار امام خویش نمی شدند و برای رفع نیازهای شرعی، مالی و... به وکلا روی می آوردند. پرداخت وجوه مالی به وکلا، پرسش از مسائل شرعی و کلامی - اعتقادی و عرضه کردن مکاتبات و نامه ها به محضر امام به واسطه وکلا، دریافت پاسخ آنها، ارسال پیام های شفاهی و دریافت پاسخ آن و اخراج توقیعات از جمله مواردی بود که وکلا به عنوان رابط امام و شیعیان انجام می دادند. پیداست که اگر نهاد وکالت در میان مردم نبود، این امور تعطیل می شد و شیعیان بلا تکلیف می ماندند. در مورد واژه «توقیع» باید گفت که در اصطلاح، کلمات قصاری بوده است که بزرگان در ذیل و حاشیه رسایل، عریضه ها و مانند آن در پاسخ سؤال یا حل مشکل و یا برای تعبیر از یک نظر و عقیده معین می نوشتند. ائمه علیهم السلام و به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این روش برای ارتباط با شیعیان به واسطه وکلا استفاده می کردند.

ششم) کمک به مظلومان و نیازمندان شیعه

برای نمونه: «علی بن یقطین» وکیل امام کاظم علیه السلام از کسانی بود که با نفوذ در دستگاه خلافت عباسی درصدد رفع ظلم از شیعیان برآمد و در این کار موفق بود. (۲) همچنین گاهی بعضی از وکلا مأمور رساندن کمک هایی از سوی ائمه علیهم السلام به نیازمندان

ص:۲۰۷

۱- (۱) . رجال کشی، ح ۱۰۰۵.

۲- (۲) . همان، ص۴۳۳.

شیعه می شدنـد؛ مانند: «محمد بن عیسـی بن عبید بن یقطین اسدی» که مأمور حج گزاردن به نیابت از امام رضا علیه السـلام و رساندن کمک مالی به نیازمندان مدینه و اهل بیت آن حضـرت شد. (۱) گاه وکلای ائمه مأمور رفع مخاصـمات میان برخی از شیعیـان می شدنـد و اگر لازم می شـد، وجوه مـالی را نیز در این راه مصـرف می کردنـد؛ برای مثـال: «مفضّل بن عمر جعفی» وکیل و امین امام صادق علیه السلام مأمور پرداخت چهارصد درهم از سوی امام به ابوحنیفه، سائق الحاج و داماد او شد که در مورد ارث با هم مشاجره داشتند و این نشانگر اهتمام ائمه علیهم السلام به حفظ وحدت شیعیان است. (۲)

و) ویژگی های نهاد وکالت

یکم) شرایط اعضا

وثـاقت، زیرکی رازداری و پنهـان کـاری، نظـم در امـور، امـانت داری و زهـد، دوری از دل بسـتگی به دنیـا و غرور، دوری از حسادت، شهرت طلبی، خیانت، غلو، جهل، تعصب باطل و گرایش به ظلم و باطل، احترام به خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله ، آگاهی از کتاب خدا، سـنت و حقوق ائمه علیهم السـلام و قدرت انجام امور فوق العاده (خوارق عادت) به وقت لزوم در مورد ابواب ائمه علیهم السلام همچون نواب اربعه، شرایط وکلای ائمه علیهم السلام بوده است. (۳)

دوم) وظایف رهبری

رهبر - که همان امام معصوم علیهم السـلام بود - بر کار وکلا نظارت دقیق داشت و اموری نظیر تعیین وکلای نواحی و معرفی ایشان به شیعیان بررسی عملکرد آنان،

۱- (۱) . تنقیح المقال، ج۳، ش ۱۱۲۱۱.

۲- (۲) . همان، ش ۱۲۰۸۴.

۳- (۳) . بحارالانوار، ج۷۵، ص ۸۵.

شناسانـدن فضایل و شخصـیت ایشان، عزل وکلای فاسد و خائن، جایگزینی وکلای جدید، معرفی جریان های دروغین وکالت و بـابیت و برخورد بـا آنان، راهنمایی وکلا در وظایفشان و کیفیت برخورد با حکومت عباسـی، تأمین مالی وکلا و رد اتهامات نادرست ضد آنان برعهده وی بود. (۱)

سوم) وظایف وکیل ارشد (سروکیل)

مناطق مختلف در نهاد وکالت، تقسـیم بنـدی خاصـی می شدند و در نهایت برای هریک از این مناطق وسـیع یک وکیل ارشـد منصوب می شـد که وظیفه نظـارت بر کار وکلای اعزامی به مناطق تحت قلمرو را به عهـده داشت و وکلای جزء نیز موظف به مراجعه نزد سروکیل ها بودند. (۲)

چهارم) وظایف وکلای سیار

بعضـی از وکیلا‌ن وظیفه سرکشـی به منـاطق مختلف را داشـتند تـا از سویی بر کار وکلای مقیم نظارت کننـد و از سوی دیگر وسـیله ای جهت ارتباط آنان با امام علیه السـلام باشـند. همچنین وجوه و اموال جمع شده نزد آنان را به امام علیه السلام انتقال دهند.

پنجم) اصل اختفا و نهان کاری

از مهم ترین ویژگی هـای نهـاد وکـالت، اصـل پنهـان کـاری است. بـدیهی است که اختفا و پنهان کاری در عملکرد این نهاد، معلول خطرهای ناشـی از حکومت عباسـیان است. همین شـیوه عملکرد بود که سـلامت نهاد وکالت را در طول دوران حیاتش تضمین کرد.

۱- (۱) . وسائل الشیعه، ج۱۳، ص۲۹۱.

۲- (۲) . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص۱۳۷.

در مواردی نیز که خطر افشا شدن وجود داشت، فداکاری اعضا باعث شد که اصل نهاد سالم بماند. به این نمونه توجه کنید:

«معلّی بن خنیس» وکیل امام صادق علیه السلام حتی پس از تهدید به قتل در پاسخ «داود بن علی» که از وی خواسته بود نام اصحاب امام علیه السلام را فاش کند، گفت: «مرا به قتل تهدید می کنی؟! به خدا قسم، اگر زیر پایم باشند، پایم را برنمی دارم!» (۱)

در عصر غیبت صغری وقتی عبید بن سلیمان، وزیر عباسی از فعالیت پنهان وکلا مطلع شد، در اقدامی به هنگام، توقیعی از سوی ناحیه مقدسه صادر شد و همه وکلا را از اخذ هرگونه وجه بازداشت. از جمله این وکلا «محمد بن احمد» بود که وقتی یکی از جاسوسان حکومتی نزد او آمد و مدعی شد که قصد تحویل وجوهی دارد، پاسخ داد: «اشتباه آمده ای! من با این امور سروکاری ندارم.» و تا زمان رفع کامل خطر، وضع به همین صورت بود. (۲)

ز) چند تن از مهم ترین وکلا

در بررسی نخستین منابع رجالی - روایی و تاریخی به اسامی شمار بسیاری از وکلای ائمه علیهم السلام برمی خوریم که در حقیقت، همان اعضای نهاد وکالت بوده اند. اینک به چند تن از مهم ترین ایشان اشاره می کنیم:

عبدالرحمان بن الحجاج، محمد بن سنان، معلّی بن خنیس، مفضّل بن عمر جعفی، علی بن یقطین، علی بن ابی حمزه، صفوان بن یحیی، علی بن مهزیار اهوازی، زکریا بن آدم قمی و ایوب بن نوح بن درّاج. (۳)

۱- (۱) . معجم رجال الحدیث، ج۱۸، ص۲۳۷.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۵۱، ص۳۱۰.

۳- (۳) . الغیبه، ص۲۱۲.

فرجام

۱. مسئله آماده سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت، پیدایش ذهنیت لازم برای قبول غیبت و دوری از امام معصوم علیه السلام و محرومیت از ارتباط مستقیم با او، امری بود که از عصر پیامبر صلی الله علیه و اله به طور وسیع شروع شده بود و در دوره هریک از امامان شیعه علیهم السلام به طور مستمر ادامه یافت؛ اما وقتی به عصر امام هادی و امام عسکری علیهم السلام وارد می شویم، اقدامات وسیع تری برای زمینه سازی دیده می شود. آنان علاوه بر اخبار و پیش گویی از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، غیبت او و بیان خصوصیات غیبت و ظهور، به شکلی مشابه، ارتباط مستقیم با شیعیان را کاهش می دهند تا آنان به ارتباط از راه مکاتبه و واسطه عادت کنند. اقدام مهم دیگر عسکریین علیها السلام تقویت نهاد وکالت بود.

۲. «نهاد یا سازمان وکالت» به عنوان حقیقتی موجود از عصر امام صادق علیه السلام به بعد مطرح است.

۳. وجود رهبری از جمله ویژگی های بارز این نهاد است. رهبری این نهاد را امامان معصوم علیهم السلام دارای یک سلسله فعالیت های متناسب با این مقام بودند. در کنار رهبری، افرادی نقش معاونان رهبر را ایفا می کردند که به عنوان وکیل ارشد یا سروکیل، نظارت بر فعالیت وکلای یک یا چند منطقه را انجام می دانند.

۴. موارد زیر را می توان علل روی آوردن ائمه علیهم السلام به این نهاد برشمرد: الف) جو خفقان شدید ضد امامان شیعه علیها السلام و نبود امکان ارتباط آزادانه و مستقیم آنان با شیعیان؛ ب) گستردگی عالم اسلامی در آن دوره و وجود شیعیان در مناطق مختلف و لزوم ارتباط آنان با امام.

۵. محدوده زمانی فعالیت این نهاد از عصر امام صادق علیه السلام تا پایان دوره غیبت صغری بود.

ص:۲۱۱

۶. محدوده مکانی فعالیت این نهاد گستره مناطق شیعه نشین بوده است. به این ترتیب، مناطقی از قبیل حجاز، عراق، ایران، یمن، مصر و احتمالاً مغرب تحت پوشش این نهاد بوده اند.

۷. وظایف این نهاد را می توان در نقش ارشادی، علمی، فرهنگی، سیاسی، ارتباطی و رفع مشکلات شیعیان، انجام امور شخصی و خاص برای ائمه علیهم السلام و بعضی موارد دیگر دانست. گو این که نمی توان منکر اهمیت نقش مالی این نهاد به عنوان یکی از مهم ترین وظایف شد.

۸. ویژگی های لازم برای وکلای ائمه علیهم السلام را می توان وثاقت، امانت داری، درست کاری، زیرکی، رازداری، نهان کاری، نظم و کاردانی، زهد، تقوا و کناره گیری از مطامع دنیوی دانست.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبه ؛

۲. ابن ابی زینب نعمانی، کتاب الغیبه؛

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه؛

۴. دکتر جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم؛

۵. بحارالانوار ، ج ۵۰ و ۵۱؛

۶. کتاب های رجال؛

۷. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب علیه السلام ؛

۸. حر عاملی، بصائرالدرجات و اثبات الهداه.

آزمون پایانی

۱.کدام یک از منابع زیر جزء منابع مورد استفاده ما در این بحث نیست؟

الف) الغیبه ، شیخ طوسی ب) کمال الدین، شیخ صدوق

ج) الغیبه، نعمانی د) اثبات الهداه، حر عاملی

۲. اقدامات عسکریین علیها السلام برای آماده سازی شیعه جهت ورود به عصر غیبت چه بود؟

الف) تبیین مسئله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت ایشان

ب) کاهش ارتباط مستقیم با شیعه

ج) تقویت نهاد وکالت

د) همه موارد

۳. نهاد وکالت در چه زمانی تشکیل شد؟

الف) عصر امام صادق علیه السلام ب) عصر امام جواد علیه السلام

ج) عصر امام هادی علیه السلام د) هیچ کدام

۴. علل تشکیل نهاد وکالت چه بود؟

الف) لزوم ارتباط رهبری و پیروان

ب) حفظ شیعیان و مکتب

ج) آماده سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت

د) همه موارد

۵. کدام یک از مناطق زیر محدوده فعالیت وکلا نبود؟

الف) حجاز ب) عراق

ج) ایران د) حبشه

۶. کدام یک از موارد زیر از وظایف نهاد وکالت نبود؟

الف) دریافت وجوه شرعی ب) رسیدگی به اوقاف

ج) اقامه نماز جماعت د) راهنمایی و ارشاد شیعیان

۷. نهاد وکالت به چه دلیل دارای نقش سیاسی بوده است؟

الف) گردآوری وجوه برای امامان شیعه

ب) اهتمام حاکمیت به شناخت اعضای این نهاد

ج) شرکت اعضای نهاد در مخالفت های عمومی

د) الف و ب درست است.

۸. یکی از مهم ترین ویژگی های نهاد وکالت...................... بوده است.

الف) برخورداری از اعضای فعال

ب) بنیه مالی قوی

ج) اصل اختفا و پنهان کاری

د) هیچ کدام

۹. کدام یک از موارد زیر از شرایط اعضای نهاد وکالت است؟

الف) وثاقت ب) دوری از شهرت طلبی

ج) رازداری د) همه موارد

۱۰. کدام یک از افراد زیر از وکلای ائمه علیهم السلام نیستند؟

الف) محمد بن سنان ب) معلی بن خنیس

ج) علی بن یقطین د) فهری

ص:۲۱۴

بخش چهارم : بررسی تاریخ عصر غیبت صغری

اشاره

ص:۲۱۵

۱– وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری در عصر غیبت صغری

درآمد

محققان از دیرباز تاکنون برای پاسخ به سؤال های طرح شده پیرامون مهدویت و عصر غیبت صغری روش های مختلفی را در پیش گرفته اند. عده ای با اندیشه ای کلامی به این سؤال ها پرداخته اند و دسته ای دیگر با روش نقلی و استفاده از متون دینی و وحیانی درصدد پاسخ برآمده اند.

هدف این بخش، آشنایی با تاریخ عصر غیبت صغری در زمینه فکری، سیاسی و اجتماعی است تا بتوان با نگرش به این دوره و حقایق موجود، جواب پرسش های مذکور را به دست آورد. این دوره از زمان رحلت امام حسن عسکری علیه السلام در ۸ ربیع الاول ۲۶۰ ه – که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متصدی امر ولایت و امامت شده است – آغاز می شود و در ۱۵ شعبان ۳۲۹ ه با وفات چهارمین و آخرین سفیر و نایب خاص آن حضرت «ابوالحسن علی بن محمد سمری» به پایان می رسد.

پیش آزمون

۱. زمامداران سیاسی این دوره چه کسانی بودند؟

۲. تصور شما از حوادث مهم سیاسی این دوره چیست؟

۳. وضعیت اجتماعی این دوره چگونه بود؟

۴. رویکردهای فکری این عصر را چگونه ارزیابی می کنید؟

وضع سیاسی جامعه و شیعه

اشاره

در این واحد آموزشی، رویدادهای این دوره حساس تاریخ شیعه را از دو منظر، جامعه به طور عموم و شیعه به طور خاص بررسی می کنیم.

۱- وضعیت سیاسی «جامعه به طور عموم»

اشاره

این دوره هفتادساله با زمامداری «معتمد»، «معتضد»، «مکتفی»، «مقتدر»، «قاهر» و «راضی» از خلفای عباسی مقارن است.

ویژگی های وضعیت سیاسی در این دوره مانند ویژگی های دوره پیش از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، یعنی غلبه و استیلای موالیان، به ویژه ترکان بر اوضاع سیاسی جهان اسلام بود. حکومت مرکزی به موازات استیلای رو به فزونی آنان روز به روز ضعیف تر می شد. خلفای عباسی با وجود همه این ضعف ها بر ظلم به مردم مسلمان افزودند. جو وحشت و اختناق با شدت تمام در سراسر این دوره حاکم بود؛ به ویژه در دوره معتضد (۲۷۹-۲۸۹ه) که به تعبیر شیخ طوسی در این دوره بسیار سخت از شمشیرها خون می چکید.

اینک به حوادث دیگر این دوره می پردازیم.

الف) انتقال خلافت از سامرا به بغداد

تغییر پایتخت از بغداد به سامرا در سال ۲۲۰ه از سوی معتصم عباسی تأثیر چندانی به حال دستگاه خلافت رو به ضعف نهاده نداشت؛ بلکه خود منشأ مشکلاتی برای آنان شد تا این که در سال ۲۷۹ه معتضد عباسی در بغداد از مردم

بیعت گرفت و مرکز خلافت به آنجا منتقل شد. از آن پس سامرا متروک شد و به صورت ویرانه ای باقی ماند.

ب) ظهور قرامطه

از مشکلات عصر غیبت صغری برای جهان اسلام پدید آمدن فتنه قرامطه بود. (۱) قرامطه در سال ۲۷۷ه سر به طغیان نهادند و بیش از سی سال در جهان اسلام بر مردم ستم کردند. آنها به قدری خشن و سفاک بودند که هیچ سپاهی جرأت روبه رو شدن با آنان نداشت.

ج) کاهش قیام های علویان

ظهور غائله قرامطه و غائله «صاحب زنج» - که هر دو به شیعه نسبت داده شد - بهانه ای در دست خلفای عباسی شد. نتیجه این دو حرکت، تشدید جوّ اختناق بر ضد شیعیان و ناامیدی شیعه در روی آوردن به قیام های مسلحانه بود. با این حال، قیام های علویان به کلی فروکش نکرد و در همین دوره، پرچم مبارزه را در دست گرفتند و در برخی از قیام ها موفقیت هایی نیز داشتند؛ نمونه هایی از این دست عبارتند از: قیام «ابن الرضا» در ولایت دمشق که در سال ۳۰۰ه رخ داد؛ قیام «حسن بن یحیی» در یمن به سال۲۷۸ه؛ قیام «اطروش» در۳۰۱ه در منطقه طبرستان و دیلم؛ قیام «حسن بن قاسم» در سال۳۱۷ه در ایران و قیام «احمدبن محمد طالبی» که در مصر روی داد. (۲)

د) ظهور مهدی در شمال آفریقا

در سال۲۹۶ه، شخصی در شمال آفریقا ادعا کرد که مهدی موعود است. آغاز

۱- (۱) . قرامطه فرقه ای از اسماعیلیه اند؛ فرق الشیعه، نوبختی.

۲- (۲) . مروج الذهب، ج۲، ص۶۶۳.

حکومت او در «مدینه المهدی» که در مغرب بنا شده بود، در روز شنبه ۵ ذیقعده سال ۳۰۳ه بود. (۱)

ه) ظهور دولت های مستقل و خودمختار

والیان و فرمانروایان مناطق و نواحی از ضعف های فراوان و روزافزون خلافت عباسیان سوءاستفاده نموده و اعلان استقلال یا خودمختاری می کردند. پیش از دوره غیبت صغری چهار دولت مستقل در قلمرو خلافت عباسیان حکمرانی می کردند: دولت طولونیه در مصر و شام، دولت آل اغلب در تونس، دولت ادریسیان در مراکش و دولت امویان در قرطبه. (۲)

گذشته از این چهار حکومت خودمختار، در عصر غیبت، دولت های مستقل دیگری نیز پدید آمدند: ۱. صفاریان در خراسان؛ ۲. سامانیان در ماوراءالنهر؛ ۳. فاطمی در مصر و مغرب؛ ۴. آل بویه در طبرستان، برخی نواحی ایران و قسمتی از عراق؛ ۵. آل حمدان در موصل و حلب؛ ۶. اخشیدیه در شام و مصر. (۳)

۲- وضعیت سیاسی «شیعه به طور خاص»

در این عصر، شیعه از پایگاه سیاسی محروم بود. عباسیان به آل ابوطالب و به ویژه آل علی علیه السلام و شیعیانش حساسیت ویژه ای داشتند. دشمنی با شیعیان در زمان خلافت معتضد عباسی (۲۷۹-۲۸۹ه) بیش از زمان دیگر خلفای این دوره بود؛ اما این وضع در خلافت مقتدر عباسی (۲۹۵-۳۲۰ه) تا حدودی دگرگون

۱- (۱) . تاریخ الغیبه الصغری، ص۳۵۳-۳۵۵.

۲- (۲) . تاریخ الاسلام، ج۳، ص ۱۷۰.

۳- (۳) . همان، ج۳، ص۱۳۵.

شد. این دگرگونی با نفوذ خاندان «بنوفُرات» شیعی در دستگاه خلافت آغاز شد. (۱) «ابوالحسن علی بن محمد بن فرات» سه بار به مقام وزارت رسید. در خلال سال های وزارت آزادی نسبی وی به وجود آمد. این دوره که هم زمان با سفارت «حسین بن روح» بود، فرصت خوبی به وی داد تا در میان رجال سیاسی نفوذ کند و وضعیت شیعیان را سامان بخشد.

۳- وضعیت اجتماعی «جامعه به طور عموم»

اشاره

برخی حوادث گویای وضع ناهنجار آن زمان را درپی می آوریم.

الف) اختلافات مذهبی و فرقه ای

در این زمان، در جوامع اسلامی اختلافات فرقه ای و مذهبی میان شیعه و سنی وجود داشت و حتی این اختلاف ها بین مذاهب اهل سنت نیز بروز و نمود داشت.

ب) اختلافات قومی و قبیله ای

حرکت های خودمختار و استقلال طلبانه ریشه ها و انگیزه های گوناگونی داشت که یکی از آنها اختلافات قبیله ای و بهاندادن به اقوام و قبیله های گوناگون از سوی حکومت مرکزی بود.

ج) اختلافات طبقاتی

بسیاری از ارزش های اسلامی در این عصر توسط حاکمان سیاسی به فراموشی سپرده شده بود و همین موجب نابسامانی های فراوان شد. طبق نوشته «دکتر حسن ابراهیم حسن» در این عصر اختلافات طبقاتی حاکم بود؛ از جمله این طبقات، گروه

۱- (۱) . دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴، ص۳۸۲-۳۹۲.

بندگان، غلامان و کنیزان بود. مصر، شمال آفریقا و شمال جزیره العرب بازار غلامان سیاه بود. آشوب زنگیان بازتاب همین فضای نامساعد بود. (۱)

د) عیاشی و خوش گذرانی

عیش و نوش به ویژه نزد خلفا، وزرا، امرا و اشراف رواج داشت. طبق گفته «سیوطی» تنها «القاهر بالله» خلیفه عباسی، مطربی و بساط عیش و نوش را غدغن کرد و به دستور او کنیزکان آوازه خوان را دستگیر می کردند و ابزارهای طرب را می شکستند؛ درحالی که این وضع در مناطق دیگر نیز وجود داشت. امرای طولونیه در مصر نیز غرق بساط عیش و نوش بودند. (۲)

ه) اسراف و تبذیرهای گسترده

اسراف و تبذیرهایی را که در زندگی حاکمان عباسی نقل کرده اند، به قدری گسترده است که تصدیق آن بر اذهان سنگینی می کند. در فصل گذشته به نمونه هایی از این موارد اشاره شد که دیگر تکرار نمی کنیم.

۴- وضعیت اجتماعی «شیعه به طور خاص»

شیعه در این دوره در تمام مناطق از نفوذ قابل توجهی برخوردار بود؛ اما با وجود این نفوذ گسترده چند موضوع باعث محدودیت و آزار شیعیان در این دوره شد:

- سیاست ضدشیعی حاکمان عباسی؛

- غلبه مکتب اشعری بر عدلیه؛

- جنایات قرامطه و زنگیان که آن را به شیعیان نسبت می دادند.

۱- (۱) . تاریخ الاسلام، ج۳، ص۴۲۴.

۲- (۲) . سیوطی، تاریخ الخلفا، ص۳۸۶.

از این رو، پس از حمله قرمطیان در سال ۳۱۱ه به کاروان زایران خانه خدا، مردم بغداد بر ضد وزیر شیعی، علی بن فرات شعار دادند و به دنبال آن ابن فرات و پسرش از وزارت و مقام اداری خلع و سپس دستگیر، محاکمه و اعدام شد. در همین ارتباط حسین بن روح نوبختی سومین نایب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دستگیر و روانه زندان شد البته شیعیان در بیرون از قلمرو حکومت عباسیان، در مناطق خودمختار و یا «مستقل» در شرایط اجتماعی بهتری قرار داشتند.

۵- وضعیت فکری «جامعه به طور عموم»

اشاره

درباره وضعیت فکری این دوره، تنها به یادآوری دو نکته بسنده می شود:

الف) پیدایش مکتب اشعری

در نیمه قرن دوم هجری، دو جریان فکری در جهان اسلام پدیدار شد. در یک مکتب «عقل» بی ارزش بود و در فهم معارف اسلامی به ظواهر آیات و روایات بسنده می شد. این گروه را «اهل حدیث» می گفتند. گروه دیگری در برابر آنها ایستادند که بهای فراوانی به «عقل» می دادند. این دسته را «معتزله» می خواندند. در دوره قبل از غیبت صغری درگیری های زیادی بین این دو مکتب فکری رخ داد که گاهی مذهب اعتزال پیروز می شد و گاه مکتب اهل حدیث. این وضع ادامه داشت تا این که در نیمه نخست قرن چهارم «ابوالحسن اشعری» ظهور کرد. وی در یک چرخش فکری از مکتب اعتزال روی گردان شد و مکتب جدیدی بر شالوده مکتب اهل حدیث بنا نهاد که به نام خودش «اشاعره» معروف شد. شکل گیری این مکتب با حمایت مقتدر، خلیفه عباسی همراه بود. (۱)

ص:۲۲۳

۱- (۱) . جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۲.

ب) تدوین کتاب های روایی

نهضت نویسندگی و تدوین کتاب در دوره غیبت صغری ادامه یافت. چهار کتاب از شش کتاب مهم اهل سنت(صحاح سته) در این عصر نوشته شد: سنن «محمد بن یزید بن ماجه قزوینی»؛ سنن «سجستانی» متوفای ۲۷۵ه؛ الجامع الصحیح (سنن) «ترمذی» و سنن «احمد بن شعیب نسائی».

افزون بر این کتاب ها صدها کتاب پرارزش دیگر نیز در همین دوره تدوین شد که از آن جمله فتوح البلدان و انساب الاشراف بلاذری، اخبار الطوال دینوری، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، تفسیر طبری و الفتوح احمد بن اعثم کوفی است. (۱)

۶- وضعیت فکری «شیعه به طور خاص»

کتاب های با ارزشی از سوی علمای شیعه در این دوره هفتادساله تدوین شد. در این عصر، «قم» و «کوفه» دو مرکز مهم دانش و حدیث شیعه بود. اینک به اختصار به بیان نام برخی از نویسندگان شیعی و کتاب های آنان می پردازیم:

۱. تفسیر فرات «فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی»؛ ۲. تفسیر عیاشی «عیاشی تمیمی کوفی سمرقندی»؛ ۳. اصول و فروع کافی «کلینی»؛ ۴. الانوار فی تاریخ الائمه «همام»؛ ۵. تاریخ یعقوبی «احمد بن واضح یعقوبی»؛ ۶. بصائر الدرجات «صفار»؛ ۷. المحاسن «برقی»؛ ۸. کتاب های «ابن بابویه» که گفته می شود تا دویست کتاب نوشته است؛ ۹. مناقب شیعه «اشعری قمی»؛ ۱۰. قرب الاسناد «حمیری قمی»؛ ۱۱. الغیبه «نعمانی». (۲)

ص:۲۲۴

۱- (۱) . محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج۲، ص۶.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۵۰، ص۱۸۶و۱۸۷.

فرجام

۱. حکومت و خلافت در عصر غیبت صغری در اختیار شش تن از خلفای عباسی بود. اوضاع سیاسی و ویژگی های آن در امتداد ویژگی های دوره قبل از عصر غیبت بود و به موازات گذشته، استیلای موالی و به ویژه ترکان، ضعف رو به ازدیاد حکومت مرکزی و قدرت طلبی والیان ادامه داشت.

۲. مرکز خلافت در این دوره از سامرا به بغداد منتقل شد. آشوب های متعددی به راه افتاد. قیام های برخی از علویان و تشکیل دولت ها و حکومت های مستقل و خودمختار از ویژگی های سیاسی این دوره است.

۳. شیعه در این عصر از داشتن پایگاه سیاسی محروم بود. عباسیان نسبت به آل ابوطالب، آل علی علیه السلام و شیعیان آنان حساسیت خاصی داشتند. شدت فشار بر شیعیان در زمان خلافت معتضد عباسی بیش از زمان های دیگر بود؛ اما این وضع در زمان خلافت مقتدر عباسی با نفوذ خاندان بنوفرات شیعی دگرگون شد.

۴. وضعیت اجتماعی نیز در ادامه وضع ناهنجار و اسفناک دوره گذشته بود. اختلافات فرقه ای، مذهبی و قومی، شکاف عمیق بین فقرا و اغنیا و خوش گذرانی، اسراف و تبذیر خلفا، وزرا، اعیان و اشراف از ویژگی های اجتماعی این دوره است. در این دوره، شیعیان نیز از وضعیت اجتماعی خوبی برخوردار نبودند و مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند؛ البته شیعیان در خارج از قلمرو عباسیان در وضعیت اجتماعی بهتری قرار داشتند.

۵. در زمینه فکری نیز شکل گیری مکتب فکری اشعری، غلبه آن بر مکتب اعتزال و تدوین کتاب های روایی اهل سنت از ویژگی های این عصر است؛ به علاوه علمای شیعه نیز در این عصر، کتاب های با ارزشی را تدوین کردند.

ص:۲۲۵

آزمون پایانی

۱. کدام یک از افراد زیر از خلفای این دوره نیستند؟

الف) معتز ب) معتمد

ج) معتضد د) قاهر

۲. انتقال مرکز خلافت از سامرا به بغداد در دوره کدام خلیفه عباسی بود؟

الف) معتمد ب) معتضد

ج) مقتدر د) راضی

۳. کدام غائله سیاسی بود که مشکلاتی را در این دوره برای خلفا ایجاد کرد و باعث تشدید جو بر ضد شیعه شد؟

الف) صاحب زنج ب) قرامطه

ج) خوارج د) هیچ کدام

۴. قیام «ابن الرضا» از علویان در کدام منطقه رخ داد؟

الف) ولایت دمشق ب) منطقه طبرستان

ج) منطقه دیلم د) هیچ کدام

۵. در عصر غیبت صغری در یک زمان، سه نظام سیاسی به نام نظام خلافت تشکیل شده بود. کدام یک از نظام های زیر از نظام های مذکور نیستند؟

الف) صفاریان ب) عباسیان

ج) امویان د) فاطمیان

۶. این تعبیر «در زمان او (معتضد عباسی) از شمشیرها خون می چکید» از کدام یک از علمای شیعه است؟

الف) شیخ طوسی ب) کلینی

ج) شیخ مفید د) هیچ کدام

۷. در این عصر در برخی موارد چرخش سیاسی به نفع شیعه شد. این دگرگونی با نفوذ خاندان ....در دستگاه خلافت آغاز شد.

الف) حمیری ب) نعمانی

ج) بنوفُرات د) اشعری

۸. کدام یک از موارد زیر از ویژگی های اجتماعی این دوران است؟

الف) اختلافات مذهبی و قومی

ب) اختلافات طبقاتی

ج) اسراف و تبذیر

د) همه موارد

۹. مطربی و بساط عیش و نوش در این عصر تنها در دوره کدام خلیفه عباسی غدغن شد؟

الف) راضی ب) قاهر

ج) مقتدر د) مکتفی

۱۰. کدام یک از عوامل زیر باعث محدودیت، آزار و رنجش شیعیان شد؟

الف) سیاست ضدشیعی حاکمان عباسی

ب) پیروزی مکتب اشعری بر عدلیه

ج) جنایت وحشیانه قرامطه و زنگیان

د) همه موارد

۱۱. کدام مکتب فکری در این دوره ظهور و نمود پیدا کرد؟

الف) اعتزال ب) اهل حدیث

ج) اشعری د) هیچ کدام

۱۲. کدام یک از کتاب های زیر از کتاب های تدوین شده اهل سنت در این دوره است؟

الف) سنن ابن ماجه ب) سنن ابوداود

ج) سنن ترمذی د) همه موارد

۱۳. کدام یک از کتب زیر در این دوره تألیف شده است؟

الف) اخبار الطوال ب) انساب الاشراف

ج) تاریخ طبری د) تاریخ مسعودی

۱۴. دو مرکز علمی و حدیثی شیعه در این دوران کدام شهرها بودند؟

الف) قم و کوفه ب) نجف و کوفه

ج) قم و نجف د) هیچ کدام

۱۵. کدام یک از کتاب های زیر در دوره هفتادساله غیبت صغری نوشته شد؟

الف) تفسیر فرات (فرات بن ابراهیم کوفی)

ب) تفسیر عیاشی (محمد بن مسعود عیاشی)

ج) اصول و فروع کافی (کلینی)

د) همه موارد

ص:۲۲۸

۲- تاریخ غیبت صغری و چگونگی آغاز آن

درآمد

سرانجام، پدیده ای که از سوی پیامبر صلی الله علیه و اله و ائمه معصومین علیهم السلام حدود ۲۶۰ سال برای آن زمینه سازی شده بود، رخ داد. تاریخ شیعه با این حادثه به دوران پیچیده و حیرت آوری وارد شد. مردم این دوران با محرومیت از ارتباط مستقیم با امام زمانشان مورد امتحان و ابتلای سخت تری واقع شدند. به همین خاطر، بررسی تاریخ این دوره حساس از تاریخ شیعه اهمیت فوق العاده ای دارد. این واحد آموزشی، علاوه بر این که درصدد بیان زمان و مکان آغاز غیبت و چگونگی آن است، از فلسفه غیبت و بیان ویژگی های این عصر نیز بحث می کند.

پیش آزمون

۱. آیا می دانید آغاز غیبت صغری در چه روز و چه سالی بود؟

۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کجا و چگونه غایب شد؟

۳. تصور شما از حکومت و غیبت امام زمان چیست؟

۴. به نظر شما بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام چه اتفاقی در جامعه شیعی رخ داد؟

آغاز غیبت

غیبت صغری از هنگام شهادت امام حسن عسکری علیه السلام آغاز می شود. معتمد خلیفه عباسی همواره از محبوبیت و پایگاه اجتماعی امام حسن عسکری علیه السلام نگران بود. وقتی دریافت با وجود آن همه محدودیت که نسبت به آن حضرت روا داشته است، نه تنها پایگاه مردمی آن حضرت کم نشده، بلکه بیش از پیش محبوب دل های مردم شده است، بر نگرانی او افزوده شد؛ تا آنجا که در صدد قتل ایشان بر آمد و حضرت را به شکلی مرموز و پنهانی مسموم کرد. (۱)

شهادت امام عسکری علیه السلام در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ه بعد از نماز صبح اتفاق افتاد. پس از آن تمام بازارها و ادارات دولتی تعطیل شد و مردم دسته دسته در اطراف خانه امام به عزاداری پرداختند و بعد در تشییع پیکر مطهر شرکت کردند. سامرا چنین تشییع جنازه ای را در طول تاریخ خود ندیده بود. (۲)

«عثمان بن سعید عمری» متصدی غسل، کفن و دفن حضرت شد. جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام خواست بر آن حضرت نماز بخواند که ناگهان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شد و فرمود: «تأخر یا عمّ! فأنا احق بالصلاه علی ابی»؛ ای عمو! عقب بایست؛ من شایسته ترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم. (۳)

داستان سرداب (مکان غیبت)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کجا و چگونه غایب شد؟ دراین باره تهمت هایی به شیعه زده اند و می گویند: شیعه معتقد است که مأموران خلیفه عباسی به منزل

۱- (۱) . هاشم معروف الحسنی، سیره الائمه الاثنی عشر، ج۲، ص۴۲۹.

۲- (۲) . مفید، الارشاد، ص۳۶۲.

۳- (۳) . کمال الدین، ج۲، ص۴۷۵.

حضرت در سامرا هجوم آوردند تا او را دستگیر کنند و ایشان در آن هنگام در «سرداب» از دیده ها پنهان شد و تاکنون در آنجا بدون آب و غذا زندگی می کند و روزی از آنجا ظهور خواهد کرد؛ درحالی که در منابع شیعی هیچ نامی از سرداب نیست. نویسندگان اهل سنت پنداشته اند که شیعیان، امام خود را در میان سرداب، می جویند و ظهورش را از آن نقطه انتظار می کشند. (۱)

واقعیت قضیه این است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از هنگام ولادت در اختفا به سر می برد و بنا به مصالحی تولد و زندگی او آشکار نبود و بعد از رحلت پدر گرامی، غیبت صغرای آن حضرت آغاز شد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از نمازگزاردن بر پیکر پاک پدر و دفن ایشان وارد منزل شد و دیگر کسی آن حضرت را در اجتماع و میان مردم ندید. آن حضرت، بنابر روایات شیعی در بین مردم زندگی می کند و در موسم حج حاضر می شود؛ ولی مردم او را نمی شناسند. خانه ای که از آن سخن گفته شد، دو قسمت داشت: بیرونی و اندرونی. یک سرداب هم زیر اتاق ها بود که اهل خانه در ایام گرما در آن زندگی می کردند. شیعه به خاطر این که امامانش حضرت هادی، عسکری علیها السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این خانه عبادت می کردند، این خانه و سرداب را محترم می شمارد؛ اما این احترام جدا از تهمت های مخالفان به شیعه است. (۲)

فلسفه غیبت

اشاره

فلسفه غیبت از جمله مباحث اعتقادی است و رنگ تاریخی ندارد، اما بی مناسبت نیست که در این واحد آموزشی به طور خلاصه به مواردی از آن اشاره شود:

۱- (۱) . صافی، منتخب الاثر، ص۳۷۲.

۲- (۲) . مجله حوزه، ش ۷۰و ۷۱.

۱- سری از اسرار الهی

غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سری از اسرار الهی است که حکمت آن بر بندگان پوشیده و پنهان است و تنها پس از ظهور ایشان روشن خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «یا جابر! انّ هذا الامر من امر الله وسرّ من سرّ الله، مطوّی عن عباده»؛ (۱) ای جابر! این امر، الهی و سری از اسرار خداوندی است که بر بندگان او پوشیده است.

۲- آزمایش و غربال انسان های صالح

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! من و این دو فرزندم (حسن و حسین علیهما السلام) شهید خواهیم شد. خداوند در آخرالزمان، مردی از فرزندانم را به خونخواهی ما برخواهد انگیخت و او دوره ای غایب خواهد شد تا مردم آزمایش شوند و گمراهان جدا گردند؛ تا جایی که نادان می گوید: خداوند دیگر به آل محمد صلی الله علیه و اله کاری ندارد.» (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «این غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امتحان شیعه است». (۳)

۳- ستم پیشگی انسان ها

امیرمؤمنان علی علیه السلام در مسجد کوفه فرمود: «زمین از حجت الهی خالی نمی ماند، ولی خداوند به دلیل ستم پیشه بودن و زیاده روی انسان ها آنان را از وجود حجت خداوندی محروم می سازد.» (۴)

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص۷۳.

۲- (۲) . الغیبه(شیخ طوسی)، ص۲۰۴.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . الغیبه(نعمانی)، ص ۱۴۱.

۴- آزادی از بیعت با طاغوت های زمان

امـام حسن مجتبی علیه السـلام دراین بـاره فرمود: «هرکـدام از ما در زمان خود، بیعت حاکمان و طاغوت های زمان را از روی تقیه به عهـده گرفته ایم؛ مگر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف که عیسـی بن مریم علیه السـلام به امامت آن حضـرت نماز می گزارد. خداونـد ولادت او را پنهان نگه داشت و برای او غیبتی در نظر گرفت تا زمانی که قیام می کنـد بیعت حاکمی بر گردنش نباشـد». (۱) روایـات دیگری نیز در این بـاره از دیگر امامان معصوم علیهم السـلام رسـیده است؛ ماننـد این که امام سجـاد علیه السـلام فرمود: «برای احـدی بر گردن امـام مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف بیعتی نیست.» (۲) یـا روایت امام هشتم علیه السلام : «به خاطر اینکه وقتی حضرت با شمشیر قیام کرد، بیعت هیچ فردی بر گردن او نباشد». (۳)

۵- حفظ جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

خداوند با غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشـریف جان ایشان را از شـر دشمنان حفظ کرده است. روایات فراوانی از امامـان معصوم علیهـم السـلام دراین بـاره به مـا رسـیده است. امام پنجم علیه السـلام فرمود: «برای قائم ما (امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) قبل از آنکه به پا خیزد، غیبتی است.» راوی پرسید: «برای چه؟» حضرت فرمود: «به خاطر این که ترس از کشته شدن او وجود دارد.»

۶- آمادگی جهانی

ظهور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الاوصیا و منجی انسان نیاز به زمینه و آمادگی جهانی دارد. بنـابراین، می توان فقـدان آمـادگی جهان را یکی از فلسـفه ها و حکمت های غیبت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف برشمرد.

۱- (۱) . بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۲- (۲) . همان، ص ۱۳۵.

۳- (۳) . کمال الدین، ص ۴۸۰.

ویژگی های دوره غیبت صغری

ویژگی هـای این دوره عبارت است از این که: نخست، زمان غیبت صـغری محـدود بود، ولی مـدت غیبت کبری را کسـی جز خداونـد سبحان نمی داند؛ دوم، در دوره غیبت صـغری حضـرت به طورکلی از دیده ها پنهان نبود؛ سوم، امام مهدی عجل الله تعـالی فرجه الشـریف در این دوره چهار نماینـده خاص داشت که برای تک تک آنان حکم وکالت صادر نموده بود؛ چهارم، در دوره غیبت صـغری ممکن بود که برخی از افراد آن حضـرت را ببینند و ایشان را بشناسـند؛ ولی در غیبت کبری کسی او را نمی بینـد و اگر هم ببینـد، نمی شـناسد؛ اگر هم برخی خواص، ایشـان را ببیننـد و بشناسـند، اجـازه ندارنـد آن را برای دیگران بازگویند، مگر با اجازه خود حضرت.

اختلافات فرقه ای پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

امـام حسن عسـکری علیه السـلام به خـاطر وجود جو خفقان و سـخت گیری خلفای عباسـی بیش از سایر ائمه علیهم السـلام به کتمـان امور می پرداخت؛ از جمله این اقـدام هـای احتیـاط آمیز، پنهـان داشـتن ولاـدت حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف بود؛ چون آنان در صـدد بودنـد که اگر از امام عسـکری علیه السـلام فرزنـدی متولـد شود، او را به شـهادت برسانند. اختفـای ولادت آن حضـرت باعث شـد که برخی از شـیعیان در آغاز شـهادت امام عسـکری علیه السـلام در امر امامت دو امام یازدهم و دوازدهم دچار شک و تردید شوند؛ به طوری که در برخی کتاب ها آمده است که پیروان امام عسـکری علیه السلام در این دوران به چهارده یا پانزده گروه منشـعب شدند. امثال مسـعودی از تقسیم پیروان آن حضرت به بیست گروه نیز گزارش داده انـد. در عصـر حاضـر هیـچ پیروی برای این فرقه ها وجود نـدارد و حتی در زمان شـیخ مفید نیز این فرقه ها وجود خارجی نداشته اند. (۱)

ص:۲۳۴

۱- (۱) . شیخ مفید، الفصول المختار، ص ۳۲۱.

۱. غیبت صغری از هنگام شهادت امام حسن عسکری علیه السلام یعنی جمعه، هشتم ربیع الاول ۲۶۰ه آغاز می شود.

۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از نمازگزاردن بر پیکر پاک پدر و دفن ایشان وارد منزل شد و دیگر کسی آن حضرت را در اجتماع و میان مردم ندید.

۳. فلسفه غیبت از جمله مباحث کلامی است، اما بی مناسبت نبود که در این واحد آموزشی، هرچند به طور خلاصه به برخی از موارد آن اشاره شود.

۴. زمان غیبت صغری محدود بود و امام به طور کلی از دیده ها پنهان نبود، بلکه از طریق چهار وکیل خاص با مردم ارتباط داشت.

۵. اختفای ولادت آن حضرت باعث شد که برخی از شیعیان در آغاز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در امر امامت دو امام یازدهم و دوازدهم دچار شک و تردید شوند.

آزمون پایانی

۱. آغاز غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه تاریخی است؟

الف) هشتم ربیع الاول ۲۶۰ه ب) نهم ربیع الاول ۲۵۹ه

ج) هشتم ربیع الاول ۲۵۹ه د) نهم ربیع الاول ۲۶۰ه

۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کجا و چگونه غایب شد؟

الف) در سرداب و بعد از هجوم دستگاه حکومت

ب) در سرداب و پس از مراسم تدفین

ج) در منزل پدری و بعد از هجوم دستگاه حکومت

د) در منزل پدری و بعد از مراسم تدفین

۳. کدام یک از موارد زیر از موارد فلسفه غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده می شود؟

الف) سری از اسرار الهی ب) آزمایش و غربال انسان های صالح

ج) حفظ جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف د) همه موارد

۴. کدام یک از موارد زیر از ویژگی های دوره غیبت صغری نیست؟

الف) محدودیت زمانی ب) اختفای کامل

ج) برخورداری از نواب اربعه د) ارتباط امام با مردم از طریق وکلا

۵. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام پیروان ایشان به چند گروه تقسیم شدند؟

الف) ۱۴ یا ۱۵ گروه ب) ۱۰ گروه

ج) ۲۰ گروه د) ۵ گروه

۳- نواب اربعه در عصر غیبت صغری

درآمد

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره غیبت صغری چهار تن را به عنوان نواب خاص خود به شیعیان معرفی نمود. این چهار نفر از اصحاب باسابقه امامان پیشین و عالمان بزرگ و پارسای شیعه بودند: ابوعمرو، عثمان بن سعید عمری؛ ابوجعفر، محمد بن عثمان بن سعید عمروی، ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن، علی بن محمد سمری.

امامیه بیشترین اطلاعات خود را درباره زندگی و فعالیت های این چهار سفیر و نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کتاب الغیبه تألیف شیخ طوسی نقل می کنند. مطالبی درباره این چهار بزرگوار تحت این عنوان آورده می شود:

الف) نواب اربعه؛

ب) ملاک نصب نواب اربعه؛

ج) چگونگی ارتباط نواب اربعه با شیعه؛

د) وظایف و مسئولیت های نواب اربعه.

پیش آزمون

۱. آیا نام نواب اربعه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می دانید؟

۲. چه ملاک هایی برای نصب نواب اربعه مورد نظر بود؟

۳. آیا از کیفیت ارتباط نواب اربعه با شیعه اطلاع دارید؟

۴. به نظر شما وظایف و مسئولیت های نواب اربعه چه بود؟

نواب اربعه

۱- ابوعمرو، عثمان بن سعید عمروی

او نخستین نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی علاوه بر داشتن سمت وکالت از طرف امام هادی علیه السلام ، رهبری سازمان وکالت را نیز بر عهده داشت. (۱) امام عسکری علیه السلام در مورد وی فرمود: «بله، گواه باشید که عثمان بن سعید عمروی، وکیل من است». (۲) بنا به روایت دیگری، امام عسکری علیه السلام جانشین خود را به چهل نفر از شیعیان مورد اعتماد، مانند «حسین بن ایوب»، «علی بن هلال» و «عثمان بن سعید» معرفی کرد. (۳) پس از رحلت امام عسکری علیه السلام همین عثمان بن سعید عمروی بود که مراسم غسل، کفن و دفن ایشان را عهده دار شد. توقیعات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز توسط وی به دست شیعیان می رسید. عثمان بن سعید پس از رحلت امام عسکری علیه السلام از سامرا به بغداد رفت و در منطقه «کرخ» ساکن شد و در آنجا تا پایان زندگی امور دفتر نیابت را سرپرستی می کرد. (۴) با آنکه عثمان بن سعید عمروی نقش مهمی در تاریخ شیعه دارد، ولی هیچ کس تاریخ مرگ او را ارائه نکرده است. بعضی آن را سال ۲۵۶ه و بعضی دیگر ۲۸۰ه و دیگری ۲۶۷ه گفته اند.

۱- (۱) . کشی، اختیار المعرفه الرجال، ص۵۲۳.

۲- (۲) . الغیبه، (شیخ طوسی)، ص ۲۱۶.

۳- (۳) . کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۵.

۴- (۴) . مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکاملی، ص۱۲۹و۱۳۰.

۲- ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمروی

وی دومین سفیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بعد از وفات پدر از ناحیه مقدسه به سمت وکالت و نیابت خاص منصوب شد. او دو ماه قبل از مردن با راهنمایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، زمان مرگ خود را یادآور شد. از این رو، قبری برای خود حفر کرد و در روز موعود چشم از دنیا فرو بست. (۱)

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

او سومین نایب برگزیده امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی از سوی نایب دوم به خواص شیعیان و وکیلان آن حضرت معرفی شد. حسین بن نوح در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ ه تا سال ۳۲۶ ه به مدت ۲۱ سال نیابت را بر عهده گرفت. وی در هجدهم شعبان همین سال چشم از دنیا فرو بست. پیکر ایشان را در بغداد به خاک سپردند و مقبره اش زیارتگاه شیعیان است. (۲)

۴- ابوالحسن، علی بن محمد سمری

وی چهارمین و آخرین نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او پس از درگذشت نایب سوم بنا به وصیت وی و به فرمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مقام نیابت خاص را عهده دار شد. او از هجدهم شعبان سال ۳۲۶ه تا پانزدهم شعبان سال ۳۲۹ه سازمان وکالت و نیابت را رهبری نمود.

وی شوهرخواهر وزیر عباسیان، جعفر بن محمد بود. این رابطه او را قادر ساخت که سمت مهمی در دستگاه عباسیان به دست آورد. (۳) وکلا و خواص

ص:۲۳۹

۱- (۱) . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۷۰.

۲- (۲) . حیاه الامام محمد المهدی، ص ۱۳۰.

۳- (۳) . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۲۱۰.

شیعه، او را به عنوان سفیر راستین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به رسمیت شناختند و وجوه شرعی خود را به وی تحویل می دادند تا آن را به ناحیه مقدسه برساند.

وی هم به جهت کوتاه بودن مدت نیابت و هم به خاطر وضعیت خاص سیاسی نتوانست فعالیت های گسترده ای انجام دهد و یا اگر هم موفق به فعالیت گسترده ای شده بود، به جهت شدت رعایت تقیه، احتیاط و استتار، آن فعالیت ها برای آیندگان نقل نشده است.

آخرین توقیع از ناحیه مقدسه شش روز قبل از درگذشت ایشان صادر شد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این توقیع، زمان درگذشت سمری را پیش گویی کرد و اعلان نمود که بعد از این، سفیر و نایبی را معین نکند و با مرگ سمری دوره غیبت صغری به پایان می رسد و غیبت کبری شروع می شود. (۱) به طورکلی نکات آخرین توقیع را می توان در این موارد برشمرد:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شش روز قبل از درگذشت نایب چهارم، وفات وی را به او اطلاع داد و در روز موعود، مرگ وی فرا رسید. تحقق این پیش گویی در روز موعود، دلیل قاطعی بر صدور این توقیع از جانب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمان داد: «کسی را در امر نیابت خود قرار مده!» این جمله دلالت دارد که راه ارتباط مستقیم بین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نواب خاص به پایان می رسد.

۳. زمان پایان «غیبت صغری» و آغاز «غیبت کبری» در این توقیع بیان شده است.

۴. ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن خداوند است و بر ما معلوم نیست که در چه تاریخی ظاهر خواهد شد.

۵. دونشانه برای ظهور امام در این توقیع آمده است:«قیام سفیانی»و«صیحه آسمانی».

ص:۲۴۰

۱- (۱) . کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۱۶.

ملاک در نصب نواب اربعه

اشاره

سفیران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف افزون بر شرایط عام ایمان، تقوا، درایت و بندگی خدای سبحان باید از چند ملاک ویژه نیز برخوردار باشند:

۱- تقیه و رازداری

نمونه بارز این ویژگی را در نایب سوم، یعنی حسین بن روح نوبختی می توان یافت. وی در حد بسیار بالایی از این ویژگی بهره برد؛ به گونه ای که هریک از علمای مذاهب اسلامی او را به خود منتسب می کردند. او در مسیر رعایت تقیه، یکی از خدمت گزاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن نمود، عزل و اخراج کرد. نخستین سفیر، یعنی عثمان بن سعید نیز به جهت رعایت تقیه می کوشید خود را از بازرسی های رژیم عباسی دور نگه دارد. بدین منظور در هیچ بحث و مجادله مذهبی و یا سیاسی به صورت آشکار درگیر نمی شد. (۱)

۲- صبر و مقاومت

برای این ویژگی نیز نمونه ای از حسین بن روح آورده می شود: عده ای از «ابوسهل نوبختی» پرسیدند: «چرا تو نایب خاص حضرت نشدی و به جای تو حسین بن روح از ناحیه مقدسه متصدی منصب سفارت شد؟» او در پاسخ گفت: «آنان بهتر از همه می دانند که چه کسی لایق این مقام است. من فردی هستم که با دشمنان رفت وآمد دارم و با آنان مناظره می کنم. اگر آن چه را که نایب سوم درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند، من می دانستم، شاید آن گاه که لجاجت را در بحث هایم با دشمنان می دیدم، می کوشیدم دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه کنم و در

۱- (۱) . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص۱۴۹.

نتیجه، محل اقامت او را برملا سازم؛ اما اگر حسین بن روح، امام را زیر عبای خود پنهان کرده باشد و بدنش را قطعه قطعه کنند تا او را نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی زند و امام را نشان نمی دهد!». (۱)

۳- عقل و درایت

شیخ طوسی در کتاب گران سنگ الغیبه روایتی را نقل می کند که بر درایت ویژه سفیران و نایبان خاص حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد.

۴- برنیانگیختن حساسیت حاکمان

چون کار این نواب بسیار پنهان و مهم و به تعبیر امروزی، سری و فوق سری بود، به افرادی نیاز داشت که دستگاه حکومت عباسی به آنها ظنین نباشند؛ برای مثال: نخستین سفیر حضرت، عثمان بن سعید معروف به «زیّات» و «سمّان» بود. وی در پوشش روغن فروشی کارهای مربوط به وکالت را انجام می داد و هرگز به خیال دستگاه حکومت نمی رسید که او سفیر خاص حضرت باشد. دومین سفیر هم مانند پدرش روغن فروش بود و نایب سوم که از خاندان نوبخت بود، با دربار ارتباط داشت و از نفوذ خوبی بهره مند بود. در نتیجه آنان هرگز تصور نمی کردند که او با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ارتباط باشد.

چگونگی ارتباط نواب اربعه با شیعیان

اشاره

شیعیان دو گونه ارتباط با نواب داشتند: باواسطه و به شکل هرمی و بی واسطه و مستقیم.

۱- (۱) . الغیبه، (شیخ طوسی)، ص ۲۴۰.

۱- ارتباط غیرمستقیم

ارتباط با واسطه یک اصل در سازمان وکالت بود. این سازمان باید در ارتباط با مردم از راه های استتاری بهره می جست؛ زیرا هر حرکتی از طرف حاکمان عباسی هدف شدیدترین ظلم و ستم ها قرار می گرفت. وکلا نقش واسطه را در این ارتباط عهده دار بودند و مردم خواسته های خود را با آنان در میان می گذاشتند؛ نمایندگان نیز آنها را به سفیر و نایب امام منتقل می کردند و پاسخ آن را از ناحیه مقدسه دریافت می نمودند. سفیر در این ارتباط به منزله «رأس هرم» وکلا و خواص، وسط و «بدنه هرم» و مردم به منزله «قاعده هرم» با هم در ارتباط بودند؛ برای نمونه: «محمد بن عثمان» سفیر دوم، در بغداد دو وکیل داشت که یکی از آنها حسین بن روح بود. این عده به ظاهر وکیل شخصی ایشان در امور تجاری بودند، ولی در واقع وکیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند و برای سازمان وکالت فعالیت می کردند. شدت استتار به حدی بود که در آغاز حتی عالمان برجسته شهرستان ها نیز از جانشینی امام عسکری علیه السلام اطلاعی نداشتند. به عنوان مثال، بنا به روایتی مجلسی در بحارالانوار و شیخ طوسی در الغیبه نقل می کنند که محمد بن ابراهیم مهزیار اهوازی پس از رحلت امام یازدهم، امام زمان حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمی شناخت. او پس از چند سال که از آغاز غیبت صغری گذشته بود، به منظور شناخت امام زمان به عراق سفر کرد. (۱)

۲- ارتباط مستقیم

این ارتباط در آغاز فعالیت نواب اربعه در دوره غیبت صغری وجود نداشت؛

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۰.

چون بنا بود که مسئله نیابت خاصه پنهان بماند. کم کم شیعیان به صورت پنهانی، نام و نشانی سفیر را از نمایندگان و خواص می گرفتند و می توانستند با او تماس مستقیم داشته باشند. این کار بیشتر از زمان سفیر دوم شروع شد.

شیخ طوسی درباره این نوع ارتباط می نویسد: «عده ای از افراد مورد اعتماد، پیش سفرای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می رفتند و با دادن نامه یا بیان خواسته های خود پاسخ آن را از ناحیه مقدسه دریافت می کردند.» (۱) پاسخ هایی که در این نوع ارتباط دریافت می کردند، گاهی به شکل کتبی و گاه به صورت شفاهی بود؛ چنان که حسین بن روح به برخی از پرسش کنندگان گفت: «شما مأموریت دارید به حائر بروید.» (۲)

وظایف و مسئولیت های نواب اربعه

وظایف و محور کلی فعالیت های نواب از این قرار بود:

الف) زدودن شک و حیرت مردم درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛

ب) حفظ امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از راه پنهان داشتن نام و مکان ایشان؛

ج) سازمان دهی و سرپرستی سازمان وکالت؛

د) پاسخ گویی به مشکلات فقهی و عقیدتی؛

ه) اخذ و توزیع اموال متعلق به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛

و) مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و بابیت؛

ز) مبارزه با وکلای خائن؛

ح) آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری.

۱- (۱) . همان، ص۲۵۷.

۲- (۲) . همان، ص۱۸۸.

فرجام

۱. امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف چهار سـفیر و نایب خاص در دوره غیبت صـغری داشـتند؛ این چهار تن به نواب اربعه معروفنـد که به ترتیب عبارتنـد از: ابوعمرو عثمان بن سـعید عمری، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سـعید عمری، ابوالقاسـم حسـین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سـمری که در مدت هفتادساله غیبت صـغری عهده دار امر نیابت و سفارت بودند.

۲. ارتبـاط سـفیران بـا شـیعیان به دو صورت بود: بـا واسـطه وکیـل و بـدون واسـطه وی. البته اصـل در سازمـان وکالت، ارتباط باواسطه بود.

۳. وظایف نواب اربعه عبارت بود از: زدودن شک و حیرت مردم درباره امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ، حفظ امام از راه پنهان داشـتن نام و مکان ایشان، سازماندهی و سـرپرستی سازمان وکالت، پاسخ گویی به پرسش های فقهی، مشکلات و شبهات عقیدتی و .... و آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری.

۴. نخستین وظیفه از میان وظایف فوق، بیش از همه بر دوش عثمان بن سـعید سـنگینی می کرد و آخرین آنها به عهده علی بن محمد سمری، آخرین سفیر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

ص:۲۴۵

آزمون پایانی

۱. کدام یک از موارد زیر بر مقام والای عثمان بن سعید، نایب اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد؟

الف) وکالت از سه امام هادی علیه السلام ، عسکری علیه السلام و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ب) عضویت در گروه چهل نفری که امام عسکری علیه السلام در دوران اختفا جانشین خود را به آنان نشان داده بود.

ج) عهده داری مراسم غسل، کفن و دفن امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف

د) همه موارد

۲. کدام یک از نواب اربعه، دو ماه قبل از مرگش با راهنمایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زمان وفات خود باخبر شد؟

الف) حسین بن روح ب) محمد بن عثمان

ج) علی بن محمد سمری د) هیچ کدام

۳. مدت نیابت حسین بن روح، نایب سوم امام زمان چقدر بود؟

الف) ۱۱ سال ب) ۲۱ سال

ج) ۳۱ سال د) هیچ کدام

۴. چه مطالبی در آخرین توقیع که به دست علی بن محمد سمری رسید، نوشته شده بود؟

الف) زمان درگذشت علی بن محمد سمری

ب) پایان غیبت صغری

ج) ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن خدا است

د) همه موارد

ص:۲۴۶

۵. ملاک های ویژه در نصب نواب اربعه چه بود؟

الف) رازداری ب) صبر و استقامت

ج) عقل و درایت د) همه موارد

۶. شیعیان چگونه با نواب اربعه ارتباط برقرار می کردند؟

الف) باواسطه و به شکل هرمی ب) بی واسطه و مستقیم

ج) به وسیله نامه د) الف و ب صحیح است

۷. کدام یک از موارد زیر از مسئولیت های نواب اربعه نبود؟

الف) زدودن شک و حیرت مردم درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ب) حفظ امام از راه پنهان داشتن نام و مکان او

ج) اخذ وتوزیع اموال متعلق به امام

د) مبارزه مسلحانه با نظام حاکم

ص:۲۴۷

۴- وکلای عام حضرت در عصر غیبت صغری

درآمد

در عصر غیبت صغری افزون بر سفرا و نواب اربعه که به عنوان وکلای خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح بودند، وکلای متعددی در نقاط مختلف جهان اسلام پراکنده بودند؛ کسانی که مأمور انجام وظایف وکالت، همانند وکلای پیشین ائمه علیهم السلام بودند و در نهایت برای کسب تکلیف به وکلای خاص (نواب اربعه) مراجعه می کردند.

در این واحد آموزشی، علاوه بر معرفی بعضی از وکلا نقش وکلای خائن و مدعیان دروغین وکالت نیز از نظر می گذرد؛ چون دستگاه وکالت شاهد بروز بعضی از جریانات انحرافی ناشی از انگیزه های مختلف بوده است.

پیش آزمون

۱. آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وکلای دیگری جز نواب اربعه داشتند؟

۲. آیا در میان وکلای امام وکلای خائن و دروغین نیز وجود داشت؟

۳. چرا دسته ای از وکلای امام خیانت کردند؟

۴. چند وکیل خائن و مدعی دروغین وکالت و بابیت می شناسید؟

ص:۲۴۹

نصب وکلا

در عصر غیبت صغری با توجه به غیبت امام و بیشتر شدن شمار شیعیان در مناطق شیعه نشین لازم بود که وکلا و نمایندگان نهاد وکالت به عنوان دستیاران نواب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وظیفه ارتباط شیعیان با بغداد را به عهده گیرند. قراین موجود نیز گویای تعداد بسیار این وکلا است. فعالیت این وکلا موجب حساسیت حکام عباسی بود؛ بنابراین، گاهی با فرستادن جاسوس های خود در صدد شناسایی آنان بودند.

به هر حال با توجه به این که وجود این وکلا در این عصر نیز همچون دوره های گذشته برای پیشبرد اهداف نهاد وکالت ضروری بود، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به تعیین و نصب آنان اقدام می نمود. قراین موجود گویای آن است که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به شخصه این کار را می کرد. یکی از قراین صریح، نصب محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی از سوی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به منصب وکالت در ناحیه اهواز به جای پدرش است. حضرت در این انتصاب، طی پیامی به وی فرمود: «قد اقمناک مقام ابیک»؛ (۱) یعنی تو را به عنوان وکالت به جای پدرت نصب نمودم.

با این که بی تردید شمار این وکلا در مناطق شیعه نشین بسیار بوده، ولی متأسفانه نام آنان به طور کامل در منابع رجالی، روایی و تاریخی ضبط نشده است؛ ولی در پی مطالعه در منابع رجالی نام تعدادی از آنان به دست آمد که در اینجا به ذکر چند مورد بسنده می شود:

۱. ابوالحسین، محمد بن جعفر الاسدی الکوفی الرازی؛ ۲. ابوعبد الله بن هارون بن عمران الهمدانی؛ ۳. ابومحمد، حسن بن محمد بن هارون بن عمران

۱- (۱) . تنقیح المقال، ج۱، ش۲۱۸.

الهمدانی؛ ۴. محمـد بن صالح بن محمد الهمدانی؛ ۵. ابواسحاق، محمد بن ابراهیم بن مهزیار الاهوازی؛ ۶. القاسم بن العلا؛ ۷. حسن بن محمد بن قطاه صیدلانی؛ ۸. محمد بن شاذان بن نعیم الشاذانی النیشابوری؛ ۹. العزیز بن زهیر؛ ۱۰. قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم همدانی؛ ۱۱. ابوعلی، بسطام بن علی؛ ۱۲. علی بن الحسین بن علی الصبری؛ ۱۳. داود بن القاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب الجعفری؛ ۱۴. الحسن بن النضر القمی؛ ۱۵. محمد بن حفص بن عمرو بن العمری و ۱۶. احمد بن اسحاق الاشعری القمی. (۱)

وکلای خائن و مدعیان دروغین وکالت

اشاره

ما در دستگاه وکالت شاهـد بروز بعضـی از جریانات انحرافی هستیم. این جریان ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نوعی انحراف در میان کسانی مشاهـده می شود که پیش از آن از سوی یک امام علیه السلام به عنوان وکیل منصوب شده اند، ولی بعدها به فساد و خیانت گراییده اند؛ نوع دیگر در میان کسانی است که هرگز پیشینه وکالت، نیابت و بابیت نداشته اند، ولی به انگیزه هایی به دروغ خود را وکیل و نایب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف خوانـده و مدتی عده ای را دور خود جمع کرده و سرانجام رسوا شده اند. اینک این دو جریان به تفصیل بررسی می شود:

۱- خیانت و فساد در نهاد وکالت

اشاره

در بین وکلای ائمه علیهم السلام شاهـد بروز و ظهور کسانی هستیم که با وجود شرایط لازم برای وکالت در ابتدای امر، به علت قرارگرفتن در وضعیتی جدید، مهیا شدن زمینه

۱- (۱) . رجال (شیخ طوسی)، ص ۴۹۶ و ۴۳۶؛ تنقیح المقال، ج۱، ش۲۹۴و۲۷۵۲، ج۲، ش۱۰۲۲۲ و ۱۰۶۱۵، ج۳، ش۱۰۸۴۳و۱۲۷۵۷.

خیانت و وجود ریشه های مقتضی خیانت در وجودشان دست به خیانت یا امور موجب فسق زدند. نتیجه این کار، لعن و عزل آنان از سوی ائمه هدی علیه السلام بود.

نمی توان ریشه همه این خیانت ها و فسق ها را به یک چیز بازگرداند. در ریشه یابی انگیزه های خیانت و فسق به امور متفاوتی برخورد می کنیم؛ گرچه به اعتباری می توان همه را به مهذب نبودن آنان بازگرداند. از جمله این خیانت کاران می توان از «واقفیه» نام برد. البته شناخت تفصیلی این جریانات انحرافی مستلزم شناخت چهره هایی است که سردمدار آنها بوده اند. بنابراین، مناسب است در اینجا به معرفی تعدادی از این وکلای خائن بپردازیم:

الف) هشام بن ابراهیم عباسی همدانی

او در آغاز کار، وکیل امام رضا علیه السلام بود، ولی به تدریج به خاطر دنیاطلبی آلت دست مأمون و فضل بن سهل شد و ضد امام رضا علیه السلام جاسوسی می کرد. (۱)

ب) فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی

او از دستیاران اصلی امام هادی علیه السلام در سامرا بود. بعدها چنان به مقام امام و شیعه خیانت کرد که امام هادی علیه السلام دستور قتل او را صادر نمود. (۲)

ج) عروهٔ بن یحیی

وکیل ارشد امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در بغداد بود. در ابتدای امر، آن چنان مورد اطمینان آن بزرگواران بود که امام عسکری علیه السلام ضمن توقیعی از او به عنوان «وکیلنا و ثقتنا والذی یقبض من موالینا» یاد می کند. در عصر امام

۱- (۱) . رجال کشی، ص۵۲۳.

۲- (۲) . معجم رجال الحدیث، ج۱۶، ص۲۰۴.

عسکری به اختلاس اموال امام پرداخت و در این راه حتی از دروغ بستن به ساحت مقدس امام هادی علیه السلام نیز دریغ نورزید. او در مسیر انحرافی خود کار را بدانجا رساند که ابتدا بخشی از اموال امام عسگری علیه السلام را سرقت کرد و بخشی دیگر را به آتش کشید و با این عمل زشت خود امام را به خشم آورد؛ به طوری که همان شب مشمول نفرین ایشان شد و فردای آن روز به هلاکت رسید. (۱)

د) ابوجعفر، محمد بن علی الشلمغانی، (ابن ابی العزاقر)

او دانشمندی صحیح الاعتقاد و فردی صالح بود و کتاب هایی مانند التکلیف و العصمه به او منسوب است. شلمغانی تا جایی مورد اعتماد بود که حسین بن روح هنگام پنهان شدن از مقتدر عباسی وی را به جای خود به عنوان وکیل نصب نمود و در این ایام شیعیان به او مراجعه کرده و توقیعاتی نیز به واسطه او از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر می شد.

حسادت وی به حسین بن روح موجب شد که مذهب حق را رها کرده، وارد مذاهب مردود شود و رفته رفته به غلو، کفر، ارتداد، قول به تناسخ و حلول الوهیت در خود گرایش پیدا کند. او به پیروانش می گفت: «روح رسول الله صلی الله علیه و اله به محمد بن عثمان عمروی، روح امیرمؤمنان علی علیه السلام به بدن حسین بن روح و روح فاطمه علیها السلام به بدن ام کلثوم، دختر ابوجعفر عمروی منتقل شده است.» (۲) وی نزد بنی بسطام منزلتی داشت و ازاین رو باعث انحراف وسیعی در آنان شد؛ تا جایی که حسین بن روح ناچار شد در میان شیعیان، به ویژه بنی نوبخت، خبر لعن و انحراف شلمغانی را منتشر کند. آن گاه توقیعی از جانب حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۸۴.

۲- (۲) . الغیبه (شیخ طوسی)، ص۲۴۹.

لعن شلمغانی و برائت از وی و پیروانش صادر شد (۱) و همه سران شیعه از مضمون آن اطلاع یافتند. وقتی شلمغانی از مقابله ابن روح با خود آگاه شد، برای رویارویی با این جو وی را به مباهله دعوت کرد؛ امّا وقتی این خبر به گوش خلیفه وقت، الراضی بالله رسید، دستور دستگیری او را صادر کرد و سپس وی را کشت. این واقعه در سال ۳۲۳ ه روی داد.

۲- مدعیان دروغین وکالت و بابیت

اشاره

وکالت برای امام معصوم علیه السلام دارای جایگاهی والا نزد شیعه بود. علاوه بر این با توجه به این که یکی از مهم ترین زمینه های وکالت، دریافت وجوه شرعی متعلق به امام علیه السلام بود، وکلا همواره به عنوان امین امام و شیعه به این اموال دسترسی داشتند. این موضوع در کنار بعضی دیگر از انگیزه های فاسد دنیوی سبب شد که افرادی خود را به این نهاد مقدس منسوب کنند. اینک به برخی از جریان های دروغین وکالت و بابیت اشاره می شود:

الف) ابوعبدالله، احمد بن محمد السیاری

او در زمان امام جواد علیه السلام به دروغ وکالت و بابیت آن بزرگوار را ادعا کرد و به همین روی از سوی ایشان تکذیب شد. (۲)

ب) حسین بن محمد بن بابا القمی

وی از غالیان عصر امام هادی و امام عسکری علیها السلام است. طبق روایت کشی، امام عسکری علیه السلام ادعای نبوت و بابیت را به او نسبت داد و در نامه ای به یکی از

۱- (۱) . همان، ص۲۵۳.

۲- (۲) . رجال کشی، ص۶۰۶.

پیروانش بـه نـام «عبیـدی»، او و «فهری» را مـورد لعن قرار داده، به عنـوان افرادی فتنه جـو که قصـد سودجـویی از مردم دارنـد، معرفی کرد و در ادامه دستور کشتن آنها را صادر فرمود. (۱)

همچنین کشی از «سهل بن محمد» روایت می کند: «به امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای سید من! امر حسن بن محمد بن بابا بر گروهی از موالی شـما مشـتبه شده است؛ چه دسـتوری دارید؟ آیا نسبت به وی، تولا داشته باشیم یا تبرا؟ حضرت به خط مبارک خود نوشت: او و فارس بن حاتم، ملعوننـد! از آن دو تبرا جوییـد. خداوند آن دو را لعنت کند و در مورد فارس، آن را افزون نماید. (۲)

ج) ابومحمد الشریعی

شیـخ طوسـی نامش را حسن و کنیه اش را ابومحمد ذکر نموده است. وی از اصـحاب امام هادی و امام عسـکری علیها السـلام بوده است. در عصـر غیبت، نخستین کسـی بود که مقامی را بدون شایستگی به خود نسبت داد و بنابراین مورد لعن و بیزاری از جانب شـیعه واقع شد. در پی آن، توقیع امام عجل الله تعالی فرجه الشـریف در لعن و برائت از وی صادر شد؛ سـپس گفتارهای کفرآمیز و الحادی از او شنیده شد.

د) محمد بن نصر النمیری الفهری

بنا به گفته شـیخ طوسـی، فهری ابتدا از اصـحاب امام عسـکری علیه السـلام بود. پس از وفات آن جناب و در عصر نیابت نایب دوم به معـارضه بـا او برخـاست و مقـام نیـابت و بـابیت را برای خود ادعا نمود. نایب دوم نیز او را لعن کرد و شـیعیان نیز چنین کردند. از جمله عقاید او آن بود که امام هادی علیه السلام را خدا می دانست که او

۱- (۱) . همان، ص ۵۲۰.

۲- (۲) . تنقیح المقال، ج ۱، ش ۲۷۲۳.

را به پیـامبری مبعوث نموده است! همچنین قایـل به تناسـخ بود و دربـاره امـام هادی علیه السـلام غلو می کرد. (۱) او معتقد به اباحه محارم بود و نکاح مردان با یکدیگر را جایز می شمارد.

فرجام

۱. در عصر غیبت صغری علاوه بر سفیران و نواب اربعه، وکلای متعددی در نقاط مختلف پراکنده بودند.

۲. وجود این وکلا به خاطر کثرت شیعیان در مناطق مختلف و برای پیشبرد اهداف نهاد وکالت ضروری بود.

۳. دستگاه وکـالت شاهـد بروز برخی جریان های انحرافی بود که گاهی از وکلای منصوب از سوی امام رخ می داد و گاه در میان کسانی که هرگز سابقه وکالت نداشتند.

۱- (۱) . الغیبه(شیخ طوسی)، ص۲۴۴.

آزمون پایانی

۱. علت وجود وکلای امام در عصر غیبت صغری چه بود؟

الف) غیبت امام ب) کثرت شیعیان

ج) پراکندگی مناطق شیعه نشین د) الف و ب درست است

۲. کدام یک از موارد زیر از قراین نصب وکلا از سوی شخص امام است؟

الف) نصب مستقیم محمد بن ابراهیم بن مهزیار

ب) نصب مستقیم محمد بن جعفر کوفی

ج) نصب مستقیم محمد بن صالح همدانی

د) نصب مستقیم القاسم بن العلا

۳. کدام یک از موارد زیر از جریانات انحرافی در میان وکلای عام است؟

الف) انحراف در میان کسانی که پیش از آن وکیل امام بودند.

ب) انحراف در میان کسانی که هرگز وکیل امام نبودند.

ج) انحراف در میان کسانی که از اصحاب امام نبودند.

د) الف و ب درست است.

۴. کدام یک از موارد زیر ابتلای عمومی همه منحرفان در امر وکالت بود؟

الف) طمع ب) قدرت طلبی

ج) مهذب نبودن د) هیچ کدام

۵. کدام یک از افراد زیر از وکلای خائنند؟

الف) هشام بن ابراهیم همدانی ب) فارس بن حاتم قزوینی

ج) عروة بن یحیی د) همه موارد

۶. علت انحراف شلمغانی چه بود؟

الف) طمع قدرت ب) حسادت وی به حسین بن روح

ج) غرور و تکبر د) هیچ کدام

۷. کدام یک از افراد زیر جزء مدعیان دروغین وکالت و بابیت بودند؟

الف) حسین بن محمدبابا القمی ب) ابومحمد الشریعی

ج) احمدبن محمد السیاری د) همه موارد

ص:۲۵۸

بخش پنجم : بررسی عصر غیبت کبری

اشاره

ص:۲۵۹

۱- تاریخ شیعه، نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری

در آمد

با صدور توقیعی از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آخرین سفیر خود و درگذشت او به عنوان آخرین نفر از نواب اربعه، عصر غیبت کبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا می رسد. در این دوره با پشت سرگذاشتن غیبت صغری مرحله تازه ای از تاریخ شیعه آغاز می شود.

این واحد آموزشی به عنوان یکی از مهم ترین مباحث این دوره، مروری اجمالی به دو عنوان زیر خواهد داشت:

۱. شیعه در عصر غیبت کبری؛

۲. نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری.

پیش آزمون

۱. آیا می توانید تصویری از وضعیت شیعه در عصر غیبت کبری ارائه کنید؟

۲. آیا نهضت های شیعی این دوران را می شناسید؟

۳. چه دولت های شیعی در دوره غیبت کبری تشکیل شده است؟

ص:۲۶۱

شیعه در عصر غیبت کبری

فساد و بیدادگری بنی عباس و نهضت های علویان در دوران گذشته زمینه را برای شیعه آماده کرد. شیعه در پنج قرن (۱) آغازین غیبت کبری به لحاظ رشد جمعیت در افزایش و از زاویه قدرت و آزادی مذهبی، تابع حکومت و قدرت فرمانروایان وقت بود. در این برهه با این که در بعضی از مناطق، دولت شیعی بر سر کار آمد، ولی هیچ گاه شیعه مذهب رسمی اعلام نشد. اتفاقات زیادی در این مدت روی داد که مهم ترین آنها عبارتند از:

یکم) در اواخر قرن پنجم «اسماعیلیان» در ایران در استقلال کامل می زیستند. (۲)

دوم) از نیمه قرن هشتم تا پس از قرن نهم، سادات مرعشی در مازندران و قزوین سلطنت کردند. (۳)

سوم) نفوذ علامه حلی و فرزندش در دربار «سلطان محمد خدابنده» موجب شیعه شدن او و رواج و رشد مذهب حق شد. (۴)

چهارم) «آق قویونلوها» در تبریز حکومت کردند و قلمرو آنان تا فارس و کرمان هم کشیده شد. (۵)

پنجم) «شهید اول»، صاحب لمعه که از نوابغ علمی شیعه بود، به سال ۷۸۶ ه در دمشق به جرم تشیع به شهادت رسید.

ششم) در آغاز قرن دهم هجری، شاه اسماعیل صفوی که شیعه مذهب بود،

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۸۱.

۲- (۲) . طبرسی، الاحتجاج، ص ۵۹۶.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . تاریخ الغیبه الکبری، ص ۵۱.

۵- (۵) . النجم الثاقب، ص ۳۱۴.

قیام خود را از اردبیل شروع کرد و ایران را به شکل کشور واحد درآورد. او مذهب شیعه را در قلمرو حکومت خود رسمیت بخشید.

هفتم) در طلیعه قرن پانزدهم هجری و پس از مبارزه ای طولانی با استبداد داخلی و استعمار خارجی، یک حکومت اسلامی بر اساس نظریه «ولایت فقیه» در ایران پدید آمد و برکات معنوی و آثار مادی این حرکت در شرق و غرب جهان اسلام گسترش یافت. این انقلاب از تمام نهضت های اسلامی در جهان حمایت کرد و عاملی بزرگ در پیروزی آنها به شمار رفت. همچنین، این نهضت، جهان را به عصری جدید وارد نمود و همه ابرقدرت ها را برای مبارزه با مذهب شیعه به تکاپو انداخت؛ تا جایی که مبانی شیعه را به سرعت در تمام قلمرو اسلام و شرق و غرب جهان رو به گسترش نهاد.

نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری

نهضت های شیعی از همان آغاز انحراف در سطح زمامداری، تلاش انقلابی خود را آغاز کرده و تا عصر حاضر با گذشتن از فرازونشیب های گوناگون به راه خود ادامه داده است. شیعه در شش قرن اخیر همواره در ایران به مثابه مرکز تشیع از قدرت مذهبی و سیاسی خوبی برخوردار بوده است. بسیاری از نهضت های شیعی نیز در عراق و حجاز (۱) رخ داده، در برابر قدرت خلفا نیز دولت هایی در شرق و غرب مرکز خلافت به پا شده و هیچ گاه سنگر مبارزه رها نشده است.

چهره انقلابی پیروان اهل بیت علیهم السلام را نباید تنها در میدان های شهادت جست وجو کرد؛ بلکه می توان در قالب انقلاب فرهنگی نیز دید. «ادریس بن حسن مثنی» کشور مغرب را با تبلیغ فتح کرد؛ همچنین اندونزی و شرق دور

۱- (۱) . الغیبه نعمانی، ص۷۲-۸۴.

جهان اسلام با تبلیغ گشوده شد. انبوهی از مردم «هند» در قرن پنجم هجری توسط دو نفر شیعی مسلمان شدند. «آل بویه» فرهنگ اسلام و آموزه های ائمه اهل بیت علیهم السلام را زیربنای حکومت خویش قرار دادند و با وجود این که شیعی مذهب بودند، با پیروان مذاهب دیگر رفتاری نیکو داشتند. این ویژگی منحصر به ایشان نبود، بلکه تمامی دولت های شیعی از آن برخوردار بودند. به همین روی، قرن چهارم هجری اوج تمدن اسلامی دانسته شده است. (۱)

در سال ۴۸۹ ه نخستین دوره جنگ های صلیبی به صورت سازمان یافته آغاز شد؛ درحالی که در مرکز خلافت (بغداد) اندیشه ای جز خوش گذرانی و مال اندوزی نبود. در چنین شرایطی تهاجم بنیان کن مغول به جهان اسلام آغاز شد و اگر اسلام توانست همچنان سرفراز بماند، به خاطر حرکت اندیشمندانه جمعی از علمای شیعه، همچون «مؤیدالدین ابن علقمه» و «خواجه نصیرالدین طوسی» بود که توانستند مغول های پیروزمند را در برابر اسلام خاضع گردانند. (۲)

شمال و شرق ایران در قرن هشتم و نهم هجری شاهد به قدرت رسیدن دولت های انقلابی سربداران در خراسان، جنبش ضدمنکرات در هرات، نهضت حروفیه در برابر تیموریان و سادات مرعشی در مازندران بود. نهضت قزلباش با توجه به تعصب شدید عثمانی ها و حملات مکرر آنان به خاک ایران در آغاز قرن دهم هجری قمری، صفویه را به قدرت رساند که فرزندان «شیخ صفی الدین اردبیلی» شیعه مذهب، نظام سیاسی شیعی را در ایران بنیان گذاشتند و توانستند استقلال خود را در مقابل جبهه نیرومند امپراتوری عثمانی حفظ کنند. دولت

۱- (۱) . تاریخ الغیبه الکبری، ص۱۲۲-۱۳۰.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۵۲.

صفویه بـا تمام ضـعف هایش مروج شـعایر مـذهب بود و اهل تسـنن را چنـدان تحت فشار نگـذاشت و با مسـیحیان، یهودیان و زردشتیان نیز مدارا داشت؛ درحالی که غالب کشورهای غربی حتی با آزادی نسبی ادیان بیگانه بودند. (۱)

بازگرداندن هویت و اسـتقلال شـیعی، رهایی از بیگانه پرستی و حمایت کامل از موجودیت دین موجب شد که علمای شیعه بر مشروعیت قدرت سیاسی پادشاهان صفویه صحه بگذارند.

پس از صـفویه، «افشـاریه» و «زنـدیه» روی کار آمدنـد. آنها نیز در تقویت تشیع کوشـیدند. نادرشاه افشار گام هایی در جهت تقریب شـیعه و اهل سنت برداشت. با پیروزی «کریم خان زند» به سال ۱۱۶۴ ه مایه های مـذهبی و مردمی رو به افزایش نهاد و روحانیون از حکومت وی حمایت کردند.

با پیوند پدیدآمده میان نهضت های اسـلامی در قرن اخیر سـرانجام همه آنها به یک حرکت انقلابی در نیمه دوم قرن سـیزدهم هجری تبدیل شده، مناطق وسـیعی از جهان اسـلام در موج عظیم بیداری و مبارزه قرار گرفت و کشورهایی چون مصر، سوریه، لبنان، عراق، ترکیه، افغانستان، پاکستان، الجزایر، تونس، مراکش، حجاز، اندونزی، هندوستان و ایران را دربرگرفت.

رسالت رهبری حرکت ها و جنبش ها در اکثر کشورهای اسلامی در یکصد سال اخیر بر دوش رهبران دینی بوده است. نهضت اسـلامی امـام خمینی اوج همه جنبش های تاریـخ اسـلام و تشیع به شـمار می رود و همه آرمان های نهضت های اسـلامی در سراسر جهان در آن تبلور یافته است. (۲)

۱- (۱) . کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج۲، ص ۶۵۰.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۴۰.

فرجام

۱. در اوایل قرن چهارم تا اواخر قرن پنجم با روی کار آمدن دولت های انقلابی شیعه، چون «آل بویه»، «فاطمیان»، «همدانیان» و «علویان» شیعه با کسب قدرت تا حدودی آزادی عمل یافت و به مبارزه فکری و اعتقادی آشکار پرداخت.

۲. در قرن ششم و هفتم با حمله مغول ها به جهان اسلام و تداوم جنگ های صلیبی چندان فشاری به عالم تشیع وارد نشد. با شیعه شدن برخی فرمانروایان مغول در ایران، حکومت مرعشیان مازندران و سربداران خراسان در دو قرن هشتم و نهم، قدرت و وسعت جمعیت شیعه رو به فزونی گذاشت و در هرگوشه از ممالک اسلامی، به ویژه ایران تراکم میلیون ها شیعه محسوس شد.

۳. در آغاز قرن دهم، با ظهور دولت صفویه مذهب شیعه به رسمیت شناخته شد و پس از آن مذهب رسمی دولت های پی درپی «زند»، «قاجار» و «مشروطه» ماند و در سراسر نقاط جهان، هوادار و مدافع یافته، برای پنج قرن متوالی، ایران و عراق مرکز تشیع بوده است. حوزه های علمی شیعه در این دو کشور متمرکز شده و این دو مرجعیت شیعه و مرکز واقعی جهان تشیع به شمار می رفته است.

۴. شروع قرن پانزدهم هجری، آغاز استقرار حکومت اسلامی در عصر غیبت بر مبنای نظریه مترقی ولایت فقیه و رهبری فقیهی عادل و شجاع پس از مبارزه ای بی امان با استبداد داخلی و استعمار خارجی است. این حکومت در عصر حاضر مرجع، ملجأ و تحقق بخش آرزوهای همه مسلمانان جهان است.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، شیعه در اسلام؛

۲. محمدحسین مظفر، تاریخ الشیعه؛

۳. آدام مز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری؛

۴. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران تا قرن دهم هجری؛

۵. استاد شهید مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران؛

۶. وصیت نامه الهی - سیاسی امام خمینی قدس سره .

ص:۲۶۷

آزمون پایانی

۱. از جمله اتفاقات مهم قرن پنجم هجری در اوایل دوران غیبت کبری عبارت است از:

الف) استقلال کامل «اسماعیلیان»، یکی از فرقه های انحرافی شیعه

ب) سلطنت سادات مرعشی در مازندران و قزوین

ج) نفوذ علامه حلی و فرزندش در دربار محمد خدابنده

د) همه موارد

۲. در طلیعه قرن پانزدهم هجری چه رویدادی باعث گسترش اسلام در شرق و غرب جهان شد؟

الف) انقلاب اسلامی ایران

ب) فروپاشی شوروی

ج) الف و ب درست است.

د) هیچ کدام

۳. کدام یک از افراد زیر با تبلیغ فرهنگی موجب فتح کشور مغرب شدند؟

الف) خواجه نصیر الدین طوسی

ب) ادریس بن حسن مثنی

ج) علامه حلی

د) هیچ کدام

۴. کدام یک از افراد زیر باعث جلوگیری از کشتار مغول ها و نشر فرهنگ اسلام در زمان سیطره آنان شدند؟

الف) شیخ صفی الدین ب) خواجه نصیر الدین طوسی

ج) مؤیدالدین ابی علقمه ج) ب و ج درست است.

۵. کدام یک از دولت های زیر مروج مذهب شیعه در آغاز قرن دهم هجری بودند؟

الف) دولت آل بویه ب) دولت زندیه

ج) دولت صفویه د) هیچ کدام

۶. پس از صفویه کدام یک از دولت های زیر در تقویت شیعه کوشیدند؟

الف) افشاریه ب) زندیه

ج) الف و ب درست است د) هیچ کدام

ص:۲۶۹

۲- مبارزات فکری و سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت

درآمد

در زمان حضور خاتم پیامبران صلی الله علیه و اله هدایت فکری و سیاسی جامعه به عهده آن حضرت و پس از رحلت آن بزرگوار، امامت، هدایت و مرجعیت فکری و سیاسی بر عهده ائمه اهل بیت علیهم السلام بود؛ این تکلیف در عصر غیبت بر دوش علمای لایق و شایسته است تا دو رکن سیاسی و پراهمیت امامت و مرجعیت و به تعبیر دیگر هدایت فکری و سیاسی جامعه را بر عهده گیرند. در این واحد آموزشی به شرح این دو رکن اساسی می پردازیم.

پیش آزمون

۱. وظایف علما در دوران غیبت کبری چیست؟

۲. آیا می توانید تصویری از نقش فکری علمای شیعه در طول دوران غیبت کبری ارائه کنید؟

۳. تطور حوزه های علمیه در طول پانزده قرن گذشته چگونه بوده است؟

۴. تصور شما از فعالیت های سیاسی و مراحل مبارزه علمای شیعه چیست؟

ص:۲۷۱

مبارزه فکری علمای شیعه در عصر غیبت

اشاره

علامه طباطبایی درباره نقش علمای شیعه از لحاظ علمی و فکری در دوران غیبت کبری چنین می نویسد:

«شیعیان در حدیث، کلام و فقه - نظر به این که دائماً گرفتار مشاجره های مذهبی با مخالفان خود بوده و از جهت انجام وظایف دینی هم نیاز روزانه به فقه و حدیث داشته اند - با تمام قوا در حدیث، کلام و فقه کوشیده و این علوم و علوم مربوط به آنها را مانند «درایه»، «رجال» و «اصول» به سر حد کمال می رسانیدند و آخرین نظریات دقیقه وقت را ضبط می کردند و قرن ها با همین رویه پیش می رفتند.» (۱)

استقرار حکومت اسلامی، بازشدن فضای سیاسی و فرهنگی و آماده شدن زمینه های تحقیقات علمی کلان، جامعه علمی شیعه را به سوی افقی بسیار مطلوب و ایده آل رهنمون ساخت.

کتاب های تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، الذریعه الی تصانیف الشیعه و اعیان الشیعه به طور ملموس این مدعا را تأیید و اثبات می کند و دورنمایی از این حقیقت را در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می یابیم. (۲)

۱- شیعه و مراحل آن

الف) فقه و فقاهت در دوران حضور ائمه علیهم السلام

در دوران حضور ائمه علیهم السلام شالوده یک مکتب فکری و مدرسه ویژه خط اهل بیت پیامبر علیهم السلام که پاسدار مفاهیم ناب اسلامی بود، پی ریزی شد. این مکتب

۱- (۱) . مجموعه مذاکرات با هانری کربن مستشرق فرانسوی.

۲- (۲) . از «سیدحسن صدر»، «آقا بزرگ تهرانی»، «سیدمحسن امین عاملی» و«استاد مطهری».

در این دوره چون نهالی آبیاری می شد تا در دوران غیبت درختی تنومند گردد. مجموعه نخستین عناصر لازم برای این مدرسه و مکتب عبارت بود از:

۱. مواد علمی و فکری (تفسیر، فقه، اصول و سایر معارف اسلامی)؛ ۲. شیوه آموزش، پرورش و تحقیق؛ ۳. شخصیت های حامل این بار علمی و فکری، اعم از اساتید و طلاب.

مربیان اصلی و معلمان نخست این مکتب، امامان معصوم علیهم السلام بوده و پرورش یافتگان آنان شخصیت هایی چون «زراره»، «محمد بن مسلم»، «أبان»، «ابوحمزه ثمالی» و «یونس بن عبد الرحمن» بوده اند. افزون بر این، آنان با راهنمایی ائمه علیهم السلام تمام روایات را ثبت، ضبط و تدوین نموده اند و به مرور زمان کتاب های فراوانی در حدیث گردآوری شده و بر اساس همین معارف، شمار زیادی از یاران و پیروان اهل بیت علیهم السلام پرورش یافته اند.

ب) فقه و فقاهت شیعه در دوران غیبت صغری

در این دوره - که کتاب های حدیثی بسیار زیادی در معرض تلف و گم شدن قرار گرفت و دوران فشار بر شیعه و تقیه شمرده می شد - تلاشی جدی برای جمع آوری این متون در متن واحد انجام گرفت و نخستین مجموعه حدیثی مهم شیعه را «کلینی» در کتاب الکافی گرد آورد. افزون بر این، راویان حدیث طبقه بندی شده و درجه اعتبار هریک مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است تا فقیهان در عصر دوری از حضور امام بتوانند به اطلاعات درست و دقیق دست یابند.

همچنین فهرست هایی برای ثبت و ضبط مجموعه تألیفات اصحاب ائمه علیهم السلام تهیه گردید و متون فقهی گوناگونی آماده شد. مرحله فقه استدلالی آغاز شد و شیوه استنباط و فقاهت نیز کم کم شکل روشن خود را یافت و تعدادی مرکز

علمی، آموزشی و تحقیقی نیز تأسیس گردید. دو مکتب عمده فقهی در این دوره شکل گرفت: مکتب راویان حدیث با مرکزیت قم و مکتب متکلمان یا عقل گرایان با مرکزیت بغداد.

ج) فقه و فقاهت شیعه در دوران غیبت کبری

شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی مرجعیت شیعه را از انزوا درآورده و با تسلط بر فقه، کلام، تفسیر و مبانی علمی اهل تسنن توانستند کرسی استادی کلام و فقه را در بغداد به انحصار خود درآورند و علمای سایر مذاهب را نیز به شاگردی بپذیرند. (۱)

۲- حوزه های علمیه و مراکز فقاهت شیعه در عصر غیبت کبری

اشاره

در آغاز غیبت کبری بغداد مرکز فقه و فقاهت بود. با هجرت شیخ طوسی به نجف در سال ۴۴۸ه این شهر نزدیک به یک قرن مرکز عمده فقاهت قرار گرفت. هم زمان با نجف، حلب نیز توسط «سلار» مرکزیتی پیدا کرد و این مرکزیت را تا حدود قرن هشتم دارا بود. در میان بزرگان معروف این حوزه می توان از «ابن زهره» نام برد.

با روبه ضعف نهادن حرکت علمی در حوزه نجف، پس از یک قرن پیروی از آرای قوی شیخ طوسی و کند شدن حرکت اجتهاد، «ابن ادریس حلّی» نهضت فقهی خود را در «حله» آغاز کرد و مرکزیت علمی فقه شیعه به آن سامان منتقل شد که فقیهان نامداری چون «محقق حلی» و «علامه حلی» را به جامعه شیعی عرضه داشت.

۱- (۱) . دکتر عبدالهادی الفضلی، تاریخ التشریع الاسلامی.

مرکزیت فقاهت شیعه پس از حله به «جبل عامل» و منطقه شام منتقل شد که «شهید اول» شاگرد «فخرالمحققین» فرزند «علامه حلی» و سپس «شهید ثانی» از فقیهان نامدار این مرکز بوده اند. این حوزه با نشاط و پرتحرک منشأ برکات فراوانی برای دولت شیعی صفوی و حوزه علمیه اصفهان و نجف اشرف بود.

شهید اول، متن «اللّمعه الدمشقیه» را برای رئیس دولت شیعی سربداران نوشت و برای آنها فرستاد تا بر اساس آن عمل کنند. (۱) شهید مطهری دراین باره می نویسد: «فقهای جبل عامل نقش مهمی در خط مشی ایران صفویه داشته اند. چنان که می دانیم، صفویه درویش مسلک بودند. اگر راهی که ابتدا آنها بر اساس سنت خاص درویشی خود طی کرده اند، با روش فقهی عمیقی در ایران پایه گذاری نمی شد، به چیزی نظیر آن چه در علوی های ترکیه یا شام وجود دارد، منتهی می شده، از این جهت، تأثیر زیادی در این داشت که نخست روش عمومی دولت و ملت ایران از آن گونه انحرافات مصون بماند و دوم، عرفان و تصوف شیعی نیز راه معتدل تری را طی کند. از این رو، فقیهان «جبل عامل» از قبیل محقق کرکی، شیخ بهایی و دیگران با تأسیس حوزه علمیه اصفهان حق بزرگی برگردن مردم این مرز و بوم دارند. در همان زمان، حوزه نجف به وسیله «مقدس اردبیلی» و دیگر بزرگان اکابر احیا شد که تا امروز ادامه دارد.

از شهرهای ایران تنها شهر قم است که در قرن های نخست اسلامی در همان زمان که بغداد مرکز فقاهت اسلامی بود، به وسیله فقیهانی نظیر «ابن بابویه» و «محمد بن قولویه» به صورت یکی از مراکز فقهی درآمد. همچنان در دوره قاجار به وسیله «صاحب قوانین» نیز احیا شد و در سال ۱۳۴۰ ه به وسیله «مرحوم آیه الله حائری یزدی» بار دیگر احیا گردید و اکنون یکی از دو مرکز بزرگ فقهی شیعه است. (۲)

۱- (۱) . المحنه (حاوی دو سخنرانی از شهید صدر).

۲- (۲) . خدمات متقابل ایران و اسلام، ج۲، ص۱۲۵و۱۲۶.

البته بـا پیروزی انقلاب اسـلامی ایران، تهاجم متوالی بعثیان عراق به حوزه علمیه نجف، به شـهادت رسانـدن بزرگان آن حوزه (۱) و هجرت دادن عمده فاضلان و طلاب حوزه نجف به ایران، مرکز فقاهت شیعه برای بار دیگر به صورت علمی و جدی در قم تجلی پیدا کرده است.

مبارزات سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت کبری

اشاره

مجموعه مبارزات سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت کبری را می توان در دو قسمت خلاصه کرد:

۱– زمینه های فعالیت سیاسی

الف) در درون مرزهای دولت اسلامی

۱. کشاندن امت اسلامی به سیاست و نگه داشتن شیعیان در صحنه سیاسی و مبارزه با نظریه «جدایی دین از سیاست»؛

۲. مبارزه مستقیم و غیرمستقیم با انحرافات حاکمان و هدایت و حمایت نهضت ها و حرکات اسلامی؛

۳. حفظ وحدت امت اسلامی و جامعه شیعی و مبارزه با هرگونه تفرقه گرایی؛

۴. حفظ هویت اسلامی جامعه با تربیت علما، ترویج علم و تأسیس حوزه های علمیه در سایر نقاط جهان اسلام؛

۵. مبارزه با انحراف های فکری و اخلاقی که توجیه گر سیاست های حاکمان منحرف بوده است.

۱- (۱) . امثال « آیه الله غروی» و شرکت « آیه الله کاشانی» در مبارزه مردم عراق ضد انگلیسی ها.

ب) در بیرون از مرزهای دولت اسلامی

۱. مبارزه با نفوذ و تهاجم فرهنگ غربی؛

۲. رهبری، هدایت و شرکت فعال در مبارزات مسلحانه (۱) برای رفع تهاجم نظامی استعمارگران؛

۳. مبارزه بی امان با سلطه سیاسی و اقتصادی دو ابرقدرت شرق و غرب؛

۴. مبارزه با تضعیف و ایجاد نفاق در میان امت اسلامی و تجزیه کشورهای جهان اسلام؛

۵. مبارزه با ابرقدرت ها و استکبار جهانی و باطل کردن افسانه شکست ناپذیری آنها.

۲- مراحل مبارزه و فعالیت های سیاسی

شیعه در طول ۱۴قرن مبارزه سیاسی در دیدگاه کلی از سه مرحله گذر کرده است:

۱. مرحله «تقیه» و ایجاد تشکیلات سیاسی سری برای مبارزه با طاغوتیان؛

۲. مرحله مبارزه سیاسی علنی بدون تشکیل نظام سیاسی اسلامی؛

۳. مرحله مبارزه سیاسی آشکار با تشکیل نظام سیاسی اسلامی.

شیعیان در هریک از این مراحل حرکت سیاسی، گاهی مسلحانه و گاه غیرمسلحانه عمل می کرده اند و گاهی مبارزه مثبت و گاهی مبارزه منفی را در برنامه خود داشتند.

فرجام

۱. هدایت فکری و سیاسی جامعه با شروع غیبت کبری بر دوش علمای لایق و شایسته قرار گرفت.

۱- (۱) . مانند شرکت « آیه الله کاشانی» در مبارزه مردم عراق ضد انگلیسی ها؛ علامه امینی، شهداء الفضیله.

۲. بهترین و کوتاه ترین سخن در نقش علمای شیعه از لحاظ فکری در دوران غیبت کبری بیان علامه طباطبایی است: «شیعیان در حدیث، کلام و فقه با تمام قوا کوشیده و این علوم و علوم مربوط به آنها را مانند «درایه»، «رجال» و «اصول» به سرحد کمال می رسانیدند.»

۳. داشتن نگاهی دقیق به فقه و فقاهت شیعه که جزئی از پیکر معارف بلند و مبارزات فکری علمای شیعه شمرده می شود، ضروری است.

شالوده یک مکتب فکری که پاسدار مفاهیم ناب اسلامی باشد، در دوران حضور ائمه علیهم السلام پی ریزی می شود.

در دوران غیبت صغری، تلاشی جدی در جهت گردآوری متون در متن واحد صورت گرفت و نخستین مجموعه حدیثی مهم شیعه، یعنی الکافی از سوی مرحوم کلینی گردآوری شد. افزون بر آن، راویان حدیث، طبقه بندی شدند و نیز فهرست هایی در ثبت و ضبط مجموعه تألیفات اصحاب ائمه علیهم السلام تهیه شد. مرحله فقه استدلالی نیز آغاز گردید و دو مکتب عمده فقهی در این دوره شکل گرفت: فقه مکتب راویان حدیث با مرکزیت قم و مکتب متکلمان یا عقل گرایان با مرکزیت بغداد.

۴. شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی در دوران غیبت کبری، مرجعیت شیعه را از انزوا در آورده و با تسلط بر فقه، کلام، تفسیر و مبانی علمی اهل تسنن، توانستند کرسی استادی کلام و فقه را در بغداد به انحصار خود درآورند و علمای سایر مذاهب را نیز به شاگردی بپذیرند.

۵. بغداد در آغاز غیبت کبری، مرکز فقه و فقاهت بود. با هجرت شیخ طوسی به نجف در سال ۴۴۸ه، آن دیار قریب به یک قرن مرکز عمده فقاهت شد. هم زمان حلب نیز توسط سلّار دارای مرکزیتی بود و ابن ادریس حلی نیز پس از

یـک قرن نهضت فقهی خود را در حله آغاز کرد. و پس از حله، مرکزیت فقاهت به جبل عامل و منطقه شام انتقال یافت. شـهر قم نیز از نخستین قرون اسلامی، مرکز فقاهت بود؛ ولی در سال ۱۳۴۰ه از سوی حاج شیخ عبدالکریم حایری بار دیگر احیا شد و اکنـون نه تنهـا یکی از دو مرکز فقهی شـیعه است، بلکه بـا تضـعیف حوزه نجف از سوی بعثیـان و دیگر حوادث، تنهـا مرکز بانشاط و پرتحرک جهان شیعه است.

۶. مجمـوعه مبـارزات سیاسـی علمـای شـیعه در عصـر غیبت کـبری را می توان در دو مطلب خلاـصه کرد: زمینه هـای فعـالیت سیاسی؛ مراحل این فعالیت.

]برای مطالعه بیشتر به منابع پایانی واحد آموزشی ۱ مراجعه کنید.[

ص:۲۷۹

آزمون پایانی

۱. کدام یک از کتب زیر نشانگر فعالیت فوق العاده شیعه از لحاظ فکری در عصر غیبت کبری است؟

الف) تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام ب) الذریعه الی تصانیف الشیعه

ج) اعیان الشیعه د) همه موارد

۲. کدام یک از علمای شیعه توانستند مرجعیت شیعه را از انزوا درآورند؟

الف) شیخ مفید ب) سیدمرتضی

ج) شیخ طوسی د) همه موارد

۳. چرا ابن ادریس حلی مرکز فقاهت را از نجف به حله انتقال داد؟

الف) ضعیف شدن حرکت علمی در نجف

ب) کندشدن حرکت اجتهاد در نجف

ج) یک قرن پیروی از آرای شیخ طوسی در نجف

د) الف و ب درست است.

۴. کدام یک از شهرهای زیر مرکز فقاهت شیعه در دوران نوشته شدن کتاب لمعه از سوی شهید اول برای دولت سربداران است؟

الف) حله ب) نجف

ج) جبل عامل د) بغداد

۵. مبارزات سیاسی علمای شیعه در درون مرزهای اسلامی در عصر غیبت کبری عبارت است از:

الف) نگه داشتن شیعه در صحنه سیاسی

ب) مبارزه با انحراف های حاکمان

ج) مبارزه با انحراف های فکری و اخلاقی د) همه موارد

۶. کدام یک از موارد زیر جزء مبارزات سیاسی علمای شیعه در خارج از مرزها در عصر غیبت کبری نیست؟

الف) مبارزه با نفوذ و تهاجم فرهنگ غرب

ب) مبارزه با ابرقدرت ها

ج) حفظ وحدت کلمه

د) مبارزه با تضعیف و ایجاد نفاق در میان امت اسلامی

۷. شیعه در طول چهارده قرن مبارزه سیاسی از .... گذر کرده است.

الف) مرحله تقیه

ب) مرحله مبارزه سیاسی علنی

ج) مرحله مبارزه سیاسی آشکار با تشکیل نظام سیاسی

د) همه موارد

ص:۲۸۱

۳- مدعیان مهدویت و بابیت

درآمد

فراوانی روایات «مهـدویت» که از پیامبر صـلی الله علیه و اله و عترت علیهم السـلام به ما رسـیده است، موجب شـد که اعتقاد به مهـدویت در تمام مـذاهب و فرقه های اسـلامی فراگیر شود و همه به آن معتقد گردند. چنان که روایات، ویژگی های «مهدی موعود عجـل الله تعالی فرجه الشـریف » را بیان کرده است، ایشان فرزنـد امام حسن عسـکری علیه السـلام است. او دوازدهمین امام از اهل بیت رسول الله علیهم السلام و صاحب دو غیبت صغری و کبری است.

برخی افراد و پیروان مـذاهب و فرقه های اسـلامی از این باور سوء اسـتفاده کرده، از میان خود فردی را به عنوان مهـدی موعود ادعا نموده اند و نیز برخی فرصت طلب به دروغ ادعای مهدویت کرده اند. این واحد آموزشی در صدد ارائه چهره این مدعیان دروغین است.

پیش آزمون

۱. به نظر شما مهدویت و بابیت چه مفهومی دارد؟

۲. چرا عده ای ادعای مهدویت و بابیت کردند؟

ص:۲۸۳

۳. آیا همه کسانی که به عنوان مهدی موعود معرفی شدند، خود نیز مدعی مهدویت بوده اند؟

مدعیان دروغین

«مهـدویت» به معنـای مهـدی موعود و امـام منتظر بودن و «بابیت» در لغت به معنای دربان بودن و در اصـطلاح به معنای سـفیر، وکیل و یا نایب خاص حضرت مهدی بودن است.

طبق معتقـدات شـیعه و نیز روایات بسـیاری که در کتاب های اهل سـنت وارد شده است، در آخرالزمان «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف » از آل محمد صلی الله علیه و اله ظهور خواهد کرد؛ مانند این روایت از پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله : «لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلًا من اهل بیتی یملؤها عدلًا کما ملئت جوراً»؛ (۱)

اگر تنها یک روز از عمر دنیا باقی بماند، خداوند متعال در آن روز مردی را از خاندان من برانگیزاند که جهان را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که پر از ظلم و ستم شده بود.

روایات مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف که از پیامبر صلی الله علیه و اله و اهل بیت علیهم السلام رسیده و در کتاب های شیعه و سنی آمده است، به قدری فراوان است که نمی توان آن را انکار و یا در آن تردید کرد.

در بسیاری از این روایات، مهدی موعود را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام معرفی نموده و ویژگی های دوران غیبت آن حضـرت را بیـان کرده انـد، ولی دسـته ای سودجو و فرصت طلب از یـک طرف و عـده ای نادان از سوی دیگر باعث به وجود آمدن متمهدیان در طول تاریخ شیعه شده اند. اینان را به سه گروه می توان تقسیم کرد:

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۵۱، ص۸۵-۱۰۴.

۱. عده ای از افراد بافضیلت که خود ادعای مهدویت نکرده اند، اما برخی از افراد جاهل آنان را مهدی موعود پنداشته اند که عبارتند از:

محمد حنفیه فرزند علی علیه السلام ؛ محمد بن عبدالله بن حسن فرزند امام حسن علیه السلام ؛ زیدبن علی فرزند امام سجاد علیه السلام ؛ امام جعفر صادق علیه السلام ؛ امام موسی کاظم علیه السلام ؛ اسماعیل بن جعفر فرزند دیگر امام صادق علیه السلام ؛ و امام حسن عسکری علیه السلام .

۲. شماری از افراد ستمگر و خون آشام که خود ادعای مهدویت نکرده اند، اما برخی شیاد آنان را به عنوان مهدی موعود به مردم معرفی کرده اند؛ مانند «مهدی عباسی» و «ابومسلم خراسانی». (۱)

۳. برخی افراد جاه طلب و حیله گر که از اعتقادات مردم سوءاستفاده کرده و به دروغ خود را مهدی موعود معرفی نموده اند؛ مانند:

عبیدالله بن محمد فاطمی؛ حاکم بامرالله ازخلفای عبیدیان مصر؛ محمد بن تومرت؛ تهامی؛ بابا اسحاق؛ عباس الریفی؛ مهدی سودانی؛ میرزا محمدعلی باب و میرزا غلام احمد قادیانی. (۲)

فرجام

طبق معتقدات مذهب شیعه و نیز روایات بسیاری از کتاب های اهل سنت، مهدی از آل محمد صلی الله علیه و اله در آخرالزمان ظهور خواهد کرد؛ مانند این روایت که پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمود: «لو لم یبق من الدنیا الایوم لطوّل الله ذلک الیوم حتی یبعث الله فیه رجلاً منی او من اهل بیتی، یواطی اسمه اسمی و...».

کثرت روایات مهدویت موجب شد که اعتقاد به مهدویت در همه فرقه های

۱- (۱) . شهرستانی، الملل و النحل؛ نوبختی، فرق الشیعه.

۲- (۲) . باقر شریف قرشی، حیاه الامام محمد المهدی، ص۱۳۹-۱۴۴.

اسلامی فراگیر شود. از طرفی در میان بسیاری از همین روایات، شخص موعود، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام معرفی شده است، ولی برخی از افراد از این باور سوءاستفاده کرده و به دروغ ادعای مهدویت کرده اند.

به طور خلاصه، متمهدیان در این عصر به سه گروه تقسیم می شوند: دسته ای افراد نادان، افراد بافضیلتی چون محمد حنفیه، زید بن علی و امام حسن عسکری را «مهدی موعود» پنداشته اند؛ برخی از شیادان نیز افراد خون آشام و ستمگری چون مهدی عباسی و ابومسلم خراسانی را مهدی موعود معرفی کرده اند و برخی از افراد جاه طلب و حیله گر از اعتقادات مردم سوءاستفاده کرده و به دروغ خود را مهدی موعود معرفی نموده اند.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. علامه طباطبایی، شیعه در اسلام ؛

۲. دکتر سیدحسین مدرسی، فقه شیعه ؛

۳. عبدالهادی الفضلی، تاریخ التشریع الاسلامی ؛

۴. شهرستانی، الملل و النحل ؛

۵. مبلغی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان ؛

۶. باقر شریف قرشی، حیاه الامام المهدی .

ص:۲۸۶

آزمون پایانی

۱. بابیت در اصطلاح یعنی ....امام مهدی بودن.

الف) سفیر ب) وکیل

ج) نایب خاص د) همه موارد

۲. چه اتفاقی باعث شد که اعتقاد به مهدویت در همه مذاهب و فرقه های اسلامی فراگیر شود؟

الف) فراوانی روایات مهدویت

ب) ضرورت عقلی وجود منجی

ج) گرایش های فطری آدمی

د) الف و ب درست است.

۳. برخی از جاهلان کدام یک از افراد زیر را مهدی موعود پنداشته اند؟

الف) محمد حنفیه ب) محمد بن تومرت

ج) مهدی سودانی د) هیچ کدام

۴. برخی از شیادان کدام یک از افراد ستمگر زیر را مهدی موعود معرفی نموده اند؟

الف) مهدی عباسی ب) احمد قادیانی

ج) تهامی د) هیچ کدام

۵. کدام یک از افراد زیر به دروغ خود را مهدی موعود معرفی نموده اند؟

الف) بابا اسحاق ب) ابومسلم خراسانی

ج) میرزا محمدعلی باب د) الف و ج صحیح است.

کتابنامه

- قرآن

- نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، شرح ابن ابی الحدید ، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره.

۲. ابن اثیر ،اسد الغابه فی معرفه الصحابه ، مکتبه الاسلامیه، تهران.

۳. ،الکامل فی التاریخ ، دار صادر، بیروت، ۱۳۹۹ه..

۴. ابن بابویه، محمدبن علی، کمال الدین وتمام النعمه ، مؤسسه النشر الاسلامی، قم،۱۴۱۶ه..

۵. ابن خلکان، وفیات الاعیان ، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۶. ابن زکریا، احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغه ، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ه..

۷. ابن سعد، طبقات الکبری ، دار صادر، بیروت.

۸. ابن شهر آشوب، مناقب، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ه..

۹. ابن کثیر، البدایه و النهایه ، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۲ه..

۱۰. ، تاریخ (السیره النبویه) ، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، قاهره ۱۳۸۴ ه..

۱۱. ابن مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب ، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ه..

۱۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست ، طبع تجدد، تهران، ۱۳۹۳ ه.

۱۳. ابن هشام ،السیره النبویه ، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۴. احمد بن ابی یعقوب (معروف به ابن واضح)، تاریخ یعقوبی ، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۹ه..

۱۵. ادبیات فارسی بر مبنای استوری، ترجمه یو.ا. بر گل.

۱۶.الاربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه ، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، دار الکتب اسلامی، بیروت.

۱۷. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین ، شرح و تحقیق: سیداحمد صقر، منشورات رضی، قم، ۱۴۱۴ه..

۱۸. امین عاملی، سیدمحسن، اعیان الشیعه ، به اهتمام حسن امین، بیروت، ۱۹۸۶م.

۱۹. اندلسی، ابن عبدربه، عقد الفرید ، دار الکتب، العلمیه، بیروت ۱۴۰۴ه..

۲۰. آقایی، جباری، عاشوری، حکیم و مرکز جهانی علوم اسلامی؛ تاریخ عصر غیبت ، چاپ شریعت، قم، ۱۳۷۹.

۲۱. آل یس، شیخ راضی، صلح امام حسن علیه السلام ، چاپ دوم، منشورات دار الکتب العراقیه فی الکاظمیه.

۲۲. البحرانی، السید هاشم، تفسیر البرهان ، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ه..

۲۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری ، شارح: کرمانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۲۴. بکری، دیار ،تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس ، مؤسسه شعبان، بیروت.

۲۵. بلاذری، انساب الاشراف ، تحقیق: دکتر حمیدالله، دار المعارف، مصر، ۱۹۵۹م.

۲۶. پور سیدآقایی، مسعود، چشمه در بستر ، چاپ سوم، انتشارات حضور، ۱۳۸۱ش.

۲۷. پیشوائی، مهدی ،تاریخ اسلام ، دفتر نشر معارف، چاپ چهارم، قم، ۱۳۵۸.

۲۸. تاریخ الغیبه الکبری ، دارالتعارف للمطبوعات.

۲۹. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی ، دارالفکر، بیروت.

۳۰. تفسیر عیاشی ، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.

۳۱. الثقفی الکوفی، ابن هلال، الغارات ، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه..

۳۲. جاحظ ،البیان والتبیین ، تحقیق عبدالسلام، مکتبه الخانجی، قاهره، ۱۹۸۴م.

۳۳. جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام ، انصاریان، قم، ۱۳۸۲ش.

۳۴. الجوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین ، تصحیح: محمدباقر محمودی، چاپ یکم، بیروت، ۱۳۹۸ه..

۳۵. حاکم نیشابوری، مستدرک ، بیروت، دار المعرفه.

۳۶.حائری مازندرانی، الکوکب الدری، فی احوال النبی والبتول والوصی ، انتشارات الرضی، قم، ۱۴۱۰ه..

۳۷. حر عاملی، وسائل الشیعه ، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۳۸. حسنی صقر، نادیۀ، مطلع العصر العباسی ، دار الشروق، جدّه، (عربستان)، ۱۴۰۳ه/۱۹۸م.

۳۹. الحسنی، هاشم، سیره الائمه الاثنی عشر ، منشورات الشریف الرضی، چاپ یکم، قم، ۱۴۱۴ه..

۴۰. الحسون، محمد و مشکور، ام علی، اعلام النساء المؤمنات ، اسوه، قم، ۱۴۱۱ه..

۴۱. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم ، ترجمه سیدمحمدتقی آیت اللهی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶ش.

۴۲. حلبی شافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه ، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۴۳. حنبل، احمد، مسند ، المکتب الاسلامی و دار صادر، بیروت، ۱۳۸۹ه..

۴۴. الخضری، محمد بکر، دوله بنی العباس ، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، ۱۴۱۵ه/۱۹۹۵م.

۴۵. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد ، دار الکتب العلمیه.

۴۶. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله ، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم، قم.

۴۷. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث ، بیروت، ۱۹۸۳م.

۴۸. دایره المعارف الاسلامیه ، ترجمه عربی: محمد ثابت القندی.

۴۹. دکتر حسن ابراهیم حسن ،تاریخ اسلام ، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، ۱۹۶۴م.

۵۰. دکتر شوقی ضیف، العصر العباسی الثانی ، دارالمعارف، مصر، ۱۹۷۵م.

۵۱. دینوری، ابن قتیبه، الامامه و السیاسه ، ترجمه علی شیری، منشورات الرضی، قم، ۱۳۷۱ه..

۵۲. رجال نجاشی ، مؤسسه نشر اسلامی، قم.

۵۳. روزنتال، تاریخ تاریخ نگاری در اسلام ، ترجمه اسدالله آزاد، آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۸ه..

۵۴. زمخشری، کشاف ، نشر ادب الحوزه، قم.

۵۵. الزهرانی، ضیف الله یحیی، النفقات و ادارتها فی الدوله العباسیه ، مکتبه الطالب الجامعی، مکه المکرمه، ۱۴۰۶ه/ ۱۹۸۶م.

۵۶. سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل والنحل ، نشر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

۵۷. سلیمان، کامل، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، ترجمه علی اکبر مهدی پور، آفاق، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۶ش.

۵۸. سیوطی، جلال الدین ،تاریخ الخلفاء ، تحقیق: محمد عبد الحمید، مطبعه السعاده، مصر، ۱۳۷۱ه / ۱۹۵۲م.

۵۹. شریف قرشی، باقر، زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام ، ترجمه سید حسن اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.

۶۰. شکری آلوسی، سیدمحمّد ،بلوغ الادب فی معرفه احوال العرب ، دارالکتاب العربی، مصر.

۶۱. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق ، تصحیح آیه الله مرعشی نجفی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.

۶۲. شهرستانی، الملل و النحل ، منشورات الشریف الرضی، قم.

۶۳. شیخ صدوق، خصال ، نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۳ ه..

۶۴. ---------- ، من لا یحضره الفقیه ، چاپ دوم، دارالاضواء، ۱۴۱۳ه / ۱۹۹۲م.

۶۵. شیخ طوسی ،اختیار معرفه الرجال (رجال کشی) ، تصحیح مصطفوی، نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.

۶۶. ---------- ،الغیبه ، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۷م.

۶۷. ---------- ، تهذیب الاحکام ، دار صعب / دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۱ ه..

۶۸. ---------- ، رجال طوسی ، مکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۰ه..

۶۹. ---------- ، مصباح المتهجّد ، مؤسسه الفقه الشیعه، چاپ یکم، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م.

۷۰. شیخ مفید, الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد ، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۳۳۹ه.

۷۱. -------- ، اختصاص ، تحقیق: عبدالمنعم عامر، منشورات الرضی، قم، ۱۴۰۹ه..

۷۲. -------- ،الفصول المختار ، انتشارات کنگره شیخ مفید، قم.

۷۳. -------- ، امالی ، تحقیق: استاد ولی، منشورات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ه..

۷۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر ، مکتبه الصدر، تهران.

۷۵. صدر، شهید سیدمحمد باقر، المحنه ، انتشارات ذوالفقار، چاپ اول، قم.

۷۶. صدر، محمد ،تاریخ الغیبه الصغری ، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ه..

۷۷. صدوق، امالی، منشورات الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ه..

۷۸. ، علل الشرایع ، تصحیح: اعلمی، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۸ه..

۷۹. صفایی حائری، علی ،غدیر ، انتشارات لیله القدر، قم.

۸۰. صفدی، صلاح الدین، الوافی بالوفیات ، جمعیت مستشرقین آلمانی، ۱۳۸۱ ه..

۸۱. طبرسی، احتجاج ، تصحیح شیخ ابراهیم بهادری، اسوه، قم، ۱۴۱۳ه..

۸۲. طبرسی، شیخ ابوعلی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی ، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۹ه..

۸۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والامم و الملوک (تاریخ طبری) ، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، روایع التراث العربی، بیروت.

۸۴. ، دلائل الامامه ، المطبعه الحیدریه.

۸۵. طبسی، حیاه الامام العسکری علیه السلام ، چاپ دوم، مکتب اعلام الاسلامی، قم، ۱۳۷۴ش.

۸۶. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی ، انتشارت دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ه..

۸۷. عسقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، دار صادر، بیروت.

۸۸. علامه امینی ،الغدیر ، دارالکتب العربی، بیروت،۱۳۸۷ه..

۸۹. علامه حلی، نهج الحق و کشف الصدق ، هجرت، قم، ۱۴۰۷ ه..

۹۰. علامه شرف الدین، مراجعات ، اسوه، قم،۱۴۱۳ه..

۹۱. ، نص و الاجتهاد ، مؤسسه الاعلمی، چاپ چهارم، بیروت، ۱۳۸۶ه..

۹۲. علامه عسکری، معالم المدرستین ، مؤسسه البعثه، چاپ هشتم، ۱۴۰۸ه..

۹۳. علامه مامقانی، تنقیح المقال ، مکتبه المرتضویه، نجف، ۱۳۵۰ ه..

۹۴. علامه مجلسی ،بحار الانوار ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه/۱۹۸۳م.

۹۵. علم الهدی، سیدمرتضی، الشافعی فی الامامه ، مؤسسه الصادق، تهران، ۱۴۱۰ ه..

۹۶. الفضلی، عبدالهادی، تاریخ التشریع الاسلامی ، دار النصر، بیروت ۱۴۱۳ه/۱۹۹۲م.

۹۷. فیروزآبادی ،قاموس اللغه ، دار المعرفه، بیروت.

۹۸. قرشی، حیاه الامام محمد المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، قم ۱۴۱۷ ه/۱۹۹۶م.

۹۹. قلقشندی، نهایه الارب فی معرفه انساب العرب ، تحقیق: علی الخاقانی، منشورات دار البیان، بغداد، ۱۳۷۸ه..

ص:۲۹۳

۱۰۰.قمی، شیخ عباس، بیت الاحزان ، دارالحکمه، قم، ۱۴۱۲ه..

۱۰۱. ، سفینه البحار ، دارالتعارف، بیروت.

۱۰۲. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده ، منشورات الرضی، قم، ۱۳۹۴ه..

۱۰۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی ، دار الاضواء، بیروت.

۱۰۴. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها ، سمت، تهران، ۱۳۷۵ش.

۱۰۵. مالکی، ابن صباغ، الفصول المهمه ، دارالاضواء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۹ ه..

۱۰۶. محدث نوری، النجم الثاقب ، انتشارت مسجد مقدس جمکران، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ش.

۱۰۷. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه ، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۱۰۸. محمودی، محمدباقر، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه ، مؤسسه الاعلمی، بیروت.

۱۰۹. مدرسی طباطبایی، حسین ،مکتب در فرایند تکامل ، ترجمه هاشم ایزد پناه، نشر داروین، نیوجرسی (امریکا)، ۱۳۷۴ش.

۱۱۰. مرتضی عاملی، جعفر، الصحیح من سیره النبی الاعظم ، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، قم، ۱۴۱۴ه..

۱۱۱. مرتضی، سید جعفر، زندگانی سیاسی امام حسن علیه السلام ، قم، ۱۴۰۵ ه..

۱۱۲. ، زندگانی سیاسی امام رضا علیه السلام ، ترجمه خلیلیان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ه..

۱۱۳. مسعودی، مروج الذهب ، تحقیق: محمد عبدالحمید، دار المعرفه، بیروت ۱۴۰۴ه..

۱۱۴. مصطفی، شاکر، تاریخ العربی والمورخون ، دارالعلم للملایین، الطبعه الثالثه، بیروت، ۱۹۸۳م.

۱۱۵. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل ایران و اسلام ، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۰ ش.

۱۱۶. ، سیری در سیره ائمه علیهم السلام، انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوم، خرداد ۱۳۸۱ش.

۱۱۷. مقاتل بن عطیه، الامامه و الخلافه ، تحقیق: سیدمرتضی رضوی، مؤسسه البلاغ، بیروت، ۱۴۱۰ه..

۱۱۸. ، امامت ورهبری ، تحقیق:سیدمرتضی رضوی، موسسه بلاغ، بیروت، ۱۴۱۰ه..

ص:۲۹۴

۱۱۹.مهدی، محسن، فلسفه تاریخ ابن خلدون ، تحقیق:خلیل شحاده، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ه..

۱۲۰. نعمانی، الغیبه ، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران.

۱۲۱. نوبختی، فرق الشیعه ، تحقیق: جواد مشکور، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱ش.

۱۲۲. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم نیشابوری ، تحقیق: فؤاد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۲۳. واقدی، المغازی ، تحقیق: دکتر مارسدن جونس، نشر دانش اسلامی، قم.

۱۲۴. الهلالی ،سلیم بن قیس ، تحقیق و تخریج: شیخ باقر انصاری، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۵ه..

۱۲۵. هندی، متقی، کنزالعمّال ، تصحیح: شیخ بکری حیّانی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ه..

۱۲۶. هندی، میرحامد حسین، عبقات الانوار ، منشورات مدرسه الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

۱۲۷. هیثمی، متقی، مجمع الزواید، و منبع الفوائد ، دار الکتب العربی، بیروت،۱۴۰۲ه..

۱۲۸. یاقوت حموی، معجم البلدان ، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۹۹ ه/۱۷۹۷م.

۱۲۹. جواد علی، موارد تاریخ الطبری ، مجله المجمع العلمی العراقی، ۱۹۵۰ - ۱۹۵۳م.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹